

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی پس زمینه تاریخی 2: «نابهنجاریهای جنسی» (paraphilia)

هنگامی که متخصصان پزشکی در پی یافتن واژه و اصطلاحی علمی، یعنی صرفاً توضیحی، و تھی از هرگونه دآوری اخلاقی، برای جایگزین کردن اصطلاحات قضاوتگر «گمراهی جنسی»، «کجروی»، و «انحراف» بودند، لغت «پارافیلیا» را انتخاب کردند. (از ریشه یونانی: پارا یعنی جانبی، و فیلیا یعنی عشق.) اما از جهت منطقی، این تغییر متضمن هیچگونه پیشرفتی نیست. پارافیلیا، همانطور که از معنی آن عاید می شود، همچنان یک عشق جانبی (درجه دوم) باقی می ماند. این واژه چنین تداعی می کند که یک عشق (فیلیای) «اصلی»، «واقعی»، «طبیعی»، و «درست» وجود دارد که خواهران (1) کم ارزشی در حاشیه، پشت سر و یا در زیر آن قرار دارند، درست به همان شکلی که پرسنل پیراپزشکی ممکن است پشت سر و یا در رتبه زیر دکتر «واقعی» جای بگیرند. چنین برداشتی، از نقطه نظر علمی، فرض بیجایی است. کسانی که واژه نابهنجاری (پارافیلیا) را استعمال می کنند، این مفهوم را می رسانند که معنی «حقیقی» و هدف رفتارهای جنسی را می دانند، و ادعای مرجعیت اصلاح هرآنچه که مطابق ایده آل آنان نباشد، را دارند. این افراد، در بهترین حالت، ایدئولوگهایی اند که خود از نقش خویش بی خبرند.



فرد ریش اس. کراوس
(Friedrich S. Krauss –
18859 – 1938)
نژاد شناس اتریشی،
اصطلاح «پارافیلیا» را مرسوم
کرد. او بخش اروتیک فولکلور
کشورهای بالکان را جمع آری
نمود، مجله
“KAnthropophyteia”
(1904 – 1913) را سردبیری
کرد، و معاونت سردبیری اولین
مجله سکسولوژی (Zeitschrift
für
Sexualwissenschaft) که
در سال 1908 توسط مگنوس
هیرشفیلد بنیان نهاده شد را، به
عهده داشت.

درواقع، هر کدام از انواع معانی «پارافیلیا» فاقد ابتدائی ترین استانداردهای بی طرفی است؛ و در عوض، یا اخلاقی است و ساده انگارانه، یا به صورت توجیه ناپذیری مبهم، و یا حتی حشوی و زائد. برای مثال، بعضی نویسندگان از «رفتارهای جنسی غیر معمول و افراطی»، بعضی دیگر از «برانگیختگی جنسی با اشیاء یا شرایط و محیط، که بر توان و ظرفیت پاسخدهی جنسی – عاطفی متقابل در رابطه جنسی ایجاد اختلال می کند» صحبت می کنند، و باز هم دسته دیگری عنوان می کنند که «پارافیلیاها، اختلالات تکانه های جنسی هستند که با رفتارهایی که منحرف دانسته می شوند، مشخص می شود»، و کسانی هم قاطعانه ادعا دارند که «پارافیلیا یک اختلال روانی است که در قالب رفتارهای منحرف جنسی تجلی می یابد». دو تعریف آخر (پارافیلیا اختلال است و در نتیجه یک انحراف و نابهنجاری می باشد) نه توجیه پذیرند و نه معنی و مفهومی دارند و در نتیجه زائد می باشند. چون مثل این می ماند که بگوئیم «رابطه خارج از ازدواج خود را در زنا متجلی می کند»، یا بگوئیم «فقر نتیجه بی پولی است». چنین فرمولبندیهای میان تھی در گفتمانهای علمی،

هیچ سود و حاصلی ندارند. چون چیزی را توضیح نمی دهند و راه را برای انواع برداشتهای دلخواهی هموار می سازند. ولی تعاریف دیگر هم بهتر از این نیستند. بسیاری از رفتارهای بشر غیر عادی و «نابهنجار» اند، بدون آنکه دال بر اختلال روانی باشند: صعود به قله کوههای بالا بلند، دوچرخه سواری به دور دنیا، خانقاه نشینی یا نذر سکوت، جمع آوری انگشتانه های چینی، و خیلی کارها و رفتارهای دیگر. واژه «افراطی» (Extreme) یک لغت و اصطلاح نسبی است و معنی واقعی آن از گوینده ای به گوینده دیگر، فرق می کند. «فعالیت جنسی متقابلاً پر عاطفه» ایده آل فرهنگی طبقه متوسط در جهان مدرن غربی است و چه از لحاظ تاریخی و چه از لحاظ جغرافیایی، جهانی و فراگیر نمی باشد. در عوض، بسیاری از کارها و فعالیتها به اصطلاح پارافیلیایی، چه بسا حاوی بار عاطفی متقابل باشند. کوتاه سخن این که، «پارافیلیا» (نابهنجاری) به همان نسبت لغاتی که قرار بود جایگزینشان شود، ایدئولوژی زده و پیشاعلمی است.

(1) - عشق مؤنث است و خواهران در اینجا به عشقهای (خواهران) دیگر که در جنب، حاشیه، یا پشت سر عشق اصلی و فرع بر آن هستند، اشاره دارد.م.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی پس زمینه تاریخی 3: جنسیت شناسی (سکسولوژی)

هنگامی که در قرن نوزده میلادی، روانپزشکان به بررسی و مطالعه جنسیت انسان روی آوردند، آنها با



ایوان بلوچ
(Iwan Bloch 1872 – 1922)

آلمانی متخصص پوست،
روی مفهوم سکسولوژی به
عنوان یک علم مستقل کار کرد و
آن را گسترش داد. او در سال
1913 به کمک مگنوس هیرشفلد
و چند همکار دیگر، اولین انجمن
جنسیت شناسی را در برلین بنیان
نهاد.

این پیش فرض شروع کردند که بخش بزرگی از جنسیت بشر «نرمال» می باشد، و آن چند «انحرافی» که باقی می ماندند، کم و بیش در مایه همان فسق و فجور و معصیتهایی هستند که کلیسا در طول قرنها، علیه شان موعظه کرده بود. اما وقتی که نگاه دقیق تر به مسئله، تنوع پیش بینی نشده ای از علائق جنسی را برملا نمود، پزشکان برای نامگذاری، دسته بندی و کلاسه کردن هر کشف تازه ای خیز برداشتند. هر مطالعه جدیدی، اسامی عجیب و غریب یونانی یا لاتین، که از «algolagnia» (آزارطلبی جنسی)، تا «zoophilia» (عشق اروتیکی به حیوان) اقتباس شده بودند، را به لیست بلند بالای «پاتولوژی» (امراض شناسی) افزود و آن را بلندتر کرد. در عین حال معلوم گردید که این لیست بلند بالای دیانگوستیکی (تشخیصی - بیماری شناسی) کلاً معجونی از عناصر ناجور و نامتجانس می باشد، و هیچگونه استاندارد درمانی برای هیچکدام از آنها وجود ندارد. بلکه، برای یک نوع بیماری، بسته به موضوع و حالت افراد، برنامه های درمانی مختلفی به کار گرفته می شد.

بدتر از هر چیز این که، برنامه های درمانی، هیچ سود و تأثیری نداشتند. در چنین وضعیتی، رویکرد جدیدی لازم می نمود. این رویکرد به وسیله علم تازه و خاصی، «علم سکس» ارائه گردید، که متدهای علوم طبیعی و اجتماعی را با هم تلفیق می نمود: جنسیت شناسی (سکسولوژی)، و بنیانگذار آن، ایوان بلوچ، آن را اینگونه توضیح می دهد:

«طبیعت دوگانه.....سکس.....بعد بیولوژیکی و بعد فرهنگی آن، این ضرورت را ایجاب می کند که به سکسولوژی (جنسیت شناسی) به عنوان علمی مستقل و قائم به ذات خود نگریسته شود، یعنی از این به بعد نباید به عنوان فرع و شعبه ای از هر کدام از علوم دیگر دیده شود..... اینک این ما را به کجا رهنمون خواهد کرد، به وسیله دیدگاه صرفاً پزشکی- بالینی (کلینیکی) کسانی که فکر می کردند به غنای علم افزوده اند، در حالی که آنها فقط واژه هایی با لهجه خارجی وضع کرده اند، به ما نشان داده شده است..... نگاه صرفاً پزشکی (روانپزشکی که دیگر جای خود دارد) به جنسیت برای درک و فهم روابط چند بعدی سکس با دیگر حوزه های زندگی بشر، کافی نیست. این رابطه ها در کلیت خود، موضوع جنسیت شناسی (سکسولوژی) می باشند.» (1)

(1) Iwan Bloch, Die Prostitution, vol. I, Berlin: Louis Marcus 1912, pp. vii-viii

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی پس زمینه تاریخی 4

در خلال قرن بیستم، جنسیت پژوهان (سکسولوگها) به تحقیق و پژوهشهای بیولوژیکی، فیزیولوژیکی، روانشناسی، اجتماعی، قومی، و تاریخی وسیع و گسترده ای دست زدند، و یافته های آنان، بالاخره روانپزشکان را ناچار به نقد و بازبینی نظرات خود نمود. آنها در نتیجه، چندین بار کتابهای «راهنمای تشخیص بیماریها»ی خود را بازنویسی کردند. برای نمونه، لیست فعلی اختلالات جنسی و جنسیتی، «زوفیلیا» (حیوان خواهی) و «همجنسگرایی» را دربر نمی گیرد، و بحث از لیست خارج کردن انواع دیگری از «ناهنجاریها»

(پارافیلیاها) هم در جریان است. برخی از درمانگران حتی درخواست این را دارند که کل بخش «پارافیلیا» یکجا از لیست خارج شود. [\(برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.\)](#)

البته، جزئیات این بحث برای اهداف این دوره آموزشی چندان مهم نیستند. آنچه مهم و تعیین کننده می باشد، همانا این سؤال بنیادی است: آیا انواع خاصی از تفاوتها و تنوعات موجود در رفتارهای جنسی بشر بایستی به عنوان بیماری یا اختلال روانی طبقه بندی شوند یا نه؟ اگر جواب آری است، آنوقت این طبقه بندی کدام رفتارها را باید شامل شود؟ اصول و معیارهای ناظر بر این طبقه بندی کدامها هستند؟ این کار چه نتایجی برای فرد و جامعه دارد؟ این کار چه نتایجی برای علم پزشکی دربر دارد؟ آیا مدل پزشکی بهترین مدل برای توضیح ویژگیها و رفتارهای جنسی- اروتیکی است، یا اینکه مدل‌های دیگر، و احتمالاً بهتری هم، وجود دارند؟



کتاب راهنمای تشخیصی و آماری (دی اس ام) انجمن روانپزشکی آمریکا.

این کتاب در چند دهه اخیر بارها بازنویسی شده، و انتظار می رود که مورد بازنویسیهای تازه ای هم قرار گیرد. سمت چپ، چاپ بازنویسی شده 1987، و سمت راست چاپ بازنویسی شده 1994 می باشد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی پس زمینه تاریخی 5: بخشی از فهرست «پارافیلیاها»

لیست بلندبالایی که در زیر آمده، به هیچ وجه کامل نیست. در طول این سالها، بسیاری از «متخصصین» این امر را به صورت سرگرمی برای خود در آورده و برای هرگونه تنوع و دگرگونی جنسی که به آن برمی خوردند اصطلاحات و نامهای پر زرق و برق «علمی» ابداع کردند. در نتیجه، لیست بلندبالایی از «پارافیلیاها» ایجاد شد که مجموعه ای از واژه های نوپرداز مطلقاً بی ربط و نامتجانس را یکجا در خود جمع کرده بود. ما در اینجا صرفاً به یک دلیل لیست زیر را می آوریم: تا به عنوان یک فرهنگ معانی، به بعضی از خوانندگان، در درک و فهم آن دسته از نوشته های پزشکی که این گونه لغات را به کار می برند، کمک کند.

پارافیلیاها	جاذبه ها و محرکهای جنسی
Acrotomophilia	شریک جنسی دارای دست یا پاهای قطع شده
Adolescentism	ادای نوجوانی درآوردن
Algolagnia, Algophilia	درد
Amputation fetish	شریک جنسی دارای دست یا پاهای قطع شده
Androgynophilia	دوجنسگرایی
Andromimesis	به شکل و شمایل فرد مذکر درآمدن
Andromimetophilia	شریک جنسی که شکل و شمایل فرد مذکر را درمی آورد یا ترانس سکسوال مؤنث به مذکر
Apodysoiphilia	خودنمایی- تیرج، «اکسوبیشنیزم»
Apotemnophilia	فانتزی دارا بودن دست و یا پای قطع شده
Aquaphilia	آب
Asphixophilia	حالت خفگی دادن به خود
Autoagonistophilia	خودنمایی در حال سکس و یا رفتن روی صحنه و اجرای عمل جنسی
Autoassinatophilia	برنامه ریزی برای قتل مازوخیستی خود

Autoerotic death	نزدیکی به مرگ، خود را مرده تصور کردن، و مرگ ناشی از بدحسابی
Autoflagellation	به خود تازیانه زدن
Automasochism	تحمیل درد به خود
Autonecrophilia	خود را جسد (مرده) مجسم کردن
Autonepiophilia	شکل و ادای کودک در آوردن یا مثل بچه مورد برخورد و رفتار واقع شدن. (اینفانتالیسم هم نامیده می شود.)
Autopedophilia	ادای کودک در آوردن یا مثل بچه مورد برخورد و رفتار واقع شدن.
Autophilia	کشش جنسی به خود
Autoscopophilia	نگاه به بدن یا آلت جنسی خود.
Bestiality	سکس با حیوانات
Blastophilia	حمله ناگهانی و خشن به افراد غریبه
Bondage and discipline	اعمال و فانتزیهای سادومازوخیستی
Chrematophilia	با زور مجبور به پرداخت پول در قبال خدمات جنسی شدن
Coprography	کشیدن نقاشی و تصاویر درباره مدفوع
Coprolagnia	فکر کردن، دیدن، بوکشیدن و دست زدن به مدفوع
Coprophagia	خوردن مدفوع
Coprophilia	بو یا مزه مدفوع و یا مشاهده کسی در حال دفع مدفوع
Diaperism	مثل بچه با پوشک پوشانده شدن
Ecouteurism	استفراغ کردن
Emetophilia	حشرات در سوراخ (های بدن)
Endosomatophilia	گوش دادن به داستانهای مقاربت جنسی و یا مشاهده خود عمل مقاربت
Eonism	لباس جنس مخالف پوشیدن (مرد)
Ephrophilia	شریک جنسی تازه به بلوغ رسیده
Erotic pyromania	ایجاد حریق عمدی
Erotic strangulation	اروتیک ناشی از خفگی دادن به خود
Erotolalia	صحبتهای مهیج (رکیک)
Erotomania	داشتن وسواس نسبت به مسائل جنسی یا بیش از اندازه مریض و بیمار تلقی کردن آن
Exhibitionism	آلت جنسی خود را در معرض نمایش عمومی قرار دادن.
Feeding fetishism	غذا خوری به شریک جنسی با هدف چاق کردن طرف
Fetishism	یک شیئی بی جان یا یک عضو غیر جنسی بدن (مثل پاها)
Formicophilia	لول خوردن جانوران کوچکی مثل مورچه، حشرات و مار بر روی آلت جنسی
Frottage	مالش خود به غریبه ها در محل های عمومی
Gerontophilia	ترجیح دادن شریک جنسی بسیار مسن تر از خود
Golden shower	روی شریک جنسی خود ادرار کردن
Gynemimesis	خود را به شکل و شمایل زن در آوردن
Gynemimetophilia	ترجیح دادن شریک جنسی ترانس وستایت (زن پوش) یا ترانس سکسوال مذکر به مؤنث (مردی که می خواهد زن شود)
Homicidophilia	حالیگری جنسی
Homophilia	شریک جنسی همجنس
Hybristophilia	شریک جنسی که فرد مجرمی باشد
Hyphephilia	لمس کردن و دست زدن به پوست، حریر، چرم، و یا پارچه
Hypoxyphilia	خفگی به خود دادن با هدف لذت بری اروتیکی
Infantilism	ادا و شکل و شمایل نوزاد در آوردن و به صورت نوزاد مورد رفتار دیگران واقع شدن. همینطور autonepiophilia
Juvenilism	ادا و شکل و شمایل خردسالان را در آوردن و به عنوان یک خردسال مورد رفتار شریک جنسی خود واقع شدن.
Kleptomania, Kleptophilia	دزدی ناشی از اجبار روان - درونی
Klismophilia	تنقیه داده شدن
Masochism	تنبیه، تحقیر و مجازات شدن و اجبار به فرمان بری
Mixoscopia	دید زدن عمل جنسی دیگران
Mixoscopia bestialis	نگاه کردن به کسی که مشغول سکس با حیوان می باشد

Monopediomania	شریک جنسی دارای یک پا
Morphophilia	شریک جنسی ای که خصوصیات بدنش به شکل اغراق آمیزی متفاوت یا برتر از بدن خود فرد باشد
Multiphilia	دلدادگیهای مداوم و کوتاه مدت (هر روز عاشق یکی شدن)
Mysophilia	شیئی کثیف شده (مثل شرت یا تامیون قاعدگی)
Narratophilia	در حضور شریک جنسی، شنیدن یا بر زبان آوردن لغات و کلمات رکیک شهوت انگیز، یا خواندن داستانهای اروتنیکی
Necromania	اجساد و مرگ
Necrophilia	تماس جنسی با جسد مرده
Nepiophilia	نوزادان، گرایش جنسی نوزاد بازی
Olfactophilia	بوهای متصاعد از بدن بخصوص در نواحی حساس جنسی
Osmolagnia	بوهایی که از قسمتهای مختلف بدن بخصوص نواحی جنسی متصاعد می شوند
Pederasty	نوجوانان
Pedomania	پسر یا دختری پیش از بلوغ یا در مراحل اولیه آن
Pedophilia	پسر یا دختری پیش از بلوغ یا در مراحل اولیه آن
Peeping Tom	ویوریت- فردی که از مشاهده لخت شدن یا آمیزش جنسی دیگران لذت می برد
Peodeiktophilia	خودنمایی غیر مترقبه در برابر چشمان دیگران به صورتی که باعث تعجب، حیرت یا شوکه شدنشان گردد.
Pictophilia	مشاهده تصاویر و فیلمهای اروتنیکی
Podophilia	پاها
Polyiterophilia	تکرار مداوم یک نوع عمل با شریک جنسی
Pornographomania	نوشتن و به تصویر کشیدن صحنه های شهوت انگیز
Pornolagnia	تن فروشی
Rape	تجاوز
Rapism, Raptophilia	برخورد به مقاومت از طرف یک قربانی عمل ناخواسته تجاوز جنسی
Renifleurism	بوی ادرار
Retifism	کفشهای زنانه
Sadism	تحقیر، تنبیه، شکنجه و اعمال درد به دیگران
Sadomasochism	سادومازوخیسم
Saliromania	کثافت، زشتی و بدقوارگی
Scatophilia	درباره سکس یا مسائل رکیک با افراد غریبه و ناآشنا حرف زدن
Scoptophilia, passive	درخواست از افراد دیگر برای دیدن اعضاء جنسی خود (فرد)
Scoptophilia, active	مشاهده فعالیت جنسی دیگران و یا اندامهای جنسی آنان
Somnophilia	وارد حریم غریبه خوابیده ای شدن و لاس زدن با او
Stigmatophilia	شریک جنسی دارای خالکوبی یا اثر زخم و بخیه های به جا مانده، یا خالکوبی بدن خود بخصوص روی اندامهای جنسی
Symphorophilia	حادثه ای را باعث شدن و بعداً به تماشای آن نشستن
Telephone scatophilia	درباره سکس یا موضوعات شهوت انگیز با یک شنونده غریبه حرف زدن.
Toucherism	آخرین نوع آن «اسکاتوفیلیای کامپیوتری» نامیده می شود. عمدی اما به حالت ناشیانه به نقاط اروتنیک بدن غریبه (از جمله سینه و اندام جنسی او) دست زدن.
Transvestism	لباس جنس مخالف پوشیدن - ترانس وست ایسم
Transvestophilia	لذت وافر از پوشیدن لباس جنس مخالف
Troilism	مشاهده مقاربت جنسی شریک جنسی خود با دیگری
Undinism	ادرار و ادرار کردن
Urolagnia	بو و مزه ادرار
Urophilia	ادرار باران شدن یا ادرار باران کردن دیگری. لذت از بوی ادرار
Voyeurism	مخفیانه کسی را در حال لخت شدن و یا مشغول عمل جنسی دید زدن
Wetlook paraphilia	لباسهای خیس
Zoolagnia	ترجیح دادن سکس با حیوانات یا از بوی حیوانات حشری شدن
Zoophilia	سکس با حیوانات
Zoosadism	وارد کردن درد به حیوان- به درد آوردن حیوان

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی پس زمینه تاریخی 6: یک تمایز عملی

لیست بلند بالای «پارافیلیاها» که هر روز درازتر هم می‌شد، در نهایت برای خود روانپزشکان هم دیگر رضایتبخش نبود، و در نتیجه، به بازبینی و مختصر کردن آن روی آوردند. احتمال می‌رود که این بازبینی‌ها در آینده هم ادامه یابند. اما تا همین جا هم، یک نوع اجماع کلی حاصل شده و آن این که بایستی بین دو نمونه از تنوعات اروتیکی (شهوانی) تمایز قائل شد:

1. انواع شهوتگری (اروتیک) که به کسی آسیبی نمی‌رسانند، ولی عجیب و نادر هستند.
پس تا جایی که در حوزه خصوصی افراد باقی بمانند و به حوزه عمومی سرزیر نشوند، بهتر است که جامعه به آنها وقعی ننهد، و یا آنها را تحمل کند. اما اگر به حوزه عمومی سرزیر شوند، آنگاه باید بسته به شرایط، واکنش مناسب اتخاذ گردد. برای جفتها و شرکای جنسی هم یک قانون ساده وجود دارد: اگر این نوع شهوتگری به تحکیم رابطه آنها منجر می‌شود، یا حداقل به رابطه شان صدمه ای نمی‌زند، بنابراین مشکلی هم محسوب نمی‌شود. اما، اگر باعث عدم توافق و اخلاق در رابطه آنها می‌گردد، شاید بهتر آن باشد که از هم جدا شوند و هرکدام شریک مناسب دیگری برای خود اختیار کند.

2. انواع شهوتگری (اروتیک) که به فرد دیگری آسیبهای ملموسی وارد می‌کنند، یا برای خود فرد در دسر آفرین می‌باشند. (مثلاً چون از وسواس روانی ناشی می‌شوند.) بسته به هر نوعی، ممکن است نیاز به دخالت و کمک افراد متخصص لازم باشد. شاید گاهی کمک روانپزشکی یا درمان پزشکی لازم آید، و گاهی دیگر مشاوره روانی غیر پزشکی ضروری باشد. اگر قانونی زیر پا گذاشته شده باشد، ممکن است نوعی دخالت قانونی هم لازم گردد: دستگیری و محاکمه، و احتمالاً مجازات. بعضی مواقع مجازات ممکن است با برنامه درمانی همراه باشد. در موارد نادری، فرد خاطی ممکن است برای سالهای سال، و گاهی تا آخر عمر، در مؤسسه‌های روانپزشکی نگهداری شود. در موارد نادر دیگری هم ممکن است تشخیص داده شود که فرد، از جهت عقلی، نمی‌تواند مسئولیت جنایت خود را به گردن بگیرد، در نتیجه ضمن نگهداری او در مراکز روانرمانی، مجازات دیگری برایش در نظر گرفته نمی‌شود.
پیچیدگی مسائل دخیل در این قضایا، در اینجا، اجازه ورود بیشتر به این بحث را نمی‌دهد. ولی به هر حال، در زیر، مثالهایی از هر دو مورد فوق خواهیم آورد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی دو مثال

مبحث زیر دو نمونه از معروف ترین انواع رفتارهای جنسی یعنی فتیشیسم و سادومازوخیسم (آزارگری و آزارخواهی)، را خلاصه وار توضیح می‌دهد. هر کدام از این دو، به نوبه خود، انواع و اقسامی دارند و در نتیجه، جمعیتی آنها به شکل معنی داری مشکل می‌باشد. با این همه، به عنوان یک مدخل و مقدمه، شاید این تعاریف اولیه و کلی، خالی از فایده نباشند:

فتیشیسم با شیفتگی و افسون جنسی نسبت به اجزائی از بدن، یا اشیاء (بی جان)، یا فعالیت‌های خاصی، مشخص می‌شود.
سادومازوخیسم، میل به ایفای نقش مسلط یا مطیع در یک مرادۀ جنسی را می‌رساند.

همانطور که در زیر مشخص می‌شود، واقعیتها کمی پیچیده تر از این هستند. یعنی در واقع ما در اینجا با رفتارهایی چندوجهی و چندبعدی مواجه هستیم، و بسیاری چیزها درباره آنها هنوز ناشناخته باقی مانده اند. مثلاً، هنوز حول علت آنها، و همینطور حول علت اکثر رفتارهای جنسی دیگر هم، توافقی حاصل نشده است. این احتمال کاملاً وجود دارد که بعضی از افراد، با ظرفیت و خوی و مزاج خاصی برای امیال اروتیکی ویژه ای، زاده می‌شوند، اما عامل تعیین کننده، بدون شک محیط اجتماعی آنها است. یعنی، خوی و مزاج خاص افرادی خاص در محیط پیرامون خاص است که، بسته به شرایط و موقعیت، به نتایج خاصی منتهی می‌شود. تنها یک چیز مسلم و قطعی است: هیچ کسی آگاهانه علائق جنسی خود را انتخاب نمی‌کند.

روانکاوان و بسیاری از نظریه پردازان آموزشی، حول این که شرایط و موقعیتهای خاصی در اوائل و یا اواخر دوران کودکی، در نوجوانی، و یا حتی در بزرگسالی، تعیین کننده می باشند، گمانه زنی هایی مطرح کرده اند. بدون شک، در یک منظر کلی، همه آنها درست می گویند. ولی، وقتی مسئله به موارد ویژه مربوط می شود، شواهد قطعی نیستند. همین مسئله در مورد انواع منتهای به کار گرفته شده جهت «اصلاح» تمایلات فتنشستی و سادومازوخیستی مسئله ساز هم، صدق می کند.

روان تحلیلی (روانکاوی)، هیپنوتیزم، و انواع درمانهای رفتاری و شناختی به کار برده شده اند، اما نتایج متفاوتی داشته اند. در موارد وخیم و سواسهای جنسی و احساسات جبری روانی (sexual obsessions and compulsions)، بعضی از معالجات دارویی در امر کاهش فشار جنسی و اشتغال ذهنی فرد به فانتزیهای جنسی ناخواسته، کمک کرده اند.

خوشبختانه، در اغلب مواقع، فتنشیم و سادومازوخیسم، نه تهدیدی متوجه جامعه می کنند و نه به آن ضرری می رسانند. در واقع، در چند دهه اخیر، زمینه ای برای رشد و شکل گیری خرده فرهنگ خاصی هم، فراهم آورده اند: سازمانها، کلوبها، مجلات، روزنامه ها، وبسایتهای، فروشگاههای خاص متعلق به آنها، به روشنگری عمومی منجر شده و امکانی نیز برای دور هم جمع شدن افراد با علائق مشترک فراهم کرده اند. به این طریق، آنها شروع به معرفی و جا انداختن خود به عنوان یک اقلیت جنسی کرده، خواستار احترام دیگران به حریم خصوصی خود شده اند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی دو مثال: 1. فتنشیم

معنی اولیه کلمه «فتنش» (از لغت پرتغالی Feitiço که از لغت لاتین factitius به معنی مصنوعی آمده، مشتق شده است)، به یک شیئی، یک بتواره، یا یک ابژه مذهبی دارای قدرتی جادویی، دلالت دارد. این نوع فتنشها (بتواره ها) در بسیاری از جوامع پیش نوشتاری، پرستش می شدند و هنوز هم می شوند.



آلفرد بنه

(Alfred Binet 1857 – 1911)

پزشک و روانشناس، قبل از هر چیز به عنوان پیشگام آزمایشات هوشی (IQ test) معروف است او همچنین مفاهیم «نواحی حساس جنسی» (erogenous zones) و «فتنشیم شهوت زا» (erotic fetishism) را معرفی نمود. پژوهشهای او Le fétichisme dans l'amour («فتنشیم در عرصه عشقی») در سال 1882 منتشر شدند.

در تعمیم دادن موضوع به رفتارهای جنسی بشر، این لغت می تواند بر هر چیزی – یک ابژه، عضوی از بدن، یا فعالیت خاصی – که به تحریک جنسی منجر می شود، دلالت کند.

لطفاً این را به خاطر داشته باشید که: این تحریک و انگیزش جنسی از یک فرد کامل متصاعد نمی شود، بلکه به وسیله قسمتی از آن فرد، یا به وسیله شیئی متعلق به آن شخص، یا کلاً به وسیله هر چیزی یا حرکت و فعالیتی که برای فرد فتنشست از نوعی بار اروتیکی برخوردار است، ناشی می شود. به صورت خلاصه و مختصر: اصطلاح «فتنشیم جنسی» به شیفتگی و افسون جنسی به اعضای از بدن، یا اشیاء بی جان، یا فعالیت خاصی که به قیمت بی توجهی به کل شخصیت شریک جنسی تمام می شود، اطلاق می گردد.

نوعی فتنشیم محدود، رواج عمومی دارد. تقریباً هرکسی، این یا آن زمان، نامه عاشقانه ای، عکسی، دستمالی، گلی، گیسوی بریده ای، تکه لباسی، یا چیزهایی مشابه که یاد شخص محبوب را زنده می کند، نگه داشته و به آن ارج و احترام گذاشته است. حتی، در بعضی موارد، این اشیاء بی جان، اسباب برانگیختگی جنسی هم می شوند. ولی این انواع «ملایم»، «کلاً به حساب آورده نمی شوند»، و هنگام صحبت از فتنشیم «حاد» مد نظر واقع نمی شوند.

موضوع هنگامی حاد و مسئله ساز می شود که رفتارهای فتنشستی به نوعی وسواس تبدیل می شوند، و زمانی که در امر رضایت‌مندی طرفین رابطه، اخلال و یا مانع ایجاد می کند. با این وجود، حتی در چنین حالتی هم، باز به شرایط بستگی دارد که آیا دخالت یک درمانگر، یا هر فرد دیگری، جهت تغییر این حالت ضروری است یا نه. (برای نمونه به این مثال مراجعه شود.)

به طور خلاصه، هنگام صحبت از فتنشیم جنسی، در واقع از بافت و چارچوب مفاهیم اجتماعی، و درجه شدت و حدت مسئله، حرف زده می شود. یعنی موضوع به اعتقادات، باورها و برخوردهای اجتماعی و فردی نسبت به

رفتارهای جنسی ربط دارد. موضوع این است که در برابر وسواس و عقده های جنسی فرد، ممکن است شرکای جنسی مختلف، واکنشهای مختلفی از خود بروز دهند، و بعضیها حتی به راحتی آن را تحمل کنند، بخصوص چنانچه وسواسهای جنسی طرف، به نوعی با امیال و تمناهای خودشان «همخوانی و مطابقت» داشته باشد. در نتیجه، حتی فتیشیسم «حاد» هم ممکن است مسئله ساز نباشد. بنابراین، تا جایی که یک جفت با آن مشکلی نداشته باشد، دلیل چندان برای قضاوت دیگری حول رفتارهای آنان باقی نمی ماند. و در چنین حالتی، این سؤال هم مطرح می شود که آیا برچسب منفی «فتیشیسم» همچنان مفید است.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی دو مثال: 1. فتیشیسم لیست مختصری از فتیشیسم

هر بخشی از بدن انسان، از سر تا پا، می تواند ابژه و موضوع فتیشیسم شهوت را باشد. موها، گوشها، بینی، گردن، شانه ها، ساعد، دست وانگشتان، سینه، شکم، اندامهای جنسی، باسن، پاهای، و بسیاری دیگر از اعضا و اندامهای ریز و درشت بدن. در بعضی حالتها، حتی شکل و فیزیک خاصی، وزن زیاد و چاقی هم، می تواند محرک اصلی حس شهوانی باشد. در واقع، حتی چه بسا به شکل و قواره خاصی، یا نقص عضوی از بدن هم، علاقه فتیشیستی خاصی وجود داشته باشد. قوز پشتی، تورم غده تیروئید، یا نقص دست و پاها. به علاوه، این احتمال هم وجود دارد که کارهای خیلی خصوصی انسان همچون ادرار کردن یا دفع مدفوع هم باعث برانگیختگی هوس و شهوت جنسی یک فتیشیست شوند. این قضیه در مورد پوشیدن لباسهای خیس، ماسک، یونیفورم، یا پوشک و تظاهر به کوچولو بودن هم، صدق می کند. و آخر اینکه، وقتی قضیه به اشیاء بی جان می رسد، امکانات واقعاً و به راستی که بی نهایت اند. یعنی، درست هر چیزی ممکن است ابژه مورد علاقه و فتیش یک فتیشیست واقع گردد - پوشیدن کلاه، دستکش، کفش، زیر پوش، یا لباسهای خزه و پوستی، چرم، لاتکس، ابریشم، یا وسایلی مثل زین (اسب)، چوب دستی، ترکه، تسمه، کمر بند، شلاق، دستبند، و بسیار بسیار چیزهای دیگر. ساختن لیستی از احتمالات بی شمار و بالقوه فتیشیسم شاید برای بعضیها سرگرمی جالبی باشد اما، در نهایت کار مضحک و خنده آوری است. با این همه، و علی رغم احتیاط اولیه، ما لیست ناقص و ناکامل زیر را برای اثبات دوباره این درس ساده می آوریم که: رفتارهای جنسی بشر نه متحدالشکل هستند و نه می توانند متحدالشکل باشند.

توان و ظرفیتهای شهوت و هوس انسانها آنچنان تحت تأثیر انواع مختلف عوامل روانی - اجتماعی شکل داده می شوند، که راهی به جز اینکه به صورت انواع و اشکال بسیار متفاوتی تجلی یابند و بروز داده شوند، ندارند. همانطور که خواهیم دید، در نگاهی موشکافانه، حتی یک نمونه «پارافیلیا» مثل فتیشیسم هم به زیر مجموعه ای از انواع و اقسام ریز و درشت دیگر تقسیم می شود.

برخی از ابژه های فتش‌بیس‌م:

فردی با دست یا پای قطع شده	پوست خالکوبی شده	بارداری و آبستنی
کوری	پوست و خزّه	لاستیک
اسارت و اطاعت (بونداچ و دیسپلین)	دستکش	اسپریم و آب منی
سینه و پستان	مو	کفش
چکمه	دست	حریر و ابریشم
باسن	ادای کودک در آوردن	جوراب
دندان	لاتکس	بیزاق دهان
فلز دندان	چرم	مجسمه
موتراشی	ماسک	چشم
قندان کردن / شدن	وسایل پزشکی و بیمارستانی	لخت شدن
عروسک	شیر	خالکوبی
گوش	خال	دگرجنس پوشی
عینک	ماهیچه و عضلات	ادرار
باد نفخ	ناف	زیرپوش
مدفوع	پشت گردن	یونیفورم
غذا خوراندن	دماغ / بینی	لباس خیس
پوست سر آلت خخته نشده	تنکه	کشتی گیری
مرد	سوراخ کردن- حلقه انداختن	
پا		

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

دو مثال: 1. فتیشیسم

یک سند و نمونه تاریخی - سنت پابندی چینی



مجسمه اروتیک چینی
متعلق به قرن پانزده بعد از میلاد
پاهای خمیده ناشی از سنت پابندی را به وضوح
نشان می دهد.
موزه سکس چین، تونگلی.

یک سنت چینی که زمانی محبوبیت داشت و بعدها ممنوع گردید، سند و نمونه تاریخی جالبی از بستن پای دختران ارائه می دهد: از همان دوران بچگی، پای دختر را در پارچه یا دستمالی سفت و محکم باندپیچی می کردند، تا از رشد طبیعی پاهای او جلوگیری شود. این عمل دردآور تا سالهای سال ادامه می یافت و در آخر باعث کج و معوجی، و ریزی پاهای زنان چینی گردید. در گزارشات اولیه آمده که این سنت در دوره سلسله سونگ (1279 - 960 بعد از میلاد) رسم جا افتاده ای بوده است؛ ابتدا در طبقات اعیان رسم می شود و بعداً در خلال قرنها، به طبقات متوسط و پائین اجتماع هم رسوخ

می کند. یعنی از یک پدیده محدود به اعیان، به یک رسم و سنت عمومی فرا می روید. در زمان سلسله کیونگ (1911 - 1636)، «بستن پای دختران» آنچنان گسترش یافت و با آنچنان سختگیری ای اعمال می شد که همه زنان چینی را به موجوداتی لنگ و فلج تبدیل نمود. در آخر، هزار سال بعد، با پایان پادشاهی و شروع سیستم جمهوری در چین، سنت پابندی به عنوان بربریت، ممنوع اعلام گردید. علل پابندی را می شود به این شکل جمع بندی کرد:

پاهای به شکل غیر طبیعی کوچک زنان و دختران چه چیزی را بازگو می کردند؟

موقعیت اجتماعی

پالنگی جایگاه و موقعیت برجسته زنان اشراف و اینکه آنها لزومی به کار کردن نداشتند، را می رساند.

علامتی از سرکوب

زنان پالنگ قادر به تند راه رفتن نبودند و همین مانع «فرار» آنها می شد، و آنها را به شوهر و خانه هایشان پایبند می کرد؛ و البته فرمانبری از شوهرانشان را هم تضمین می نمود.

ابژه هایی برای امیال جنسی

پاهای لنگ دختران، ابژه هایی اروتیک و شهوت انگیز به حساب می آمدند، و در نتیجه شانس دختر در بازار ازدواج را افزایش می داد. در واقع، دختران زیادی در قبال پرداخت جوهری به والدینشان، به عنوان عروس یا رفیقه و همخوابه، در اختیار مردان غنی قرار داده می شدند.

مورد آخر برای جنسیت پژوهان جالب می باشد، چون بیانگر فوت فتیشیسم مردانه گسترده ای است که فرهنگهایی آن را پروارنده و گسترش داده اند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

دو مثال: 1. فتیشیسم

یک سند و نمونه تاریخی - پابندی 2

به نظر می رسد که در طول صدها سال، میل و علاقه شهوانی وسواس گونه ای برای پاهای کوچک و ظریف، بخش جدائی ناپذیری از فرهنگ چینی بوده باشد. البته، امروزه امکان دسترسی به اطلاع دقیق از اینکه واقعاً چه تعدادی از مردان چنان علاقه ای داشته اند، ناممکن است. آنها شاید فقط یک اقلیت بوده اند، و دیگران تنها به مقدار کمی از آن لذت می برده اند، یا کلاً برایشان مفهومی نداشته است. اما، ما این را می دانیم که کوچکی اندازه پا، کشش و جذابیت خاصی داشته است. مردان معمولاً به خود پاهای نگاه نمی کردند بلکه مجذوب رنگ و شمایل پوشش پاها یعنی «کفشهای لوتوس» بوده اند. با این حساب، کفشها به عنوان سند و برهانی بر میل و خواهش جنسی زن، خود به خود کاراکتر فتیشیستی به خود گرفتند. شاید کسی این را «فتیشیسم غیر مستقیم»، علاقه وسواس گونه ای برای پوشش عضوی از بدن و نه خود آن عضو، تلقی کند. به هر حال از هم سوا کردن انواع و اقسام

دلایل در هم تنیده دخیل در مسئله کار ساده ای نیست. ولی، انواع مختلفی از فتشسیم پا و کفش، در جهان غرب هم وجود داشته است. نه تنها پاهای، بلکه پاشنه و انگشتان پاهای هم ابزارهای فتشستی برای بعضی از مردان بوده و هست. این موضوع، در مورد پوشش پاهای، بخصوص زمانی که کفشهای پاشنه بلند و چکمه ها مد بودند، هم صدق می کند. مردانی هم هستند که مجذوب شورت و جورابهای زنانه، و حتی جورابهای عادی، می باشند و با آنها به شدت تحریک می شوند. مسلماً همه این انواع فتشسیم تنها مختص دگرجنسگرایان نیستند بلکه شامل حال همجنسگرایان هم می شوند. بعضی از مردان به کمک پاهای، کفش، چکمه، و جوراب مردان دیگر به تهییج و تحریک جنسی می رسند. باز هم، این را باید به خاطر داشت که مسئله فتشسیم به شدت و حدت آن ربط می یابد، و مشکل و مسئله ساز شدن آن به شرایط و موقعیت بستگی دارد. در دوران امپراطوری چین، هیچ مرد «فوت» (پا) فتشستی به عنوان آنرمال و غیر طبیعی مورد قضاوت و پشداوری قرار نمی گرفت، چون کل محیط اجتماعی، علاقه و مجذوبیت اروتیکی او را به عنوان یک مسئله عادی و معمولی تلقی می کرد و آن را پاس می داشت. نتیجه این که، رسم «بستن پای دختران» در چین، بار دیگر یک درس قبلی را به اثبات می رساند که: نرمال و آنرمالهای جنسی مطلق نیستند، بلکه در فرهنگهای مختلف، معانی متفاوتی دارند.



«کفشهای لوتوس»

پاهای کوچک و ظریف از فرم خارج شده دختران، ایده آلهای اروتیکی چین بودند. طول 7-8 سانتی به عنوان «پای لوتوس طلایی»، پاهای یک مقدار درازتر (ده سانتی) به عنوان «لوتوس نقره ای»، و اگر پاها از این هم درازتر بودند به عنوان «لوتوس آهنی» شناخته می شدند.
 از سمت چپ: 1. جام شراب چینی 8.5 سانتیمتر، سلسله کیونگ 2. و 3. «کفشهای لوتوس» ابریشمی، 4. عکسی از پای معیوب یک زن چینی.
 موزه سکس چین، تونگلی.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی دو مثال: 2. سادومازوخیسم



دو نویسنده معروف

روانپزشک اتریشی ریشارد فون کرافت-ایبینگ، به پژوهشهایی حول آنچه که او «سایکوپاتولوژی جنسی» می نامید، دست زد. او برای معرفی دو نمونه مشخص، سادیسیم و مازوخیسم، از نام دو نویسنده معروف استفاده کرد:

(سمت چپ) دوناتین الفونسه فرانسویس، مارکیس دو ساد (1740 – 1814)

(Donatien Alphonse François, Marquis de Sade)

اشراف زاده فرانسوی که آگاهانه داستان و نولههای جنجال برانگیزی می نوشت که در آنها فضیلت، نکوهیده، و ردیلت ارج نهاده می شد.

او ترسیم صحنه های آشکار رفتارهای جنسی و بی رحمی شخصیتهايش را برای رد این ادعای معاصرین «روشنفکر» خود که معتقد بودند انسان «ذاتاً خوب است»، به کار گرفت.

(راست) لئوپولد فون ساخر – مازوخ (1836 – 1895)

(Leopold von Sacher-Masoch)

نویسنده اتریشی، در بعضی از نوشته های خود، میل و کشش خویش به زنان قهار و مسلط را برملا می کند. برای نمونه در «ونوس در پوست خز» (1870). البته، او از برچسب زندهای کرافت – ایبینگ راضی نبود.

(«ونوس در پوست خز» در کتابخانه وبلاگ جنسیت و جامعه موجود است.)

واژه ترکیبی «سادومازوخیسم»، به دو پدیده سادیسم و مازوخیسم جنسی دلالت دارد، که آئینه ای از همدیگرند. ذات و جوهر سادیسم، تسلط و چیرگی یافتن بر شریک جنسی، و مازوخیسم، تحت سلطه و چیرگی شریک جنسی واقع شدن، می باشد. در قدیم، چندان معلوم نبود که این دو پدیده دو روی یک سکه اند، و رابطه بین سادیسم و مازوخیسم آن چیزی نیست که در نگاه اول به چشم می آید. این رابطه به راستی که رابطه متناقضی (پارادوکسی) می باشد. گاهی اوقات، یک جفت سادومازوخیست حتی ممکن است نقشهای خود را با هم عوض کنند: یک فرد ممکن است یک بار نقش سادیست یعنی مسلط، حاکم و چیره، و بار دیگر نقش مازوخیست یعنی مادون، برده و زبون را، ایفا کند. قبل از ورود بیشتر به این مبحث بسیار پیچیده، در ابتدا طرح تاریخچه ای که در زیر می آید، سودمند می باشد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

دو مثال: 2. سادومازوخیسم: سابقه تاریخی: بی رحمی و سادیسم



دو فرد هم دوران: یکی بی رحم و دیگری سادیست

این دو چهره تاریخی فرق بین شقاوت و بی رحمی با سادیسم را نمایان می سازند. هر دو، به شیوه خاص خود، مردان شریر و هیولایی بودند. اولی به ظلم و ستم عمومی دست زد تا در داخل و خارج رعب و وحشت بگستراند، دومی، سادیسم خصوصی خود را برای لذت و خشنودی فردی خود به کار گرفت.

(سمت چپ) ولد میخ کش (1431-1476) «Vlad III the Impaler»

دراکولای اصلی، هیولای خون آشام نبود، بلکه حاکم «والاچی» (بخشی از کشور رومانی امروزی) بود. او در شقاوت، بی رحمی و کشتارهای جمعی دشمنان واقعی و موهومی خود به وسیله انداختن آنها روی نیزه های تیز و بلند چوبی، زبانزد همه بود. ولی تا آنجا که اطلاع داریم، او سادیست نبود.

(سمت راست) «گیلز در رایش» (1404-1440) «Gilles de Rais» اسم اصلی او Gilles de Montmorency-Laval Baron de Rai، ژاندارک (comrade-in-arms of Joan of Arc)، و یکی از بزرگترین قاتلان گروهی در تاریخ بود. او تعداد زیادی از کودکان- اغلب مذکر- را ربوده، به قصر خود می برد و در آنجا آنها را شکنجه می داد و به قتل می رساند. تا اینکه دستگیر، محاکمه و به دار آویخته شد. ظاهراً جرم او از طبیعت سادیستی برخوردار بود، که در بعضی از نوشته های مارکیس در ساد، به عنوان مدل و الگو به کار گرفته شد. او برای «بلویرد» افسانه ای، شوالیه ای که هرکدام از زنان خود را بلافاصله بعد از ازدواج، به قتل می رساند، الگو شد.

در تاریخ، نمونه های زیادی از حاکمان ظالم و بی رحم، وجود دارند، از امپراطور روم کالیگولا (Caligula) گرفته تا «ایوان مخوف» (Ivan the Terrible) و «ولد دراکولا» ی والاچیان، معروف به ولد میخ کش؛ اما، بی رحمی و شقاوت آنها ربطی به سادومازوخیسمی که در اینجا مورد بحث می باشد، نداشت. این بی ربطی، شامل عمل شکنجه گرانی که در گذشته در پی اعتراف گیری از متهمان بودند، هم می شود. این شکنجه گران عامل سیستمی بودن که شکنجه جزء جدایی ناپذیر آن بود. حتی گاردهای محافظ اردوگاههای کشتاری که نازیها دایر کرده بودند هم، «شغل خود را» طبق قانون و وظایف تعیین شده، «انجام می دادند» و هیچگونه لذت شهوانی از آن نمی بردند. در همه این نمونه ها، شقاوت و بی رحمی عیان و آشکار است اما، از سادیسم خبری نیست.

شقاوت و سادیسم یکی نیستند. یک رفتار به شرطی سادیسمی است که، به تولید یا تقویت هیجان جنسی منجر شود. سادیسم می تواند شقاوت و خسونت را تداعی کند، اما اغلب خود شقاوت و خسونت نیست. به اصطلاح «قاتلان شهوتی»، یعنی افرادی که از شکنجه و به قتل رساندن شریک جنسی خود لذت می برند، به شدت نادر می باشند. در تاریخ، هر از گاهی نمونه هایی مثل گیلز در رایش ژاندارک مردم را ترسانده و ذهنیت عمومی در رابطه با رفتارهای سادیستی را شکل داده اند، اما این برداشت و ذهنیت، نادرست و گمراه کننده است.

اکثر افراد سادیست به دنبال یک شریک جنسی می گردند که داوطلبانه مطیع آنها شده و به زیر فرمانشان درآید. این تحت تسلیم و اطاعت درآوردن می تواند شامل وارد کردن درد به فرد مطیع و تسلیم شده هم باشد، اما اغلب از سنخ به کار بردن لغات و کلماتی جهت تحقیر طرف، نقش بازی کردن و دست و پا بستن (دار و فلک زدن) می باشد. روابط سادومازوخیستی بین افراد بالغ که آگاهانه و داوطلبانه بدان می پردازند، بسیار بیش از آن چیزی که قبلاً تصور می شد، رواج دارد. درحقیقت، در چند دهه اخیر، سادومازوخیسم در چند کشور غربی، هرچه بیشتر از خفا به در آمده، و حالا دیگر اینترنت، باعث شناخت بهتر آن در سراسر جهان شده است.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

دو مثال: 2. سادومازوخیسم

دو مثال: 2. سادومازوخیسم: سابقه تاریخی: 2: سنتهای آموزشی و مذهبی

برای مدت زمانی طولانی، سادیسم معادل بی رحمی و شقاوت تلقی می گردید و به عنوان «لذتی که از تحمیل درد به دست می آید» تعریف می شد. درمقابل، مازوخیسم به عنوان «لذت حاصل از احساس درد»، تعریف می شد. یعنی همان واژه قدیمی روانپزشکی "algolagnia" که معنی «لذت بردن از درد» را می دهد. (از لغت یونانی Algos به معنی درد، و lagneia به معنی شور و لذت). این دیدگاهی کوتاه بینانه، اما قطعاً قابل درک می باشد. در طول قرنها، کتک و ضرب و شتم، هم در خانه و هم در کلاس درس، بخش جدائی ناپذیر تربیت و آموزش و پرورش بود. بسیاری از بزرگسالان، کتک خوردنها و لذتی که زجر دهندگانشان از تنبیه بی رحمانه آنها می بردند را به یاد می آوردند. پس چنین تصور و برداشتی منطقی به نظر می رسید که، یک لذت انحرافی ناشی از شقاوت و بی رحمی، محرک آنها در کتک زدن و زجر دادن دانش آموزان بیچاره بود. بنابراین، واژه جدید «سادیسم» اصطلاح مناسبی برای رفتارهایشان بود. از طرف دیگر، باز هم در طول قرنها، مردم شاهد این بودند که چگونه بعضی از افراد و گروههای مذهبی، به خاطر نجات روح خویش، طی مراسمی بدن خود را مورد آزار و شکنجه قرار می دادند. و به نظر می رسید که آنها از درد و آزاری که به خود وارد می کردند، به نوعی لذت و وجد مذهبی می رسیدند. بنابراین، واژه «مازوخیسم» اصطلاح مناسبی برای آنها بود. و آخر اینکه، زنان و مردان تحصیلکرده، به رابطه مستقیم درد و لذت جنسی پی بردند. اعترافات ژان ژاک روسو (در کتابخانه وبلاگ جنسیت و جامعه موجود است.م) که بعد از مرگ او منتشر شد، یک راز خصوصی نویسنده را برملا می کند: در هشت سالگی، وقتی خانم مربی سی ساله اش برای تنبیه روسو به کفل او ضربه می زد، به روسو لذت جنسی دست می دهد، و روسو از آن لحظه به بعد، تا آخر عمر خود، تشنه دریافت اینگونه مجازاتها بوده است. واژه «مازوخیسم» توصیف کامل چنین تمایلی است.

اما، همانطور که خواهیم دید، درد، زجر و تنبیه، تنها یک بعد و جنبه سادومازوخیسم است، و به هیچ وجه بعد ضروری آن نمی باشد.



کتک و ضرب و شتم در مذهب و آموزش و پرورش

(سمت چپ) کفل را به تازیانه گرفتن. در طول قرنها، در کشورهای غربی، کتک زدن بچه ها جزء جدائی ناپذیر تربیت و آموزش و پرورش بوده است. والدین و معلمان، از چیزهایی مثل ترکه، چوب سر پهن (از تخته یا پلاستیک)، عصا، تسمه، شلاق، یا کمر بند، برای تنبیه و تربیت نسل جوان استفاده می کردند. اصطلاح «ترکه را بذار کنار تا بچه لوس بشه» گویای همین فلسفه است. تنها در اواخر قرن هیجدهم و در نتیجه جریان روشنگری بود که تحصیلکردگان نسبت به اثربخش بودن این شیوه تربیتی به شک افتادند، و این تا حدود زیادی مدیون نوشته های ژان ژاک روسو بود. به

علاوه، روسو نمونه های عبرت آموزی از تأثیر منفی که عمل به تازیبانه بستن کفل، بر رشد جنسی کودک برجای می نهد، ارائه داد. (نقاشی رنسانس).

(سمت راست) به خود شلاق زدن (چیزی شبیه سینه زنی و زنجیر زنی). تنبیه کردن خود، به عنوان نوعی توبه و طلب بخشش و مغفرت الهی، سنت قدیمی بسیاری از مذاهب می باشد. این سنت در سده های میانه، در کشورهای مسیحی، زمانی به اوج خود رسید که دسته های «سینه زنی» با یک تب مذهبی، در ملاء عام به راه افتاده و به بدنهای خود شلاق می زدند. این احتمال وجود دارد که چنان عملی برای بعضی از شرکت کنندگان، یک حال و هوای جنسی داشته است.

(woodcut, Nuremberg Chronicle).

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

دو مثال: 2. سادومازوخیسم: تناقض (پارادکس) قدرت

سادومازوخیسمی که ما در این دوره آموزشی سعی در توضیح آن داریم، امروزه خیلی راحت و ساده «اس.ام.



«S & M» خوانده می شود. (گاهی هم غلام و ارباب – برده و رئیس {Slave and Master} از آن برداشت می شود.) از آنجا که ذات و جوهر آن تسلط و اطاعت می باشد، گاهی هم «D & S» (Domination and Submissin) یعنی چیرگی و گردن نهی، خوانده می شود، و باز، از آنجا که انقیاد فیزیکی یا روانی، و یا هردو با هم به همراه تنبیه و تحت کنترل داشتن شریک جنسی، عادی ترین نوع آن است، «بونداژ و دیسیپلین» (Bondage and Dicipline) «B & D» یعنی اسارت و اطاعت آموزی نامیده می شود. ولی، با هر اسمی که خوانده و نامیده شود، سادومازوخیسم کلاً دو فرد دوطالبی را شامل می شود که حول مشارکت و اجرای «صحنه» سادومازوخیستی با هم،

به توافق می رسند. در چنین «صحنه ای»، فرد سادیست، از طریق به کارگیری لحن و الفاظ تحقیرآمیز، تنبیه جسمی، وارد کردن درد فیزیکی و، دست و پا بستن، بر فرد مازوخیست مطیع و گوش به فرمان، تسلط می یابد. از آنجا که مازوخیستها خود خواهان چنین چیزی هستند و، شدت و مرز همه اعمال را، خود کنترل می کنند، آنها در واقع سادیستها را برای رسیدن به امیال جنسی خود، به کار می گیرند. مازوخیست در هر لحظه ای که بخواهد، می تواند با ادا کردن و بر زبان راندن «لغت ایمنی» مورد توافق، سادیست را از ادامه کار بازدارد. (لغت ایمنی = واژه امن. رمز، خط قرمز که مازوخیست قبل از شروع «صحنه» به سادیست می دهد و حول آن با هم توافق می کنند که هروقت مازوخیست آن لغت را ادا کند، معنای آن به مرز تحمل مازوخیست رسیدن می باشد و این که سادیست نباید از آن مرز عبور کند، یا قرارداد آنها منتفی است و «صحنه» تمام شده می باشد.)

بنابراین، برعکس آنچه که در ظاهر امر به نظر می رسد، آنکه در این رابطه، به راستی و به طور حقیقی، مسلط، چیره و کنترل کننده می باشد، همانا فرد مازوخیست است و نه سادیست، و درست همین تناقض است که در چنین رابطه ای، آن احساس «کیف و نشئه» را ایجاد می کند. همین مسئله روشن می سازد که چرا در روسپیگری مشتری عموماً نقش مازوخیست و زیون را برای خود انتخاب می کند. او با پرداخت پول به فرد تن فروش از او می خواهد که نقش سادیست را برایش بازی کند تا او (مشتری) به امیال مازوخیستی خود برسد. به عبارت دیگر، مشتری، با کنترل کردن فعالیت و عمل، خود دست بالا را دارد و رئیس و هدایت کننده اصلی رابطه، باقی می ماند.

با نگاهی دقیق تر به روانشناسی «صحنه»، بخصوص در خرده فرهنگ اس.ام.، با تصویر پیچیده و متناقضی مواجه می شویم: رابطه سادومازوخیستی به طور همزمان در چندین سطح و لایه اتفاق می افتد و به پیش می رود:

1. سطح ظاهری و قابل مشاهده که در آن سادیست («فاعل») بر مازوخیست («مفعول») غلبه یافته و بر او مسلط شده است.
2. سطح قراردادی که حد و مرز آن را خود مازوخیست تعیین می کند، و بنابراین در تناقض با آنچه که در ظاهر دیده می شود، قرار می گیرد. این همان سطح حقیقی تناقض است. چون مفعول کنترل کننده، در عین حال، خواهان این است که به وسیله فاعل کنترل شود. فاعل هم به نوبه خود، ضمن احترام به حد و مرز تعیین شده به وسیله مفعول، مایل به اعمال کنترل بی حد و مزر می باشد. کوتاه سخن آنکه، ما در اینجا با یک وضعیت روانی در حال نوسان مواجه هستیم.
3. سطح شعائر تشریفات. در این سطح، مفعول یک نوع بی قدرتی حقیقی را تجربه می کند، و فاعل، در چارچوب مرزهای مورد توافق طرفین، یک قدرت و اقتدار حقیقی را تجربه می کند. این تجارب قادر به ایجاد و تقویت احساس عمیقی از اعتماد طرفین به هم، و رابطه ای حقیقی، حداقل در یک رابطه غیرمالی، می باشد. توضیح کوتاهی که آمد، نشان می دهد که چرا در خرده فرهنگ اس.ام.، تعداد هر چه بیشتری از زنان و مردان، بیشتر مایل به ایفای نقش مازوخیست هستند تا نقش سادیست. سادیستهای حقیقی و واقعی، بسیار نادرند. به هر حال، اغلب مردم دوست دارند مسلط و کنترل کننده باشند، و مازوخیسم جنسی شیوه

متناقضی (پارادوکسالی) برای این کار در اختیار آنها قرار می دهد. این هم، حقیقتی است که افراد، گاهی نقشهای خود را با هم عوض می کنند، اما اغلب اوقات، ترجیحات جنسی انسانها و نقشهایی که ترجیح می دهند ایفا کنند، ثابت باقی می مانند. در آخر، این را هم باید اضافه نمود که سادومازوخیسم برای اکثریت مردم، جذابیت خیلی کمی داشته و یا هیچ جذابیتی ندارد. کسانی هم ممکن است آن را آزمایش کنند اما چون خوی و مزاج لازمه آن را ندارند، بعد از مدتی آن را کنار می نهند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: مقدمه

هر جامعه ای، بخشی از گستره رفتارهای جنسی بشر را به عنوان «نرمال» می پذیرد. ولی، بعضی از جوامع در مقایسه با جوامع دیگر، بخش بزرگتری را به عنوان نرمال قبول می کنند. در نتیجه، بعضی از رفتارها ممکن است در جوامعی «نرمال» تلقی شوند و در جوامعی دیگر «آنرمال». برخی از جوامع، نسبت به رفتارهای «آنرمال»، تا جایی که ضرر و زیانی نرسانند، برخوردی همراه با مدارا، صبوری و اغماض در پیش دارند، اما برخی دیگر از جوامع، حتی «آنرمالهای» بی ضرر، مثلاً رفتارهای خصوصی دو فرد بالغ که به کسی ضرری نمی زنند اما از مرز نرمهای جنسی پذیرفته شده فراتر می روند، را هم به شدت محکوم و سرکوب می کنند. در مواجهه با سرکوب، این افراد بالغ احساس می کنند که به شکل غیر عادلانه ای محدود و محکوم شده اند. ولی، اغلب اوقات در برابر سرکوب خود قادر به هیچ کاری نیستند، و چاره ای ندارند جز آن که تحمل کنند و مترصد تغییری و تحولات اجتماعی بنشینند تا فرصتی برای دادخواهی آنان فراهم شود. درحقیقت، در شرایط مساعد، افراد مواجه با سرکوب جنسی، ممکن است فرصتی بیابند تا برای رسیدن به حقوق جنسیشان، دور هم جمع شده و خود را به عنوان «اقلیت جنسی» سازماندهی کنند.

«اقلیت جنسی» اصطلاح نسبتاً تازه ای است و در ادامه مفاهیم رایج تر اقلیت های ملی، قومی و مذهبی، مرسوم گردید. به عبارت دیگر، این اصطلاح تازه بدان معنا است که آن دسته از گروههای اجتماعی که در بعضی از کشورها تحت فشار و سرکوب بودند، حالا خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوق مدنی خود شده اند. ولی به هر حال، قبل از ادامه مطلب، شاید بد نباشد که به خود مفهوم «اقلیت» نگاهی دقیقتر بیاندازیم.



(کمیته جایگزین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد)

در سال 1992، سازمان ملل قطعنامه زیر را در حمایت از بعضی از اقلیت های «رسماً پذیرفته شده» به تصویب رساند. در اینجا دو ماده اول قطعنامه (با کمی اختصار) آورده می شوند:

بیانیه حقوق افراد متعلق به اقلیت های ملی، نژادی، مذهبی و زبانی
مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره 47/135 مورخ 18 دسامبر 1992

بند 1

1. دولتها، از موجودیت و هویت ملی یا قومی، فرهنگی، مذهبی و زبانی اقلیت ها حفاظت خواهند کرد.

بند 2

1. افراد متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی حق دارند که در حوزه خصوصی و اجتماعی، آزادانه، و بدون هرگونه تبعیض یا مزاحمت، از فرهنگ خود بهره مند شوند، مراسم مذهبی خود را به جا آورند، و زبان خود را به کار ببرند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: مقدمه 2: اقلیت و اقلیت های درون آن

اقلیتی که در اینجا مد نظر است، شامل هر گروه کوچک اجتماعی نمی شود، چون گروههای کوچک زیادی، مثل کودکان نابغه موسیقی، یا ریاضی دانان باهوش، اقلیت خوانده نمی شوند. از طرفی هم، بعضی از گروههای بسیار بزرگ، که حتی از جهت آماری در اکثریت هستند - مثل سیاهپوستان آفریقای جنوبی در دوران آپارتاید، و زنان در بسیاری از کشورهای جهان - گاهی ادعای اقلیت بودن کرده اند. بنابراین، به نظر می رسد که عنصر شاخص در مفهوم اقلیت اجتماعی، همانا عدم تعادل اجتماعی یا سیاسی، یک محرومیت تحمیل شده، یک تبعیض منفی، و نوعی بی قدرتی باشد. اما، تا زمانی که این بی قدرتی مطلق است، اقلیت قادر به متشکل کردن خود نیست. افراد تحت ستم، ایزوله شده باقی می مانند و اگر از جای خود بجنبند، یکی بعد از دیگری دست چین شده و به جرم برهم زدن نظم عمومی متهم می شوند. آنها فقط زمانی می توانند اقلیتی را تشکیل دهند که به همراه بقیه حول مسئله مشترکی متشکل شده و خود را به عنوان یک گروه به جامعه معرفی کنند. در نتیجه این کار، حداقل به طور بالقوه، به یک نیروی اجتماعی تبدیل می شوند. به عبارتی:

اقلیت ها، گروههای متشکلی از افراد سرکوب شده هستند که، بر اساس برخی علائق مشترک، با هم به نوعی اتحاد و همبستگی رسیده و در نتیجه، حتی به شکل سمبلیک هم که شده، مقدار معینی قدرت به دست آورده اند.

هرچند که این قدرت اولیه ممکن است محدود باشد، ولی به هر حال این امکان را برای آنها و دیگران فراهم می آورد که خواستار پایان دادن به سرکوب خود شوند. کوتاه سخن آنکه: اولین قدم در مسیر به رسمیت شناخته شدن توسط اکثریت، همانا تبیین و تعریف خود به عنوان یک اقلیت می باشد؛ حتی اگر این به رسمیت شناخته شدن چیزی جز توهین و تعرضات تازه و حملات بیشتر به آنها نباشد. ما در اینجا با یک تناقض مواجهیم: سرکوب شدگان به حداقلی از قدرت نیاز دارند تا بی قدرتی ناعادلانه ای که به آنها روا شده را نشان دهند. ولی، هدف نهایی آنها - و این دومین تناقض است - پیوستن به اکثریت به عنوان «نرمال» و در نتیجه از دست دادن موقعیت خود به عنوان اقلیت می باشد. البته حتی اگر چنین شود، باز آنها «فرهنگ اقلیتی» خود را به وجود می آورند، چون این فرهنگ، آنوقت دیگر نه به عنوان یک تهدید، بلکه به عنوان یک فولکلور پذیرفته می شود.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: مقدمه 3 مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن

مسیر و چگونگی شکل گیری اقلیت و انحلال نهایی آن را می توان در عرصه رفتارهای جنسی هم مشاهده نمود. در اینجا هم، نوع خاصی از سرکوب و محرومیت، به ایجاد و ادامه همبستگی گروهی از افراد دارای علائق جنسی ناهنجار، منجر می شود. آنها، به محض متشکل شدن، درخواست حقوق برابر می کنند. اما اکثریت، در برابر درخواست آنها به شدت مقاومت می کند، البته با این بهانه که این گروه جدید، یک اقلیت معتبر و قانونی را نمایندگی نمی کند بلکه درخواستهای غیر قابل قبول یک عده محدود خودخواه، مجرم و بیمار روانی را مطرح می سازد. و در ادامه گفته می شود که، اگر تبعیض علیه یک اقلیت معتبر و به رسمیت شناخته شده قومی یا مذهبی اشتباه باشد، اما این شامل حال «انرمالهای جنسی» نمی گردد. در واکنش به این برخورد، اقلیت جدید سعی می کند که علاقه جنسی خاص خود را به نقطه ثقل فعالیتها و درخواستهای سازمانی خود مبدل سازد، تا هم به اطلاع رسانی عمومی کمک کند و هم اعضاء جدیدی را به صفوف خود جلب کرده، و گستردگی اعضاء خود را به رخ اکثریت بکشاند. بالاخره، زمانی که گروه به اندازه غیر قابل اغماضی رشد نمود و نفوذ اقتصادی و سیاسی به دست آورد، آنوقت اکثریت، نرم شده و حق اقلیت بودن گروه، که مدتها در برابر آن مقاومت کرده بود را، به رسمیت می شناسد. این به معنای پایان حداقل برخی از تبعیضات و تضمین بخشی از حداقل حقوق جنسی است. همزمان با پایان تمام محرومیتها و تبعیضات، وقتی برابری کامل تضمین گردید، اقلیت منحل شده و جذب اکثریت می شود. و آنوقت مسئله و عنصر شاخصی که به شکل گیری و هویت یابی آن منجر شده بود، به یک موضوع اجتماعی و سیاسی فرعی تبدیل می شود. مثل هر گروه دیگری، این اقلیت ممکن است برای حفظ حضور خود در انظار عمومی و مطالبه نفوذ سیاسی، پروفایل مشخصاتی خود را حفظ کند، اما در آن صورت فقط یکی از رنگهای به رسمیت شناخته شده در بافت اجتماعات مدرن را نمایندگی می کند.

اکثریت ها و اقلیت ها در کشورهای مختلف

	اکثریت	اقلیت
قومی: مکزیک	در مکزیک	در ایالات متحده آمریکا
«نژادی»: سیاه	در آفریقای جنوبی	در ایالات متحده آمریکا
مذهبی: شینتو	در ژاپن	در ایالات متحده آمریکا

اکثریت ها و اقلیت ها در سانفرانسیسکو

	اکثریت	اقلیت
قومی: مکزیک	در منطقه میشن	در کل شهر
«نژادی»: سیاهپوستان	در هانترز پوینت	در کل شهر
مذهبی: شینتو	در جاپان تاون	در کل شهر
جنسی: گی ها و لزبین ها	در منطقه کاسترو	در کل شهر

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: مقدمه 4 اقلیت ها در سانفرانسیسکو

یک مورد خوب از نمونه اقلیت جنسی، شروع دشوار، و رشد و موفقیت آن را، می توان در شهر سانفرانسیسکو در آمریکا مطالعه و بررسی نمود. این شهر معروف کناره اقیانوس آرام، از همان روزهای «تب طلا جویی» در اواسط قرن نوزدهم، پناهگاه انواع و اقسام اقلیت های قومی، نژادی و مذهبی بوده است. این «شهر اقلیت ها»، به عنوان شهری مدارا پذیر، بردبار و با سعه نظر معروف بوده است. اما تحمل و بردباری آن هیچوقت شامل حال مهاجران چینی نشده، و در نتیجه انواع و اقسام تبعیض و بی عدالتیها بر آنان روا گردیده است. این تبعیض و بی عدالتی، حداقل بعد از جنگ دوم جهانی، شامل حال همجنسگرایان مرد هم گردید. در واقع تا همان دهه 1960 کلویهای «گی ها» مورد یورش و حمله پلیس واقع شده و مسئولان آنها بازداشت می شدند. چون به هر حال، تماسهای همجنسگرایانه مردان با هم، در قانون کالیفرنیا (ایالت آمریکا که سانفرانسیسکو در آن واقع شده)، یک جرم جدی محسوب می شد. ولی با این وجود، در آن زمان، تلاش و کوششهای بی وقفه تعداد معدودی افراد با شهامت، نه تنها در سانفرانسیسکو، بلکه در سراسر آمریکا، سنگ بنای جنبش حقوق مدنی «گی ها» را گذاشته بود. در نتیجه، وقتی که در ژوئن 1969، یورش پلیس به یک کافه (بار) «گی» در خیابان کریستوفر در نیویورک با مقاومت رو به رو، و به خشونت کشیده شد، جامعه گی و لزبین های آمریکا برای دادن واکنشی درخور آمادگی قبلی داشت.

اقلیت های قومی شهر سانفرانسیسکو عادت کرده بودند که با شرکت در رژه های مختلف، که از سال نو چینی در فوریه شروع می شد و تا روز کریسما کلمب ایتالیاییها در اکتبر ادامه می یافت، حضور خویش می قدرت رأی خود را به نمایش بگذارند. در واقع در فاصله فوریه تا اکتبر، در هر ماهی مراسم رژه برگزار می شد، به جز در ماه ژوئن. و این فرصتی را برای مراسم رژه وسیع همجنسگرایان در این ماه فراهم نمود تا آنها با به کارگیری یک الگوی موجود، مراسم رژه و به میدان آوردن و نمایش نیروها و قدرت و گستردگی رأی خود، به هدف مشابهی دست یابند: به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک اقلیت اجتماعی. در واقع، موفقیت این استراتژی فراتر از حد انتظار بود. به محض آنکه شهردار و دیگر سیاستمداران، وسعت و گستردگی بالقوه این رأی دهندگان را به چشم خود دیدند، همانطور که در مراسم رژه گروههای دیگر شرکت می کردند، به مراسم رژه همجنسگرایان هم پیوستند تا با اعلام حمایت خود از خواسته های آنان، رأی آنها را در انتخابات به دست آورند. طولی نکشید که اولین «گی» در انتخابات مسئولین شهرداری انتخاب گردید، قانون ایالت کالیفرنیا در رابطه با منع تماسهای همجنسگرایانه مردان، لغو شد و بیماری بودن همجنسگرایی از کتابچه راهنمای تشخیص بیماریهای (روانی) انجمن روانپزشکی آمریکا حذف گردید. و به این طریق، «گی ها و لزبین های» سانفرانسیسکو در مسیر «نرمالیزه شدن» و اعتراف کامل اجتماعی قرار گرفتند. (رژه های اقلیت ها در بسیاری از دیگر شهرهای آمریکا هم معمول بود، و بعدها رژه «گی ها» هم به آنها افزوده شد، اما مورد سانفرانسیسکو، عینی ترین و آموزنده ترین نمونه ها است.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: مقدمه 5

آموزنده بودن نمونه سانفرانسیسکو دلیل دیگری هم دارد: در رژه همجنسگرایان، افرادی از دیگر اقلیت های نژادی و قومی شهر، چینی ها، ایرلندی ها، ژاپنی ها، مکزیکی ها، فلپینی ها، ایتالیایی ها، و بسیاری گروههای دیگر هم، شرکت می کردند. همین مسئله نشان می دهد که یک شخص می تواند به طور همزمان عضو چندین اقلیت باشد.



مثلاً یک عضو جامعه اقلیت چینی آمریکایی، می تواند بودایی بوده و به اقلیت مذهبی بودایی هم تعلق داشته باشد. این فرد همچنین ممکن است فقط چینی صحبت کند و در نتیجه عضو یک اقلیت زبانی هم باشد. علاوه بر این، همین فرد شاید معلول باشد و از ویلچر استفاده کند و در نتیجه عضوی از اقلیت معلولان شهر هم باشد. و آخر اینکه، این فرد باز ممکن است همجنسگرا هم باشد و در نتیجه به یک اقلیت جنسی هم تعلق داشته باشد. درحقیقت، یک فرد حتی ممکن است به طور همزمان به چندین اقلیت جنسی تعلق داشته باشد، و البته بعضی از این اقلیت ها به درجات متفاوتی از اعتراف اجتماعی برخوردارند. برای مثال، اقلیت هایی همچون ترانس سکسوالهای «گی»، یا دوجنسگراهای «ضربدری» (swingers) و یا لزبینهای فتیش سادومازوخیست. اگر چنین باشد که افرادی از این اقلیت های جنسی نامبرده، به اقلیتی قومی، مذهبی، یا زبانی هم تعلق داشته باشند، آنوقت تصویر باز هم پیچیده تر می شود. همه اقلیت ها به یکسان در معرض تبعیض و بی حقوقی واقع نمی شوند، و همین موضوع، این سؤال را مطرح می کند که تعلق داشتن به کدام اقلیت، چه عواقبی را، برای فرد در این یا آن شرایط، به همراه خواهد داشت؟ مسلماً، شرایط مختلف، تعلق داشتن به اقلیت های متفاوتی را برجسته تر و ملموس تر می کند. یک لزبین چینی آمریکایی وابسته به ویلچر، ممکن است نه تنها در رژه سال نو چینی در ماه فوریه شرکت کند، بلکه در رژه همجنسگرایان در ماه ژوئن، و در موقعیتی دیگر در رژه معلولان برای درخواست حقوق مدنی بیشتر هم، شرکت نماید. همانطور که نمونه مورد اشاره نشان می دهد، تعلق داشتن به هر نوع

اقلیتی، هرگز قادر به تعریف کل فرد نیست. هرچند که زدن برچسب اقلیت به یک فرد گاهی شاید مفید باشد، و چه بسا چاره ای جز این هم نباشد، اما این کار می تواند گمراه کننده نیز باشد. همین قضیه در مواردی که افراد به خود مهر می زنند هم صدق می کند. زندگی انسان پیچیده تر از آن است که بتوان به سادگی او را کلاسه و دسته بندی نمود. بخصوص در عرصه جنسیت بشر، این خطر وجود دارد که برخورد کلیشه ای و قالبی با مردم، ما را از دیدن دیگر خصوصیات و چه بسا اجزاء مهمتر کاراکتر شخصیت آنها باز دارد. به عبارتی، تصور در دیدن کل شخصیت خود ویژه و قائم به ذات هر فرد، هم ناعادلانه است و هم این که خود ما را از داشتن تصویری واقعی از آن فرد محروم می سازد. در عالم واقعی، «افراد همجنسگرا»، «فتیشیست»، و یا «سادومازوخیست» وجود ندارند. بلکه اینان افرادی هستند واقعی که رفتارهای جنسی خاص خود را در

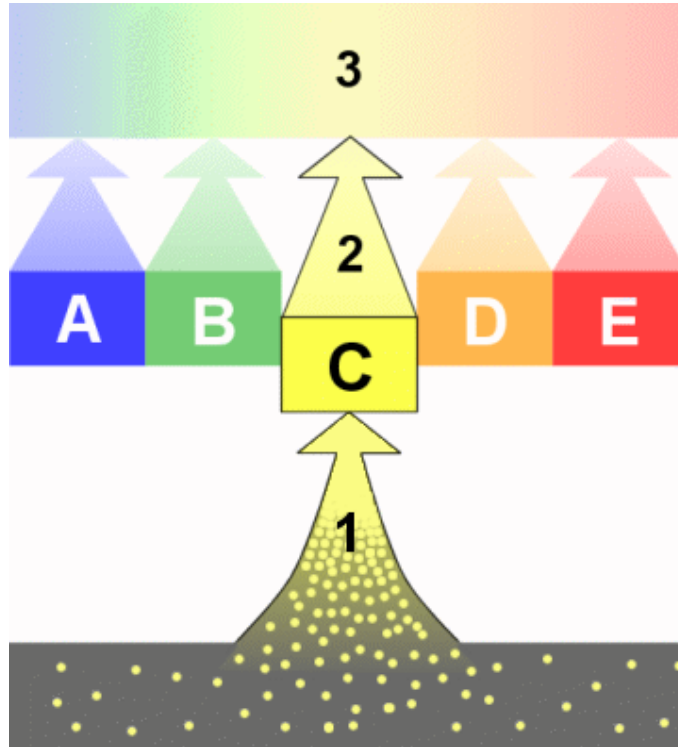
شرایطی خاص به نمایش می‌گذارند، اما این، چیز خاصی درباره‌ی مابقی زندگی آنها برای ما بازگو نمی‌کند. اینگونه مهر و نشانه‌ها، استفاده‌ی محدودی دارند و هرگز مناسب یا شایسته‌ی تعریف و تبیین وجود انسانی نمی‌باشند. هر زن و مردی خیلی بیشتر از صرفاً عضو این یا آن اقلیت بودن، می‌باشد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: مقدمه 6

شرایط، زمان، و مکان در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری یک اقلیت جنسی، و در این‌که کدام اقلیت جنسی از شانس به رسمیت شناخته شدن برخوردار است، تعیین‌کننده می‌باشند. مثلاً، یک اقلیت «گی و لزبین» در یونان باستان یا روم قدیم، به تصور هم نمی‌آمد، چون تماس جنسی با همجنس نه تنها مسئله‌ای نبود بلکه عادی و مسلم هم تلقی می‌شد. اقلیت «گی و لزبین» در اروپای سده‌های میانه هم قابل تصور نبود اما دلیل آن برعکس بود: تماسهای همجنسگرایانه آنچنان مذموم و محکوم بود، و همجنسگرایان با چنان شدتی سرکوب می‌شدند که دفاع از آنها به منزله‌ی نوعی خودکشی می‌بود. امروزه، بخشهای مختلف جهان، تصاویر متفاوتی نشان می‌دهند: در بعضی از کشورهای غربی، اقلیت «گی‌ها و لزبین‌ها» خیلی راحت مورد اعتراف و رسمیت اجتماعی قرار گرفتند و اکنون حقوق برابر خود را دارا می‌باشند. در بعضی دیگر از کشورها، مبارزه برای حقوق مدنی برابر همچنان ادامه دارد، و باز در برخی دیگر از کشورها مبارزه تازه شروع شده است. در آفریقای جنوبی، جفتهای همجنس حق ازدواج با هم را دارند، در اوگاندا، مجازاتی که قانون برای تماس جنسی دو مرد با هم تعیین کرده، زندان ابد می‌باشد. کشورهای مختلف، سیاستهای مختلفی در پیش گرفته‌اند، نه تنها در آفریقا، بلکه در آسیا و آمریکا هم همینطور. به علاوه، بعضی از این سیاستها و رویه‌ها در حال تغییر می‌باشند، و به این خاطر ارائه‌ی یک جمع‌بندی هم مشکل است. همین قضیه در مورد دیگر اقلیت های جنسی هم صدق می‌کند. بعضی از آنها فقط این اواخر در کشورهای غربی شروع به سازماندهی خود کرده‌اند: دوجنسگرایان (بایسکسوالها)، فتیشها، سادومازوخیستها، «ضربدریها»، ترانس و ستایتها، ترانس سکسوالها، و آسکسوالها. هنوز معلوم نیست که کدامیک و چه تعداد از این گروهها به موفقیت می‌رسند و کدامها دچار شکست و انحلال می‌شوند. این نیز معلوم نیست که کدامیک از آنها موفق می‌شوند به دیگر نقاط جهان هم گسترش یابند. اقلیت های جنسی واحدهای مطلق، ثابت، و ایستای انسانی نیستند. آنها، در شرایط و وضعیتهای دائماً متغیر اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرند و یا از بین می‌روند. ولی مسلماً، این به معنای تغییر در رفتارهای جنسی بشر نیست. چون رفتارهای جنسی بشر نتیجه‌ی پروسه‌ی تکامل طبیعی طولانی است و از زمانهای بسیار قدیم، در همه جا یکسان بوده‌اند. اما در طول تاریخ، برخورد اجتماعی جوامع مختلف در قبال این رفتارها تغییر کرده‌اند. در بخشهای زیر، آن دسته از اقلیت های جنسی که امروزه بهتر شناخته شده‌اند، معرفی می‌شوند. اما این را هم باید در نظر بگیریم که ممکن است تداخلاتی در آنها دیده شود، یا شاید افرادی حس کنند که به طور همزمان به چند اقلیت تعلق دارند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: مقدمه 6: یک شمای تصویری

شکل گیری و انحلال یک اقلیت جنسی



1. افراد منفرد مواجه با سرکوب جنسی، به همبستگی با هم رسیده و خود را به عنوان یک اقلیت تازه سازمان یافته، متشکل می کنند. (C)
 آنها سعی می کنند که جایگاه خود را در کنار دیگر اقلیت های «به رسمیت شناخته شده» ملی، نژادی، مذهبی و زبانی، به دست آورند. (A, B, D, and E)
2. اقلیت جنسی تازه، اهداف مشترکی با دیگر اقلیتها دارد - یعنی به عنوان یک عضو مساوی الحقوق جامعه به رسمیت شناخته شدن.
3. به محض به رسمیت شناخته شدن و مورد اعتراف قرار گرفتن، اقلیت ها در کل عام ادغام می شوند. بعضی از آنها رسوم و عادات خود را نگه می دارند و آنها را نمایش می دهند، اما به آنها به عنوان اجزائی از کاراکترهای فولکلوریک بی خطر نگریده می شود.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 1. گی ها و لزبین ها



مگنوس هیرشفلد
(1868 – 1935)

پزشک آلمانی و یکی از پیشگامان برجسته سکسولوژی است. او و تتی چند از دوستانش، در سال 1897، اولین سازمان «حقوق همجنسگرایان» در جهان را، به نام کمیته علمی – انسانی [\(Wissenschaftlich-humanitäres Komitee, WhK\)](#) تأسیس کردند.

وقتی که [مگنوس هیرشفلد](#) در سفر خود به دور دنیا، در سال 1931 به ژاپن رسید، مورد خطاب این سؤال یک پزشک ژاپنی قرار گرفت که: «چرا در آلمان درباره همجنسگرایی این همه صحبت می شود اما در ژاپن خبری از آن نیست؟» جواب هیرشفلد، حتی امروز هم، به راستی که ارزشمند و قابل تأمل می باشد: «همکار عزیز، به این خاطر که ما آن را ممنوع کرده ایم، و شما آن را رخصت داده اید.»

درحقیقت، خود هیرشفلد، از همان ابتدای شروع کار، به این موضوع پی برده بود که «مشکل همجنسگرایی» در اصل و اساس خود چیزی بیش از مقاومت جامعه در پذیرش واقعتهای جنسی، نمی باشد. قانون آلمان در مقابله با آمیزش جنسی مردان همجنسگرا با هم، ریاکاری و دورویی زیادی را به نمایش می گذاشت، بسیاری از شهروندان معروف، و مردانی در پستهای حساس را تهدید می کرد، و به رواج اخاذی، باج خواهی، افشاگری و رسواییهای عمومی منجر می شد. فرانسه، ایتالیا، و البته ژاپن هم، که چنین قانونی نداشتند، با هیچکدام از این مسائل مواجه نبودند. خلاصه اینکه، قانون آلمان نه تنها مفید نبود، بلکه به زیان کشور هم بود. به همین خاطر، در سال 1897، هیرشفلد به اتفاق چند نفر از دوستانش، اولین سازمان «حقوق همجنسگرایان» در جهان را، به اسم «کمیته علمی انسانی» [\(Wissenschaftlich humanitäres Komitee, WhK\)](#) بنیان نهادند. این سازمان طوماری با امضاهای بسیاری از افراد و شخصیتهای سرشناس (از جمله آلبرت اینشتین)، که در آن ایجاد اصلاح و تغییراتی در قوانین آلمان درخواست شده بود را، تهیه کرد و به مجلس آلمان ارسال نمود. هیرشفلد، در طول زندگی خود، شاهد تغییری در قوانین نشد. در سال 1994 یعنی صد سال بعد، خواسته او و دوستانش تحقق یافت.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 1. گی ها و لزبین ها 2



مبارزان «حقوق گی ها و لزبین ها» در ایالات متحده آمریکا

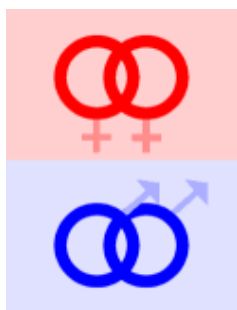
شرایط همجنسگرایان آمریکا نه تنها از شرایط همجنسگرایان آلمان بهتر نبود، بلکه شاید بدتر هم بود. آنها بعد از دهه ها مبارزه، موفق شدند به عنوان یک اقلیت اجتماعی مورد اعتراف و رسمیت قرار گیرند. در اینجا تصاویر چند تن از پیشگامان آنها آورده شده است.

از چپ: 1. هنری گلبر (1892 – 1972)، در بواریا (جنوب غربی آلمان) متولد شد و قبل از شروع جنگ جهانی اول به آمریکا مهاجرت کرد. او تحت تأثیر فعالیتهای مگنوس هیرشفلد در آلمان، در سال 1924 اولین سازمان «حقوق همجنسگرایان» در آمریکا، به نام «انجمن دفاع از حقوق بشر» را، در شیکاگو بنیان نهاد. این سازمان مجله ای به اسم «دوستی و آزادی» (Friendship and Freedom) منتشر نمود که یکسال بعد توسط نمایندگان و مسئولان ایالتی تعطیل گردید. 2. هاری های (1912 – 2002) آمریکایی بریتانیایی الاصل و از اعضای «انجمن ماتاچین» که در 1950 در لس آنجلس تشکیل گردید (دومین شکل مدافع «حقوق همجنسگرایان» در ایالات متحده). اسم «ماتاچین» به گروهها و دسته های رقص در سده های میانه فرانسه اشاره دارد که هنگام اجرای رقصهای نمایشی، صورت خود را با ماسک می پوشانند. تشکیل ماتاچین در سال 1953 انتشار «یک مجله» را شروع کرد و در سال 1955 «ماتاچین رویو» را منتشر نمود. 3. فیلیس لیون (متولد 1924) و دل مارتین (2008 – 1921) که هر دو در سانفرانسیسکو زندگی می کردند، در سال 1955 اولین شکل زنان لزبین در آمریکا را به نام «دختران بیلیتس» (The Daughters of Bilitis) به وجود آوردند. یکسال بعد، این شکل، مجله ارگان خود به نام «نردبان» (The Ladder) را منتشر نمود. اسم «بیلیتس» از یک کار هنری نویسنده فرانسوی، پیر لویس، به اسم «آوازهای بیلیتس» (1894) گرفته شده که ادعا می شود ترجمه اشعار شاعره ای یونانی که رقیب سوفو بوده است می باشد.

به دلیل قانون سودومی آمریکا، مردان همجنسگرای آن کشور هرگز از حقوق برابر برخوردار نشده بودند. به علاوه، هم مردان، و هم زنان همجنسگرا در آمریکا، از طرف جامعه روانپزشکی آن کشور به عنوان بیمار روانی شناخته می شدند، و رهبران مذهبی هم آنها را به عنوان گناهکار محکوم می کردند. اما با وجود این محدودیت سه گانه، فعالیتهای خستگی ناپذیر تعداد معدودی از افراد در ابتدای کار، که البته بعداً بر تعدادشان افزوده شد، به شکل یابی و ایجاد «جامعه گی و لزبین»، که به عنوان یک اقلیت تحت ستم از اعتراف عمومی برخوردار شد، منتهی گردید. (کلمه «گی» به معنی خوش، شاد یا رنگارنگ- به مرور در زبان محاوره ای آمریکا در قرن بیستم، یک معنی اضافی، یعنی «همجنسگرا»، هم به خود گرفت. کلمه «لزبین» از جزیره لزبوس- زادگاه شاعره یونانی سافو که اشعار عاشقانه ای برای دختران دانش آموز خود می سرود، گرفته شده است).

مبارزه برای «حقوق همجنسگرایان» در آمریکا، الهام بخش مبارزات مشابهی در بسیاری از کشورهای دیگر گردید. برخی از این جنبشها، با به کارگیری تاکتیکها و شعارهای مشابهی، حداقل به برخی از اهداف خود، و بعضی دیگر حتی به دست آوردهای بیشتری نسبت به همجنسگرایان آمریکا، دست یافتند. عاقبت، در سال 1973، انجمن روانپزشکی آمریکا کتاب راهنمای بیماریهای خود را مورد بازبینی قرار داده و در بازبینی آن، همجنسگرایی را از لیست بیماریها حذف نمود و در سال 2003 دادگاه عالی آمریکا قانون سودومی را ملغی اعلام کرد. در طی این مدت، تعداد زیادی از رهبران مسیحی و یهودی، همجنسگرایان را به عنوان جزئی از جامعه خود مورد پذیرش و اعتراف قرار داده ند. با این همه، تمام حقوق برابر هنوز به دست نیامده اند و شمای کلی در همه جا یکسان نیست: در برخی از شهرهای بزرگ، بیشتر تبعیضات کهنه اجتماعی رنگ باخته اند اما، در بخشهای بزرگی از کشور همچنان باقی مانده اند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 1. گی ها و لزبین ها 3



همه کشورها، دارای اقلیت جنسی گی و لزبین نیستند. اما این به معنای نبود رفتارهای همجنسگرایانه در بین آن جوامع نمی باشد. بعضی از کشورها از چنان درجه ای از فرهنگ صبوری، تحمل، احترام به دیگری، گشادگی نظر، رعایت حقوق دیگران و احترام به تنوعات برخوردارند که در آنها نیازی به سازماندهی چنین اقلیت هایی نیست، و کشورهایی هم آنچنان سرکوبگرند که در آنها، امکان ایجاد اینگونه سازمانها اصلاً وجود ندارد. ولی، در چند دهه اخیر، سیر کلی در بسیاری از نقاط جهان به سوی رواداری جنسی بیشتر سمت و سو داشته است. علت مسئله تا حدودی از این امر ناشی شده که دست اندر کاران سلامتی و بهداشت جوامع به این واقعیت پی برده اند که سیاست مؤثر پیشگیری از آیدز بدون به رسمیت شناختن رفتارهای همجنسگرایانه، عملی نمی باشد. چون تا زمانی که بخش بزرگی از مردم مجبور به دروغگویی و پنهان سازی منبع ابتلاء عفونتی خود باشند، طرح استراتژی و خطوط پیشگیری مؤثر، هم ممکن نمی شود، و در نتیجه همه در معرض خطر قرار می گیرند.

در حالیکه بعضی از گی ها و لزبین ها در جهان، در مراحل اولیه مبارزه در راه برابری حقوقی خود هستند، بعضی دیگر به دست آوردهای قابل توجهی دست یافته اند. در واقع، در اغلب کشورهای غربی، آنچه که فعلاً باقی مانده همانا قانونی شدن ازدواج همجنسگرایان می باشد. مخالفان این مسئله ادعا می کنند که معنای حقیقی ازدواج پرورش فرزندان است و به همین دلیل، باید مختص جفتهای غیر همجنس باقی بماند. اما، از آنجا که زنان یائسه همیشه حق ازدواج داشته اند، بعید به نظر می رسد که این بهانه در دراز مدت موفقیتی به دست آورد. به علاوه، بسیاری از همجنسگرایان زن و مرد در نتیجه رابطه های دگرجنسگرایانه، دارای فرزند می باشند و می خواهند که بعد از جدایی، در پرورش و تربیت فرزندان خود سهیم شوند. در ضمن، جفتهای لزبین از طریق لقاح مصنوعی و اهداء اسپرم هم بچه دار می شوند. با توجه به همین واقعیتها است که امروزه بعضی از کشورها، به جفتهای همجنس **حق کامل ازدواج** داده اند: آفریقای جنوبی، کانادا، بلژیک، اسپانیا و هلند. بعضی کشورهای دیگر هم، نه به طور کامل بلکه بخشی از **حقوق مرتبط با ازدواج را به جفتهایی که اتحاد خود را به ثبت مدنی رسانده اند**، اعطاء کرده اند: دانمارک، نروژ، سوئد، ایسلند، فنلاند، فرانسه، آلمان، پرتغال، جمهوری چک، اسلوانی، پادشاهی متحده (بریتانیا)، و نیوزلند. همینطور، برخی از کشورها، **روابط مشترک جفتهای همجنس که رابطه خود را به ثبت مدنی رسانده اند**، را با استفاده از قوانینی خاص به رسمیت می شناسند. در ایالات متحده آمریکا، در برابر ازدواج افراد همجنس، مقاومت شدیدی وجود دارد، اما برخی از ایالات به درجات متفاوتی از خواسته ازدواج همجنسگرایان حمایت می کنند. وضعیت ثابت نیست و متغیر می باشد، بنابراین ارائه یک لیست کامل هم امکانپذیر نمی باشد. تحولات تازه در وبسایت خاصی که در زیر آمده به ثبت می رسند.

http://www2.hu-berlin.de/sexology/ECE6/html/unions_and_partnerships_by_country.htm

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 1. دوجنسگرایان (بای سکسوالها)



پیشگامان جنبش دوجنسگرایان

دوجنسگرایان آمریکا که از طرف هر دو اردوی همجنسگرایان و دگرجنسگرایان تحت فشار بودند، در دهه 1970 میلادی شروع به سازماندهی خود کردند. در اینجا تصاویر دو تن از پیشگامان آنها آورده شده اند.
مارگریت روبینسون (متولد 1930)، یک درمانگر آمریکایی، نیروی مؤثری در تأسیس «مرکز دوجنسگرایان سانفرانسیسکو» (Bisexual Center in San Francisco) در سال 1970 بود. این اولین سازمان دوجنسگرایان بود که محل و مرکزی خاص خود داشت و انواع خدمات را ارائه می داد. قبل از آن، گروهی به اسم «گروه آزادی بخش ملی دوجنسگرایان» در سال 1972 در نیویورک تأسیس شده بود.
فریتز کلین (1932 – 2006)، روانپزشک آمریکایی و پیشگام جنبش دوجنسگرایان، در سال 1978 کتابی به اسم «The Bisexual Option» منتشر نمود که اولین پژوهش روانشناسانه مختص به دوجنسگرایی بود.

زمانی که گی ها و لزبین ها در تلاش برای کسب اعتراف اجتماعی به عنوان یک اقلیت بودند، اعضاء بالقوه خود را به خروج از انزوا و «پناهگاه» خود («از گنجه بیرون آمدن») تشویق می کردند و از آنها می خواستند که از تظاهر به دگرجنسگرا بودن دست بردارند و همجنسگرایی خود را علنی کنند. این مسئله، نتیجتاً، نسل بشر را به دو اردوگاه مانع الجمع – «همجنسگرا» یا «دوجنسگرا» و به قول آلفرد کینزی (به قلم خودش)، به «گوسفندان و بزها»، تقسیم می کرد. اما، این تقسیم بندی با حال و روزگار زنان و مردانی که از جهت جنسی (اروتیکی) به هر دو جنس گرایش داشتند، سازگار نبود. اینان که در واقع خود را از هر دو طرف، هم اقلیت همجنسگرا، و هم اکثریت دگرجنسگرا تحت فشار یافتند، هر دو گروه را یک سو نگر و «تک جنسگرا» (Monosexuals) نامیدند، و در مقابل شروع به سازماندهی خود به عنوان یک اقلیت مجزا کردند- دوجنسگرایان. دوجنسگرایان آمریکا با رشد و پا گرفتن جنبش خود، اولین کنگره ملی خود را در سال 1990 در سانفرانسیسکو برگزار کردند. پیوند شبکه ای با گروههای مشابه در کشورهای دیگر، به تشکیل اولین کنگره بین المللی دوجنسگرایان در سال 1991 در آمستردام انجامید، و کنگره های بعدی هم به دنبال آن آمدند. امروزه، جنبش دوجنسگرایان، انواع گروهها و افراد فراجنسی و فراجنسیتی (ترانس جندر) را در خود جای می دهد و کلاً خود را جزئی از کل جنبش آزادی بخشی می داند که قصد شکستن رسم و سنت تقسیم بندی جنسی قطبی گرایانه را دارد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 1. دوجنسگرایان 2

اولین [کنگره](#) علمی حول دوجنسگرایی، در سال 1990 در برلین برگزار گردید. کنگره به بررسی دوجنسگرایی از دیدگاه رشته های مختلف علمی پرداخت، از جمله از دیدگاه تاریخی و زیست شناسی (بیولوژی). در این مدت، یافته های اصلی کنگره به مقدار وسیعی مورد پذیرش قرار گرفته و در عمل اجرا می شوند؛ بخصوص در حوزه پیشگیری از بیماریهای مقاربتی و ایدز.



اولین کنگره علمی حول دوجنسگرایی در سال 1990 در برلین
مهمترین سند ارائه شده در این کنگره، به هر دو زبان آلمانی (در سال 1994) و انگلیسی (در سال 1998) منتشر گردیده است.
برگزار کنندگان کنگره، اروین ج. هیبرله و ر. گیندورف بودند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 3. «ضربدریها» (swingers)

طبق تعریف حاضر، «ضربدری»، «مشارکت افراد بالغ و خودمختار در یک خوشگذرانی اجتماعی-جنسی» می باشد. این، در عمل بدین معنا است که دو یا چند جفت دگرجنسگرا با هم به توافق می رسند که با شرکای جنسی همدیگر دست به مقاربت جنسی بزنند، یا شریک جنسی خود را در خانه یا محل (کلوبی) خاص، یا محل ملاقاتی، با دیگران قسمت کنند. در بسیاری از کشورهای غربی، احتمالاً ضربدریها را می توان اقلیت جنسی نامید؛ چون با مجلات، وبسایتها، کنفرانسها، شبکه ها و اساسنامه های محلی و ملی خود، از سازماندهی خیلی خوبی برخوردار می باشند. بعضیها حتی با هم طرازان خود در کشورهای دیگر، «شبکه های عشق» بین المللی به وجود می آورند و به دیدار هم می روند. تعدادی «کلوبهای ضربدری» تجارتی وجود دارند که حق ورودی می گیرند و محل (کلوب) خود را در اختیار علاقه مندان قرار می دهند. چنین به نظر می رسد که ضربدریها در عرصه های غیر جنسی زندگی خود، افراد محافظه کاری هستند. با این همه، «جامعه ضربدری» به هیچ وجه جامعه یکدستی نیست. اعضاء آن دارای پس زمینه های فرهنگی و تحصیلی بسیار متفاوتی می باشند.



یک نمونه عادی از آگهی یک کلوب ضربدری

در بسیاری از کشورها، جشن ها و تجمعات شبانه ضربدریها مرتباً برگزار می شوند. این مراسم در جاهای مختلفی، خانه های بزرگی در شهرها، یا خانه های بزرگ و مجللی در نقاط خارج از شهری با استخرهای شنا و جاکوزی، تا کلوبهای لوکس و تجملاتی، برگزار می شوند. معمولاً با توجه به قرارداد، فقط به جفتها (زن و مرد) و زنان مجرد، یا جفتها و مجردان به طور مختلط، و یا جفتها و زنان دوجنسگرا، اجازه ورود داده می شود. (برای پیشگیری از بازشناسی، اسم و جزئیات دیگری از آگهی فوق حذف شده اند، اما محتوای آن اصل می باشد.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 4 فتیش ها

همانطور که قبلاً اشاره شد، فتیشیسم، به سطح، درجه و میزان مسئله بستگی دارد، و محدودهٔ ابژه های احتمالی آن آنچنان وسیع و گسترده است که عملاً حد و مرزی نمی شناسد. و این یعنی، جمع کردن همهٔ فتیشیستها در زیر سقف یک جنبش بزرگ، عملاً غیر ممکن می باشد. با این حال، بعضی از چرم فتیش ها، و لاستیک و نایلون فتیش ها، وسعت و اندازهٔ گروههای خود را به حدی یافته اند که بتوانند خود را به عنوان یک اقلیت جنسی متشکل کنند و محلها، کلوبها، فروشگاهها، مجلات، وبسایتها و سازمانهای محلی، منطقه ای، ملی و کنگره های بین المللی خود را داشته باشند. بر این اساس، آنها خرده فرهنگ خاص خود را به وجود آورده اند، و در مواردی، از طریق سلیقه و مدهای خود در دنیای تبلیغات، بر ذوق و سلیقه های عمومی تأثیر می گذارند و آن را با خود دمساز می کنند.



یک نمونهٔ عادی از آگهی کنفرانسهای چرم فتیشی در بسیاری از کشورهای غربی، چرم فتیشها در سطح محلی، کشوری و بین المللی متشکل شده اند. اعضاء این تشکلات ممکن است دگرجنسگرا، همجنسگرا، و یا مختلط باشند. (برای پرهیز از بازشناسی، طرح، اسم و جزئیات دیگر در آگهی فوق تغییر داده شده اند، اما محتوای اصلی آن دست نخورده باقی مانده است.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 5 سادومازوخیستها

در مورد اقلیت های چرم فتنیش و سادومازوخیستها نوعی تداخل مرزی دیده می شود. زنان و مردان بسیاری به طور همزمان به هر دو رفتار جنسی علاقه مندند. در نتیجه، برخی گروههای سازماندهی شده، هر دو گروه را دربر می گیرند. ولی، سازمانهایی هم هستند که فقط مختص «اسارت و گوشمالی» (بونداج و دیسپلین = بی دی)، و «اس. ام.» (سادومازوخیسم) می باشند. آنها وبسایتها و مجلات خاص خود را دارند و بسیاری از آنها جلسات محلی، ملی و بین المللی برگزار می کنند. بعضی از این گروهها به فعالیتهایی با هدف روشنگری عمومی درباره خود هم، دست می زنند و برخی دیگر صرفاً روی ایجاد امکانات و تسهیلات برای اعضاء خود تمرکز می کنند.



Bringing BDSM lifestyle people together

We hold monthly meetings and regular workshops covering various aspects of safe, sane, consensual, and fun BDSM play.

We also hold regular social gatherings, special events, play parties, and fundraisers.

**Why be alone
when you can meet someone with your interests in a safe environment.**

یک نمونه عادی از وبسایت یک سازمان «بی. دی. اس. ام.»
حروف بی دی اس ام مخفف بونداج و دیسپلین، و سادومازوخیسم هستند. گروههای مختلفی تحت این نام متشکل شده،
وبسایتهای خاص خود را دارند، انواع خدمات حمایتی و آموزشی به اعضاء خود ارائه می دهند، و زمینه مساعدی جهت یافتن
شریک جنسی مناسب، برایشان فراهم می آورند. (برای پرهیز از بازشناسی، طرح و جزئیات دیگر در آگهی فوق تغییر داده شده
اند.)



مگنوس هیرشفلد
(1868 – 1935)

اصطلاحات «ترانس

وستایت» و «ترانس وستیسیم» را
ابداع نمود. (لاتین؛ ترانس به

معنی طرف دیگر و وستیس یعنی

لباس). قبل از او، مردم لباس

جنس مخالف پوشیدن را معادل

همجنسگرایی می دانستند.

هیرشفلد که علاقه علمی خاصی

به «مراحل میانی جنسی»

“sexual intermediate

stages” داشت، از طریق

مطالعات عمقی خود به خطا بودن

این دیدگاه پی برد. به این خاطر

او، واژه های تازه ای ابداع نمود

که مرزبندیهای لازم را ارائه می

دادند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 6 ترانس وستایت ها

اصطلاح «ترانس وستایت» در سال 1910 توسط مگنوس هیرشفلد ابداع، و به کسی که بنا به عادت لباس جنس مخالف می پوشید، اطلاق گردید. در آن زمان، پژوهشگران و محققان هنوز به روشنی تمایز بین رفتارهای جنسی (نقشهای جندری)، و گرایش جنسی را مشخص نکرده بودند، در نتیجه، مردانی که لباس زنانه می پوشیدند، به سادگی به عنوان «همجنسگرا» دانسته شده، و با همجنسگرایان در یک گروه بندی گنجانده شدند. اما بعدها، هیرشفلد مجبور به پذیرش خطای خود گردید. چون درحقیقت معلوم شد که اگر نه همه، ولی اکثر افرادی که لباس جنس مخالف می پوشیدند، گرایش جنسی دگرجنسگرایانه داشتند. در نتیجه، واژه جدیدی که معرف آنها به عنوان یک گروه باشد، لازم بود. در واقع، همانطور که بعداً مشخص شد، ترانس وستایتها یک گروه متجانس نبودند. با نگاهی دقیق تر به آنها مشخص شد که ترانس وستایتها فقط دگرجنسگرا و همجنسگرا نیستند بلکه ترانس وستایتهای زن و مرد هم وجود دارند. به علاوه، بعضی از آنها فقط هرازگاهی، و بعضی دیگر اغلب اوقات، و آنهم به دلایل مختلفی، لباس جنس مخالف می پوشند؛ کوتاه سخن این که، وقتی پژوهشگران به مطالعه ترانس وستیسیم به عنوان پدیده ای در خود، پرداختند، با نوعی از رفتار جنسی چند بعدی رو به رو شدند که تمایزات و دسته بندیهای جدیدی می طلبید.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 6 ترانس وستایت ها

واژه ها

تمایزات و مرزبندیهای اولیه هیرشفلد، با گذر زمان، او را به مرزبندیهای جدیدی رهنمون گردیدند. برای مثال، او بعدها واژه «ترانس سکسوالیسیم» را هم مرسوم کرد، و بعد از او، دیگران تحقیقات در این زمینه را ادامه دادند. به هر حال، امروزه، چندین گروه متفاوت از افرادی که لباس جنس مخالف می پوشند، از هم باز شناخته می شوند.

1- ترانس وستایت ها (تی وی - ها) افرادی هستند که گهگاهی، مرتباً، و یا دائماً، لباس جنس مخالف می پوشند و همینطور رفتار، حرکات و ادا و اطوار جنس مخالف را هم در پیش می گیرند. ولی این رفتار، بازتابی از احساس هم هویتی آنان با جنس مخالف نمی باشد، بلکه بالعکس، درحالیکه ترانس وستایت ها هیچ شک و شبیه ای در مورد مرد یا زن بودن خود ندارند، اما آنها از ایفاء نقش جنسی مخالف هویت جنسی خودشان لذت می برند. در مورد مردان ترانس وستایت، می توان از تقلید زنانگی (Gynemimesis) و در مورد زنان ترانس وستایت می توان از تقلید مردانگی (Andromimesis)، سخن گفت.

2 - ترانس وستایت های فتشیسیت (ترانس وستوفیلی هم نامیده می شوند) کسانی هستند که با پوشیدن لباس جنس دیگر به نوعی تهییج و برانگیختگی جنسی دست می یابند.

3 - ترانس سکسوالها (تی اس ها) افرادی هستند که تلقی شان از مرد یا زن بودن خود، با فیزیک جنسیشان مطابقت ندارد. آنها در بدن «اشتباهی» خود احساس راحتی نمی کنند و می خواهند ظاهر خویش را

مطابق با درون و باطن حقیقی خود در آورند. بعضی از آنها خود را به عنوان یک اقلیت جنسی سازماندهی کرده اند

4 - اینترسکسوال یا اینترسکس ها کسانی هستند که در رابطه با اندامهای جنسی خود، با نوعی عدم تعادل فیزیکی متولد شده اند و نیازمند دخالت پزشکی برای رشد به سمت زن یا مرد شدن، می باشند. در دهه های اخیر، اصطلاح «دگرپوشی» (cross-dressing) عامه پسند شده است، چون خیلی راحت به رفتاری، بدون اشاره به عادت یا هدفی خاص، اشاره می کند. به همین دلیل می تواند در مورد همه انواع مورد اشاره در فوق، و حتی موارد دیگر (مثلاً دگرپوشی در مراسمی خاص هم)، به کار رود. در عوض، اصطلاح «ترانس جندر» هرچند که عمومی است اما، به نوعی انشعاب آگاهانه از نقشهای جنسیتی مؤنث و مذکر را تداعی می کند. اصطلاحات «ترانس جندریسم» و «ترانس جندرها» در ابتدا به ترانس سکسوالهایی که علاقه ای به تغییر جنسیت نداشتند و ترجیح می دادند که «بین دو جنس» باقی بمانند، اطلاق می شد. امروزه، این واژه کاربرد وسیع تری دارد، و هر رفتاری که در چارچوب تعاریف سنتی از زنانگی و مردانگی نمی گنجد، را شامل می شود. چنین رفتارهایی در افراد بسیار زیادی و در طول گستره وسیعی از رفتارهای جنسی دیده می شوند. پس ممکن است دگرپوشی در آن دخیل باشد یا نباشد، ولی کلاً به نوعی بیانگر نفی نقشهای جنسیتی سنتی می باشد.

در انتها، لطفاً توجه شود که نقشهای جنسیتی (جندر) و گرایش جنسی دو موضوع از هم مجزا می باشند. به همین دلیل، در اینجا چیزی درباره گرایش جنسی افراد مطرح نشده است، و آنچه که در فوق آورده شد، ربطی به گرایش جنسی افراد هیچکدام از گروههای نامبرده ندارد. این افراد ممکن است دگرجنسگرا، همجنسگرا و یا دوجنسگرا باشند.



سمبل ترانسجندر

ادغام نشانه بیولوژیکی زن و مرد و افزودن پیکان قطع شده به آن به عنوان معجونی از هر دو جنس.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 6 ترانس وستایت ها واژه ها 2: یک کاربرد ویژه

در برخی از کشورها، اصطلاح «ترانس وستایت» به مردان مذکر تن فروشی که لباس زنانه می پوشند و ادا و اطوار زنانه در پیش می گیرند، اطلاق می شود. اما، چنین استفاده ای از این واژه، با کاربردی که مد نظر جنسیت پژوهان (سکسولوگها) است، فرق دارد. در واقع، مردان تن فروش مورد نظر - که اغلب جوان می باشند - لباس جنس مخالف را برای لذت بری جنسی نمی پوشند بلکه صرفاً به دلایل مالی این کار را انجام می دهند. آنها با پوشش زنانه خود، مشتریهای خاصی را به سمت خود جلب می کنند؛ یعنی مردان همجنسگرایی که حتی در خلوت خودشان هم قادر به اعتراف به همجنسگرا بودن خود نیستند. این مردان، بیشتر به دنبال مردانی هستند که لباس زنانه بر تن کرده اند و در بین این زنانه پوشان هم، بیشتر به دنبال آنهایی که ادا و اطوار زنانه غلیظ تری از خود نشان می دهند، می گردند. با این کار، این مردان همجنسگرایی مخفی به خود می قبولانند که وارد رابطه همجنسگرایانه نشده اند و رفتار همجنسگرایانه از آنها سر نزده است. درحقیقت، این افراد بر این باور و تصورند که تماس جنسیشان با «ترانس وستایت ها»، «مردانگیشان» را تأیید و تقویت می کند.

البته این پدیده اغلب در جاهایی دیده می شود که همجنسگرایی را مترادف زنانگی و ادا و اطوار زنانه می دانند، و «مکتب خاصی از مردانگی» ارج نهاده می شود. برای مثال، در کشورهای مدیترانه و آمریکای لاتین. این افراد تن فروش، ممکن است در معنای علمی کلمه «دگرپوش» باشند یا نباشند، ممکن است با زنانگی و نقشهای جنسیتی زنانه دمساز باشند یا نباشند، و علاقه اروتیکی آنها ممکن است همجنسگرایی،

دگرجنسگرایی، یا دوجنسگرایی باشد. اما در تن فروشی، مسئله اصلی آنها نه «سکس»، بلکه پول می باشد. ولی جالب اینجاست که مشتریهای «مرد» این تن فروشان «ترانس وستایت»، ترجیح می دهند که «مفعول» باشند و هنگام آمیزش جنسی دخولی، «دریافت کننده» باشند، و نقش «فعال» و «فرو کننده» را به عهده «ترانس وستایت» می گذارند. توجه به این یافته ها، در امر برنامه ریزی جهت پیشگیری از گسترش ایدز، بسیار مهم می باشد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 6 ترانس وستایت ها یادداشتی تاریخی

همانطور که در دوره اول آموزشی (1) گفته شد، تقسیم بندی و مرکزکشی خشک و جامد بین زن و مرد همیشه بر فاکتورهای زیست شناختی منطبق نیست. چون به هر حال، «تفاوتهای جنسی، همانا تفاوتهای درجه ای می باشند.»

در عالم واقع، استثناها، یعنی رشد نامتعارف فیزیکی و روانی، همیشه وجود داشته و دارند. واکنشهای اجتماعی به این استثناها، همیشه از یک دوره تاریخی و منطقه جغرافیایی به دوره و منطقه ای دیگر متفاوت بوده است. بعضی از جوامع در امر پوشش و رفتارهای زن و مرد، استانداردهای خشک و تنگ نظرانه ای دارند و افرادی که توان و یا میل فرار گرفتن در چارچوب آن نرمها را ندارند، را بر نمی تابند. بعضی دیگر از جوامع، با اعطاء شأن و مقامی خاص به این گونه افراد، آنها را به نوعی مورد پذیرش قرار می دهند، و باز جوامعی دیگر، خیلی راحت هر انسانی را، چه عادی و چه غیر عادی، به عنوان عضو تمام عیار جامعه به رسمیت می شناسند.

درحقیقت، برای عدم همنوایی و انطباق جنسیتی (gender non-conformity) دلایل بسیار زیادی وجود دارد. بعضی از این دلایل ریشه زیست شناسی دارند - بدن فرد با توقعات عمومی انطباق ندارد، و برخی دیگر ریشه روانی دارند؛ یعنی فرد با نقشهای جنسیتی منطبق بر نرمهای اجتماعی، احساس راحتی نمی کند. بعضی از جوامع در مراسمی خاص، به «دگرپوشی» اجازه می دهند. یا حتی در شرایطی خاص توقع می رود که کسانی «دگرپوش» شوند - در موسم کارناوالها، در مراسم بالماسکه، و روی صحنه های تئاتر. و سرانجام، ما می دانیم که برخوردهای اجتماعی می توانند عوض شوند و درحقیقت همراه با گذر زمان، دچار تغییر و تحول می شوند. به هر حال، مسائل و قضایای مربوط به سکس و نقشهای جنسیتی فراوانند و بسیار پیچیده تر از آنند که در اینجا بتوان به طور تمام و کمال به آنها پرداخت. با این همه، در زیر، شمای تاریخی کوتاهی از حداقل بعضی از ابعاد دگرپوشی معرفی می شود.

(1) - شماره 4 فصلنامه جنسیت و جامعه ترجمه کامل همین دوره اول می باشد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 6. ترانس وستائیتها مردان دو روحی

در بسیاری از فرهنگهای پیش نوشتاری، افراد نابغه به عنوان جادوگر، یعنی رابط بین طبیعت و جهان روح عمل می کردند. جادوگری، نوع قدیمی مذهب است و زمانی، در همه جهان رواج داشت. امروزه جادوگری فقط در جاهای محدودی رواج دارد، اما نفوذ و رد پای آن را می توان در مذاهب دیگر یافت. جادوگران، متخصص مسائل ماوراء الطبیعه هستند و قادر به تعبیر خواب می باشند. آنها شفابخشی می کنند و به ایل و قبیلۀ خود فوائد زیادی می رسانند. اغلب جادوگران، مرد هستند و در بسیاری از فرهنگها، مردان «دو روحی» - دارای یک روح مردانه و یک روح زنانه- نامیده می شوند. در واقع، این روح زنانه آنهاست که در رفتار و حرکات زنانه ای که آنها در پیش می گیرند، لباس زنانه ای که می پوشند، و «ازدواجی» که با یک مرد انجام می دهند، خود را بروز می دهد. بسیاری از قبائل آمریکایی، مردان «دو روحی» را به رسمیت می شناختند و با آنها با احترام زیادی برخورد می کردند. ناظران غربی این مردان را «بردش» *Berdache* می نامند. (لغت فرانسوی که از کلمۀ عربی «ابقی الصبی» به معنی «پسر جوان مانده» گرفته شده است).



بردش بومی
آمریکایی
از پیش نویس
«رقصی برای برداش»
توسط جورج
کاتلین (1872 -
1796)

این واژه غلط انداز، حالا دیگر جا افتاده و همه گیر شده است چون مردم اصل آن را به یاد نمی آورند.

«بردش»، نقش یک شفابخش، معلم، رهبر معنوی و پیغمبر را داشت. او به عنوان یک «مرد-زن» از مقام والایی در جامعه برخوردار بود و به راحتی در هر دو دنیای مردان و زنان رفت و آمد می کرد.

در هندوستان، گروه دیگری از مردان هستند که نقشهای جنسیتی زنانه را در پیش می گیرند و هیجرا نامیده می شوند. هیجراها، گاهی «جنس سوم هند» هم نامیده می شوند. این مردان که مذکر بودن خود را رد می کنند، به وسیلۀ جراحی آلت جنسی خود را قطع کرده و به اجتماع هیجراها، که کمکهای حمایتی به آنها می دهد، وارد می شوند. این اجتماع مثل خانواده بزرگی می ماند، و درآمد خود را از طریق رقص و آواز در جشنها و عروسیها به دست می آورد. بسیاری از هیجراها به شغل روسپیگری هم می پردازند. همه آنها به عنوان اقلیت برخوردار از استعداد معنوی و روحانی خاصی شناخته می شوند. آنها، به وسیلۀ نیرو و قدرت خدای مادرانه شان، «باهوچارا ماتا» (*Bahuchara Mata*) می توانند دیگران را شفا دهند و یا لعن و نفرین کنند. بنا بر همین خصوصیت، موقعیت آنها از یک بعد مذهبی هم برخوردار است. ولی، مدرنیزاسیون سریع هند در چند دهه اخیر، پایه های سنتی این اقلیت را تحلیل برده و در نتیجه آن را هرچه بیشتر به حاشیه رانده است.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 6. ترانس وستائیتها سنتهای تناتری

در تناتر، پوشیدن لباس جنس مخالف، سابقه دیرینه ای دارد. در طول قرنها، زنان در بسیاری از کشورها حق رفتن به روی صحنه را نداشتند، و در نتیجه نقشهای زنان به وسیلۀ مردان یا پسران اجرا می شد. برای مثال «اپرای پکن»، و کابوکی ژاپن دو مورد از این نمونه اند. در کشورهای غربی، معروفترین نمونه ها، تناتر انگلیسی در دوران شکسپیر می باشد. در نمایش تناترهای او و هم عصرانش، نقشهای مربوط به زنان توسط «پسران بازیگر» اجرا می شدند؛ یعنی پسران جوانی که در سن و سال دوران بلوغ بودند و می توانستند به طور قانع کننده ای در نقشهای اوفیلیا، جولیت، کلوپاترا، و خانم مکبث ظاهر شوند. بعدها، در اواخر قرن هفدهم، زنان خواننده و هنرپیشه به تناتر راه داده شدند اما، بزرگترین هنرپیشگان اپرا، همانا خواجه ها بودند، یعنی افراد مذکر اخته شده ای که صدای بلندی داشتند. زمانیکه در قرن نوزدهم، آن صداهای بلند مردانه دیگر نایاب شدند، عکس قضیه اتفاق افتاد؛ یعنی در تناتر، زنانی در لباس مردانه، به قول معروف

در «نقشهای شلواری» جای آن خواجه ها را گرفتند. با این حساب، بعضی از آهنگسازان، از این موضوع استفاده کرده و آگاهانه، چنین نقشهایی را در اپراهای خود می گنجاندند. نمونه دیگری از دگرپوشی تئاتری، پانتومیمهای کریمس بریتانیا می باشند که در آنها، نقش شاهزاده دلربا توسط یک زن، و نقش «پسر اصلی» به وسیله یک دختر اجرا می شود، یا نمایش «پیتر پان» (Peter Pan) که در آن یک زن، نقش مرد (پیتر) را اجرا می کند، یا برنامه تلویزیونی «دایم ادنا» که در آن، مردی در نقش یک زن ظاهر می شود. ولی با این همه، این نوع دگرپوشی تئاتری، به عنوان ترانس وستیسیم در معنای مدرن کلمه، تلقی نمی شود، و هیچ چیزی درباره علائق جنسی، یا رفتار و اعمال جنسی این افراد بازگو نمی کند. هرچند که با اطمینان نمی توان گفت، اما، ایفای این نقشها به احتمالی هیچ گونه اهمیت جنسی ویژه ای برای اجراکنندگان دربر نداشته است. البته همجنسگرایی برخی از هنرپیشه های معروف آسیایی که به اجرای نقش زن در تئاتر و نمایشها می پرداختند، موضوع آشنایی بوده است، اما «مشیت نمونه خروار» دانستن آنها کاملاً اشتباه است. این نوع دگرپوشی برای اکثر هنرپیشه ها، چه در گذشته و چه در زمان حال، صرفاً یک حرفه و شغل هنری بوده و می باشد. موضوع شاید در مورد بعضی از مجریان مدرن «که به نقش زن در آمده» و در شوهای به اصطلاح «تراوستی» ظاهر می شوند، فرق کند، ولی در این حالت هم نباید ذهنیت و برداشت خاصی از هویت کیستی آنان، یا علاقه شهوانی و اروتیکی، یا گرایش جنسیشان، نتیجه گیری شود. ممکن است وجه اشتراک حیات هنری آنها و زندگی و واقعیشان خیلی کمتر از آن چیزی باشد که در ظاهر جلوه می کند.



دگرپوشی در تئاتر و نمایش

از چپ به راست: پسر هنرپیشه ای در حال اجرای نقش خانم مکبث، در نمایشنامه شکسپیر. پسر هنرپیشه ای در حال اجرای شاهزاده خانم در «اپرای پکن»، پسر هنرپیشه ای در حال اجرای نقش زنانه ای در کابوکی ژاپنی، زنی در رل «نقش شلواری» اوکناویان در اپرای «سوارکار گل سرخ» ریشارد اشتراوس.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 6. ترانس وستایتها دگرپوشان معروف و مشهور



دگرپوشی و جنگ

سمت چپ: اشیل (یا اخلیوس قهرمان داستان ایلیاد هومر) در لباس زنانه، اسلحه را بلند کرده است. (موزائیک روم کهن). وسط: هوا مولان، خود را برای نبرد آماده می کند. (از یک نقاشی چینی گرفته شده است). سمت راست: «جون د آرک» در لباس نظامی. (به فرانسه ژاندارک نامیده شود. او زنی بود که در جنگهای صد ساله سردار ارتش فرانسه بود و نیروهای تحت فرمان خود را به پیروزیهای درخشانی رساند. او بعدها دستگیر و به انگلیس تحویل داده شد، که انگلیسی ها بعد از محاکمه، او را آتش زدند. م.)

هم در تاریخ و هم در افسانه ها نمونه های فراوانی از دگرپوشی دیده می شوند. برای مثال، چون مادر جنگجوی افسانه ای، اشیل (قهرمان داستان ایلیاد هومر. م)، می ترسید که پسرش در جنگ تروا (تروژن) کشته شود، لباس دخترانه به او پوشاند و او را در بین دختران پادشاه پنهان نمود. اما، ادیسه از طریق گذاشتن جواهرات و سلاح در انبار بزرگ کاخ، او را کشف کرد. چون تنها «دختری» که به سمت اسلحه رفت و آن را برداشت، اشیل بود. او بلافاصله به جبهه دعوت شد و سرانجام هم در جنگ به قتل رسید. چهره معروف دیگر، باز هم احتمالاً شخصیتی افسانه ای، دختری به اسم هوا مولان، قهرمان یک شعر قدیمی چینی است که لباس مردانه پوشیده و در ارتش جای پدرش را می گیرد. قهرمانیهای او در جنگ زیانزد همه می شود اما، او مدالها و القاب افتخاری اهدایی را رد می کند و به زادگاه خود برمی گردد و مثل یک دختر معمولی زندگی عادی خود را ادامه می دهد. یک مثال تاریخی زنده و حقیقی، یک دختر روستایی قرن پانزدهم به نام ژاندارک (به انگلیسی «جون آرکی») (Joan of Arc) می باشد، که در جنگ بین فرانسه و انگلستان، رهبری ارتش فرانسوی را به عهده داشت و فرانسه را به پیروزی رساند. او عاقبت به وسیله دشمن دستگیر، به جرم ارتداد محاکمه و به طور زنده، به آتش افکنده شد.

ولی، علاوه بر این شخصیتهای قهرمان، نمونه های بسیار فراوانی از زنان عادی وجود دارند که لباس مردانه پوشیده و وارد ارتش شده اند. در اکثر اوقات، کسی به جنس واقعی آنها تا زمانی که خودشان اعلام نمی کردند، پی نمی برد. نمونه هایی از این دست تا قرن بیستم گزارش شده اند. امروزه، ارتشهای زیادی، سرباز زن می پذیرند و نیازی به پنهانسازیهای گذشته نیست.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 6. ترانس وستایتها دگرپوشان معروف و مشهور 2

همانطور که تکرار و تأکید گردیده، افراد به علل و دلایل مختلفی، و به مدت زمانهای متفاوتی، لباس جنس دیگر را می پوشند. این رفتار برای بعضیها هر از گاهی است، و برای برخی دیگر، عادت می باشد. در اغلب اوقات، این افراد دگرپوش، شهروندان عادی جامعه هستند که زندگی روزانه خود را می گذرانند. اما شخصیتهای تاریخی معروفی که دگرپوشی شان معروف همه بوده، هم وجود داشته اند. مثلاً نمونه شوالیه دژون (Chevalier d'Eon)، برای روانشناسان قرن نوزدهم آنچنان جالب بود که آنها واژه اتونیسیم (eonism) که بعدها «ترانس وستیسیم» خوانده شد، را برای آن به کار بردند. به هر حال، دلیل زنانه پوشی او معلوم نیست. حداقل در ابتدا، شاید او به خاطر پنهانکاری در مأموریتهای جاسوسی خود، لباس زنانه می پوشیده، ولی شاید

هم او، در آن دوران که مفهوم ترانس ناشناخته، و جراحی تغییر جنسیت ممکن نبود، یک ترانس سکسوال بوده است. نویسنده زن فرانسوی، ژرژ ساندر (جرج ساندر)، که معشوقه مردان معروف زیادی بود، در اوائل شروع حرفه خود، به دگرپوشی به عنوان بازتابی از روح آزاد و شورشگر خود، رو آورد. خانم ردکلیف هول (Radclyffe Hall)، که از جهت جنسی به زنان گرایش داشت، در آنچنان دورانی می زیست که رابطه دو زن لزبین، در قالب رابطه زن و مرد دیده می شد، یعنی یکی از آنها حتماً باید نقش «مرد» (بوچ)، و دیگری نقش «زن» (فمه)، را به عهده می گرفت. ایفای نقش «بوچ» با خوی ردکلیف تجانس داشت.



ره‌گزینی نقش‌های جنسیتی

از چپ به راست: شوالیه دژون بیومونت (1810 – 1728)، دیپلمات فرانسوی که شمشیر باز پرآوازه ای هم بود. از جهت فیزیکی مذکر بود اما گاهی به عنوان مرد (سمت چپ)، و گاهی به عنوان زن (سمت راست) زندگی می کرد. او در هر دو نقش، دلاوریهای دفاعی خود را به اثبات رساند. ژرژ ساندر (1876 – 1804)، برای نوبستندگی خود یک نام مستعار مردانه انتخاب کرد، و در دوره ای هم، با پوشیدن لباس مردانه و کشیدن سیگار، تهمتهای همصرانش را به جان خرید. ردکلیف هول (1943 – 1880)، بریتانیایی و نویسنده داستان پرنفوذی به اسم «چاه تنهایی»، در انظار با ظاهری مردانه ظاهر می شد. («چاه تنهایی» در بخش انگلیسی کتابهای وبلاگ جنسیت و جامعه موجود می باشد. م.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 6. ترانس وستایتها: تشکلات

ترانس وستایتها، اقلیت نسبتاً کوچکی را تشکیل می دهند و در نتیجه، سازمانها و تشکیلات آنها هم نسبتاً کوچک می باشند. تشکلات آنها اغلب محلی یا منطقه ای می باشند. هرچند که بسیاری از آنها از خدمات و حمایت **انجمن های ملی یا بین المللی** هم سود می جویند. اما با این وجود، بعضی از گروههای ترانس وستایت، مجلات، تجمعات، فعالیتهای آموزشی و وبسایتهای خاص خود را دارا می باشند. این گروهها خدمات مهمی به اعضاء و همسران آنها، ارائه می دهند. خانواده های این افراد، اغلب رفتار آنها را درک نمی کنند، اما، از دیدار با خانواده هایی که در وضعیت مشابهی هستند، سود می برند. (این دیدار و ملاقاتها می توانند با کمک و همکاری گروههای ترانس وستایت ترتیب داده شوند.) در زیر نمونه ای از آگهی این نوع گروهها دیده می شود.



Membership Shopping Styling Events Courses Advice

囍 DTL 囍

Double Truth and Love

We are a registered association helping transvestites to blend into society.
We arrange social get-togethers and also teach several courses.
We help members to purchase clothes, wigs and other feminine accessories from suitable establishments.
Our membership consists of male heterosexual cross-dressers and some wives or significant others.
We are a social club for those who have accepted and are comfortable with their cross-dressing.
We are not a sex club or dating service and will not respond to solicitations.

نمونه ای از سایت یک گروه ترانس وستایت
بسیاری از گروههای ترانس وستایت، وبسایتها، گردهمایی ها و فعالیتهای آموزشی و اطلاع رسانی خاص خود را دارا می باشند. آنها امکانی برای همیابی افراد هم فراهم می آورند. (برای پیشگیری از بازشناسی، اسم، طرح و جزئیات دیگری از آگهی فوق حذف شده اند، اما محتوای آن اصل می باشد.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها

واژه «ترانس سکسوالیسم»، اولین بار در یک مطلب علمی منتشره در دهه 1920، به کار برده شد، اما با انتشار کتاب «پدیده ترانس سکسوال» (1) در سال 1966 به وسیله **هاری بنیامین**، رواج بیشتری یافت. بنیامین اولین کسی بود که با هدف روشنگری عمومی، و تقسیم بندی سیستماتیک جهت کمک به خود افراد، به مطالعات و پژوهشهای گسترده ای حول ترانس سکسوالیسم دست یازید. ایده های او توسط همکاران جوانش، گسترش داده شدند و آنها انجمنی به اسم او به وجود آوردند که امروزه تحت نام انجمن جهانی متخصصان بهداشت ترانس جندر (**The World Professional Association for Transgender Health (WPATH)**) معروف است. مسائلی که در این قضیه دخیل می باشند، آنچنان پیچیده اند که در اینجا اجازه ورود به بحث را نمی دهند، ولی در یک دوره آموزشی خاص مربوط به جندر، مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت. با این وجود، در اینجا، اطلاعات محدودی ارائه می گردند که ممکن است در جهت درک اینکه چرا بعضی از ترانس سکسوالها خود را به عنوان یک اقلیت سازماندهی کرده اند، سودمند باشند.



هاری بنیامین (1986 - 1885)

پزشک آمریکایی آلمانی
الاصیل، از هواداران و رهروان
پزشک اتریشی متخصص غدد
داخلی، اوینگن اشتاین باخ، و از
دوستان مگنوس هیرشفلد، اولین
پژوهشها و مطالعات عمقی و
گسترده حول ترانس سکسوالیسم را
به نگارش درآورد.

(1) - «پدیده ترانس سکسوال» در بخش انگلیسی کتابهای وبلاگ جنسیت و جامعه
موجود می باشد. م.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها واژه ها

واژه «ترانس سکسوالیسم» (لاتین: ترانس یعنی فرا، طرف مقابل، و Sexus یعنی جنس) در سال 1923 به وسیله مگنوس هیرشفلد ابداع گردید و به مرور مورد پذیرش تعدادی از متخصصانی که در پی مشخص کردن زیر مجموعه ای از ترانس وستایتها بودند، قرار گرفت. سرانجام، کلمه «ترانس سکسوال» به مرور وارد زبان روزمره گردید و معنی امروزی خود را به دست آورد. بر اساس کاربرد فعلی، چیزی شبیه تعریف زیر به طور وسیعی پذیرفته شده است:

ترانس سکسوالها (تی اس)
افرادی هستند که درک و تلقیشان
از خود به عنوان زن یا مرد در
تضاد با جنس فیزیکیشان قرار
می گیرد. آنها در بدن «اشتباهی»
خود احساس راحتی نمی کنند، و
به این خاطر سعی بر آن دارند
که ظاهر بیرونی خود را با آن
عمیق ترین اعتقاد درونی خویش
انطباق دهند.

ولی با این حال، واژه «ترانس سکسوال» اغلب به عنوان یک لغت گمراه کننده، به دو دلیل مورد انتقاد قرار گرفته است:

1- فرد مزبور، مشکل «جنسی» ندارد، بلکه مشکل او جنسیتی است.

2- فرد مزبور، «فرا»ی چیزی گذر نکرده است. بالعکس، او ثابت و پابرجاست ولی درک و تلقی اش از هویت خود به عنوان زن یا مرد، در تضاد با جنس فیزیکی اوست. به این دلیل، امروزه برخی نویسندگان علمی، لغت ترانس سکسوالیسم را به کار نمی برند بلکه به جای آن از «کسالت و آزردهی جنسیتی» (gender dysphoria) استفاده می کنند. (از لغت یونانی به معنی خلق و

خوی آزرده، که از dys-: un و Phorein به معنی حمل کردن، گرفته شده است.) این واژه خیلی راحت به عدم مطابقت جندر با جنس دلالت دارد.

بعضیها، واژه «ترانس جندر» را بر «ترانس سکسوال» ترجیح می دهند، چون به این ذهنیت که صحبت از عدم کارکرد جنسی یا گرایش جنسی است، دامن نمی زند. به هر حال، امروزه واژه ترانس جندر و «ترانس جندریسم»، به هر نوع رفتار جنسی که برداشت و تعریف سنتی از مردانگی و زنانگی را به چالش

می کشد اطلاق می شود. مسلماً، همه کسانی که چنین رفتارهایی را از خود بروز می دهند، ترانس سکسوال نمی باشند.

خلاصه اینکه، واژه ها و اصطلاحات در دسترس امروزی، چندان رضایتبخش نیستند، چون به خطاها و سوء برداشتها دامن می زنند، و احتمال دارد که در آینده با واژه های دقیق تری جایگزین شوند. تا آن زمان، ما در این دوره آموزشی از واژه های «ترانس سکسوال» و «ترانس سکسوالیسم» استفاده خواهیم کرد، چون واژه های شناخته شده ای هستند و توسط اغلب نویسندگان آکادمیک به کار برده می شوند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها: یادداشتهای تاریخی

تا آنجا که اطلاع داریم، ترانس سکسوالیسم در همه بخشها و نقاط جهان وجود داشته است. مسلماً، در



تایرسیاس، در نقش زن، بار دیگر با دو مار در حال جفت گیری رو به رو می شود. بعد از آنکه با عصای خود بر سر آنها می کوبد، دوباره به جنس مرد تبدیل می شود. (حکاکی چوبی قرن شانزدهم.)

گذشته، واژه مدرن علمی آن ناشناخته بود، اما اینکه مردم، در تضاد با جنس فیزیکیشان، خود را زن یا مرد دانسته اند، چیز تازه ای نیست. در واقع «تغییر جنسیت» برای مدت مدیدی، توجه بشر را به خود معطوف کرده است. در تاریخ و افسانه های بسیاری از فرهنگها و ملل، داستانهای زیادی از مرد شدن زنان و زن شدن مردان، گاهی به صورت موقتی و گاهی به صورت دائمی، وجود دارند. این پدیده زمانی به امری الهی و گاهی به سحر و جادو، نسبت داده شده است. در بعضی از افسانه های کهن، شخصیتهای دوجنسه یا دوجنسیتی و یا «جنس سومی» وجود دارند. این افسانه ها گاهی نمونه هایی از دگرپوشی موقتی و یا دائمی نیز در بر دارند. به طور خلاصه، چنین به نظر می رسد که همه انواع و اقسام عدم مطابقت و همناوایی جنسیتی (gender non-conformity) از تاریخی بس دراز و طولانی برخوردارند. و این تاریخ، قبل از هر چیز، در واقع، تاریخ برخورد فرهنگهای مختلف - از ارج نهادن و محترم شمردن گرفته تا، تحمل و مدارا، و تا سرکوب خشن و بی رحم- نسبت به این عدم همخوانیها است. یک نمونه کلاسیک آشنای غربی، پیشگوی معروف و افسانه ای یونان کهن؛ تایرسیاس (Tiresias) می باشد، که هر دو

جنس را «از درون» می شناخت. او در جوانی، به خاطر آن که با عصا بر سر دو مار در حال جفتگیری می زند، به زن تبدیل می شود. هفت سال بعد، دوباره چشمش به همان مارها می افتد و باز هم با عصا به سرشان می زند، ولی این بار، به حالت اولیه خود، به مرد، تبدیل می شود. خدای اعظم «زئوس» و زنش «هرا»، از تایرسیاس می پرسند که در خلال آمیزش جنسی، کدامیک لذت جنسی بیشتری می برد، زن یا مرد؟ جواب او که گفت زن لذت بیشتری می برد، هرا، زن زئوس، را به خشم می آورد و او را نابینا می کند. اما برای جبران این کار، زئوس قدرت پیشگویی و غیبگویی را به او می بخشد. در جهان کهن، مرزبندیهای مدرن موجود بین انواع ترانس جندریسم وجود نداشت، اما در قبال نامطابقات و دگرگونگیهای جنسیتی، تحمل، صبوری و بردباری حاکم بود.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها: یادداشتهای تاریخی 2

در طول قرنها، در حق اروپائیان و آمریکائیانی که با قرانتهای سنتی از نقشهای جنسیتی همخوانی نداشتند، همه انواع تبعیض و بی عدالتی روا داشته می شد. تا این که مطالعات و پژوهشهای جنسیت شناسی، به همراه پیشرفت تکنیک جراحی، کل قضیه را به شکل جدیدی فرموله کرد. و در نتیجه، راه تفاوت گذاری بین انواع مشکلات مختلف جنسیتی، و ارائه راه حلها، متفاوت برای هر کدام، هموار گردید. مگنوس هیرشفلد که واژه «ترانس وستیسیم» و «ترانس سکسوالیسم» را ابداع کرده بود، در اولین تلاشها برای عمل اصلاح جنسی (تغییر جنسیت)، در سالهای دهه 1920 و اوائل دهه 1930 میلادی، به عنوان مشاور عمل نمود. اما، در

اواسط قرن بیستم بود که مردم عادی با این پدیده آشنا شدند. یک سرباز جوان آمریکایی به نام جرج ویلیام جورجگنسن (یورگنسن) (George William Jorgensen) در سال 1951، به دانمارک سفر کرد و یکسال بعد در نقش زنی زیبا و با اسم کریستین جورجگنسن، (Christine Jorgensen) به آمریکا بازگشت. هر چند که او اولین فردی نبود که تحت عمل یکسری جراحیهای «تغییر جنسیتی» قرار می گرفت، اما او نمونه جالب و موفقی بود. پوشش خیری ای که در سطح جهان به او داده شد، مسیر او را برای راه اندازی شووهای تفریحی و سرگرم کننده اش هموار نمود. مهمتر از آن، او سخنگوی جریان ترانسهای همسرشت خود شد و مردم را متوجه ترانس سکسوالیسم نمود، و تا حدود زیادی هم در این کار موفق گردید.

در دهه های اخیر، هورمون درمانی و تکنیکهای جراحی، پیشرفت زیادی کرده اند و تعداد هر چه بیشتری از ترانس سکسوالها قادر به گذر از مردانگی به زنانگی، و بالعکس، شده اند. علاوه بر آن، بسیاری از کشورها قوانین مدنی خود را به روز کرده و اجازه ایجاد تغییرات در اوراق شخصی (کارتهای شناسایی، پاسپورت و غیره) را می دهند. اما با این وجود، هنوز همه مشکلات حل نشده اند، و در نتیجه، ترانس سکسوالها کماکان به ایجاد گروههای حمایتی برای خود، آموزش افکار عمومی، و لابی گری قانونگذاران برای ایجاد رفهمای بیشتر، نیاز دارند.



کریستین جورجگنسن (1926 – 1989) اولین ترانس سکسوالی بود که به شهرتی جهانی دست یافت. سمت چپ: سر خط خبری یک روزنامه. سمت راست: آگهی تبلیغاتی شووهای تفریحی او.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها «تغییر جنسی»

واژه عمومی «تغییر جنسی» (sex change) گمراه کننده است چون به فرق کامل بین جنس و جندر بی توجه می ماند. همانطور که قبلاً گفته شد، در این قضیه، مسئله جنس نیست، بلکه مشکل، جندر می باشد. جنس کروموزمی فرد و استنباط و احساس او از زن یا مرد بودن خود، عوض نمی شود و تغییر نمی کند، بلکه، بدن او، با آن استنباط هویتی و «خودی» که از خویشتن درک می کند، مطابقت داده می شود و دمساز می گردد. این کار به کمک داروهای هورمونی و یک سری عملیات جراحی زیبایی، که طی آن مشخصه های اولیه و ثانویه جنسی یک جنس (مذکر یا مؤنث) برداشته می شوند و تا آنجا که ممکن است با مشخصه های اولیه و ثانویه جنسی جنس دیگر جایگزین می گردند، عملی می شود. این کار «عمل اصلاح جنسی» (sex reassignment surgery) نامیده می شود. و به دو شکل صورت می گیرد - «مذکر به مؤنث» (M-F) و «مؤنث به مذکر» (F-M) در کل، بنا به دلایل روشنی، تغییر از مذکر به مؤنث با موفقیت بیشتری همراه است، چون ساختن یک واژن مصنوعی آسان تر از ساختن یک ذکر مصنوعی است. به هر حال، تکنیکهای مدرن امروزی، نتایج رضایت بخشی برای این بیماران به ارمغان آورده اند.

(1) Assignment یعنی واگذاری، ارجاع، انتقال، گماشتن، و Reassignment یعنی واگذاری مجدد یا گماشتن مجدد. در ایران sex reassignment را تغییر جنسیت می نامند. هر چند که ظاهراً این اصطلاح در کشور جا افتاده، اما همانطور که در بالا توضیح داده شد، در عمل جراحی، جنس فیزیکی و نه جنسیت که بیشتر به جندر مربوط می شود عوض می شود، یعنی نه درک و استنباط فرد از خود به عنوان زن یا مرد، بلکه جنس فیزیکی (آلت جنسی) فرد تغییر می یابد. به این دلیل شاید به جای اصطلاح «تغییر جنسیت»، هر چند که جا افتاده باشد، بهتر آن باشد که عمل اصلاح جنسی یا عمل ارجاع جنسی به کار برده شود. (اصلاح جنس فیزیکی فرد، و آن را مطابق برداشت جنسیتی اش از خود به عنوان زن یا مرد در آوردن). علاوه بر آن، اصطلاح «عمل اصلاح جنسی»، از آن ذهنیت منفی ای که «تغییر جنسیت» در ذهن تداعی می کند، تهی است. البته این فقط یک نظر است. اما امر مسلم این است که با توجه به محدودیت گفتمان مربوط به جنسیت شناسی در کشور، زبان ملی ما هم در این عرصه از رشد باز مانده است. امیدوارم که استادان زبان فارسی در تدقیق واژه ها و اصطلاحات مباحث جنسی اهتمام لازم را مبذول دارند.

م.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها: نفی جراحی

ترانس سکسوالهایی هم هستند که مخالف هرگونه عمل اصلاح جنسی (تغییر جنسیت) می باشند. آنها می خواهند آن طوری که هستند باقی بمانند و احترام و اقبال اجتماعی برای انواع تفاوتها و دگرگشتهای جنسی و جنسیتی را مطالبه می کنند. در واقع، برخی از محققان بر این باورند که نه تنها رلهای اجتماعی (نقشهای جنسیتی)، بلکه همچنین هویت جنسیتی ادراکی (هویت جنسیتی) هم، ساختاری اجتماعی دارد. در آخرین تجزیه و تحلیل، همه مشکلات جنسیتی به مسئله بزرگتر اجتماعی، یعنی تعریف بیش از اندازه تنگ و باریک زنانگی و مردانگی ربط پیدا می کند. بر اساس این دیدگاه، ترانس سکسوالیسم یک نوع بیماری نیست، بلکه این پدیده، عکس العمل و پاسخ افرادی خاص، آن هم در شرایطی خاص، به فشار ناشایست و بی مورد اجتماعی و تقاضاهای ناروای فرهنگی است. کوتاه سخن آن که، جراحی پاسخ اشتباهی به این مسئله بنیادی است که: چگونه ما می توانیم آنچنان جامعه ای بسازیم که در آن کل گستره انواع وضعیتها و حالات جنسی بشر مورد قبول واقع گردد.

چنین تعریفی از ترانس سکسوالی مورد انتقاد آنانی است که سبب و علت آن را زیست شناختی (بیولوژیکی) می دانند، و هنوز هم به نظر می رسد که اینان دلایل و استدلالهای بهتری ارائه می دهند. ولی، هیچکدام از دو طرف تا کنون اسناد و مدارک جامع و قابل قبولی ارائه نداده اند. در هر صورت، می توان گفت که، معمای ترانس سکسوالیسم حتی امروز هم، تا حل نهایی خود فاصله زیادی دارد. در اینجا فرصت پرداخت بیشتر به این مسئله وجود ندارد، اما دوره آموزشی جداگانه ای به آن اختصاص داده خواهد شد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها: سازمانها و تشکلات

معلوم نیست که چه تعداد از افراد ترانس سکسوال می باشند. تعداد آنها از یک نفر در صدها نفر، تا یک نفر در هزاران نفر، تخمین زده می شود. به هر حال، آنها اقلیت نسبتاً کوچکی را تشکیل می دهند. به نظر می رسد که تعداد افراد مذکر و مؤنث ترانس سکسوال مساوی می باشد اما، باز هم به نظر می رسد که افراد مؤنث کمتر مایل به رفتن به دنبال دوا و درمان می باشند. درحقیقت، همانطور که اشاره گردید، روز به روز تعداد ترانس سکسوالهایی که مایل به عمل جراحی نیستند، بیشتر می شود. به همین سبب، و دلایلی چند، احتمالاً ما هیچگاه به آمار قابل اعتمادی در مورد تعداد ترانس سکسوالها دست نخواهیم یافت.

ترانس سکسوالها معمولاً تحت فشارهای روانی و اجتماعی زیادی هستند و در نتیجه از گروهها و تشکلات حمایتی استقبال می کنند. به عنوان یک قاعده، این گروهها معمولاً کوچکند اما امکان ملاقات و آشنایی با همدیگر، دیدار با کسانی که در شرایط مشابهی هستند، تبادل تجربه، و پیوستن به نیروی روشنگری و اطلاع رسانی به خانواده، دوستان، اطرافیان و کل جامعه را، برای اعضاء خود فراهم می آورند. متأسفانه، ترانس سکسوالها کماکان در کشورهای زیادی، با تبعیض مواجه اند و قربانی قوانین مدنی غیرمنصفانه و کهنه واقع می شوند. به این دلیل، بسیاری از ترانس سکسوالها در گروههای بزرگتر ملی و بین المللی مربوط به مسائل [جنسیتی، ترانس جندر و اینتر سکس](#) فعالانه شرکت دارند. وبسایتهای آنان، برای آشناسازی افراد با بسیاری از مشکلات حل نشده در این عرصه، اطلاعات جالبی در اختیار علاقه مندان قرار می دهند.

MISSION STATEMENT EVENTS WHAT IS A TRANSEXUAL? LIVING THE LIFE
A BOY'S LIFE A SUCCESSFUL WORKPLACE TRANSITION ROLE MODELS

GR

Gender Renaissance

Who We Are:

This group is for those who consider themselves transsexual, whether pre-op, post-op, or non-op. We also include those who are still searching for their identity. Also included are supporters of transsexuals: spouses, partners, adult children, family, and close friends.

نمونه ای از وبسایت سازمانی ترانس سکسوالها

از آنجا که تعداد ترانس سکسوالها کم می باشد، در نتیجه اندازه سازمانهای آنان هم محدود است. اغلب این سازمانها محلی و یا منطقه ای اند، اما با این همه، خدمات مهمی به اعضاء خود ارائه می دهند، از جمله حمایتهای معنوی و اخلاقی، و همچنین راهنماییهای عملی. (برای پیشگیری از بازشناسی، اسم، طرح و جزئیات دیگری از آگهی فوق حذف شده اند، اما محتوای آن اصل می باشد.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 8. آسکسوالها

در سالهای اخیر، گروه دیگری هم در تلاش برای سازماندهی خود به عنوان یک اقلیت جنسی برآمده است: «آسکسوال ها».

در علم زیست شناسی، کلمه «آسکسوال» معنی «بی جنس» می دهد که، بر عدم وجود آلت جنسی، یا فعالیت جنسی دلالت می کند. برای نمونه، اصطلاح جا افتاده «تولید مثل آسکسوالی» که در موجودات تک سلولی، و همینطور در بعضی از گیاهان و نباتات، و حتی در تعدادی از جانوران دیده می شود.

به هر حال، افراد فعال در این جنبش جدید، از جهت فیزیکی انسانهای کاملاً سالمی هستند که تعریف تازه ای برای خود دارند: آسکسوالها افرادی هستند که به کسی کشش جنسی نداشته و به هیچ گونه آمیزش جنسی

علاقه و رغبتی ندارند. بخشی از فعالان این گروه، برچسب اختلال جنسی به آسکسوالی را رد کرده و ادعا می کنند که آسکسوالی خود یک نوع گرایش جنسی مجزا، و یا هویت جنسی جداگانه ای است. اما دیگران این ادعا را نمی پذیرند. در هر صورت، چون جهان پیرامون آسکسوالها آنها را جدی نمی گیرد، بسیاری از آسکسوالها احساس می کنند که مورد بی مهری و بدفهمی دیگران واقع شده و تا حدودی تحت فشار و سرکوب قرار دارند. آنها با تلاش در گردآوری نیروی خود، امیدوارند که بتوانند خود را از زیر فشار تسلیم به دنباله روی از بقیه، خلاص کنند. اینکه اندازه چنین اقلیتی چقدر می باشد، به حدس و گمان خود فرد بستگی دارد. تحقیقی در این باره، تعداد آنها را یک درصد تخمین زده است، اما برای تأیید چنین آماری مقدار زیادی تحقیق و پژوهش لازم می باشد. (1). به هر حال، آسکسوالی، مثل هر موضوع دیگری در جنسیت بشر، یک مسئله نسبی است. بعضی از کسانی که خود را آسکسوال می دانند، چه بسا از مقداری کشش و میل جنسی برخوردار باشند. آسکسوالی، امروزه گستره وسیعی از بی رغبتی و غیاب کشش یا میل خفیف جنسی تا موانع روانی در بروز احساسات جنسی و سرکوب و فشار را شامل می شود. ممکن است رشد فیزیکی بعضی از افراد هم به تأخیر افتاده باشد. در واقع، شاید سن و سال هم فاکتور مهمی در این قضیه باشد. به همین دلیل یعنی به خاطر فاکتور سن و سال، نمی توان به تخمین دقیقی از آمار افراد گروه دست یافت. در عین حال، می توان شانس اینکه آیا سازمانها و تشکلات آسکسوالها، به عنوان یک اقلیت، در درازمدت موفقیتی به دست خواهند آورد یا نه را هم مورد سؤال قرار داد.

ASEXUAL DIALOGUE

Asexual: A person who does not experience sexual attraction





**We want to create dialogue
among and about people who identify as asexual**

Everyone, sexual or asexual is welcome.

We also offer an online newsletter, an online library,
a chatroom, and a section for personal ads.

Please, register and join us.

نمونه ای از وبسایت تشکیلاتی آسکسوالها
تصویر فوق معجونی از دو وبسایت مختلف آسکسوالها می باشد.
(برای پیشگیری از بازشناسی، اسم، طرح و جزئیات دیگری از آگهی فوق حذف شده اند، اما محتوای آن اصل می باشد).

(1) Bogaert, Anthony F. (August 2004). "Asexuality: prevalence and associated factors in a national probability sample".
Journal of Sex Research 41 (3): 279-81.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

برخی از انواع رفتارهای جنسی، برای افرادی که بدانها دست می زنند، مشکلاتی ایجاد می کنند. در برخی از کشورها، این مشکلات بسیار جدی هستند. برای مثال، ممکن است قتیثها، ترانس سکسوالها و ترانس وستایتها آنچنان تحت فشار و سرکوب باشند که حتی فرصت و امکان سازماندهی خود به عنوان یک اقلیت را هم نداشته باشند و یا، رفتارهای جنسی «ضربدریها»، همجنسگرایان زن و مرد، و دوجنسگرایان از نظر قانون جرم تعریف شده و قابل مجازات باشند. با این وضعیت، تنوعات جنسی نامبرده، در بعضی جاها، پیشاپیش به عنوان رفتارهای جنسی ممنوعه تعریف شده اند. البته، مسئله از یک بعد تاریخی هم برخوردار است: رفرمهای مترقی در اجتماع و قوانین آن، یا دولتهای سرکوبگری که به قدرت می رسند، هر دو می توانند شرایط را به مسیریهای مختلفی سوق دهند. این مسئله در گذشته اتفاق افتاده، در دوران حاضر اتفاق می افتد، و در آینده هم اتفاق خواهد افتاد.

به هر حال، ارائهٔ مبحث جداگانه ای دربارهٔ رفتارهای جنسی که در اغلب فرهنگها و در بیشتر دوران، ممنوع بوده اند، خالی از فایده نخواهد بود. برای مثال، تماس جنسی بزرگسالان با کودکان همیشه به طور وسیعی محکوم شده است، هر چند که استثنائاتی را باید در نظر گرفت. موضوع روسپیگری چندان روشن و واضح نیست؛ چون همانطور که هر تاریخ نویسی می داند، روسپیگری در بسیاری از فرهنگهای مهم گذشته، از جمله در سده های میانهٔ مسیحی، پذیرفته شده و دارای قوانین و مقررات خاص خود بوده است. لازم به گفتن نیست که روسپیگری کودکان در همه جا غیر قانونی است.

و نیز این که، ضروری به نظر می رسد که حداقل به شکل مقدماتی هم که شده، به موضوع خشونت جنسی هم اشاره شود. بعضی از اشکال خشونت جنسی، همیشه- و کماکان امروز هم - تحمل، و حتی در شرایط خاصی تشویق شده است. درحقیقت، در تعدادی از کشورها، شنیع ترین نوع خشونت جنسی علیه کودکان، یعنی بریدن آلت جنسی دختران، قانوناً و با وجدانی آسوده اعمال می شود. در بخش زیر، اطلاعات عامی دربارهٔ مسائل گفته شده و چند مسئلهٔ جانبی مربوط به آن، ارائه می گردد. به دلیل پیچیدگی خود این مسائل، و برخوردهای بسیار متنوع قوانین و اجتماعات مختلف در قبال آنها، تدقیق کامل مسائل در اینجا عملی نمی باشد. شاید چنین تصور شود که حداقل در رابطه با قانونی یا غیر قانونی بودن موضوعات نامبرده نوعی توافق و اجماع جهانی وجود داشته باشد، اما چنین توافقی عملاً وجود ندارد. اگر از منظری جهانی نگاه شود، خواهیم دید که در اقصی نقاط جهان، انواع و اقسام متفاوتی از قوانین، در پی تنظیم رفتارهای جنسی بشر، بر اساس دیدگاههای تاریخی و فرهنگی خود، بوده اند و می باشند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان

پرداختن به مبحث تماس جنسی بین بزرگسالان و کودکان، در یک دورهٔ آموزشی عمومی همچون این دوره، کار چندان آسانی نیست. اما به عنوان مقدمه هم که شده، بد نیست که به سه سند بین المللی مربوط به این مسئله، توجه شود.



1. کنوانسیون حقوق کودک، 1990
2. پروتکل اختیاری الحاقی به معاهدهٔ حقوق کودک دربارهٔ تجارت کودکان، روسپیگری کودکان و پورنوگرافی، 2002
3. چارچوب تصمیمات اتحادیهٔ اروپا در مبارزه با سوء استفاده جنسی از کودکان و پورنوگرافی کودکان، 2003

در سالهای اخیر تقریباً همهٔ کشورها به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته اند، و پذیرش پروتکل اختیاری الحاقی هم مسیر خوبی طی کرده است. در مقابل، «چارچوب تصمیمات اتحادیهٔ اروپا» که نسبتاً تازه می باشد، به خاطر تعریفی که از کودکی به عمل می آورد، مورد حمله و انتقاد قرار گرفته است. اما، تصمیمات اتحادیهٔ اروپا فقط کاریست نمونه های معاهده های قبلی سازمان ملل می باشد. در واقع، هر سه سند فوق، «کودک» را «موجود انسانی زیرهیجده سال» تعریف کرده اند. بدون شک، نویسندگان این اسناد، متأثر از این میل و آرزوی شریف خود بوده اند که حقوق مهم فردی، به کودکان هم تعمیم داده شوند. ولی، همانطور که بسیاری از جنسیت شناسان (سکسولوگها) و حقوقدانان اشاره کرده اند، در عرصهٔ جنسیت بشر، عاقلانه نیست که با کودک دانستن نوجوانان و جوانان، آنان را به اصطلاح «به خاطر خودشان»، به همین سادگی از چنین حقوقی محروم کرد. امتداد قانونی دوران کودکی به ورای بلوغ به معنی بی توجهی خودسرانه به فاکتورهای بیولوژیکی است و بدون شک به نتایج منفی ناخواسته ای منجر می شود. در واقع، تعریف جدید، به احتمال زیاد به مجرم دانستن بخش وسیعی از تین ایجهای بی گناه می انجامد. برای مثال، آنها چنانچه از همدیگر عکسهای «لختی» بگیرند، یا «برای دریافت پاداش»، که می تواند شامل دعوت به سینما هم باشد، به آمیزش جنسی دست بزنند، آنوقت مرتکب قانون شکنی شده اند (1). به علاوه، این تعریف از «کودک» در تضاد مستقیم با قوانین جزائی بسیاری از کشورها است. حالا نوشته های کتابهای روانپزشکی که جای خود دارند.

همانطور که این مثال نشان می دهد، امروزه توافقی عمومی حول تعریف «کودک»، و همچنین یک اجماع و توافق عمومی حول حقوق جنسی نوجوانان و جوانان وجود ندارد. این دیدگاههای متناقض فعلی، بازتابی از ادامه دوگانگی برخورد اجتماع ما در قبال جوانان می باشند.

(1) Helmut Graupner JD, "The 17-Year-Old Child: An Absurdity of the Late 20th Century", Journal of Psychology & Human Sexuality, Vol. 16, Nr 2/3.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: تعریف مفاهیم

مسئله تماس جنسی بین بزرگسالان و کودکان همانقدر که بغرنج و پیچیده است، جدل آور و بحث انگیز هم می باشد. مشکل از همان ابتدا با تعاریفی که از «تماس جنسی»، «بزرگسالان» و «کودک» ارائه می شود، شروع می گردد. بسیاری از افراد این لغات را در جاهای مختلفی، با معانی متفاوتی به کار می برند، و بعضیها هم گرایش به این دارند که تعریف بازی از آنها ارائه دهند:

- «تماس جنسی»: هر گونه تماس فیزیکی همراه با مهر و عاطفه «غیر عادی».
- «بزرگسالان»: (Adults) افراد دارای بلوغ جنسی که مشخصاً مسن تر از «کودک» می باشند، و
- «کودکان»: شامل همه افراد زیر 18 سال می شود.

(این تعاریف توسط سازمان ملل و اتحادیه اروپا به کار برده شده اند.)

دیگران این تعاریف را سختگیرانه، غیر واقعی، غیر عملی، و متناقض می دانند، و به این خاطر تعاریف محدودتری را به کار می گیرند.

- «تماس جنسی»: تماس فیزیکی یا بینایی با اندامهای جنسی حداقل یک طرف رابطه با هدف تحریک و برانگیختگی جنسی.
- «بزرگسالان»: (Adults) افرادی که حداقل دارای حق رأی می باشند (18 ساله به بالا)
- «کودکان»: افراد مذکر و مؤنث پیش از بلوغ.

(این تعاریف در کتابهای روانپزشکی و بیشتر قوانین جزائی کشورها آمده اند.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: تعریف مفاهیم 2

مسئله زمانی پیچیده تر می شود که موضوع سن قانونی که بر طبق آن فرد از حق اعلام رضایت خود برای مقاربت جنسی برخوردار می شود هم، در نظر گرفته شود. این «سن قانونی / رضایت» (age of consent) در کشورهای مختلف متفاوت می باشد؛ از 13 سالگی (در اسپانیا) تا 20 سالگی (در تونس). علاوه بر آن، برخی حوزه های قضایی، مرزهای سنی مختلفی را برای انواع متفاوت تماسهای جنسی به کار می بندند، و حتی «سن رضایت» (سن قانونی) متفاوتی را هم برای دیگر جنسگرایان و همجنسگرایان منظور داشته اند. البته، همجنسگرایی در بسیاری از کشورها، حتی برای بزرگسالان هم، کاملاً غیرقانونی است. حتی ممکن است سن متفاوتی برای سکس تجارتي و غیر تجارتي هم در نظر گرفته شود. به هر حال، فارغ از این که سن رضایت و موافقت چگونه تعریف شود، تماس جنسی با دختر و پسر «زیر سن قانونی» (under age)، جرم محسوب می شود.

(در زبان روزمره، مردم چنین تماسهایی را «سکس با خردسال» (sex with minor) می نامند، و این ممکن است باعث سردرگمی شود. در صحبت از معنای دقیق کلمه، خردسال (minor) فردی است که به بزرگسالی (adulthood) نرسیده باشد، اما سن ورود قانونی به بزرگسالی معمولاً بیشتر از «سن رضایت» می باشد.)

به هر حال، موافقت اعلام شده توسط فردی که به سن قانونی نرسیده باشد، اعتبار ندارد و به این دلیل چنین تماسی «قانوناً تجاوز» (statutory rape) دانسته می شود. یعنی عملی که قانون آن را تجاوز تعریف کرده است. و بالاخره این که، بین افکار عمومی و قانون، همیشه تفاوتی وجود دارد. در برخی کشورها، مردم مرز سن قانونی را سختگیر و غیر واقع بینانه می دانند، و با وجدان راحت آنها را نادیده می گیرند. در کشورهای دیگری هم، مردم قانون را به گذشت و آسانگیری متهم می کنند. البته این قوانین اغلب برای بیشتر شهروندان ناشناخته هستند و به ندرت، یا به صورت گزینشی، اعمال می گردند. خلاصه اینکه، در این دوره عمومی آموزشی، نمی توان به جزئیات مسئله ای با این گستردگی وارد شد و بهتر است که به مشاهدات و ملاحظاتی عام بسنده کرد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: تعریف مفاهیم 3

هنگام بحث حول تماس جنسی بزرگسالان با کودکان، واژه و اصطلاحی که بیشتر به گوش می رسد، «پدوفیلی» است. (تحت الفظی به معنای عشق به بچه ها، از یونانی Pais یعنی پسر و Philia یعنی عشق). در روانپزشکی، پدوفیلی عشق اروتیکی یک بزرگسال به بچه ها، یا کشش جنسی نسبت به بچه ها، می باشد. در واقع، بزرگسالانی (اکثراً مرد) هستند که به طور مداوم و به شدت، چنین کششی را احساس می کنند. اینان «پدوفیل» نامیده می شوند. در لیست پارافیلیاهای راهنماهای روانپزشکی، پدوفیلی به عنوان اختلال روانی درج شده است.

به هر حال، در اینجا، درک و فهم دو فاکت ابتدایی مهم می باشد:

1. نه هر فرد بزرگسالی که به تماس جنسی با کودکی دست می زند، پدوفیل است، و
2. نه هر پدوفیلی به تماس جنسی با کودکان دست می زند.

تعاریف متفاوتی که قوانین مختلف از «بچه» (کودک) ارائه می دهند، و انواع «سنین قانونی» را که به کنار نهیم، موردی که هیچ شک و شبهه و جدلی باقی نمی گذارد این است که بعضی از افراد بزرگسال به تماس جنسی با کودکان دست می زنند، یعنی با دختران و پسرانی که به سن بلوغ نرسیده اند، تماس جنسی برقرار می کنند. اکثر این بزرگسالان پدوفیل نیستند، و میل و علاقه جنسی «واقعی» آنها جای دیگری است، و به این خاطر هم این رفتار آنها، یعنی تماس جنسی با بچه ها، هر از گاهی یا تصادفی است. آنها کلاً یا تسلیم یک حس گذاری ناگهان بر انگیزه شده می شوند، یا کنجکاو هستند، یا از یک فرصت پیش آمده سود می جویند، و یا، سوء استفاده از وابستگی کودک برایشان کار راحتی است. این افراد، «متخلفان موقعیتی» نامیده شده اند. (1) و در مقابل، به پدوفیلیهایی که رابطه جنسی با کودکان را ترجیح می دهند، «متخلفان ترجیحی» گفته می شود.

به هر حال، تعداد زیادی از پدوفیلها در کنترل کردن خود موفق می باشند. بعضیها حتی آگاهانه از بچه ها دوری می کنند و از نزدیکی و مصاحبت با آنها می پرهیزند. این خود کنترلی هدف برنامه های درمانی برای پدوفیلها می باشد، چون تغییر میل و کشش جنسی آنها نامحتمل می باشد.

(1) Kenneth V. Lanning, "Child Molesters: A Behavioral Analysis. For Law Enforcement Officers Investigating Cases of Child Sexual Exploitation. In Cooperation with the FBI", Fourth Edition 2001.

(این کتاب در وبلاگ جنسیت و جامعه موجود می باشد.م)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: تعریف مفاهیم 4

پیش از هر چیز، باز کردن مفهوم «پدوفیلی»، و همچنین بعضی از واژه های دیگری که در همین رابطه به گوش می رسند، خالی از فایده نخواهد بود:

پدوفیلی (Pedophilia): رو آوردن مداوم فانتزیهای عمیقاً شهوانی به فرد، احساس فوریت نیاز جنسی، یا رفتارهای دربرگیرنده فعالیت جنسی با کودک یا کودکان زیر سن بلوغ (13 ساله یا کمتر).

هیپوفیلی (Hebephilia) (از یونانی هیبه یعنی جوان): کشش جنسی یک بزرگسال – معمولاً مذکر – به جوانان حوالی سن بلوغ. گاهی به عنوان مترادف افیبوفیلی هم به کار برده می شود.

افیوفیلی (Ephhebophilia) (از یونانی افیبوس یعنی نوجوان): کشش جنسی یک بزرگسال – معمولاً مذکر – به جوانان بالای سن بلوغ. گاهی به عنوان مترادف هیپروفیلی هم به کار برده می شود.

پدراستی (Pederasty) (از یونانی اران به معنی عشق ورزی): کشش جنسی یک بزرگسال – معمولاً مذکر – به جوانان بالای سن بلوغ. (سنین 17 تا 14 سالگی). این اصطلاح اغلب مورد سوء برداشت و سوء استفاده واقع شده و بد نیست که به اصل معنای آن اشاره ای بشود. در یونان قدیم، پدراستی یک سنت پذیرفته شده ای بوده است که طبق آن یک مرد بزرگسال دلباخته (اراستوس)، به پسر نوجوانی اظهار عشق و علاقه می نمود و او را معشوق (ارومنوس) خود می کرد. با وجود آن که این رابطه شامل تماس جنسی هم می شد اما، عمدتاً و قبل از هرچیز از هدف آموزشی برخوردار بود.



پدراستی
نقاشی روی یک گلدان قدیمی
یونانی که عاشق بزرگسال
(اراستس) را در حال بوسیدن
معشوق نوجوان (ارومنوس) نشان
می دهد.

این واژه ها و اصطلاحات تمایز بین جوانان قبل و بعد از بلوغ را روشن می کنند، و در نتیجه، تعریفی از کودکی ارائه می دهند که در پزشکی، روانپزشکی، روانشناسی، زیست شناسی، نژاد شناسی، جامعه شناسی و تاریخ مورد پذیرش قرار گرفته است. (البته نه همیشه توسط قوانین جزائی)؛ و این تعریف چنین است: بچه ها (کودکان)، دختران و پسران پیش از بلوغ می باشند. فقط میل به تماس جنسی با آنها بایستی «پدوفیلی» (بچه بازی) نامیده شود. بی توجهی به این تمایز، غیر واقع بینانه و غیرعقلانه می باشد. پدوفیلی نادر است. هیپروفیلی موارد بیشتری دارد و باید جداگانه مورد قضاوت قرار گیرد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: یادداشتهای تاریخی



لونیس کارول (1898 -
1832)

نویسنده انگلیسی کتاب
«ماجراهای آلیس در سرزمین
عجایب»، به دختران کوچک کشش
داشت اما هرگز به تماس جنسی با
آنها دست نزد. در زیر عکس
نویسنده، یک نقاشی اصل از آلیس،
تیپ دخترانه ای که نویسنده را
مجنوب می کرد، دیده می شود.

در تاریخ نمونه های فراوانی از تماس جنسی بزرگسالان با کودکان یافت می شوند. معروفترین فرد در غرب، شاید «تیبیریوس» باشد. (42 سال قبل از میلاد مسیح متولد شد و 37 سال بعد از میلاد درگذشت.) او نه تنها جوانان و نوجوانان، بلکه دختران و پسران خردسال را هم، برای ارضاء امیال جنسی خود، در قصرش روی جزیره کاپری (ایتالیا) نگهداری می کرد. اما، او به خاطر این کار، حتی در عهد باستان هم مورد لعن و نفرین قرار گرفت، چون از جهت جنسی، بچه های صغیر تابو محسوب می شدند. البته هنگامی که خردسالان به سن بلوغ نزدیک می شدند، یا به بلوغ می رسیدند، آنوقت اختیار کردن آنان به عنوان شریک جنسی، مسئله ای نبود. «تیبیریوس»، بچه باز (پدوفیل) نبود بلکه خیلی راحت، از قدرت حکمرانی خود برای عیش و نوش جنسی و تجربه انواع هوسرانیهای شهوانی خود سود می جست. در اروپای مسیحی و آمریکا، چنین رفتارهایی هرگز پذیرفته شده نبوده اند. با این همه، افراد بزرگسالی بوده و هستند، که به کودکان کشش جنسی دارند. یک نمونه جالب، «لونیس کارول» (نام نویسنده چارلز لودویگ دوجسون)، نویسنده «ماجراهای آلیس در سرزمین عجایب» (1) و «آنسوی آئینه» «Through the Looking Glass» می باشد. او دختران جوان را به دوستی می گرفت، آنها را سرگرم می نمود، برایشان داستان خوانی می کرد، و با اجازه والدینشان، از آنها عکسهای برهنه می گرفت. اما او هرگز پایش را آنسوی «برازندگی» نگذاشت و هیچوقت تلاشی جهت نزدیکی فیزیکی با این دختران به عمل نیاورد. بنا بر لغت شناسی امروزی، او بچه بازی بود که موفق به کنترل احساسات جنسی خود گردید. این نمونه ای است که پدوفیلیهای امروزی را به پیروی از آن ترغیب می کنند. برنامه های درمانی امروزی، قبل از هر چیز و عمدتاً، بر پیشگیری از قانون شکنی توسط پدوفیلها استوار می باشند. پس، با آموزش و تربیت یک فرد بچه باز، و با به کنار آمدن او با فانتزیهایش بدون عملی کردن آنها، هم خود او و هم کودکانی که در تماس با او قرار می گیرند را محافظت می کنند.

(1) اسم انگلیسی کتاب، ماجراهای آلیس در سرزمین عجایب «Alice's Adventures in Wonderland» می باشد.

تا به حال از این کتاب پنج ترجمه به فارسی صورت گرفته است؛ (اولین ترجمه توسط حسن هنرمندی - 1337، و جدیدترین ترجمه توسط زویا پیزاد - 1375)، اما همه مترجمین عنوان کتاب را «آلیس در سرزمین عجایب» ترجمه کرده اند. م.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: یادداشتهای تاریخی 2

درحالیکه کشورهای غربی در طول تاریخ تماس جنسی با کودکان را نفی کرده اند، اما چنین تماسی با نوجوانان، با نوع نگاه دیگری همراه بوده است. به هر حال، در بسیاری از فرهنگها در گذشته، دختران به محض رسیدن به بلوغ شوهر می کردند. در چین، بالعکس، یک «بچه داماد» را به ازدواج یک زن بزرگسال در می آوردند. آنها با هم همبستر می شدند و به محض رسیدن داماد به بلوغ، آمیزش جنسی را با هم شروع می کردند (1). در آلمان قرن هیجدهم، هنوز این امکان برای پروفیسور محترم رئیس دانشگاه، جرج کریستف لیشتن برگ (Georg Christoph Lichtenberg) وجود داشت که با یک دختر سیزده ساله زندگی مشترکی داشته باشد (2). دو شاهکار ادبی قرن بیستم، عشق مردان به افراد خیلی جوان را به تصویر کشیده

اند. در «مرگ در ونیز» توماس مان، معشوق یک پسر 14 ساله، و در «لولیتا»، نوشته ناباکوف، معشوق یک دختر 12 ساله می باشد (3).

در این دو اثر، مردان عاشق این نوجوانان، نه در قالب هیولا، بلکه در نقش شخصیت‌های غم انگیزی که سزاوار دلسوزی و همدردی خواننده می باشند، به تصویر کشیده می شوند. حتی در دهه هفتاد و هشتاد میلادی، تلاشهایی در آمریکا و چند کشور دیگر، جهت سازماندهی مردانی که که به پسر بچه ها عشق و کشش داشتند، صورت گرفت، اما با مخالفت و مقاومت خصمانه ای، حتی از سوی «جنبش آزادی بخش گی ها»، مواجه شد.



جرج کریستف لیشتن برگ (1799 - 1742)

پروفسور فیزیک، ریاضی و ستاره شناسی، در دانشگاه گوتینگن آلمان. بذل و لطیفه های موجز او امروز هم خوانندگان زیادی دارد. در سال 1977 با ماریا استخارد که 13 سال سن داشت، ملاقات نمود و او را با خود به خانه برده و خدمتکار و معشوقه خود کرد. ماریا در 18 سالگی در گذشت.

علی رغم این مسئله، در اوائل دهه 1980، یک کارگردان سوئیسی، پیشنهاد کمک مالی جهت ساختن فیلم نیمه مستندی از رابطه عشقی خود با یک دختر 13 ساله فاحشه در روم ایتالیا، دریافت نمود. این فیلم، در یک فستیوال حتی مورد تحسین و ستایش داوران مسیحی مسابقه هم قرار گرفت (4).

از آن زمان، افکار عمومی غرب دچار تحولات عمیقی گردیده، و امروزه، اینگونه روابط با نوجوانان، به شدت محکوم می شوند. در واقع این روابط در بسیاری از کشورها جرم محسوب شده و افراد مجرم نه از ترحم دادگاهها برخوردارند و نه از همدردی جامعه.

(1) See the comment by M.L.Ng [here](#).

(2) See the the book by Gert Hoffmann, *Die kleine Stechardin* 1999, Engl. "Lichtenberg and the Little Flower Girl", W.W. Norton, 2004

(3) Thomas Mann, "Death in Venice" 1912 (Film by Luchino Visconti 1971 and opera by Benjamin Britten 1973); Vladimir Nabokov "Lolita" 1955 (Film by Stanley Kubrick 1963)

(4) "Er moretto", a film by Simon Bischoff 1985



کاپیتان جیمز کوک (1779 - 1728)، سیاح مکتشف انگلیسی، به تماشای مراسم سنتی آمیزش جنسی مردی با یک دختر نارس (نابالغ) در ملاء عام - در تاهیتی - دعوت گردید. او به خاطر احترام به سنتهای محلی، نه در این کار دخالتی کرد و نه نارضایتی خود را ابراز نمود.

[اینجا](#) را هم ببینید.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: یادداشتهای قومی- نژادی

وقتی مردم شناسان، به بررسی و تجزیه - تحلیل تماسهای جنسی بزرگسالان با کودکان پرداختند، متوجه شدند که تصورات و مفاهیم غربی آنها همیشه و در همه جا قابل انطباق نیستند. آنها به این پی بردند که تعاریف مدرن آنها از کودکی، نوجوانی (Adolescence)، بزرگسالی (Adulthood)، سن قانونی، و حتی رابطه و «تماس جنسی»، هیچکدام با واقعیات زندگی بسیاری از مردمان غیر اروپایی همخوانی ندارند. بسیاری از این مردمان و فرهنگها، رابطه جنسی بین افرادی که از جهت سنی دارای اختلاف فاحش بودند را منع کردند، و برخی دیگر آن را آزاد گذاشتند، و حتی در شرایطی خاص هم، چنین روابطی را مطالبه می کردند. یکی از روشن ترین و عامترین مثالها، ازدواج دختران به محض رسیدنشان به سن بلوغ بود. شوهران عموماً

بزرگسال بودند، و گاهی، پسران جوان مسن تر از خود دختر. (در واقع این رسم در قدیم در جوامع غربی هم وجود داشته است.) ولی به هر حال، بعضی از جوامع هم، مشوق تماس جنسی بین مردان بزرگسال و دختران خردسال بودند. مثلاً، وقتی **کاپیتان کوک (Captain Cook)** وارد تاهیتی شد، او و همراهانش را به تماشای مراسم آمیزش جنسی یک مرد بومی با دختری 12 - 11 ساله که در ملاء عام صورت می گرفت، دعوت کردند (1). بنا بر اعتقادات یکی از قبائل آفریقایی، دختران نابالغ برای رشد فیزیکی خود، به اسپرم مردان جنگاور نیاز دارند (2). در بعضی از قبائل هم، پسران جوانی که به بلوغ می رسیدند، تشویق می شدند که اولین آمیزش جنسی خود را با یک زن مسن انجام دهند (3). و آخر اینکه، در گذشته، بسیاری از جوامع دارای این سنت بوده اند که، والدین و یا مربیان، اندامهای جنسی اطفال، و بچه های خردسال را نوازش و تحریک می کردند، و یا وقتی که بچه ها به بلوغ می رسیدند، استمناء کردن را به آنها یاد می دادند (4). (باز هم این سنت در اروپای سده های میانه رواج داشته است.)

برای این دوره آموزشی، همین چند مثال برای یک نتیجه گیری کافی است: **افکار، رفتار و قوانین امروزی ما در رابطه با تماس جنسی بین بزرگسالان و کودکان، همیشه و در همه جا مورد توافق نبوده است.** این بدان معنا نیست که جوامع مدرن صنعتی ما، امروز باید سنتهای یونان کهن، امپراطوری چین، قبائل آفریقایی، یا تاهیتی پیش مستعمراتی را به کار بندند، اما بدین معناست که باید از برش تاریخی ای که در آن به سر می بریم، آگاه شویم. این برش و دوره ای از تاریخ که ما در آن به سر می بریم، ارزشهای اخلاقی ما را تعیین می کند، اما همراه با عوض شدن متن و برش تاریخی، مفاهیم و ارزشهای ما هم به همراه آن، عوض می شوند.

- (1) James Cook, "Account of a Voyage Around the World" (1769)
- (2) [Growing up among the Masai](#)
- (3) [Sex Training – Instruction of Boys](#)
- (4) [Sex Training - Genital Stimulation](#)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی (پدوفیلی)



معلم و دانش آموز او
توصیفی طنز آمیز - واقعی از
یک بچه باز
(تصویری از قرن نوزدهم)

اصطلاح «پدوفیلی اروتیکی» (erotic pedophilia) به وسیله ریشارد فون کرافت - اینینگ، ابداع گردید. او این اصطلاح را اولین بار در کتاب خود به نام «امراض روان جنسی» (Psychopathia sexualis, 1886) به کار برد. فون کرافت اینینگ، پدوفیلی اروتیکی را در کنار سادیسم و مازوخسیم (که آنها را هم باز خود او ابداع نمود)، «بیماری جنسی روان» نامید. همکارانش بسیاری از واژه ها و ایده های او را به کار بستند، و مشخصه هایی که او برای بچه بازی (پدوفیلی) تعریف نمود، امروزه در رشته روانپزشکی مورد استفاده قرار می گیرند و از این قرارند:

«در طی یک دوره حداقل شش ماهه، مکرراً دچار فانتزیهای پرشور و محرک جنسی شدن، میل حاد و فشار جنسی، یا رفتارهایی که شامل فعالیت جنسی با بچه یا بچه های نابالغ (معمولاً 13 ساله یا کمتر) می شود.»

تعریف فوق در ادامه می گوید که این «فانتزیها، امیال شدید جنسی، یا رفتارها، باعث مسائل از جهت بالینی چشمگیر و بااهمیتی همچون فشار و اضطراب، افت اجتماعی، شغلی، یا افت در دیگر عرصه های مهم زندگی، می گردند.» و در ادامه می آورد که فرد بچه باز (پدوفیل) «حداقل 16 ساله، یا حداقل 5 سال بزرگتر از کودک یا کودکان مورد نظر می باشد.» این تعریف، «فردی که در مرز بالای نوجوانی (late adolescence) است و رابطه جنسی

با فردی 12-13 ساله دارد (چه همجنسگرا و چه دگرجنسگرا)، را شامل نمی شود.»
و آخر اینکه، تعریف فوق ملاحظات زیر را نمایان می کند:

«افراد مبتلا به پدوفیلی، معمولاً کشش خود به بچه های سن و سال خاصی را، گزارش می دهند. بعضی افراد پسران و بعضی دیگر دختران را بیشتر می پسندند، و بعضیها، هم به پسران و هم به دختران کشش دارند. بچه بازیهایی که قربانیانشان دخترها می باشند، بیشتر از بچه بازیهایی که قربانیانشان پسرها هستند، گزارش می شوند.» (1)

- (1) Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fourth Edition
- (2) (DSM-IV,TR) 2000

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی (پدوفیلی) 2

در بیماری شناسی روانپزشکی، علاوه بر کاربرد معیارهای فوق، این هم تثبیت می شود که فرد مزبور، به دختران، پسران، و یا هر دو جنس، کشش جنسی دارد. همچنین بین پدوفیل «منحصر» یعنی کسی که صرفاً و منحصرأ به کودکان کشش جنسی دارد، و پدوفیل «غیر منحصر» یعنی کسی که علاوه بر کودکان، به بزرگسالان هم کشش جنسی دارد، تمایزگذاری می شود. این نیز باید روشن گردد که آیا قضیه فقط به زنان با محارم محدود مانده است یا نه. (در صفحات بعدی به محرم آمیزی پرداخته شده است.)
پدوفیلها، «از سنخ» خاصی (تیبیک) نیستند که قابل بازشناسی باشند. ولی، این را می دانیم که اکثر پدوفیلها مرد هستند، و اغلب آنها هم متأهل می باشند. علائق جنسیشان (به کودکان)، معمولاً در دوران نوجوانی، و در موارد نادری، در بزرگسالی، بروز می کنند. پدوفیلها هنگام نزدیک شدن به بچه ها، ابتدا انگیزه جنسی خود را پنهان می کنند، اما به عنوان یک قاعده، معمولاً نسبت به نیازها و علائق خود حساسند. آنها به ندرت دست به خشونت می زنند، ولی سعی می کنند که اعتماد کودک، و رضایت او به نوعی تماس جنسی، که معمولاً به آمیزش دهانی، تماس آلتی و یا دخول نمی کشد، را جلب کنند. خشونت، زور، فشار، و آمیزش دخولی تنها در موارد نسبتاً محدودی اتفاق می افتند. قتل کودکان باهدف لذت و شهوت بری جنسی هم نادرتر از آن می باشد. مجرمان جنسی که علیه کودکان دست به خشونت می زنند، علاوه بر ابتلاء احتمالی به پدوفیلی، اختلال شخصیتی شدیدی را هم از خود بروز می دهند.

علل و دلایل بچه بازی (پدوفیلی) ناشناخته اند. برخی از پژوهشگران احتمال می دهند که دلایل زیست شناختی (بیولوژیکی) دارد، و برخی دیگر، معجونی از دلایل روانی- اجتماعی را علت آن می دانند. همچنین تعداد پدوفیلها و اینکه چه درصدی از جمعیت را تشکیل می دهند هم، معلوم نیست. به هر حال، همانگونه که قبلاً ذکر شد، اکثر جرائم جنسی علیه کودکان و بچه ها، نه به وسیله پدوفیلها بلکه، توسط مردان غیر پدوفیل، انجام می گیرند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی (پدوفیلی) 3

اکثر بچه بازانی که برای درمان روانی مراجعه می کنند، این را به دلیل حکم دادگاهها انجام می دهند، هرچند برخی نیز دواطلبانه مراجعه می کنند. آنها معمولاً تحت نوعی رواندرمانی قرار می گیرند، اما در موارد خاصی، رواندرمانی با تجویز داروهای جهت تخفیف میل جنسیشان همراه می شود. در مجموع، موفقیت درمان چندان مشخص نیست. در اغلب موارد میل و کشش فرد پدوفیل به بچه ها همچنان پابرجا باقی می ماند اما، اگر یاد بگیرد که میل و کشش خود را کنترل کند و مرتکب کاری خلاف قانون نشود، نتیجه رضایتبخش تلقی می شود. در سالهای اخیر، بحثی حول سودمند بودن یا نبودن قرار دادن بچه بازی به عنوان یک اختلال

روانی، در لیست پارافیلیاها درگرفته است. کتاب آمریکایی راهنمای تشخیص بیماریها (DSM-IV-TR) مورد این انتقاد قرار گرفته که بچه بازی را با «مسائل بالینی بااهمیتی همچون اضطراب، افت اجتماعی، شغلی، یا افت در دیگر عرصه های مهم زندگی» ربط داده است. منتقدان چنین استدلال می کنند که، بنا بر



تعریف فوق، فرد بزرگسالی که از تماس جنسی خود با کودکان دچار اضطراب، افت اجتماعی، شغلی، یا افت در دیگر عرصه های مهم زندگی خود نمی شود، پدوفیل محسوب نمی گردد. (نویسندگان کتاب راهنمای تشخیص، هرگز چنین منظوری نداشته اند.) به هر حال، بعضی از متخصصان معتقدند که گنجاندن بچه بازی در لیست دی. اس. ام. (DSM) کلاً گمراه کننده است چون این بهانه ساده را به دست پدوفیلها می دهد که ادعا کنند، اگر آنها بیمار روانی هستند، پس در قبال رفتارهای خود هم مسئول نمی باشند. (برای نمونه اینجا را ببینید.)

عده ای هم به دلایل دیگری با در لیست قرار گرفتن پدوفیلی مخالفت می کنند و می گویند، صرف غیر اخلاقی و یا جنایی بودن یک رفتار، لزوماً دال بر بیمار بودن آن رفتار نمی باشد. و چنانچه این رفتار، همانطور که در بعضی از فرهنگها و در ادواری از تاریخ، مورد پذیرش اجتماعی قرار گرفته، پذیرفته شود، آنوقت چه می شود؟ و باز این سؤال که آیا همه بزرگسالانی که به این عمل دست می زنند، بیمارند؟ پس آن دسته از بزرگسالان غیر پدوفیل که فانتزیهای اروتیکی نسبت به بچه ها دارند، چی؟ و اگر این دسته اخیر، فانتزی خود را عملی کنند، چی؟ و عاقبت اینکه، تکلیف آن دسته از بچه بازاری که از هرگونه تماس جنسی با کودکان می پرهیزند، چه می شود؟ با کدام معیارها می توان و باید این دسته از بچه بازان را دارای اختلال روانی دانست؟ آیا این به نفع روانپزشکی است که خود را به عنوان «پلیس اندیشه» تثبیت کند؟ آیا بهتر نیست که فقط با اعمال جنسی علنی و آشکار برخورد شود؟ آیا بهتر نیست که اخلاق، به اولیای اخلاق، و جرائم، به اهالی قانون، یعنی پلیس و دادگاهها، محول شوند؟(1)

(1) Richard Green, MD, JD, "Is Pedophilia a Mental Disorder?", Archives of Sexual Behavior, vol. 31, Nr. 6

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی: سازمانها و تشکلات



تلاشهای امروزی پدوفیلها (بچه بازان) برای سازمانیابی خود، احتمالاً ره به جایی نمی برد. قبل از هر چیز، خصومت عمومی که با آن مواجه اند، مانع پیوستن بیشتر افراد بالقوه علاقه مند می شود. دوم آنکه، چنین امیدی وجود ندارد که درخواست پدوفیلها مبنی بر کاهش سن قانونی و یا لغو کامل محدودیت سنی برای تماس جنسی، متحقق شود. و سوم آنکه، تشکلات محدود و کوچکی که وجود دارند هم، به طور مداوم با خطر نفوذ افراد ناگوار می مواجه اند که این تشکلات را به پوششی برای مطامع خودخواهی خویش جهت تولید، تهیه و مبادله «پورنوگرافی کودکان»، و کسب فرصتهایی برای تماسگیری با کودکان و غیره، تبدیل می کنند. اما همه اینها، مانع از آن نشده که بعضی از پدوفیلها و هیبه فیلهای گروههای حمایتی خاص خود را به وجود نیاورند. برخی از مسائلی که آنها مطرح می کنند، شایسته یک بحث عمومی اند، و درواقع، بعضی از روانپزشکان، و کلاً، مجریان قانون، و دیگر متخصصان هم در این زمینه با آنها موافقت. برای نمونه، حذف پدوفیلی از لیست بیماریهای روانی، بازبینی و اصلاح قوانینی که هر فرد زیر 18 سال را کودک می شمارند، انجام تحقیقات و مطالعات بیشتر حول پدوفیلی، آموزش دهی عمومی، کمک به بچه بازان زندانی، و غیره. اما با وجود این، تماس جنسی بزرگسالان با کودکان و نونهالان، آنچنان موضوع ممنوعه ای است که انتظار نمی رود در آینده قابل پیش بینی تغییری در آن ایجاد شود. با این حساب، نه تنها پدوفیلها بلکه هیبه فیلهای نیز، همچنان ایزوله و در حاشیه باقی مانده و امیدی به اعتراف به آنها به عنوان یک اقلیت جنسی وجود ندارد. آنها مدام در پی سازماندهی خود هستند اما، از هرسو با مقاومت شدیدی مواجه می شوند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی: ابعاد قضایی



امروزه، تماس جنسی بزرگسالان با بچه های زیر بلوغ، تقریباً در همه کشورهای جرم محسوب می شود. اما در مورد نوجوانان در سن بلوغ و یا بلافاصله بعد از بلوغ، قوانین همه جا یکسان نیستند. (به بخش رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی: تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: تعریف مفاهیم 2، که در چند صفحه قبل آمد، مراجعه شود.) به هر حال، مردم قبل از هر چیز، عموماً نگران این مسئله اند که افراد بزرگسالی به دنبال پسرچه ها و دخترچه های زیر سن بلوغ می باشند. این نگرانی اغلب توسط گزارشات جنجالی و سابل ارتباط جمعی هنگام دستگیری گروههایی از افراد متهم به سوء استفاده جنسی از کودکان، تشدید می شود. ولی، محاکمات جمعی در آمریکا، آلمان و فرانسه، که گزارشات وسیعی حول آنها انتشار یافتند، همه به تیرنه متهمان منجر شدند (1). در موارد مورد اشاره، افراد کینه توز یا متوهم، اتهامات نادرست و بی اساسی مطرح کردند، و به دنبال آن تلویزیون و روزنامه ها هیستری عمومی را دامن زدند، و فضایی پر از کینه و خصومت نسبت به متهمان به وجود آوردند، کار پلیس پر از بی دقتی و سرهم بندی شد، و بچه ها مورد پرسش هایی که جواب آنها در متن سؤال پوشانده شده، قرار گرفتند که شهادتهای اولیه شان را بی اعتبار می ساختند، و «متخصصان» افرادی بی صلاحیت و فاقد شرایط لازم از آب درآمدند. همانطور که از این محاکمات می توان آموخت، دادرسی جرائم جنسی علیه کودکان می تواند برای هر دو طرف ناعادلانه باشد. اتهامات غیر واقعی ممکن است به راحتی پذیرفته شوند. کودکان ممکن است از هر طرف، یعنی نه تنها از طرف مجرم، بلکه همچنین از سوی سیستم قضایی بی صلاحیتی که آنها را به طور مرتب مورد بازجویی و سین جیم های مداوم قرار می دهد، قربانی شوند. همه اینها می تواند مسئله را مخدوش یا تضعیف کند، طوری که در آخر کار، بی گناه مجازات می گردد، و گناهکار آزاد می شود. (برای ورود به جزئیات بحث به اینجا سر بزنید.)

خوشبختانه، در سالهای اخیر، دادگاهها در بسیاری از کشورها، کارکرد خیلی بهتری داشته اند. آنها شروط صلاحیت کارشناسان خود را بهبود بخشیده اند، و هنگام بازجویی از کودکان به عنوان شاهد، سعی وافری جهت پرهیز از سوالاتی که جواب آنها در متن سؤال پوشانده شده، به کار می برند. در حال حاضر، بچه ها فقط یکبار، و آنهم توسط فردی کارشناس مصاحبه می شوند، و مصاحبه هم روی نوار ویدئویی ضبط می شود. بنابراین، کودکان کلاً از اتاقهای دادگاهها، و آسیبهای روانی ناشی از پرسشهای نامناسب و یا خشن، دور نگه داشته می شوند.

پیچیدگی مسائل و مشکلات دخیل در این قضیه، ادای حق و عدالت کامل به آنان، در یک چنین دوره آموزشی را ناممکن می کند. یادگیری چگونگی برخورد مؤثر با هرکدام، نیازمند چندین دوره آموزشی پیشرفته می باشد.

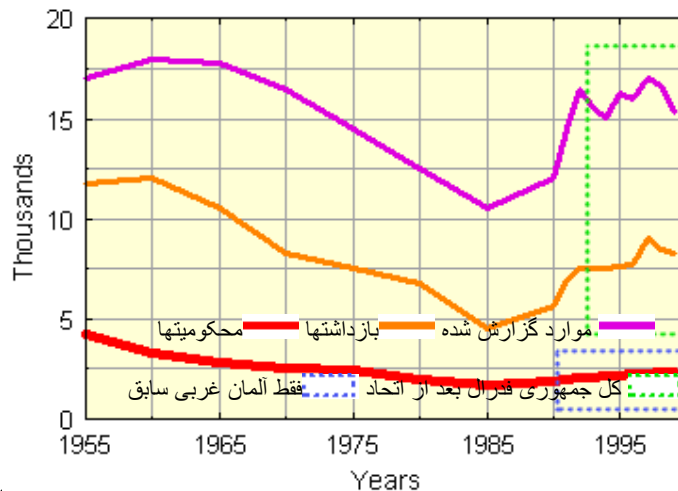
(1) The McMartin Case, Los Angeles, USA 1983-90; the mass trial in Worms, Germany 1994-97; the Outreau trial, France 2001-05. These are just the most spectacular and notorious examples.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی: ابعاد قضایی 2

همانطور که مشاهده شد، در محاکمات مربوط به جرائم جنسی علیه کودکان، دادگاهها باید نهایت دقت و احتیاط خود را به کار برند. ولی، این هشدار به معنای انکار حقایق انکارناپذیر نمی باشد که به راستی که جنایات جنسی بسیار جدی علیه بچه ها و کودکان اعمال می شوند، و مرتکبین این جنایات باید محاکمه و مجازات گردند. اما تعداد و دفعات این جنایات خیلی کمتر از شماری است که اغلب به خورد مردم داده می شوند. نه تنها محاکمات جمعی و جنجالی «گروه بچه بازان»، بلکه، قتلهای شنیع کودکان، آنچنان پوشش خبری می یابند که خوانندگان روزنامه ها و بینندگان تلویزیون را به یکسان دچار شوک می کنند. با این حال، معمولاً تصویر مخدوش و تحریف شده ای به دست مردم می رسد. نگاه مختصری به آمار «موارد گزارش شده»، و «مجرمان محکوم شده»، چشمان ما را به واقعیت مسئله، که اغلب در شلوغی بحث گم می شود، باز خواهد

کرد. برای نمونه، اسناد و مدارک خیلی قوی مبنی بر کاهش سوء استفاده فیزیکی و جنسی از کودکان در ایالات متحده در دهه 1990 در دست می باشند. آمار جالب دیگر را می توان در جمهوری فدرال آلمان یافت: در طول چهل و چهار سال، افزایش قابل توجهی در محکومیتهای مربوط به این مسئله، دیده نمی شود.

آمار پلیس آلمان از سوء استفاده های جنسی از کودکان



منبع: Hartmut A.C.

in: Sexuologie 8 (1) 2000, pp. 55-62 (p. 56)

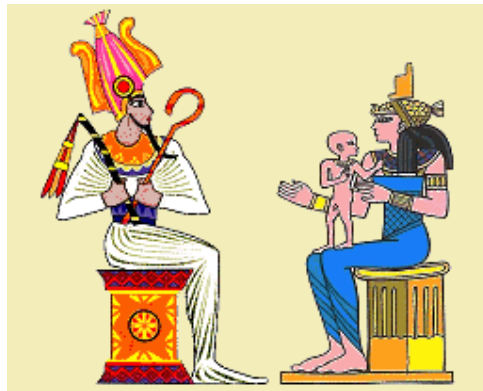
رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی (پدوفیلی): جنبه های روانی

اغلب جرائم جنسی علیه بچه ها، توسط مردان یا نوجوانان پسری صورت می گیرند که بچه ها آنها را می شناسند. اینها ممکن است پدران، پدربزرگها، عموها، یا دایی ها باشند، ولی در بیشتر موارد، مرتکبین، از دوستان یا آشنایان، همسایه ها، و یا کسانی هستند که والدین، کودکان را برای چند ساعت نگهداری به آنها می سپارند. تنها در موارد معدودی هم، غریبه ها در قضیه دست دارند. نسبت به مردان، زنان به ندرت مرتکب چنین عملی می شوند. بسیاری از مجرمین، خود در کودکی قربانی چنین جرمهایی بوده اند. در خیلی از موارد، تماس جنسی تنها یک حادثه اتفاقی نمی باشد، بلکه برای مدتها ادامه می یابد چون فرد بزرگسال معمولاً برای ارتباط مداوم با کودک تلاش می کند. در رابطه با خود بچه ها، بسته به شرایط و موقعیت، آنها ممکن است نسبت به تماس جنسی خیلی متفاوت برخورد کنند. مسئله تا حدود زیادی به سن بچه ها در زمان ارتکاب جرم، نوع تماس، و درجه خویشاوندی مجرم، بستگی دارد. چنانچه مجرم خویشاوند نزدیک، یا فرد بزرگسال قابل اعتمادی که از این اعتماد سوء استفاده کرده، باشد، به احتمال زیاد، به کودک آسیب و ضربه روانی جدی وارد می شود. مثلاً ممکن است کودکان به انواع مشکلات رفتاری، یا عدم اعتماد به نفس دچار شوند، و یا حملاتی از اضطراب و افسردگی به آنها دست دهد. بعضی از این کودکان به درمانهای روانی و مشورتی درازمدتی نیاز دارند، و برخی دیگر به نظر می رسند که دچار صدمه های پایدار نمی شوند.

بدیهی است که چنانچه کودک از عمل مجرم دچار شوک و آسیبهای روانی نشده باشد، آنوقت نباید او را با واکنشهای نامناسب دیگران که «سعی در کمک کردن دارند»، غمگین و ناراحت نمود. ولی، همانطور که اشاره شد، همه چیز به شرایط و موقعیت بستگی دارد، از جمله، این تماس و رابطه، قبل از کشف شدن چه مدت جریان داشته، آیا زور و خشونت به کار برده شده، واکنشها و برخوردهای صورت گرفته بعد از کشف رابطه چگونه اند، و اینکه خانواده کودک تا چه اندازه حامی و یاور او هستند. واکنش و برخورد آرام و متین والدین و خواهران و برادران، و عشق بی شرط و شائبه آنها، تأثیر مثبت هنگفتی بر جای می نهد. فهم این مسئله به کودک که «او تقصیری ندارد و خلافی مرتکب نشده» هم، فوق العاده مهم می باشد.

به هر حال، باید به خاطر داشت که هر موردی، بنا به درهم تنیدگی عوامل و فاکت‌های دخیل در آن، ویژگی‌های خاص خود را داراست و به همین دلیل هم، بایستی ترکیبی از واکنشها و راهکارهای افراد مختلف که مایل به کمک به کودک می‌باشند، ارائه گردد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم (Incest)



ازیریس و ایزیس

ازیریس که در مصر باستان به عنوان خدای مردگان شناخته می‌شد، با خواهر خود ایزیس که الهه آفرینش بود، ازدواج کرده بود.

(در تصویر فوق به اتفاق فرزندشان هوروس دیده می‌شوند). بعضی از فرآیندهای مصر آنها را سرمشق قرار داده و زنا با محارم را به یک رسم سلطنتی تبدیل کردند. ریشه و معنی این رسم و سنت کماکان مورد بحث و مشاجره می‌باشد، معلوم هم نیست که این سنت تا چه مدت ادامه داشته و آیا چنین سنتی به شدت رعایت می‌شده یا نه. ولی ما این را می‌دانیم که کلنوپاترای معروف، دختر بطلمیوس دوازدهم، متعاقباً با برادران خود، ابتدا با بطلمیوس سیزدهم و سپس با بطلمیوس چهاردهم ازدواج نمود.

از دیرباز، نژاد بشر «تابوی زنا»، یعنی منع آمیزش جنسی بین بستگان نزدیک، را رعایت کرده است. تنها استثناء بر این امر در مصر باستان یافته شده، و گزارشاتی هم در رابطه با انجام آن در دوران گذشته در فرهنگ هائیتی، برخی از جزایر اقیانوس آرام، و آمریکای پیش از کریستف کلمب، به دست آمده اند. ولی با این حال، این استثنائات هم فقط به خانواده‌های سلطنتی و افرادی از اعیان و اشراف محدود بوده اند. ریشه و نسب این تابو دقیقاً معلوم نیست، چون قدمت آن از هرگونه دانش ژن شناسی قابل قبولی فراتر می‌رود. و به این دلیل هم تأثیرات و نتایج منفی ناشی از پیوند سببی (خویشاوندی) نمی‌توانسته علت آن باشد. بعضی از متفکران علت را صرفاً پیشگیری از حسادت و کدورت بین خویشاوندان که از نزدیک با هم کار و زندگی می‌کردند، دانسته اند. به هر حال، این موضوع باعث منع مردم از ازدواج خانوادگی یعنی درون زامی (endogamy) شد و آنها را به ازدواج با افرادی در بیرون از خانواده، یعنی برون زامی (exogamy) سوق داد. همین باعث گردید که رابطه قوم و خویشی و نزدیکی و اتحاد بین خانواده‌هایی که قبلاً با هم غریبه بودند، ایجاد شود. با ادامه این پروسه، شبکه وسیعی از خانواده‌های متحد و نزدیک به هم، به وجود آمد که بنیان اقتصاد، فرهنگ و سیاست جمعی و مشترکشان بر آن استوار گردید. با این مفهوم، تابوی زنا با محارم، منبع هر اتحاد و همبستگی گسترده انسانی، و سنگ بنای همه سیستم‌های پیچیده اجتماعی می‌باشد.



زنوس و هرا

زنوس، خدای اعظم یونان باستان و همسرش هرا، نیز خواهر و برادر بودند. اما برای یونانیان، این رسمی نبود که باید سرمشق قرار می گرفت.

منبع: FCIT

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: یادداشت ادبی



«لوط و دخترانش»

در داستان انجیل درباره لوط بیوه آمده است که، دو دخترش او را مست می کنند، چون می خواهند که توسط او باردار شوند تا شجره خانوادگی ادامه یابد. آنها در کار خود موفق می شوند و هرکدام پسری به دنیا می آورد. این نقاشی اثر هندریک گولزیوس (Hendrik Goltzius) (1617 – 1558) می باشد.

در طول قرنها، نویسندگان زیادی به موضوع زنا با محارم پرداخته اند؛ از داستان لوط و دخترانش در انجیل (36 – 30: 19 کتاب پیدایش)، گرفته، تا درام «ادیپ شهریار» سوفوکل - “Oedipus the King” (428 B.C.)، تا نمایش جان فورد به اسم { «تی، متأسفانه جنده است» } “T’ is Pity She’s a Whore” (1633 – 1633) و اپرای ریشارد واگنر به اسم “Die Walküre”-1870. در این شاهکارهای ادبی، شخصیتها مورد رحم و شفقت قرار می گیرند، و بیش از آنکه محکوم شوند، بیشتر به حالشان افسوس خورده می شود. با این وجود، به عمل زنا با محارم آنها به عنوان منبع مصیبت و تراژدی نگریسته می شود. این مسئله، احساسات مخاطبان را هم منعکس می کند، ولی فقط تا زمانی که زنا در محدوده افراد بالغ و مرضی الطرفین، یا خواهر و برادری تقریباً همسن و سال، باقی می ماند. در چنین مواردی، بسیاری از مردم آمادگی ابراز نوعی درک، یا همدردی را دارند. اما، هنگامی که خشونت و کودکان در مسئله دخیل داده شوند، آنوقت مرز تحمل مردم بخار می شود و به هوا می رود.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: جنبه های قضایی



احتمالاً اکثر مردم با این تعریف زنا با محارم موافقت: «مقاربت جنسی بستگان نزدیک با هم». اما، برای قوانین جنایی، این تعریف نامشخص و مبهم می باشد. معنی دقیق «مقاربت جنسی» چیست؟ آیا منظور فقط مقاربت دخولی است، یا مقاربت دستی، دهانی، مقعدی، و یا حتی آمیزش بصری و بینایی، را هم شامل می شود؟ و همینطور، «بستگان نزدیک» یعنی چه؟ آیا این تنها به معنای نزدیکترین خویشاوندان خونی مثل والدین و کودکان، یا خواهران و برادران می باشد یا، خواهران و برادران ناتنی، پسران و دختران عموها، عمه ها، و خاله ها، و همچنین پسران و دختران ناتنی، عموها، عمه ها و خاله ها، را هم دربر می گیرد؟ آیا شامل پدربزرگها و مادر بزرگها و نوه ها هم می گردد؟ آیا زنا با محارم می تواند بین خویشاوندان همجنس هم اتفاق بیفتد؟ قانونگذاران مختلف، به این سئوالات پاسخهای متفاوتی داده اند، و مجازاتهای متفاوتی هم تعیین کرده اند. در واقع، در بعضی از کشورها، زنا با محارم، به خودی خود، تا زمانی که دو فرد هم نسل، مثلاً دو فرد خردسال همسن، و یا دو فرد بزرگسال و بالغ (1) باشند، جرم محسوب نمی شود. زنا با محارم افراد بزرگسال با کودکان، اغلب با استفاده از قوانین دیگری مورد پیگرد قرار می گیرد. با توجه به همه این مسائل، در اینجا فرصتی برای پرداختن به یک بحث عمقی و ورود به جزئیات وجود ندارد. در عوض، خود را به مشاهدات و یادداشت‌هایی عام در قضیه زنا با محارم بزرگسالان با بچه هایشان، محدود می کنیم.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: جنبه های روانی



زنا با محارم، در اکثر کشورها جرم محسوب می شود. اما از آنجا که موضوع پنهانی و در خلوت اتفاق می افتد، به راحتی قابل کشف و پیگرد نمی باشد. اغلب پرونده هایی که به دادگاههای جنایی کشیده می شوند، به زنا با محارم پدران یا دختران خردسالشان مربوط می شوند. در برخی موارد، دختران حتی به سن بلوغ هم نرسیده اند. ولی، این به معنای بچه باز (پدوفیل) بودن پدر نمی باشد. (استثناء زمانی است که مرد بچه بازی با هدف دسترسی به کودکان، با زنی ازدواج می کند). به عنوان یک قاعده، پدر، از سوژه جنسی بی دفاع و به راحتی در دسترس بهره می گیرد. در اصل، این همان برخورداری است که او با فرزند خود در پیش می گیرد؛ یعنی با بچه اش به عنوان سوژه ای برای ارضاء امیال خودخواهانه خود رفتار می کند. او برای رسیدن به هدف خود ممکن است از، چاپلوسی و تملق، وعده و وعید، حيله و فریب، فشار و اجبار، تهدید و تشر و حتی زور و خشونت عریان، استفاده کند، و اگر عمل او کشف نشود، ممکن است تا سالها ادامه یابد.

این مسئله برای دختر، همیشه اثرات ویرانگر روانی به همراه دارد، و ممکن است سالها طول بکشد تا بتواند بر ضربه روحی، و شوک و تکانه روانی خود فائق آید، و چه بسا هرگز هم موفق نشود. او گاهی شاید، به دلایل موجهی، تقصیر را به گردن مادر خود بیندازد. به خاطر «نادیده گرفتن» و کم کاری در کمک به دختر خود. درکل، زنا با محارم پدر - دختر شرایط غیر قابل تحملی در محیط خانواده ایجاد می کند. (زنا با محارم مادر - پسر احتمالاً نتایج زیانبار کمتری به همراه دارد، اما خود این پدیده نسبتاً نادر می باشد). بعضی از خانواده ها، به دلایل مختلفی، مایل به گزارش قضیه نیستند. آنها ممکن است از این واهمه داشته باشند که نان آور خود را از دست بدهند، یا از داغ رسوایی می ترسند، و یا امیدوارند که «موضوع را بین خودشان حل و فصل کنند». بدون شک، صرف دادگاهی کردن و محکومیت، برای حل مسئله کفایت نمی کند. همه اعضای خانواده، از جمله خود پدر، به کمک و مشاوره روانی نیاز دارند، تا حداقل اعتماد به همدیگر را، بازیابند. البته این اعتمادیابی مجدد چه بسا هرگز به دست نیاید. اغلب اوقات، خرابی و صدمه وارده بر رابطه آنها و رای هرگونه ترمیم و مرمتی است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: فحشای کودکان

برخی از افراد بزرگسال، با دختران و پسرانی که به خاطر فقر مجبور به خودفروشی شده اند، رابطه جنسی برقرار می کنند. تن فروشی کودکان عمدتاً در کشورهای فقیر دیده می شود، و یک معضل جدی بین المللی است. همانطور که قبلاً اشاره شد، هم سازمان ملل و هم اتحادیه اروپا اسنادی رسمی منتشر کرده و طی آنها، رعایت حقوق کودکان و پایان دادن به بهره کشی جنسی از آنها را خواستار شده اند. (در ابتدای مبحث مربوط به رابطه جنسی با کودکان که قبلاً آمد، به این اسناد پرداخته شده است. م.) علاوه بر این، مدت مدیدی است که یونیسف و یونسکو هم، از جمله از طریق حمایت مالی از کنگره های بین المللی حول موضوع، از همین اهداف حمایت و پشتیبانی کرده اند. مضاف بر این، یونیسف و یونسکو، با سازمانها و گروههایی که متعهد به پایان دادن به فحشای کودکان، پورنوگرافی کودکان، و قاچاق کودکان برای مقاصد جنسی هستند، همکاری و تعاون دارند. گاهی، برخی از این گروهها خواستار پایان دادن به «بهره کشی و استثمار جنسی کودکان» می شوند. اما این مسئله موضوع را مبهم می کند. در عوض، همیشه باید این درخواست مطرح شود که کلاً هرگونه استثمار و بهره کشی جنسی از کودکان، چه تجاری و چه غیر تجاری، غلط است و باید محو شود. درحقیقت، هر نوع بهره کشی و سوء استفاده از هر انسانی نادرست می باشد، حال چه تجاری باشد یا نباشد.



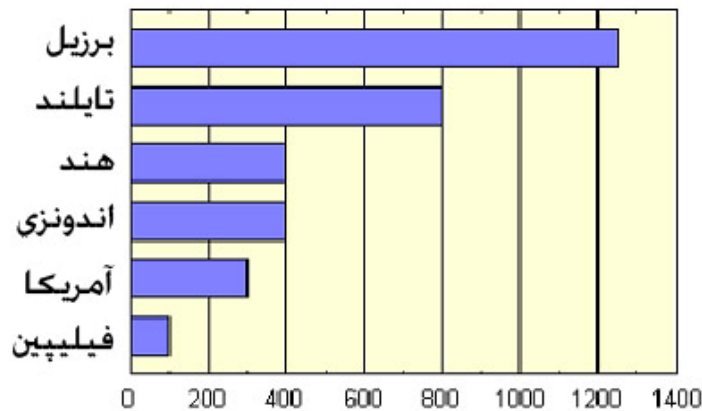
سه سازمان عمده که برای پایان دادن به فحشای کودکان فعالیت می کنند. علاوه بر سازمان ملل و اتحادیه اروپا، سازمانهای دیگری هم هستند که سعی می کنند کودکان را از سوداگری و استثمار جنسی محافظت کنند. سرشناس ترین آنها: 1. یونیسف- صندوق بین المللی اضطراری کودکان سازمان ملل متحد. 2. یونسکو - سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد. 3. اکپات - شبکه ای از سازمانها و افرادی که در راه محو بهره کشی جنسی از کودکان، با هم همکاری دارند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: فحشای کودکان 2

مشکل فحشای کودکان با مشکل دیگری ربط می یابد؛ و آن قاچاق کودکان می باشد. یعنی انتقال و جا به جایی غیر قانونی بچه ها از مکانی به مکانی دیگر با هدف بهره کشی. معمولاً والدین، و خود کودکان هم، وقتی به «عامل» اجازه می دهند که بچه ها را با خود به مکانهای دور ببرد، از اینکه او چه آشی برایشان پخته بی خبرند. آنها این امید را دارند که کار ثابتی بیابند، اما طولی نمی کشد که خود را در چنگال تبهکارانی بی وجدان می یابند. بیشتر این بهره کشی ها از جنس اقتصادی اند - از کودکان به عنوان کارگران ارزان، یا خدمتکاران خانگی ارزان یا بدون حقوق، استفاده می شود. ولی، قاچاقچیهای در سطح ملی و بین المللی هم هستند که هدفشان صرفاً بهره کشی جنسی است - کودکان را با زور مجبور به تن فروشی می کنند تا برای «صاحب کارشان» پول در آورند. طبق تخمین یونیسف، سالانه حدود یک میلیون خردسال قربانی این اعمال می شوند.

در دهه های اخیر، با رشد صنعت گردشگری که مقدار معینی «توریسم سکس» را هم دربر می گیرد، مشکل وخیم تر شده است. تخمین اینکه چه تعداد از کودکان در این «تجارت» مورد سوداگری و بهره کشی قرار می گیرند، چندان ساده نیست. با توجه به تعاریف متعددی که از «کودک» می شود، برآوردها هم متفاوت می باشند. درحالیکه منظور سازمانهای بین المللی از کودک، «هر فرد زیر 18 سال» می باشد، بسیاری از قوانین جنایی کشوری، تعاریف محدودتری از «کودک» ارائه می دهند. مضاف بر این، همانطور که قبلاً اشاره گردید، آنها باز تعریف دیگری از «سن قانونی» ارائه می دهند، و همه آنها به بغرنجی موضوع دامن می زنند. و آخر اینکه، همیشه معلوم نیست که به طور دقیق، منظور از «صغیر» (خردسال) چه می باشد.

ولی به هر حال، شکی در این نیست که در بسیاری از موارد، نوجوانان (ادولسنس) و حتی دختران و پسران زیر سن بلوغ در این قضایا به دام افتاده اند.



فحشای کودکان در بعضی از کشورها
(در هزار)

طبق برآورد یونیسف، تعداد زیادی از کودکان در سراسر جهان مورد بهره کشی جنسی قرار می گیرند. در نمای فوق فحشای کودکان در شش کشور نشان داده شده است. تخمین زده می شود که بین پانصد هزار تا دو میلیون کودک در برزیل به فحشاء مشغولند. در اینجا میانگین کشورها آورده شده است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: فحشای کودکان 3

مسیر اصلی قاچاق کودکان، از سمت کشورهای فقیر به سوی کشورهای غنی می باشد، به عبارت دیگر، عموماً از جنوب به سمت شمال، و از شرق به سوی غرب جریان دارد. ولی، با تغییر شرایط اقتصادی، مسیر قاچاق هم همراه با آن سریعاً عوض می شود. سوداگران فقط به فکر پول هستند و تقاضاهای «بازار» خود را دنبال می کنند. قاچاق کودکان امروزه عمدتاً در جنوب شرقی آسیا، آمریکای لاتین، و برخی از کشورهای فقیر اروپای شرقی دیده می شود. این مناطق به عنوان مقصد توریسم سکس هم معروفند.

توریسم سکس در جهت عکس حرکت می کند، یعنی از کشورهای غنی به سمت کشورهای فقیر – از شمال به جنوب، و از غرب به شرق. توریستهای نسبتاً پولدار از آمریکا، استرالیا، اروپا، و ژاپن، توان پرداخت مالی برای تماسهای جنسی را دارا می باشند، و در این رابطه، برخی از آنها به دنبال کودکان می گردند. اما، این بدان معنا نیست که مردان بومی و محلی از فرصتهای جنسی ایجاد شده استفاده نمی کنند، بلکه بالعکس. بعضی از این مردان، به خطا بر این باورند که ایدز از طریق آمیزش جنسی با دختران باکره، درمان می شود، و این خرافات، دختران بسیار جوان را در معرض خطرات جدی قرار می دهد. موقعیت پائین اجتماعی زنان و دختران، در بسیاری از کشورهای در حال رشد، آنها را، بخصوص در مقابل سوء استفاده ها و بهره کشی های جنسی، تضعیف و آسیب پذیر می سازد. البته، بیکاری و فقدان امکانات آموزشی، بعضی از پسران را هم مجبور به تن فروشی می کند.



توریسم سکس در جنوب شرقی آسیا

نقشه فوق، مقصد اصلی و مورد پسند توریستهای سکس از کشورهای رشد یافته را نشان می دهد. توجه به این نکته بسیار مهم است که، نه همه، بلکه تنها بخش بسیار کوچکی از این توریستها، به رابطه جنسی با کودکان علاقه مند می باشند. اکثریت بزرگی از آنها به دنبال روسپیان بالغ می گردند که توان پاسخدهی جنسی کامل را دارا هستند. این توریستها گاهی هم به دنبال مردان جوان می گردند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: فحشای کودکان 4

همانطور که در بخش قبلی روشن گردید، فقر، ریشه فحشای کودکان است. این مسئله در مورد انگلستان دوران ویکتوریایی و فحشای کودکان آن صدق می کرد، و امروز هم در مورد بسیاری از کشورهای در حال رشد صدق می کند. فقر و ناداری است که بسیاری از دختران و پسران را جهت دستگیری از والدین و خواهران و برادران خود، ناگزیر می کند که به «کارگران جنسی» تبدیل شوند. کودکانی دیگر، خود را در موقعیت و شرایط استیصال کننده و نومیدانه تری می یابند، یعنی «کودکان رها شده خیابانی». این کودکان برای زنده ماندن راهی جز گدایی، دزدی و تن فروشی ندارند. بنابراین، درک این مسئله مهم است که، تلاشهای ستودنی سازمانهای ملی و بین المللی جهت پایان دادن به فحشای کودکان، فقط به موازات تلاشهای آنان برای زدودن فقر، موفقیت آمیز خواهد بود. برگزاری کنگره ها، کش و بسط دادن مفهوم «کودکی» تا حدی که نوجوانان را هم دربر گیرد، وضع قوانین جزائی سختگیرانه تر، دستگیری و مجازات مشتربان، بستن فاحشه خانه ها و غیره، چیزی جز درمان روبنا و ظاهر مسئله ای که ریشه زیر بنایی جدی تری دارد، نمی باشد. با وجود همه تلاشهای قابل تقدیر این سازمانها، اما اگر آنها به علل سیاسی و اقتصادی فقر نپردازند، آنوقت هدف و مسئله اصلی خود را فراموش کرده اند. تا زمانیکه فقر کودکان ادامه دارد و آنها را مجبور به تن فروشی می کند، حتی بزرگترین «عملیات پاکسازی» هم به این کودکان کمکی نخواهند کرد.



مبارزه با سوء استفاده های جنسی و فقر

این کنگره یونیسف که در یوکوهاما، ژاپن، برگزار گردید، بر درخواستهای خود جهت تصویب قوانین سختگیرانه تر و اجرای قانون، تأکید و پافشاری زیادی نمود، اما، در رابطه با فقر، به مسائل کلی بسنده کرد: «ما از برنامه های زیر استقبال می کنیم- تأکید بیشتر بر حقوق کودک، امکانات آموزشی بهتر برای کودکان، اقدامات حمایت اجتماعی برای خانواده ها و کودکان جهت مقابله با فقر». (برای اطلاع بیشتر روی آرم فوق کلیک کنید.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: پورنوگرافی کودکان



ترسیم کودکان در حالت انجام فعالیت جنسی، به تنهایی یا با دیگران، به عنوان «پورنوگرافی کودکان» شناخته می شود و عملاً در همه جا ممنوع می باشد. بسته به هر مورد، این می تواند عکسهایی از بچه های لخت در «حالت های تحریک آمیز»، یا حتی بدون هرگونه بار معنایی جنسی را هم شامل شود. مفهوم قانونی «کودک» باز در اینجا هم شامل «هر فرد زیر 18 سال» می شود. تصاویر کودکان، در قالب رسم کشی، نقاشی، عکس، یا فیلم، ویدئو، دی وی دی و دوربین های زنده (وب کم)، و اغلب به کمک کامپیوترهای شخصی، انتشار می یابند. تولید و نگهداری اینگونه تصاویر یک جرم جدی محسوب می شود.

همانطور که توافقی عمومی حول مفهوم دقیق «پورنوگرافی» وجود ندارد، در مورد «پورنوگرافی کودکان» هم موافقتی همگانی دیده نمی شود، چون مردم حامل فرهنگ های مختلف، برخوردهای متفاوتی در پیش می گیرند. در واقع، حتی افراد با پیشینه مشابه هم، ممکن است در طول زمان برخوردهای خود را تغییر دهند. مثلاً در دهه 1970، در آمریکا و اروپا، کتابهایی در عرصه آموزش جنسی وجود داشتند که به وسیله متخصصان تربیتی هم توصیه می شدند، اما امروزه پورنوگرافی محسوب گردیده و در بازار نایاب می باشند. همینطور، عکسهایی که صد سال پیش، لوئیس کارول، نویسنده «آلیس در سرزمین عجائب» گرفت، و باعث شدند که هم والدین کودکان و هم بی شمار افرادی که علاقه ای وافر به عکاسی داشتند، تا این اواخر، بدون قصد و غرض و بی آنکه گناهی مرتکب شوند از دیدن آنها لذت ببرند، هم بحث انگیز شده اند. و آخر سر اینکه، همانطور که بازدیدکنندگان کلیساهای رنسانس و باروک در ایتالیا، به راحتی می توانند ببینند، در بعضی از آنها نقاشیها، دیوارنگاریها، و مجسمه های کودکان لختی وجود دارند که اگر هنرمندی امروز آنها را تولید کند، بلافاصله بازداشت و دستگیر می شود. معهدا، در خارج از «محدوده خاکستری»، تعداد زیادی از عکسها، تصاویر و فیلمهای آشکار جنسی وجود دارند که توافقی عمومی درباره آنها وجود دارد: حصول آنها بدون بهره کشی و سوء استفاده جنسی از کودکان امکان ندارد. و به راستی که بعضی از کودکان مشخصاً قربانی خشونت جنسی اند.



رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: پورنوگرافی کودکان 2

امروزه، بیشتر موارد مربوط به پورنوگرافی کودکان، روی اینترنت گردآوری، رد و بدل، و به مشارکت گذاشته می شوند. در رابطه با سوء استفاده های جنسی، قوانین جدیدی جهت مقابله با این موضوع به تصویب رسیده اند.

در عین حال، سازمانهای مجری قانون، به روز شده، و همکاری بین المللی آنها هم تقویت شده است. نمونه ای از این همکاری بین المللی، ارتش مجازی جهانی می باشد، که با سوء استفاده از کودکان روی شبکه اینترنت مقابله می کند. این مؤسسه، برای اصطلاح سوء استفاده از کودکان روی شبکه این تعریف را ارائه می دهد:

ارتش مجازی جهانی
انتلافی از سازمانهای
مجری قانون از سراسر جهان،
که علیه سوء استفاده از کودکان
روی شبکه اینترنت، با هم
همکاری دارند. (برای اطلاع
بیشتر روی آرم کلیک کنید.)

سوء استفاده از کودکان روی شبکه، شامل:

ساختن یا دریافت (داونلود کردن) تصاویر کودکان در حالت مورد سوء استفاده قرار گرفتن، و نزدیک شدن به کودکان بر روی شبکه اینترنت برای سکس می باشد. این شامل سکس روی خط (یعنی فعالیت جنسی به کمک نوشته و دوربین)، یا گول زدن و به دست آوردن دل و اعتماد کودک بر روی شبکه به منظور ملاقات حضوری و سکس در عالم «واقع» هم می باشد.

این ارتش جهانی، از رابطه بین اینترنت و امکانی که برای گول زدن کودکان فراهم می کند، آگاه بوده و سعی دارد که با آن مقابله کند. دیدن چنین فرضی منطقی به نظر می رسد اما، اینکه این احتمال چقدر بالفعل و تا چه اندازه مهم می باشد، معلوم نیست. مشخص هم نیست که چه تعداد از کودکان و بزرگسالان در هر کدام از انواع سوء استفاده های جنسی، درگیرند. برآورد خود ارتش مجازی جهانی این است که «35% - 25% از کاربران جوان اینترنت، در معرض مطالب جنسی واقع شده اند.» لیکن، باز هم معنی دقیق این برآورد همچنان دشوار می نماید. همه چیز به تعریفی که از «جوان» و «مطالب جنسی» می شود، بستگی دارد. هر چه که باشد، اینترنت امکان جدیدی برای سوء استفاده مجرمان از غافلان فراهم آورده است، و در این رابطه، بخصوص کودکان نیازمند محافظت از بزرگسالانی هستند که آنها را طعمه جنسی خود می کنند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: پورنوگرافی کودکان 3



استثمار تجاری و روانی کودکان در جهت اهداف پورنوگرافی و شهوانی، حیطة وسیعی از «تصاویر لخت» ظاهراً بی ضرر، تا صحنه های فجیع خشونت جنسی را شامل می شود. تولید کنندگان این مواد و مطالب، در هر گوشه ای از جهان زندگی می کنند، و اهل هر نوع شغل و حرفه ای می توانند باشند. البته، گاهی خود والدین بچه ها هم در قضیه دست دارند. توافقی عمومی حول ردیابی و پایان دادن به این بهره کشی و استثمار جنسی کودکان وجود دارد. با این همه، وقتی که موضوع، به نوجوانان و جوانان زیر بیست سال که از خود عکسهای لخت می گیرند و آنها را با دوستان همسن و سال خود رد و بدل می کنند مربوط شود، آنوقت قضیه شفافیت خود را از دست می دهد. نه تنها اینترنت، بلکه امروزه، تلفنهای موبایل هم امکان ارسال و دریافت عکس و تصویر را می دهند. تا زمانی که ارسال کننده زیر 18 سال باشد، قانوناً به عنوان کودک تعریف می شود، ولی هم خودش، و هم دریافت کننده تصاویر، به عنوان توزیع کنندگان تصاویر پورنوگرافی کودکان، مجرم و بزهدار شناخته می شوند. می توان تصور نمود که این نوع توزیع هم اکنون روی اینترنت جریان دارد و در آینده هم گسترش خواهد یافت. اما این نوع از انتشار تصاویر تاکنون به طور وسیعی مورد بحث قرار نگرفته است، و هنوز معلوم نیست که قانون و مجریان آن در آینده چگونه با این مسئله برخورد خواهند کرد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: پورنوگرافی کودکان 4

تعاریف متفاوتی که از «کودکی» می شود، و یکسان نبودن مرز «سن قانونی» در کشورهای مختلف، پیشاپیش حکایت از آن دارد که مبارزه با پورنوگرافی کودکان کار ساده و همواری نیست، و تازه، چندین مسئله تکنیکی و قانونگذاری را هم پیش کشیده است. برای مثال:

از تعدادی از مردان که به نگهداری پورنوگرافی کودکان متهم شده بودند، رفع اتهام گردید چون مشخص شد که ویروس کامپیوتری خاصی («اسب تروژن») به کامپیوتر آنها سرایت و عکسها را بدون اطلاع آنها، روی کامپیوترشان داندلود کرده بود. مدافعان حقوق مدنی اشاره کرده اند که مجازات افراد به جرم نگهداری خصوصی عکسها و تصاویر، حال هر چه که باشند، مشکل ساز است، این نوع دخالت دولت در حریم خصوصی، اسباب این نگرانی می شود که مبادا به تأسیس «پلیس اندیشه ای» بیانجامد و هر نوع افکار و نظرات مخالف دولت را سرکوب کند.

مجازات نگه دارندگان تصاویر پورنوگرافی کودکان، به قیمت پاداش دهی مجرمان تولید کننده و تشویق آنها برای آسیب رسانی و بهره کشی از کودکان بیشتری تمام می شود. با وجود این، تکنولوژی مدرن کامپیوتری امروزی، امکان تولید تصاویر پورنوگرافیک «مجازی» کودکان را فراهم آورده است؛ یعنی عکسها و تصاویر ساختگی که کاملاً حقیقی جلوه می کنند، اما این کودکان در عالم واقع وجود ندارند. تلاش برای ممنوعیت اینگونه تصاویر، پرسشهای کاملاً تازه ای مطرح می سازد. درواقع، دادگاه عالی ایالات متحده، این نوع ممنوعیت را ناقض قانون اساسی تضمین حق بیان، اعلام کرده است.

(United States Supreme Court in *Ashcroft v. Free Speech Coalition*, 2002)

با توجه به آنچه که در فوق آمد، و همینطور دیگر مسائل بحث انگیز، گروههای مدافع حقوق مدنی در این تلاشند که حوادث را زیر نظر داشته باشند و نسبت به هرگونه افراط از هر جهتی، هشدار می دهند.

حقوق سایبری و آزادیهای سایبری سازمان غیر انتفاعی حقوق و آزادیهای مدنی



وبسایت یک سازمان ناظر بر حقوق و آزادیهای مدنی در اینترنت.
(روی تصویر کلیک کنید.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری

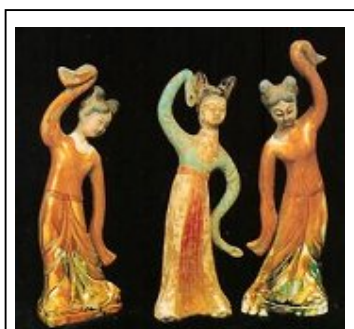
کلمه «روسپیگری» (prostitution) (از لغت لاتین *prostitution* یعنی به معرض نمایش گذاشتن، پیشنهاد کردن، تقدیم نمودن)، واژه و اصطلاح سنتی جا افتاده برای آن چیزی است که امروزه «کار جنسی» نامیده می شود. این زبان رک و بی پرده شاید صادقانه جلوه کند اما، کاربران آن باید متوجه باشند که آنها از کار و شغل بسیار خاصی صحبت می کنند. و به راستی که این کار به هیچ کار دیگری شباهت ندارد. حقایق اساسی به اندازه کافی ساده اند: برخی از مردان و زنان بنا به عادت، در قبال اجرای خواسته های جنسی مشتریان خود، پاداش مادی (پول، هدایا)، تقبل می کنند. این مسئله به طور سنتی، شامل تماس مستقیم فیزیکی می شود، اما انقلاب الکترونیکی حاضر، انواع جدیدی از روسپیگری، از «سکس تلفنی» تا تعامل و هم کنشی سمعی و بصری از طریق اینترنت و موبایل را ممکن کرده است. زنان و مردان، به تنهایی یا به همراه شریک جنسیشان، به مشتریان خود اجازه می دهند که به مقاربت جنسی آنها گوش دهند، نگاه کنند، و حتی به بینندگانی چند هم اجازه می دهند که نوع و شکل اعمال و حرکات مورد نظر خود را به آنها دیکته کنند.

تحولات اخیر، پرسشهای تازه ای درباره طبیعت و ماهیت مبادله به پیش می کشند. مثلاً، همراه با استدلال‌های قابل توجهی، ادعا می شده که روسپیان همیشه مورد بهره کشی و سوء استفاده جنسی مشتریان خود قرار می گیرند. اما به نظر می رسد که «روسپیگری از راه دور» امروزی جای نقشها را عوض کرده است. به این شکل که افراد در قبال خدمات جنسی خود، از افراد ناشناخته ای پول دریافت می کنند و دو طرف هرگز همدیگر را ملاقات نمی کنند. در واقع، کارکنان جنسی امروزه قادرند که به چندین نفر از مشتریان خود به طور همزمان سرویس دهند و به این طریق، در قبال هر عمل جنسی ای که انجام می دهند، چند برابر درآمد دریافت می کنند. یک ناظر بی طرف خیلی راحت این سؤال را می تواند مطرح کند که «اگر در اینجا بهره کشی و استثمار اتفاق می افتد، کدام طرف دیگری را مورد بهره کشی قرار می دهد؟»

پاسخ این سؤال چندان روشن نیست، و به راستی هم هرچه که بیشتر در این موضوع تعمق کنیم، بیشتر به پیچیدگی کل مسئله روسپیگری پی می بریم. تکنولوژی جدید ابعادی از مسئله را برملا می کند که همیشه وجود داشته اند اما بدانها توجهی نمی شده است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: یادداشتهای تاریخی

همیشه روسپیگری را «قدیمی ترین حرفه جهان» نامیده اند، والحق هم که از قدیم الایام در همه تمدنهای



روسپیان رقصان
روسپیان رقصان چینی (پورسلین)
قرون 8-9 بعد از میلاد.
(موزه سکس چین، تونگلی)

باستانی و مدرن وجود داشته است. در دوران باستان، روسپیگری در خاور نزدیک، حتی از یک بعد مذهبی برخوردار بود؛ و «روسپیان مقدس» در خدمت و رکاب الهه باروری بودند و درآمدشان به معبد تعلق می گرفت. البته، ما از طریق انجیل متوجه می شویم که این نوع «روسپیگری معبدی» از طرف قوم اسرائیل به شدت محکوم شده بود. با این وجود، روسپیگری در شکل دنیوی و این جهانی خود، در سراسر جهان باستان رونق یافت. به این خاطر، وقتی که باستان شناسان به حفاری شهر رومی پمپی (Pompeii)، که در سال 79 بعد از میلاد منهدم شده بود پرداختند، از یافتن چندین روسپی خانه تعجبی نکردند. بر دیوار یکی از این خانه ها نوشته شده بود: (Hic habitat felicitas) «در اینجا شادی می زید». در اروپای مسیحی سده های میانه، روسپیگری، که بنا بر اعتقاد توماس اکویناس قدیس، لغو آن باعث آشوب و اخلال اجتماعی می گردد و «حتی یک کاخ هم به فاضلاب

نیاز دارد»، رسماً مورد مدارا قرار می گرفت و تحمل می شد. در امپراطوری چین، روسپیگری در طول قرن‌ها تحت نظارت و مقررات دولتی بود و بعداً به سازمان تجارت خصوصی گسترده ای تبدیل شد. با تأسیس جمهوری خلق چین در سال 1949، روسپیگری غیر قانونی اعلام گردید. درحقیقت، قبل از این هم، در طول تاریخ چین، تلاشهای مکرری برای محو روسپیگری صورت گرفته بود، اما همه آن تلاشها در درازمدت بیهودگی خود را به اثبات رساندند. همین موضوع در مورد کشورهای دیگر هم صدق می کند. مثلاً در آمریکا، بعد از جنگ جهانی اول، همه روسپی خانه های قانونی را بستند، اما با این کار خود به ایجاد اشکال تازه ای از روسپیگری، از جمله «بارهای محل بلند کردن»، «سالن های ماساژ»، «فاحشه های خیابانی»، «دختران تلفنی» و «خدمات اسکورتی» دامن زدند. در اروپا، امروزه دو نوع استراتژی متضاد هم دنبال می شوند: بازداشت مشتریان روسپیان (سوئد)، یا تبدیل روسپیگری به یک شغل رسمی همراه با بیمه های بهداشتی و طرح حقوق بازنشستگی (هلند). به نظر می رسد که نمونه هلند در اکثر کشورهای اروپایی هر چه بیشتر طرفدار می یابد. از آنجا که امکان تحقیق و تفحص حول تاریخ روسپیگری، در جاهای دیگر به راحتی امکان پذیر است، در این دوره آموزشی تنها به نوشتن یادداشتهای کوتاهی حول برخی از ابعاد آن که در شرایط فعلی کماکان اعتبار دارند، خواهیم پرداخت.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: یادداشتهای تاریخی 2

«پدر سکسولوژی» ایوان بلوچ (Iwan Bloch)، روسپیگری را به دلیل برخوردار بودن از هر دو بعد زیست‌شناختی و اجتماعی-فرهنگی، مهمترین و باارزش‌ترین موضوع علم جدید خود می‌داند. به همین دلیل، مطالعه آن نیازمند یک رویکرد میان‌رشته‌ای است، یعنی همکاری بین علوم طبیعی و علوم اجتماعی. درحقیقت، خود ایوان بلوچ پروژه تحقیقاتی بلند پروازانه‌ای در امتداد همین خطوط، به نام «روسپیگری» (*Die Prostitution* vol. I, 1912) شروع کرد، اما قبل از اتمام آن، درگذشت.

پیش از این، یک پژوهش ناتمام دیگر حول روسپیگری، به عنوان بخشی از مطالعات «تاریخ وابستگی در نژاد انسانی» (History of Dependency in the Human Race – 1826 / 27) توسط ویلهلم فون هامبولت انجام گرفته بود. هامبولت دررنوس مختصر مطالب خویش، کلید درک و فهم روسپیگری را یافته بود: وابستگی.

روسپیگری در شرایطی رشد می‌کند و شکوفا می‌شود که آن شرایط، افراد خاصی را از جهت اقتصادی، اجتماعی و روانی وابسته دیگران می‌کنند و به این خاطر، زمینه سوء استفاده از آنها هم فراهم می‌شود. این مسئله بخصوص در مورد زنان بسیاری صدق می‌کند که مجبورند به مردان وابسته باشند، اما شامل حال بسیاری از مردان تن فروش هم می‌شود که برای درآمد خود به مشتریان وابسته اند.

هرچند که همه حقیقت این نیست، چون واقعیت بسیار پیچیده تر از این می‌باشد، اما با این وجود، بینش هامبولت، نویدبخش‌ترین رویکرد علمی به روسپیگری را ارائه می‌دهد. این بینش مشخص می‌کند که چرا همراه با ازدیاد فقر، فحشا هم گسترش می‌یابد، چرا قاچاق سکس بیشتر دامنگیر زنان فقیر و کودکان می‌شود، و چرا مقصد توریسم سکس کشورهای فقیر می‌باشد. بینش هامبولت این را هم روشن می‌کند که چرا هر وقت دسترسی زنان به امکانات تحصیلی بیشتر شده و آنها توانسته اند شرایط اقتصادی و موقعیت اجتماعی خود را بهبود بخشند، فحشاء هم کمتر شده است.



ژتونهای روسپی خانه‌ها

هنگام ورود به فاحشه خانه‌ها، این نوع ژتونها تهیه، و بعداً برای پرداخت خدمات دریافتی به کار برده می‌شدند. سمت چپ: ژتونهایی از دوران امپراطوری چین. سمت راست: ژتونهایی از دوران روم قدیم. (موزه سکس چین، تونگلی)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: یادداشتهای تاریخی 3



استفان زویگ (1881 - 1942)

نویسنده درخشانی که بعد از اشغال زادگاه بومی خود اتریش توسط آلمان نازی، مجبور به مهاجرت شد. کتابهای پرخواننده او، همچون آثار دیگر نویسندگان یهودی، ممنوع شدند. او موفق به تکمیل خاطرات خود گردید و به برزیل رفت، اما در آخر یاس و نومیدی بر او غلبه کرد و دست به خودکشی زد. کتاب خاطرات او بعد از مرگ نویسنده منتشر شد.

بسیاری از افرادی که امروزه از وجود روسپیگری می نالند، نمی دانند و یا فراموش می کنند که این پدیده «در روزهای خوش گذشته»، از این هم بیشتر بوده است. درحقیقت، تا اوائل قرن بیستم، نه تنها در محله های بدنام خاصی در شانگهای و دیگر شهرهای آسیایی، بلکه در شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا هم، در مقایسه با امروز، فاحشه های بیشتری وجود داشتند. استفان زویگ (Stefan Zweig) در خاطرات دوران کودکی خود در وین دوران امپراطوری اتریش می نویسد:

«نسل حاضر تصور چندانی از گستره وسیع فحشاء در اروپای قبل از جنگ ندارد. در آن روزها، پیاده روها آنچنان مملو از زنان خودفروش بودند که گریز از آنها سخت تر از یافتنشان بود. مضاف بر این، تعدادی «خانه های سر بسته»، کلابهای شبانه، کاپاره ها و رقاص خانه ها با دختران رقصنده و آوازه خوان، و بارهایی با مهمانداران زن، هم وجود داشتند. زنان مال التجاره، علناً هر ساعت و با هر قیمتی عرضه می شدند، و هر مردی برای خرید یک زن به مدت ربع ساعت، یک ساعت و یا یک شب، مشکلی بیش از خرید یک بسته سیگار یا روزنامه متحمل نمی شد.»

1944 (جهان دیروز) (Stefan Zweig, *Die Welt von Gestern*).

آنطور که زویگ خود متوجه گردید، بعد از جنگ جهانی اول، همزمان با ورود فزاینده زنان به نیروی کار منظم (جایگزین مردان مقتول در جنگ شدند)، و دستیابی جوانان به فرصتهای بیشتر برای تماس و برقراری ارتباط آشکار، که در سایه آزادیهای جدید جنسی به دست آمده بود، تصویر فوق دچار تحول گردید. و این به نوبه خود باعث شد که جوانان کمتر به روسپی خانه ها بروند. البته، در سالهای بلافاصله بعد از جنگ، بدبختی و فلاکت اقتصادی، افزایش فحشاء را به ارمغان آورد، ولی، با شروع آزادی زنان و مشارکت بیشتر آنها در امور، روند کاهش وابستگی آنان هم آغاز گردید و این روند تا امروز ادامه داشته است. استثناء همواره با رکود جدید اقتصادی گره خورده است. برای مثال رکود بزرگ 1939 در ایالات متحده آمریکا، یا فقر اروپای غربی بعد از جنگ دوم جهانی، یا پیوستن امروزی کشورهای توسعه نیافته اروپای شرقی به غرب ثروتمند. با وجود این عقبگردها اما، روسپیگری در ایالات متحده و اروپا، هرگز دوباره به سطح سابق خود نرسیده است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: یادداشتهای تاریخی 4



بعد از جنگ جهانی اول، روسپیگری در کشورهای صنعتی غربی به تدریج کاهش یافت. ولی با این حال، به دلایل گوناگونی، به عنوان یک معضل مهم اجتماعی باقی ماند، و چه ممنوع، تحت نظارت، و یا مورد اغماض واقع شده، اما در هر صورت یادآور ریا و دورویی اجتماعی، سیاسی و اخلاقی بود و ادامه وابستگی حیات بسیاری از زنان، که قربانی اخلاق دوگانه سیستم قضایی بودند را برملا می کرد. مثلاً، جاهایی که روسپیگری غیر قانونی بود، پلیس فقط روسپیان را دستگیر می کرد و کاری به مشتریان نداشت. اما با وقوع «انقلاب جنسی» جدید در اواخر دهه 1960 و ابتدای دهه 1970، همه چیز متحول شد. در سال 1973، اولین سازمان مدافع حقوق روسپیان به نام:

COYOTE (Call Off Your Old Tired Ethics)

در سانفرانسیسکو شکل گرفت، و به دنبال آن سازمانهای مشابهی در کشورهای زیادی تأسیس شدند. این سازمانها در سال 1985 در همکاری با هم، منشور جهانی حقوق روسپیان را تصویب و منتشر کردند. جنبش سازماندهی روسپیان خیلی سریع به ایجاد یک شبکه آموزشی منجر گردید که در مبارزه با آیدز، بیماری ای آمیزشی که غلبه بر آن همکاری هر دو گروه کارگران جنسی زن و مرد را می طلبد، مفید واقع شده است. هر جا که این همکاری حاصل شده، پیشرفتهای قابل توجهی در امر پیشگیری از آیدز هم به دست آمده است. برای دسترسی به وبسایتهای اطلاعاتی در رابطه با روسپیگری می توان به اینجا سر زد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: جنبه های قضایی



روسپیگری در بسیاری از کشورها غیر قانونی است. بسته به هر جامعه ای، ممکن است با آن به عنوان نوعی بزه کاری و تخطی ساده از قانون (نمونه اکثر ایالتهای آمریکا)، و یا به عنوان جنایتی عظیم که حکم اعدام دارد (نمونه بعضی از کشورهای اسلامی) برخورد شود. ولی، فارغ از این که قانون چه می گوید، «تجارت سکس» در همه این کشورها در حال شکوفایی است. بنا بر همین واقعیت، کشورهای چند، در برخورد با این مسئله رویکردهای دیگری در پیش گرفته اند. از آنجا که غیر قانونی کردن روسپیگری نه تنها به محو آن منجر نمی شود، بلکه چه بسا ناخواسته ترین جنبه ها و ویژگیهای آن را هم تقویت می کند، امید آن می رود که تغییر رویکرد، مؤثر واقع شود. برای مثال:

- **جرم زدایی (Decriminalization)**، یعنی لغو قوانین جنایی علیه روسپیگری.
- **قانونی کردن (Legalization)**، یعنی آن را به عنوان فعالیتی دارای قانون و قاعده در آوردن.
- **هدفمند سازی (Regulation)**، یعنی کنترل و هدایت آن به کمک شیوه ها، مقررات و مکانیزمهای خاص.

می توان گفت که در رابطه با روسپیگری، توافقی کلی و عمومی حول معانی دقیق واژه های فوق وجود ندارد. در واقع، جای معانی آنها با هم عوض می شود (جرم زدایی معادل قانونی کردن، و این به نوبه خود معادل هدفمندسازی تلقی می شود)، و همین مسئله، بحث را دشوار می کند. در این دوره آموزشی، ما این واژه ها را معادل تعریفی که در فوق از آنها به عمل آمده، به کار می گیریم.

جرم زدایی، در سه رویکرد نامبرده، این از کمترین ابهام برخوردار است. چون روسپیگری را صرفاً به حال خود رها می کند. هر چند که مالیات بستن بر درآمد آنها، که گاهی قابل توجه می باشد را، مسکوت می گذارد. و در نتیجه نسبت به افراد دارای مشاغل دیگر که باید مالیات پرداخت کنند، اجحاف می شود.

قانونی کردن چه بسا فرصتی برای مالیات گیری فراهم آورد اما اغلب راه دوری نمی رود و در مجموع فرق چندانی با جرم زدایی نمی کند. اما می توان با قوانین عمومی روشن و بدون ابهام، بر آن نظارت کرد.

هدفمندی سازی به ناچار نیازمند ورود به مقررات، و گاهی مقررات بسیار خرد و ریز، می باشد. برای نمونه، ممکن است فاحشه خانه ها را به داشتن پروانه کار مجبور سازد و بازرسی مرتب از آنها را الزامی کند، یا خود روسپیان را به داشتن پروانه کار، پرداخت بیمه بهداشت و بیکاری، انجام منظم معاینات بهداشتی و استفاده از کاندوم، مجبور سازد. هرکدام از سه رویکرد فوق، در عمل مزایا و اشکالات خاص خود را دارند، و هیچکدام به تنهایی راه حل ایده آلی برای مشکلات مربوط به روسپیگری ارائه نمی دهد. و این مشکل غیر قابل انکاری است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: جنبه های قضایی 2

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر

کنوانسیون مقابله با قاچاق افراد و سودجویی از روسپیگری دیگران



کنوانسیون 1949 سازمان ملل

این کنوانسیون راههای مبارزه با قاچاق بین المللی با هدف خرید و فروش سکس را توضیح می دهد. تا به حال کشورهای زیادی این کنوانسیون را امضاء کرده اند، اما برخی از کشورها هم از پیوستن بدان خودداری نموده اند. (برای جزئیات بیشتر روی آرم فوق کلیک کنید.)

در سال 1949، مجمع عمومی سازمان ملل به منظور پایان دادن به سوء استفاده و بهره کشی از افراد با هدف روسپیگری، قطعنامه ای صادر کرد. در این سند از جمله درخواست گردیده که همه کشورهای امضاء کننده، افراد دلال و صاحبان فاحشه خانه ها را مجازات، و کار به ثبت رساندن روسپیان را کنار نهند. ظاهراً، برخی از این درخواستها با موافقت عمومی مواجه نشدند. بعضی کشورها از امضای قطعنامه خودداری، و بر حق خود مبنی بر دنبال کردن سیاست دلخواهشان، که نسبت به سیاستهای قطعنامه کاملاً متفاوت بودند، پافشاری کردند. در واقع، در سال 1979 همزمان با تصویب کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، به نظر می رسید که سازمان ملل به طور ضمنی از جرم زدایی از روسپیگری حمایت می کند. در هلند مثلاً، روسپیگری یک حرفه قانونی است. روسپیان معمولاً خود کارفرمای خود هستند؛ یعنی شغل آزاد دارند و مالیات بر درآمد پرداخت می کنند. آنها در جایی ثبت نشده اند و الزامی به چک آپهای بهداشتی ندارند. حداقل سن روسپیگری هیجده سال است و حداقل سن برای مشتریان شانزده سال در نظر گرفته شده است. کشورهای زیادی این راه دراز را طی نکرده اند، اما سیاست نسبتاً آزاد و لیبرالی، از جرم زدایی تا انواع مختلفی از هدفمندی سازی، در پیش گرفته اند. در اینجا چند نمونه آورده می شود: آلمان، سوئیس، اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، دانمارک، بلژیک، یونان، بلغارستان، ترکیه، کانادا، کاستاریکا، برزیل، نیوزلند، بعضی از ایالت های استرالیا و ژاپن، تنها انواعی از روسپیگری را منع کرده اند. هدفمندی سازی در ایالت نوادا در آمریکا در پیش گرفته شده است. این لیست نه کامل است و نه قادر به ارائه تصویر کاملی است؛ چون، حتی در جایی که خود روسپیگری آزاد است، چه بسا فعالیتهای دیگر مرتبط با آن آزاد نباشند. (چاپ آگهی و تبلیغ، درخواست، «تجمع» روسپیان، رفتن به خیابانها، دلالی، دائر کردن فاحشه خانه و غیره). علاوه بر آن، جمله بندی دقیق قوانین مربوط به روسپیگری از کشوری به کشوری دیگر فرق می کند، و در مورد اینکه چیزی قانونی هست یا نیست هم، اختلاف نظر وجود دارد. و آخر اینکه، در امر اجرای قوانین هم تفاوت های فاحشی وجود دارند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: جنبه های قضایی 3

در سوئد رویکرد منحصر به فردی در پیش گرفته شده است: فروش خدمات جنسی آزاد است اما خرید آنها ممنوع می باشد. به این ترتیب، درحالیکه مشتری دستگیر می شود، روسپی، آزادانه به راه خود ادامه می دهد. منطق پشت سر این قانون در اسناد دولتی مربوط به آن چنین آورده شده است:

«در سوئد، روسپیگری به عنوان جنبه ای از خشونت مردان علیه زنان و کودکان تلقی شده، رسماً به عنوان شکلی از استثمار زنان و کودکان مورد اعتراف بوده، و یک مشکل مهم اجتماعی است که نه تنها برای زن یا کودک روسپی مضر است، بلکه به زبان کل اجتماع می باشد. تا زمانی که مردان، زنان و کودکان را مورد خرید و فروش و بهره کشی قرار می دهند، برابری جنسیتی دست نیافتنی باقی خواهد ماند.»

از زمان تصویب این قانون در سال 1999، طرفدارانش آن را به عنوان یک موفقیت بزرگ ستوده و آن را به دیگر قانونگذاران توصیه می کنند. مخالفانش آن را به عنوان یک ناکامی محکوم کرده و کشورهای دیگر را از تکرار اشتباهی که سوئد مرتکب شده، برحذر می دارند. این بحث اغلب پرشور شامل انواع زیادی از استدلالهای حقوقی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و ادعاهایی است که به سهولت نمی توان آنها را رد یا تأیید کرد. بنابراین، بد نیست که در اینجا به برخی از منابع استدلال دو طرف، اشاره شود.

رویکرد سوئد به روسپیگری

	موفقیت؟		شکست؟	
		برای اطلاع بیشتر، با فشار دادن کلید کنترل، روی هر کدام کلیک کنید		

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: جنبه های قضایی 4

یکی از دلایل تصویب قانون سوئد، فعالیت مجرمانه مربوط به کشاندن زنان از همه جا بی خبر، از کشورهای فقیر (در این مورد از اروپای شرقی) به کشورهای غنی در غرب، به کمک وعده های کار با درآمد خوب، و بعداً اجبار آنها به تن فروشی، می باشد.

این به اصطلاح قاچاق، صنعت پر رونقی است که معمولاً با جرائم سازمان یافته مرتبط است و، قاچاقچیان را هر چه پولدارتر و، زنان را به گونه ای هولناک، مورد بهره کشی قرار می دهد.

این مشکل با جهانی شدن فزاینده «تجارت سکس»، جدی تر شده است. قاچاق انسانها در جهت بهره کشی جنسی، مرز قاره ها را در می نوردد و سود حاصل از آن سرسام آور است. در نتیجه سطح استثمار و بهره کشی هم به همان نسبت افزایش یافته است. به همین دلیل، و مجموعه ای از دلایل دیگر، همه دولتها توافق کرده اند که این «کسب و کار» باید متوقف گردد؛ اما در مورد چگونگی توقف آن، دیدگاههای کاملاً متفاوتی وجود دارد. سوئد بر این باور است که منع خرید خدمات جنسی به موفقیت در توقف «کسب و کار» مورد اشاره، می انجامد اما، کشورهای دیگر بر این اعتقادند که، تنها جرم زدایی کامل و قانونی یا هدفمند کردن روسپیگری باعث تقویت و قدرت یابی زنان می شود و آنها را از کنترل عناصر مجرم رها می کند.



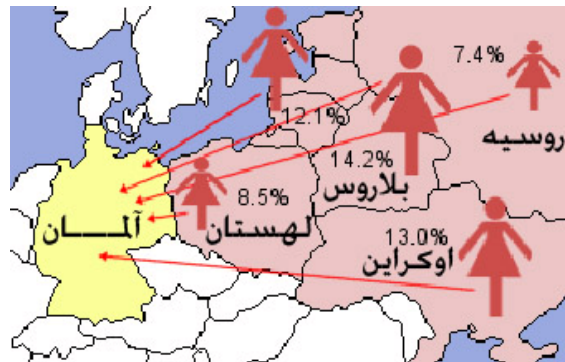
قاچاق انسانها

این وبسایتهاى سازمان ملل، اطلاعاتی حول الگوهای قاچاق با اهداف جنسی و غیر جنسی، ارائه می دهند. (روی آرم کلیک کنید.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: جنبه های قضایی 5

یکی از جنبه های به شدت منفی روسپیگری، همیشه این بوده که بعضی از مردان به وسیله کنترل، جمع آوری و به دست گرفتن درآمد روسپیان، از آنها بهره کشی می کنند. چنین مردانی معمولاً «جاکش» نامیده می شوند. مسلماً زنانی هم هستند که از درآمد روسپیان سهم می برند؛ مثلاً از طریق دایر کردن و گرداندن یک فاحشه خانه. چنین زنانی «خانم» نامیده می شوند. بعضی از این خانمها ممکن است صادقانه به رفاه «دختران» خود اهمیت دهند، و شاید جاکشهایی هم باشند که امنیت لازمه را برای «زنان» خود فراهم کنند؛ اما، این مسائل اسباب نگرانی فزاینده فعلی نیستند. در «جهان واقع» تصویر بسیار تیره و تارتر از این حرفهاست و به این خاطر هم در بسیاری از دولتها، حتی اگر روسپیگری جرم هم نباشد، اما جاکشان را مجازات می کنند. (البته بسیاری از دولتها اجازه دایر کردن فاحشه خانه را می دهند و با آن به عنوان جاکشی برخورد نمی کنند.) به هر حال، در جاهایی که روسپیگری ممنوع است، معمولاً تعداد روسپیان نیازمند جاکش هم بیشتر است. و بالعکس، جرم زدایی از روسپیگری، باعث کاهش تعداد و نفوذ افراد جاکش می شود.

امروزه، جدی ترین مشکل، رابطه بین جاکش و قاچاقچی می باشد. یا به افراد قربانی، در تهیه ویزای توریستی و ورود به کشور مقصد کمک شده، یا آنها را به طور غیر قانونی وارد کشور کرده اند. بدون اجازه اقامت قانونی، آنها در وابستگی مطلق به دام افتاده و قربانی آزار و اذیت فیزیکی و استثمار اقتصادی می شوند. به این ترتیب، آنها بر خلاف میل خود، به منبع درآمد مالی شبکه ای از مجرمان تبدیل می شوند.



«کارگران جنسی» خارجی در آلمان

در سال 2001 دفتر جنایی آلمان از 987 تن از قربانیان قاچاق، تجزیه و تحلیل به عمل آورد. از این عده، 69٪ اهل اروپای شرقی بودند. 3 درصد کمتر از 18 سال، 51 درصد بین 18، 24 و 32 سال و 3٪ بالاتر از 24 سال بودند. سن بقیه مشخص نبود. نقشه فوق درصد آنها را بر اساس تابعیت کشوریشان نشان می دهد. (لیتوانی: 12.1٪، لتونی 4.1٪). آنچه در اینجا آورده نشده این است که 9.9٪ قربانیان از آفریقا و آسیا، و 21٪ از مناطق دیگر می باشند.

منبع: (Bundeskriminalamt(BKA))

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: جنبه های قضایی 6

نه تنها روسپیگری غیر قانونی، بلکه نوع قانونی آن هم ممکن است با انواع بزه کاری من جمله فرار از پرداخت مالیات، جاکشی، استفاده از مواد مخدر و خشونت فیزیکی، متصل باشد. این بزه کاریها در جاهایی که روسپیگری آزاد است، کمترند اما به طور کامل از بین نمی روند. با این همه، روسپیگری اغلب، جرم بی آزار یا «جرم فاقد قربانی» (victimless crime) نامیده شده است. چنین چیزی چگونه قابل توجیه است؟ و برای شروع کار، کلاً جرم بدون قربانی یعنی چه؟

جرم فاقد قربانی، مبادله داوطلبانه اما غیر قانونی کالا و خدمات بین افرادی است که قانوناً توانایی اعمال نظر دارند. این مبادله در خدمت منافع هر دو طرف بوده و تا زمانی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دیگری آسیبی نمی رساند، بی آزار می باشد. با این حال، این مبادله به آن خواسته و نیازی پاسخ می دهد که قانون سعی می کند آن را از مبادله کنندگان منع کند. بنابراین، آنها علاقه ای به اجرای قانون ندارند، و به این دلیل، نه به پیگرد قانونی روی می آورند و نه شواهدی به مقامات ارائه می دهند.

همانطور که تعریف فوق روشن می سازد، اجرای قانون علیه جرم و بزه کاری بی آزار، دشوار است. در نتیجه اقدام بدان، در عمل به سمت به کارگیری روشهای مشکوک، همچون جاسوسی سیستماتیک، مراقبت مخفیانه، به کارگیری عوامل مخفی، تطمیع و بدام انداختن، گرایش می یابد. و این به نوبه خود، زمینه را برای جرمهای دیگری مثل رشوه خواری و اشاعه فساد در دستگاه پلیس مساعد می کند. درحالیکه مفهوم نظری جرم و بزه کاری بی آزار به اندازه کافی روشن است اما، کاربرد آن در عمل مورد بحث و مشاجره می باشد. بعضی از جرائم در نگاه اول بی آزار به نظر می آیند اما عملاً به اشخاص ثالثی که دخالتی در آنها ندارند، آزار می رسانند. برای مثال، کسی که به صورت خصوصی یک مهاجر غیر قانونی را به عنوان سرایدار استخدام می کند، به مأمور مالیات کلک می زند. مصرف مواد خاصی، چه قانونی و چه غیر قانونی، (مشروب، ماری جوانا، کوکائین و غیره) نه تنها به مصرف کننده بلکه اگر به اعتیاد بیانجامد، آنوقت به طور غیر مستقیم به خانواده او هم زیان می رساند و اگر باعث حادثه رانندگی شود، چه بسا به فرد غریبه ای هم آسیب برساند. به این ترتیب، هرچند که استفاده از مواد به خودی خود ممکن است یک امر خصوصی تلقی شود، اما چه بسا عواقب عمومی هم داشته باشد. موارد دیگر از روشنی کمتری برخوردارند: کمک به انتحار ممکن است بنا به تعریف فوق، یک جرم بی آزار باشد اما نقض یک اصل اخلاقی است که بسیاری از جوامع آن را با ارزش می شمارند. چه بسا مباحثی جدی در طول زمان، چنین مسئله پیچیده ای را به شکلی حل کند. (امروزه کمک به انتحار، در چند کشور قانونی شده است.) به همین شکل، تعریف «تجاوز قانونی» (statutory rape) یعنی جماع با فردی زیر سن قانونی، هم ممکن است در ادامه مباحث فشرده ای، به شکل جدیدی مطرح شود. (در برخی کشورها، «سن قانونی» بسته به افکار عمومی، کاهش و یا افزایش داده شده است.) و اما در مورد روسپیگری چی؟

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: جنبه های قضایی 7

روسپیگری، تا زمانی که به دیگری آسیبی نرساند و به صورت مبادله خصوصی و داوطلبانه بین شرکت کنندگان رسیده به سن قانونی باقی بماند، در چارچوب تعریف بزه کاری و جرم بی آزار می گنجد. به این دلیل، مباحث مربوط به روسپیگری معمولاً روی دو مسئله زیر تمرکز می یابند:

1. هرچند که روسپیگری در بسیاری از موارد داوطلبانه است اما گاهی اوقات چنین نیست. روسپیان ممکن است به وسیله قاچاقچیان، جاکشان و یا خیلی ساده به دلیل اعتیاد خود به مواد مخدر، و یا از روی فقر، ناچار به ارائه خدمات، یعنی ناچار به تن فروشی شوند. به همین سبب، رضایت آنها مورد سؤال قرار می گیرد. از سوی دیگر، رضایت مردمی که فقر آنها را و می دارد تا به انجام مشاغل «روزمره» کم درآمدی که مضر بودن آنها برای سلامتیشان محرز می باشد، دست بزنند، تا چه اندازه می تواند معتبر باشد؟

2. روسپیگری، به عنوان معامله شخصی بین دو یا چند نفر، اگر نه همیشه، اما گاهی بر دیگری تأثیرگذار است. برای نمونه، هر چند که روسپیان خارجی خود قربانی پدیده قاچاق و تجارت انسانها هستند، اما حضور آنها در کشور خارجی اغلب برخلاف قوانین و مقررات مربوط به ویزا و اقامت بوده و بر درآمد خود مالیاتی نمی پردازند. البته فرار از پرداخت مالیات ممکن است توسط زنان روسپی بومی دارای پروانه کار هم انجام گیرد. به هر حال، این کار عادلانه نیست و در آخرین تجزیه و تحلیل، به ضرر هر شهروند پایبند به قانون و مقررات، تمام می شود.

همانطور که در مثالهای فوق نشان داده شد، مفهوم بزه کاری بی آزار همیشه بر روسپیگری منطبق نمی شود. شاید گاهی واقعاً هیچ قربانی ای نداشته باشد و به کسی آزاری نرساند، اما گاهی به خود فرد، جامعه و یا هر دو، زیان می رساند. با این همه، قربانی دانستن هر روسپی، در هر شرایط و موقعیتی، مسئله را کمی لوذ می کند. چون این واقعیت که برخی از روسپیان بدون وابستگی کار می کنند و از انتخاب خود راضی اند، را نادیده می گیرد. موضوع بخصوص در مورد زنانی صدق می کند که در انواع و اقسام وسایل ارتباطی الکترونیکی مشغول به کارند و با مشتریان خود ملاقات حضوری ندارند. در این رابطه، پیگرد بسیاری از مشتریان آنلاین آنها نامحتمل است و هیچ سودی نخواهد داشت. در واقع، افکار عمومی هم ممکن است از اجرای خشک چنین سیاستی در عرصه جهانی حمایت نکند. از سوی دیگر، اگر این سیاست در همه جا به طور یکسان اجرا نشود، آنوقت مسئله دلبخواهی می گردد و در نتیجه ناعادلانه خواهد بود.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: جنبه های قضایی 8

این ایده که فحشا را می توان با دستگیری مشتریان و در نتیجه با «خشک شدن تقاضا» از بین برد، واقع بینانه نیست.

در پدیده روسپیگری، «تقاضا» به ندرت مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است، ولی هر وقت پژوهشگران مشکل را بر خود هموار کرده و به بررسی آن پرداخته اند، با تصویر بسیار پیچیده ای مواجه شده اند که تعمیم طلبی آسانگیر را به چالش کشیده است (1). حتی «عرضه» هم بسیار پیچیده تر از آن است که تصور می شود. در کل، تا آنجا که روسپیگری یک مشکل محسوب شود، این پدیده، همه چیز یا هیچ چیز، و سیاه یا سفید نیست، بلکه، موضوع دارای ابعاد، جنبه ها، درجات و سایه روشنهای زیادی است. روسپیگری، گستره ای از بدترین شکل بهره کشی از نوع «بردگی جنسی» تا تجارت سودآور زنان خودمختار و مستقل را دربر می گیرد. برخی از زنان برای حداقل گذران زندگی و امرار معاش به تن فروشی وابسته اند و برخی هم به صورت نیمه وقت کار می کنند تا بر درآمد نسبتاً خوب خود از شغل دیگری که دارند، بیفزایند. بعضی از روسپیان، هدفمندسازی دولتی، و امنیتی که این امر با خود به همراه می آورد را، ترجیح می دهند، و بعضی دیگر با هدفمندسازی مخالفند چون ترجیح می دهند که دست و پای خود را آزاد حس کنند.

هرجا که خرید و فروش خدمات جنسی ممنوع می شود، این کار به طور زیرزمینی ادامه می یابد، اما همراه با بدترین شرایط کاری برای زنان. ولی به هر حال، هدفمندسازی هم، کل روسپیگری را به سطح نمی آورد. نوعی از روسپیگری غیر قانونی همچنان ادامه می یابد؛ چون بعضی از زنان نمی خواهند به تن فروشی به عنوان یک «شغل منظم» پردازند و مایل نیستند محدودیتی که این شغل منظم با خود به همراه می آورد را به جان بخرند.

خلاصه اینکه، فقط یک نوع رهیافت وجود ندارد. تنها امر مسلم این است که، کشورهایی که با خود روسپیگری به عنوان کار و فعالیتی مجرمانه برخورد نمی کنند، از شانس بهتری برای کاهش جرائم مربوط به آن برخوردارند. برای این کشورها، مبارزه با گسترش بیماریهای مقاربتی، از جمله اچ. آی. وی. و ایدز هم آسان تر می باشد. (برای اطلاع بیشتر اینجا را کلیک کنید.)

(1) Julia O'Connell Davidson, *Men, middlemen, and migrants - The demand side of "sex trafficking"*, in EUROZINE, 07, 27, 2006).

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: جنبه های قضایی 9

روسپیگری چه قانونی باشد و چه نباشد، به هر حال، در همه جهان وجود دارد، و این واقعیتی است که با آمدن بیماری همه گیر اچ. آی. وی. و ایدز، برملا گردید. و باز این مسئله هم روشن شد که خطر مبتلا کردن روسپیان توسط مشتریان بیشتر است تا بالعکس. با این وجود، در بسیاری از کشورها، روسپیگری به یکی از راههای اصلی انتقال ویروس اچ. آی. وی. تبدیل شد.

به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بسیاری از روسپیان با چگونگی حفاظت از خود در برابر ابتلا به این ویروس آشنا نبودند، و اگر هم آشنا بودند، نمی توانستند آن را در عمل به کار گیرند. (نبود کاندوم، ناتوانی در اصرار به مشتری جهت استفاده از کاندوم، و غیره). لذا، با توجه به خطری که از این راه، سلامت و بهداشت عمومی را تهدید می کرد، مقامات راهی نداشتند جز جلب همکاری روسپیان و کسانی که از این راه امرار معاش می کردند. این کار به نوبه خود، چشمان زیادی را گشود و در بحثهای اغلب داغ و صرفاً نظری، مقداری واقع گرایی وارد کرد. مثلاً در تایلند که روسپیگری غیر قانونی است، مسئولان **کمپین افزایش کاربرد کاندوم بین روسپیان**، صاحبان فاحشه خانه هایی که با کمپین همکاری می کردند را به ثبت رساندند و همین به موفقیت بزرگی منجر گردید. (چون مشتریان بیشتر به این جاها روی آوردند). در آلمان که روسپیگری آزاد است، دولت بروشورهای اطلاعاتی درباره چگونگی محافظت از خود در برابر ایدز را به زبان مادری روسپیان مهاجر، در بین آنها توزیع نمود. کشورهای دیگر، راه حل های خاص خود را در پیش گرفته و یا در حال تدوین آنها هستند.



پیشگیری از ایدز برای کارگران جنسی مهاجر

دولت آلمان، در همکاری با سازمان روسپیان، بسته ها و بروشورهای رایگان پیشگیری از ایدز را در بین کارگران جنسی مهاجر و به زبان خودشان، توزیع نمود. اغلب، دسترسی به این زنان به دلیل وضعیت اقامت غیر قانونیشان، دشوار می باشد. در اینجا بروشوری به زبان روسی و یکی از بسته های حاوی کاندوم، لوپریکانت (روان کننده)، حوله و تامپون، دیده می شود.

منبع: مرکز فدرال آموزش بهداشت و سلامتی (BZgA)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان



امر مسلم آن است که انواع و اقسام مختلف روسپیان، همیشه و در همه ادوار وجود داشته اند. مثلاً در چین قدیم، بین روسپیان قصر، روسپیان نظامیان، روسپیان خانه ای، و روسپیان بازاری، تمایز قائل می شدند. همچنین، بسته به درجه تحمل حکومتی در ادوار مختلف، می توان روسپیان قانونی و غیر قانونی را از هم متمایز نمود. در یونان باستان، جایی که روسپیگری آزاد بود، دو نوع عمده روسپیان به رسمیت شناخته می شدند؛ روسپیان عادی (porne)، و روسپیان اشراف تک پران (hetaira). رومیان قدیم، دسته بندیهای زیادی برای روسپیان داشتند؛ از «دختران حال ده» شاغل در میخانه ها (copae) گرفته، تا روسپیان آزاد (lupae) و روسپیان شبگرد (noctiliae) تا زنان مختص ثروتمندان (delicatae). امپراطوری چین و همینطور یونان و روم باستان همه دارای فاحشه خانه های تحت نظارت قانون بودند.

در دوران فعلی هم انواع و اقسام روسپیان وجود دارند، و انقلاب الکترونیکی جدید هم، انواع تازه ای از روسپیگری خلق کرده است. با این همه، در مسائل جزئی قضیه، کشورهای مختلف با هم فرق دارند، چون

تحت تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی شکل می گیرند و از آن تبعیت می کنند. از جمله، انواع قوانین مدنی و جزائی، نوع تفسیری که از آنها می شود و شدت و حدتی که در اجرای قوانین به کار برده می شود، سنتهای مذهبی، نقش و موقعیت زنان در آن جامعه، سطح فقر و ناداری، نوع و سطح توریسیم، درجه رشد تکنولوژی و بسیاری عوامل دیگر. به همین دلیل، در اینجا، امکان ارائه تصویر کاملی از انواع واقعاً موجود روسپیگری وجود ندارد. در عوض به چند نوع از سنخهای معمولی آن اشاره می شود. بعضی از این انواع فقط در برخی از کشورها وجود دارند: روسپیگری خیابانی، فاحشه خانه ها، روسپیان شاغل در آپارتمانها و محلات خصوصی و کلوبهای شبانه، «دختران تلفنی»، خدمات «اسکورتی»، «سکس تلفنی» و روسپیگری اینترنتی.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: روسپیگری خیابانی

روسپیان خیابانی، در کنار پیاده روها و یا نبش خیابانها منتظر مشتری می ایستند. معمولاً خیابانهای مناطقی خاص در سطح شهر، و یا در خارج از محدوده شهری، برای این کار انتخاب می شوند، و پلیس به خوبی از آن مطلع می باشد. عموماً، شماری از زنان، در طول خیابانی به ردیف می ایستند. برخی مشتریان پیاده به آنجا می روند، اما اغلب آنان با ماشین آنجا را دور زده و با پائین کشیدن شیشه پنجره ماشین خود، با یکی از این زنان به چانه زنی می پردازند. به محض رسیدن به توافق، زن وارد ماشین می شود. سرویس جنسی معمولاً در داخل ماشین، یا گوشه - کناری در همان نزدیکیها، و یا در اتاقی که برای همین منظور کرایه شده، ارائه می شود. این، کم مایه ترین و ارزانترین نوع روسپیگری است. بسیاری از زنانی که به این نوع تن فروشی مشغولند، معمولاً توسط «قوادان» کنترل می شوند. برخی از زنان هم به مواد مخدر (بیشتر هروئین و کوکائین) معتادند. این، شغل پر مخاطره ای است؛ چون زنان ممکن است به دام مردان خشن و یا روان پریش بیافتند و قربانی شوند. زنان معتاد بیشتر از بقیه در معرض کتک خوری، جیب بری، و ابتلا به عفونتهای جنسی قرار دارند؛ چون به پول بیشتری نیازمندند و در نتیجه از امکان کمتری برای دقت در انتخاب مشتری یا اصرار بر استفاده از کاندوم برخوردارند.



رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: محلهای ثابت

بیشتر روسپیان در بنگاهها و محلهای ثابتی کار می کنند. فاحشه خانه ها، کلوبهای شبانه و آپارتمانهای خصوصی از این جمله اند. این محلهای، از جنبه راحتی و فضایی که در اختیار می گذارند، با هم فرق زیادی دارند، و به همان نسبت هم شرایط کاری در آنها متفاوت می باشد؛ از امکانات مجلل گرفته تا شرایط دهشتناک. زنان شاعل ممکن است توسط صاحبان این بنگاهها، خوار شوند و مورد استثمار قرار گیرند و یا اینکه با درآمد خوبی استخدام شوند. بسیاری از آنها ناچار می شوند از بنگاهی به بنگاهی دیگر تغییر مکان دهند تا برای مدتی، در نظر مشتریان، «نوبر» جلوه کنند. برخی هم شاید صرفاً جایی را در بنگاه یا فاحشه خانه ای کرایه کرده و به طور مستقل برای خود کار کنند. برخی از این زنان دسته اخیر در خانه های خودشان کار می کنند؛ یعنی مشتری را به خانه خود دعوت می کنند. به طور خلاصه، وضعیت آنها یکدست نیست. نیازی به گفتن هم نیست که، گستردگی اشکال این نوع از روسپیگری به شرایط محلی بستگی دارد؛ یعنی شرایط قانونی، کدها و مقررات ساختمانی، شدت اجرای قانون، وضعیت اقتصادی کشور یا شهر مربوطه و غیره. محلهای و بنگاههایی خاص هم، فقط در مناطقی خاص دیده می شوند و در جاهای دیگر اثری از آنها نیست. البته بنگاههایی هم وجود دارند که سرویس خدماتی انواع «مختلطی» از روسپیگری را با هم و یکجا ارائه می دهند. در آخر، این را هم باید به خاطر داشت که روسپیگری، مانند هر کسب و کار دیگری، در حال تحول و انطباق با چالشهای جدید است. بخشهای زیر صرفاً مثالهایی از این مورد می باشند.



رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: محلهای ثابت: روسپی خانه ها

یک روسپی خانه، یا عشرتکده، محلی است که با هدف تن فروشی دایر و اداره می شود. ممکن است یک خانه یا آپارتمان باشد، و یا مجموعه ای از اتاقکهای ترابری، و یا ساختمانی کوچک یا بزرگ باشد. در برخی از کشورها، روسپیگری قانونی است و تبلیغات برای آن آزاد می باشد، و در برخی دیگر، غیر قانونی است و در نتیجه در خفاء و در محلی «مخفی» دایر می شود (معمولاً پلیس از آن با خبر است). در بعضی شهرهای بزرگ، روسپیگری ممکن است تنها در محدوده مناطق معروف به «محلات شهر آشوب» (red-light districts) باقی بماند. کار در یک روسپی خانه، از برده داری تمام عیار تا شغلی با درآمد مخفی نوسان می کند. در بعضی موارد، روسپی خانه چیزی نیست به جز آپارتمانی معمولی که در آنجا تعدادی از زنان شاغلند و از مشتریان خود استقبال می کنند. بعضی روسپی خانه های بزرگ (در آلمان «مراکز اروس» نامیده می شوند)، صرفاً جا و مکانی را برای زنانی که روسپی گری را به عنوان یک شغل آزاد برگزیده اند، کرایه می دهند؛ و این زنان در اتاقی که کرایه کرده اند، از مشتریان خود پذیرایی می کنند. این نمونه، بیشتر در شهرهای بزرگ و یا حواشی آنها دیده می شود. در هر صورت، صاحبان این مراکز همیشه سهم بیشتری می برند، چون کرایه ها معمولاً بالا است. اما در عوض، زنان در برابر اجحافات برخی مشتریان، از نوعی محافظت برخوردارند.

در سالهای اخیر، نوع تازه ای از روسپی خانه ها شکل گرفته اند: باشگاههای وسیع و مجلل «سلامتی» (wellness clubs) که دارای اکرانهای سینمایی، استخرهای شنا و سونا بوده و هرکدام در آن واحد می توانند صدها مشتری را در خود جای دهند. در هزینه ورودی، غذا و نوشیدنیهای غیر الکلی مجانی هم منظور شده است. در این باشگاهها، مردان کلاً لم داده، به آرامش و استراحت می پردازند و در عین حال زنان برهنه ای را در محوطه باز باشگاه ملاقات کرده و با آنها حول سرویس جنسی خصوصی مذاکره می کنند، و در صورت توافق، با هم به اتاقی خصوصی می روند. در این باشگاهها زنان به طور مستقل کار کرده و مزد خود را مستقیماً دریافت می کنند. محلات وسیع اینچینی «عشرتکده های کلان» نامیده می شوند.

نوع دیگر، تقریباً استثنایی، روسپیگری در شهرهای بزرگ اروپایی، به مشتریان خود خدمات جنسی رایگان ارائه می دهد؛ یعنی در آنجا زنان به صورت مجانی به مشتریان خدمات جنسی می دهند، اما تنها به شرطی که مشتریان موافقت کنند که در حین انجام عمل، از آنها فیلمبرداری شود. این فیلمها بعداً روی شبکه گذاشته می شوند و علاقمندان می توانند در قبال پرداخت پول آنها را روی اینترنت مشاهده کنند. این فیلمها به عنوان دی وی هم فروخته می شوند. و درآمد حاصل صرف اداره کردن و گرداندن فعالیت می شود.



Diana Nude Wellness Club

The DIANA is a wellness brothel

We offer 3 saunas, an indoor-pool, 2 erotic-cinemas, and medical massages.
In addition, we have a restaurant and two bars with lounge-areas
Outdoors we offer a large sun terrace, sunbeds, a pond, and a well-tended lawn

وبسایت یک روسپی خانه کلان

در بسیاری از کشورهای اروپایی، فاحشه خانه ها آزادانه روی اینترنت تبلیغ می کنند. نمونه فوق بخشی از وبسایت وسیع متعلق به یک روسپی خانه کلان است. (جهت اجتناب از بازشناسی، نام و طرح تغییر داده شده اند، اما متن نوشته اصل می باشد.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: محلهای ثابت: انواع دیگر

باشگاههای شبانه



بعضی کلوبهای شبانه و محلهای رقص اروتیک وجود دارند که در آنها دختران جوان درصدی از درآمد را به خود اختصاص می دهند. به این خاطر، آنها عموماً مشتریان را به خود جلب کرده و

آنان را به خرید نوشیدنیهای (اغلب گران قیمت) تشویق می کنند. «کارکنان بار» (زنان ساقی)، برای ارائه خدمات جنسی در قبال دریافت پول هم آماده اند. چنین ترتیبی ممکن است در بارهای جدید «رقص رو میزی» هم دیده شود.

«سکس سینما» ها

در برخی از شهرهای اروپا، «سکس سینما» های خاصی وجود دارند که فیلمهای پورنوگرافیک نمایش داده و به مردان اجازه می دهند که در صورت تمایل، حین تماشای فیلم استمناء کنند. در بعضی از این سینماها، زنان در قبال دریافت پاداشی، به مردان «دست کمکی» می رسانند. به هر حال، از آنجا که ویدئو، دی وی دی و اینترنت هر چه بیشتر در دسترس قرار می گیرند، به نظر نمی رسد که این نوع سینماها آینده چندان روشنی داشته باشند.

استودیوهای سلیطه ها (Domina Studios)

در برخی کشورها، زنان، خدمات خود را تحت عنوان «سلیطه ها» تبلیغ می کنند. این نوع تبلیغات، برای مردانی گிரایی و جذابیت دارند که به سادومازوخیسم علاقه مندند. سلیطه، معمولاً به طور مستقل، و در آپارتمان خصوصی، کار، و برای مردان مازوخیست، نقش سادیست را ایفاء می کند. این مردان به سلیطه پول می دهند تا او دست و پایشان را بسته، بر آنها حاکم شود، یا به آنها فرمان دهد و تحقیر و تنبیه شان کند. حتی روسپیان مسن هم می توانند در این شاخه از روسپیگری افراد موفق باشند. چون به هر حال، در اینجا، جوانی و زیبایی مطرح نیست بلکه پاسخدهی به نیاز مشتری و تجربه، تعیین کننده می باشد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: خدمات تلفنی

دختران تلفنی



«دختران تلفنی»، روسپیان جوانی هستند که خدمات خود را مستقیماً در روزنامه ها و مجلات محلی تبلیغ می کنند، و یا در بنگاهی مشغول به کار می شوند. مشتری می تواند به شماره تلفن آنها زنگ زده و ملاقاتی را با آنها، در خانه شخصی یا هتلی، ترتیب دهد. بسیاری از دختران تلفنی لیستی از مشتریان خود دارند که به طور مرتب به آنها سر می زنند.

خدمات اسکورتی

«خدمات اسکورتی» در روزنامه ها، مجلات و حتی دفترچه های تلفن تبلیغ می شوند، اما روز به روز هر چه بیشتر به اینترنت کشیده می شوند. بعضی از این بنگاهها متخصص اسکورت «طبقات بالا» شده اند؛ یعنی زنان آراسته و «متشخصی» به مشتریان تحویل می دهند که هم زیبایی و با وقار، و هم قادرند در مصاحبه های جدی مشارکت کنند. این زنان اغلب، مردان ثروتمند را در سفرهای شغلی و مراوده های اجتماعی همراهی می کنند، و لزوماً خدمات جنسی ارائه نمی دهند. با این وجود، بسیاری از بنگاهها، «اسکورت» با اهداف جنسی ارائه می دهند و این زنان را می توان برای چندین روز، و حتی به مدت چند هفته، مثلاً برای یک سفر کامل، اجاره کرد.

امروزه، بسیاری از بنگاههای «خدمات اسکورتی»، وبسایت های خاص خود را دارند و عکسهای «زنان سرگرم کننده» خود را در قسمت گالری سایت به چاپ می رسانند.

آنها صرفاً بنگاهی برای پسران و دختران تن فروشی هستند که به خاطر زیبایی خود «قیمتهای اعلا» مطالبه می کنند. این افراد، یا هزینه ای ثابت، و یا درصدی از درآمد خود را به بنگاه می دهند. این نوع تجارت امروزه از ابعاد بین المللی برخوردار شده است.



Escort Directory
Gorgeous Girls and Guys
 We list escorts and other adult entertainers from all over the world.
 Please browse around the site and make your choice

Search Females Males Couples TV/TS Photo Gallery

وبسایت بنگاه خدمات اسکورتی
 در بسیاری از کشورها، خدمات اسکورتی روی اینترنت تبلیغ می شوند. بعضیها خدماتی جهانی ارائه می دهند. نمونه فوق، ترکیبی از چند وبسایت می باشد. (جهت اجتناب از بازشناسی، نام و طرح تغییر داده شده، اما متن نوشته اصل می باشد.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: الکترونیک

در سالهای اخیر، شکل گیری و گسترش چند نوع روسپیگری الکترونیکی مشاهده شده است. این امر دلایل زیادی دارد اما مهمترین آنها از این قرارند:

1. ادامه «انقلاب الکترونیکی» در عرصه تلفن، موبایل، تلفنهای تصویری، اینترنت و وب کم یا همان دوربینهای اینترنتی.
2. ترس از «ابتلا به عفونت» اچ. آی. وی. / ایدز و «بی خطر» بودن «سکس از راه دور».
3. قابل «دسترس بودن» روسپیگری الکترونیکی در همه جا، حتی جاهایی که سابقاً امکان ارائه سکس تجارتي وجود نداشت.

این فاکتورها در تعامل با همدیگر، به گسترش صنعتی منجر شده اند که هنوز به اوج خود نرسیده است. اما با این حال، سئوالات مهمی را در مورد رابطه روسپیان و مشتریانشان به میان کشیده اند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: الکترونیک سکس تلفنی

«سکس تلفنی» در دهه 1980 همزمان با تهدید فزاینده اپیدمی ایدز، محبوبیت یافت. مشتری هنگام زنگ زدن، به شماره تلفن خاصی، یا به دستگاه ضبط صوتی متصل می شد که حرفهای سکسی شهوت برانگیزی از آن پخش می گردید (نوع ارزان)، و یا مستقیماً به زنی متصل می شد که با او وارد صحبتهای شهوانی می شد (نوع گران قیمت). هدفی که مشتری دنبال می کند، در هر دو حالت یکی است؛ یعنی او در حالی که به صحبتهای مهیج آن طرف خط گوش می دهد، برای خود استمنا می کند و به محض رسیدن به ارگاسم، تلفن را قطع می کند. انواع راههای پرداخت برای این نوع خدمات وجود دارند که عادی ترین آنها، کارتهای اعتباری می باشند. در مورد تلفنهای صوتی، عموماً هزینه بالای تلفن «قیمت» خدمات را هم دربر می گیرد.

از آنجا که زنان شاغل در این نوع تجارت تنها از صدای خود استفاده می کنند، بنابراین سن و قیافه آنها هم مطرح نیست. ولی به هر حال برای موفقیت در کار خود بایستی نسبت به فانتزی و خواسته های مشتری انعطاف داشته باشند. سکس تلفنی «امن» است و برای هر دو طرف کار راحتی است. زنان لزومی به تهیه جنسی شدن ندارند و احساس خود را درگیر نمی کنند، لزومی به دلال ندارند، می توانند راحت از خانه خود،

و یا در یک «مرکز تلفنی» همراه با زنان دیگر کار کنند. بسیاری از زنان شاغل، این کار را به عنوان یک شغل نیمه وقت دنبال می کنند. در آینده، موبایلهای تصویری بعد تازه ای به این نوع تجارت خواهند داد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری زنان: الکترونیک

روسپیگری اینترنتی

اینترنت امکانات تازه ای پیش روی کسب و کار روسپیگری گشوده است. امروزه خدمات جنسی به کمک دوربینهای اینترنتی (وب کم) با فاصله های بسیار دور قابل ارائه می باشند. باز در اینجا هم تماس فیزیکی بین روسپی و مشتری او وجود ندارد. مرد مشتری قادر است صدای زن را بشنود و ببیند که او در حال انجام چه کاری است، اما قادر نیست به زن دست بزند. با این وجود روسپی قادر است به مشتری خدمات جنسی ارائه دهد و مشتری هم قادر به پرداخت هزینه می باشد. انواع روسپیگری اینترنتی که امروزه وجود دارند از این قرارند:

1. عکسها و تصاویر کاملاً لخت
2. ویدئوها و فیلمهای ضبط شده
3. وب کم بدون امکان تعامل
4. وب کم با امکان تعامل

اینها گاهی به صورت خصوصی توسط افراد، و گاهی توسط شرکتها، تهیه و تولید شده اند. بعضی از سایتها، حتی تصاویر و فیلمهای تهیه شده توسط افراد غیر حرفه ای، که از نمایش برهنگی خود لذت می برند و یا به دنبال شریک جنسی هستند را، به طور مجانی نمایش می دهند. برای مشتریان دارای کارتهای اعتباری تقریباً همه نوع مواد محرک جنسی قابل دسترس می باشد. کاربر فقط باید سن قانونی خود را ثابت کند. تنها استثناء وارده بر این قاعده، تماس مستقیمی است که دو نفر در هر سن و سالی، از جمله افراد زیر بیست سال، می توانند از طریق وب کم با هم برقرار کنند. برخی از اینها از این نوع تماسها برای دید زدن همدیگر در حین استمناء سود می جویند، اما مسلماً هزینه ای هم از همدیگر مطالبه نمی کنند و در نتیجه کارشان هم ربطی به روسپیگری ندارد. قانونی بودن یا نبودن عمل این افراد بستگی به سیستم قضایی کشورشان دارد. ولی به هر حال، در جاهایی که «هر فرد زیر 18 سال» به عنوان «کودک» تعریف می شود، و قانون، مبادله و نگهداری «پورنوگرافی کودکان» را منع کرده، افراد زیر هیجده سالی که به مبادله تصاویر با هم و یا به کمک وب کم به استمناء با هم دست می زنند، بدون آنکه خود آگاه باشند، خواه ناخواه قوانین را نقض کرده اند و از نگاه قانون مجرم محسوب می شوند. نتیجه این می شود که این جوانان به طور همزمان هم مجرمند و هم قربانی.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری زنان: الکترونیک

روسپیگری اینترنتی 2

تصاویر ثابت، فیلم و ویدئو



این بحث، شامل تصاویر و مواد جنسی در اینترنت که به تعامل دو طرفه نمی انجامند، نمی شود؛ چون آن تصاویر بیشتر در رده پورنوگرافی می گنجد تا اینکه به روسپیگری مربوط شوند. این مسئله که مشتریان برای مشاهده آنها پول پرداخت می کنند، واقعیت قضیه را عوض نمی کند. هر چند که مسلماً استثنائاتی وجود دارند، اما به عنوان یک قاعده، رابطه بین خدمت جنسی و هزینه پرداختی، به مقدار بسیار زیادی غیر مستقیم می باشد.

وب کم های غیر تعاملی

می توان استدلال کرد که دریافت پول در قبال انتقال تصاویر زنده شهوانی به وسیله وب کم، حتی در غیاب تعامل دو طرفه، باز بر تعریف روسپیگری منطبق است. بیننده قادر به تأثیرگذاری بر فعالیتی که اتفاق می افتد نیست و نمی تواند آن را مطابق میل خود هدایت کند، اما قادر است از منوی وسیعی که روی صفحه کامپیوتر در معرض دید اوست، آن موردی را انتخاب کند که به سلیقه جنسی اش نزدیکترین باشد. البته برای سرویسی که دریافت می کند باید هزینه پردازد.

وب کم های ارتباطی و تعاملی

شیوه دیگری از انتقال تصاویر با وب کم وجود دارد که در آن زنان از بینندگان خود دستور دریافت می کنند که چه کاری و چگونه حرکتی را انجام بدهند. این زنان، گاهی با شرکای جنسی خود (همجنس یا غیر همجنس) در برابر وب کم ظاهر شده و کارها و حرکاتی که مشتریان به آنها پیشنهاد می کنند، را انجام می دهند. مشتریان، خواسته های خود را، یا از طریق ایمیل، و یا از طریق صحبت های مستقیم، به شکل کنفرانس های ویدئویی، به زنان منتقل می کنند.

این نوع وب کم ها، معمولاً توسط خود زنان و به طور مستقل، از خانه های خودشان اداره می شوند و گاهی، شوهرانشان هم از آنها حمایت می کنند. ولی زنان و دختران جوان هم از این روش برای کسب درآمد سود می جویند، و به راستی هم که این کار سودآوری است. با این حساب، شکی نیست که ما در اینجا با نوع تازه ای از روسپیگری مواجه هستیم. هرچند که هنوز، مفهوم آن در عرصه های قضایی، اقتصادی، و روانی ناروشن است. اگر روسپیگری خشونت علیه زنان است، در کجای این کار خشونت دیده می شود؟ اگر صحبت از استثمار باشد، کدام طرف، دیگری را استثمار می کند؟



آگهی اینترنتی خدمات جنسی زنده به وسیله وب کم
برای اجتناب از بازشناسی، نام و طرح تغییر داده شده اند، اما متن نوشته اصل می باشد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: جمع بندی

روسپیگری زنان، با انواع و اقسام خود در گذشته، حال و آینده، چالش های جدی پیش روی پژوهشگران جنسی قرار می دهد. چون پدیده ای است با ترکیبی از ویژگی های بیولوژیکی و اجتماعی - فرهنگی در پیچیده ترین شکل خود؛ یعنی، شوق و میل جسمی و فیزیکی از یک طرف، و نیاز روانی از طرف دیگر، با هم صیقل خورده، عجیب می گردند و به شکلی پاسخ داده می شوند که منعکس کننده الگوی بسیار کهن نابرابری جنسیتی است. به این خاطر، شاید شناخت روسپیگری بدون درک و فهم جنبه های گوناگون وابستگی انسان، غیر ممکن باشد. ابتدا، ما باید به این معترف شویم که در کل، جنس مؤنث، نه تنها از جهت اقتصادی، بلکه همچنین از جنبه های سیاسی و فرهنگی نیز به جنس مذکر وابسته است. بسیاری از ساختارهای پدرسالاری، حتی در جوامع مدرن صنعتی و فرا صنعتی، کماکان باقی مانده اند. با وجود این، شاید مهمترین جنبه وابستگی، همانا روانی باشد. آن رفتارهای جنسیتی (جندری) که به افراد مذکر و مؤنث آموزش داده می شوند، نوعی عدم تعادل روانی به وجود می آورند، که راه را برای انواع و اقسام بهره کشی هموار می کنند. (به بخش رشد و نمو رفتارهای جنسی: مراحل رشد: نوجوانی و جوانی: رفتارهای جنسیتی، مراجعه شود. م)

استثمار اقتصادی زنان در محلهای کار همچنان باقی است و پیشرفت شغلی چندان نصیبشان نمی شود. در سراسر جهان، زنان، نسبت به مردان، موقعیت پائین تری دارند، از امکانات تحصیلی برابر برخوردار نیستند، در قبال کار مساوی حقوق مساوی با مردان دریافت نمی کنند، و تعداد بیشتری از آنان زندگی خود در فقر

زندگی می گذارند. همه این عوامل به نوبه خود، امر قاچاق و تجارت زنان را تسهیل می کنند. در واقع، بسیاری از «کارگران جنسی» برای بقای محض به درآمد بسیار ناچیز خود وابسته اند. علاوه بر این، تصادفی نیست که مراکز بزرگ گردشگری جنسی در کشورهای فقیر یافت می شوند. و آخر اینکه، قوانین جنایی و مدنی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به روسپیگری مربوط می شوند، تا حدود زیادی دستپخت قانونگذاران مرد می باشند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری زنان: جمع بندی 2

با توجه به ادامه وابستگی زنان به مردان در همه مناطق جهان، سالهای سال است که جنبش زنان خواستار انجام اصلاحاتی است، و حداقل در بسیاری از کشورهای غربی، پیشرفتهایی هم حاصل شده است. در عین حال، مشخص گردیده که اصلاحات، هر چند هم که خوب باشند، اما، به آن حدی نیستند که به تغییراتی بنیادین، در جهت از بین بردن عدم تعادل جنسیتی، که در عمل، در روسپیگری زنان تجلی می یابد، بیانجامد. با این همه، یک «انقلاب جنسیتی»، در افق چشم انداز دیده نمی شود، و به این دلیل، ادامه اصلاحات تنها گزینه واقعی است.

گاهی مشاهده شده که فعالان زنان در برخورد با اصلاحات خاصی همیشه هم نظر نیستند. مثلاً در مورد دو سیاست کاملاً متضاد سوئد و هلند در قضیه روسپیگری، فمینیستها در هر دو اردو دیده می شوند. اینکه این مسائل نهایتاً چگونه حل می شوند، فقط به تجربه ثابت خواهد شد. همین مسئله در مورد مسیری که روسپیگری اینترنتی طی خواهد کرد هم صدق می کند. برخی ناظران این امکان را از نظر دور نمی دارند که ممکن است بهره کشی حالت عکس به خود بگیرد؛ یعنی زنان کاملاً مستقلی پیدا شوند که از ضعف مردان استفاده کرده و آنها را مورد بهره کشی قرار دهند. ناظرانی هم، نوع حداقلی از جا به جایی تازه ای در توازن قدرت را حدس می زنند. برخی دیگر از ناظران هم هر تغییری را تصنعی و فاقد اهمیت می دانند. از نقطه نظر پژوهشهای جنسی، مسئله همچنان به صورت لاینحل باقی مانده است. این نوع روسپیگری به اندازه کافی مورد مطالعه قرر نگرفته تا بتوان به ارزیابی معتبری از آن دست یافت.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری زنان: جمع بندی 3

روسپیگری زنان، واکنش اجتماعی شدید، دمدی مزاج و متناقضی را بر می انگیزاند، چون دو مسئله حساس را در بر می گیرد - نقش زنان و فعالیت جنسی. بدون شک، بخشی از این تناقض و دمدی مزاجی از عذاب وجدان ناشی می شود. بسیاری از مردم چنین احساس می کنند که رفتارهای سنتی در قبال زنان، از پایه و اساس غیر منصفانه اند، و این بی انصافی، کل سیستم ما را، جهت کنترل رفتارهای جنسی بشر، خدشه دار می کند. سیستم پدرسالار تا زمانی پایدار می ماند که زنان به جایگاهی که به آنها اختصاص داده شده، راضی بمانند، و آنطور که پیداست نه تنها زنان خانه دار، بلکه روسپیان هم، از اصل سلطه مردان حمایت می کنند و فعالیت جنسی هم تا زمانی که در خدمت تولید مثل و لذت بری مرد است، تهدیدی محسوب نمی شود. با این همه، تهدید دوگانه ای است که ممکن است در آینده رشد کند: ممکن است زنان بخواهند که خودشان سرنوشت و نقش اجتماعی خویش را به دست خود گیرند و لذت بری خود را خواستار شوند. این مسئله، به نوبه خود، چه بسا معنی و مفهوم فعالیت جنسی را از نو تعریف کند و آن را از قید و بندهای پدرسالارانه فعلی رها کند. این چشم انداز به همان نسبت که ترسناک است، مهیج هم می باشد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری مردان



روسپیگری مردانه هرگز مثل روسپیگری زنانه عادی نبوده است، اما قدمت آن نیز به عهد عتیق بر می گردد. در این مورد هم، امپراطوری چین، یونان باستان و روم کهن، مثالهای آشنایی هستند. در این کشورها «تجارت سکس» مردانه تنظیم و قانونمند شده بود، اما، در گذر تاریخ، بسیاری از کشورهای دیگر هم

دارای انواع رسمی و غیر رسمی روسپیگری مردانه شدند. به هر حال، روسپیگری مردانه همیشه بیشتر در خدمت مردان بوده تا در خدمت زنان. علت این امر دو چیز است:

1. از جهت تاریخی، تنها اقلیت بسیار کوچکی از زنان، از آنچنان موقعیت اجتماعی و اقتصادی ای برخوردار بوده اند که قادر به خرید خدمات جنسی شوند.

2. اقلیت قابل توجهی از مردان دارای گرایش جنسی دوجنسگرایانه (بایسکسوال) و یا همجنسگرایانه (هموسکسوال) هستند، یعنی یا به هر دو جنس مذکر و مؤنث گرایش دارند یا صرفاً به مردان همجنس خود متمایلند. بعضی از این مردان در خرید خدمات جنسی از مردان دیگر مشکلی ندارند.

همانطور که مشاهده می شود، روسپیگری مردان، به نیاز و تقاضایی پاسخ می دهد که همیشه با محدودیت مواجه بوده است. تعداد و اندازه زنان و مردان مشتری بالقوه محدود است، و به این دلیل، روسپیگری مردان هیچوقت به وسعت و اهمیت روسپیگری زنان نبوده و هرگز هم نخواهد بود. در زیر به ترتیب، ابتدا به روسپیگری مردان همجنسگرا و سپس به روسپیگری مردان دگرجنسگرا می پردازیم.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری همجنسگرایانه

مردان روسپی، درست همانند زنان همکار خود، به چند گروه تقسیم می شوند؛ از مردان خیابانی و کافه ها گرفته تا «پسران تلفنی» و «اسکورت‌های» کلاس بالا. البته مرزها نه ثابت، بلکه سیال می باشند. در روسپیگری مردانه، قاچاق، روسپی خانه و دلالتی همیشه امر نادری بوده است. اغلب مردان روسپی به طور مستقل کار می کنند، اما در بعضی کشورها «شاغلان کافه ها»، «رقصندگان بارها» (table dancers) و «پسران بزن برقص» (go-go boys) هم وجود دارند که درآمد خود را با صاحب بار قسمت می کنند، و بعضی از مردان روسپی که از زیبایی خاصی برخوردارند هم ممکن است در بنگاههای خاصی شاغل شوند.

در روسپیگری مردانه، زیبایی و جوانی مهمتر از هر چیزی است و در نتیجه دوره اشتغال آنها به این حرفه، خیلی کوتاهتر از دوره اشتغال زنان روسپی می باشد. البته در اکثر موارد، مردان جوان قصد ماندگاری در «کار جنسی» برای مدتی مدید را ندارند، بلکه در دوره ای خاص از زندگی خود و یا در شرایطی خاص به آن دست می زنند. به این دلیل، ول کردن «صحنه» و بازگشت به زندگی «عادی» هم برای آنها ساده تر و آسانتر است. این موضوع مثلاً ممکن است در مورد نوجوانانی که «پول توجیبی» می خواهند، یا دانشجویانی که می خواهند هزینه تحصیلی خود را از طریق روسپیگری به دست آورند، صدق کند. گاهی هم پسران جوان فراری از خانه یا بیکار، و یا جوانان بی خانمان به دام دنیای تجارت سکس گرفتار می شوند و همانجا می مانند تا زمانی که دیگر خریداری نداشته باشند. مردان روسپی بالای 30 سال نادر هستند، و اغلب روسپیان مرد بین 18 تا 25 ساله می باشند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری همجنسگرایانه سنتها 1

«لگوریها»

مردان جوان شاید تنها به فروش خدمات جنسی خود در بیرون (پیاده روها، حوالی ایستگاههای راه آهن و غیره) اکتفا نکنند، بلکه آن را به کافه ها، بارها و محلات نمایش ویدئو هم بکشانند. به همین دلیل یک فرد ممکن است در عین حال که یک «لگوری خیابانی» است، یک «لگوری کافه ای» هم باشد که در خلال روز جای خود را از کافه به خیابان و بالعکس عوض می کند. لگوریها همچون روسپیان مؤنث یک گروه یکدست نمی باشند. برخی لگوریها ممکن است در یک بار «شاغل» و ماندگار شوند و درآمد خود را با صاحب بار قسمت کنند، برخی دیگر شغل «پسران تلفنی» را انتخاب می کنند.



«رقاصان اروتیک»



برخی از «بارهای رقص» و «سینماهای سکس» جهت سرگرم کردن مشتریان خود از پسران رقص برهنه یا نیمه برهنه استفاده می کنند. بعضی از این پسران رقص در قبال دریافت پول، مدتی را در اتاقی جداگانه و «در خلوت خصوصی با مشتری علاقه مند» می گذرانند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری همجنسگرایانه سنتها 2

پسران خانه ای



برخی پسران جوان تن فروش، از مردان پولدار مسن دعوت دریافت می کنند که مدتی را در خانه و کنار آنها بگذرانند و در قبال دریافت پول تو جیبی، مسکن، خورد و خوراک، و حتی حقوق، خدمات جنسی به آنها ارائه دهند. این نوع قراردادها گاهی فقط برای چند هفته، یا چند ماه منعقد می شوند اما گاهی سالها و دهه ها هم به طول می انجامند. در چنین وضعیتی، مسلماً رابطه دو نفر کلاً دگرگون می شود و مدتی بعد، خصلت روسپیگری خود را از دست می دهد.

پسران تلفنی



بعضی از پسران روسپی، خدمات خود را در روزنامه ها، مجلات همجنسگرایان، و یا روی اینترنت تبلیغ می کنند. کار این افراد کم و بیش شبیه کار «دختران تلفنی» است؛ یعنی یا به طور مستقل کار می کنند و یا از طریق یک بنگاه.

اسکورتی ها

بعضی از پسران روسپی که از زیبایی خاصی برخوردارند، در بنگاهی ثبت نام کرده و شغل «اسکورت» که درآمد نسبتاً خوبی دارد، را برای خود انتخاب می کنند. این افراد درست مثل دختران اسکورتی ممکن است هزینه ای ثابت و یا درصدی از درآمد خود را به بنگاه بپردازند. امروزه «کسب و کار اسکورت» از یک بعد جهانی برخوردار شده است.

Pollux international male escorts

Free browsing – Make Direct Contact

HomeBoysPreviewServicePriceS/MContactMembers



وب سایت خدمات اسکورتی

در بسیاری از کشورها، خدمات اسکورتی «گی» در اینترنت تبلیغ می شوند. بعضیها دارای ارتباطات جهانی هستند. (نمونه فوق معجونی از چند وبسایت می باشد که برای اجتناب از بازشناسی، نام و طرح تغییر داده شده، اما متن نوشته اصل می باشد.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری همجنسگرایانه الکترونیک



در سالهای اخیر، مشاهده شده که فرصتهای شغلی از طریق وسایل الکترونیک، نه تنها برای روسپیگری زنان، بلکه برای روسپیگری مردان هم گسترش یافته اند. در واقع، فحشای مردان، هر چند هرگز به وسعت فحشای زنان همکارشان نبوده، اما امروزه به تجارت قابل ملاحظه ای فرا روئیده است. باز هم در اینجا، ارائه یک بحث وسیع ممکن نیست و فقط به

مواری چند اشاره می شود.

سکس تلفنی

سکس تلفنی «گی» به همان شکل سکس تلفنی بین دو غیر همجنس عمل می کند. کسی که زنگ می زند به یک دستگاه خودکار با صدایی ضبط شده، متصل می شود. نحوه پرداخت هم یکی است؛ یعنی یا با کارت اعتباری یا به صورت تلفنی با هزینه خاص. با این همه، سکس تلفنی بین «مردان عادی» هم وجود دارد که هزینه ای از هم مطالبه نمی کنند، ولی گاهی بنگاهی جهت ایجاد امکانات و تسهیلات اینگونه ارتباطات مجانی، هزینه محدودی دریافت می کند. بدون شک موبایلهای دارای امکانات مبادله تصاویر، ابعاد تازه ای به این مسئله خواهند داد.

تصاویر ثابت، فیلم و ویدئو



مواد جنسی از پیش ضبط شده بیشتر در مقوله پورنوگرافی می گنجد تا روسپیگری. اما استثنائاتی هم وجود دارند، ولی به عنوان یک قاعده، رابطه بین خدمت جنسی و پرداخت هزینه بسیار غیر مستقیم می باشد.

وب کم های غیر تعاملی

بعضی از تصاویر انتقالی به وسیله وب کم سکس زنده را نمایش می دهند، اما حالت تعاملی ندارند. با این همه بر تعریف روسپیگری مطابقت دارند. بیننده قادر به تأثیرگذاری بر فعالیتی که اتفاق می افتد نیست و نمی تواند آن را مطابق میل خود هدایت کند، اما از منوی وسیعی که روی صفحه کامپیوتر در معرض دید اوست، می تواند موردی را انتخاب کند که به سلیقه جنسی اش نزدیکتر باشد. البته برای سرویسی که دریافت می کند باید به وسیله کارت اعتباری هزینه پرداخت کند.

وب کم های ارتباطی و تعاملی

شیوه دیگری از انتقال تصاویر مردان با وب کم وجود دارد که در آن، آنها با بینندگان مذکر خود تماس مستقیم برقرار می کنند. مشتریان خواسته های خود را یا از طریق ایمیل به آنها منتقل می کنند و یا از طریق صحبت های مستقیم، مانند موارد کنفرانسهای ویدئویی. بدون شک، در اینجا ما با نوع تازه ای از روسپیگری مواجه هستیم که چه بسا در سالهای آینده برای همه ما سمت و سوی غافلگیر کننده ای به خود بگیرد.



GAY CAM CENTRAL

Gay Webcam Boys for You

Live Gay Webcams are a good way to find your dream-boy. Dream of him or ask him for a live date. On Gay Cam Central you can chat for free. Watching the webcam just costs a little fee to motivate the boys. Just register and get in touch.

You have to be at least 18 years old.

GaysBi BoysStraight BoysShemalesCouples

وبسایت یک بنگاه «گی» با امکانات وب کم

چنین بنگاههایی برای مردان مجرد این امکان را فراهم می آورند که با یک نفر یا با جفتهای مذکر که حاضرند در قبال دریافت حق الزحمه، در برابر وب کم های خود دست به عمل جنسی بزنند، ارتباط برقرار کنند. همانطور که در تصویر دیده می شود، آنها برای ملاقات حضوری هم آمادگی دارند. (برای اجتناب از بازشناسی، نام و طرح، تغییر داده شده اند، اما متن نوشته اصل می باشد.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری مردان دگرجنسگرا

روسپیگری مردان دگرجنسگرا عمدتاً به دو نوع بزرگ تقسیم می شود:

1. مردان «تلفنی» (پسران تلفنی و اسکورتی ها)

2. معشوقان کوتاه مدت

روسپیگری مردان دگرجنسگرا و همجنسگرا در بسیاری از جهات شبیه هم می باشند. با این حال، همانطور که خواهیم دید، بین این دو تفاوت‌های قابل توجهی هم وجود دارند. در مجموع، مردانی که خدمات جنسی خود را به زنان می فروشند، با انگ و ننگ چندانی مواجه نمی شوند. این کار برای بسیاری از آنان یک شغل نیمه وقت محسوب می شود. آنها به ندرت با حقارت و توهین مواجه می شوند و کنار گذاشتن حرفه روسپیگری برایشان آسانتر است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری مردان دگرجنسگرا

تلفنی

برای پسران دگرجنسگرای تلفنی و اسکورتی، ارائه خدمات به زنان مشتری شبیه کار همکاران «گی» شان می باشد که به مردان خدمات جنسی ارائه می دهند؛ زنان یا به طور مستقیم و یا از طریق بنگاه با آنها تماس می گیرند، و ملاقات بین آنها ترتیب داده می شود. با این حال، یک تفاوت اساسی وجود دارد: زنان خواهان چیزی بیش از جذابیت فیزیکی می باشند. آنها از مردی که برای او پول پرداخت کرده اند توقع دارند که از روش مراوده خاصی برخوردار باشد، نسبت به خلق و خوی آنها حساس بوده و قادر به مکالمه ای معنادار باشد. به طور خلاصه، الزامات مورد نیاز برای یک مرد دگرجنسگرای روسپی نسبتاً بالاست و در نتیجه، هزینه آنها هم به همان نسبت بالاتر می باشد. در ژاپن، کلوبهای متشکل از مردان روسپی دگرجنسگرا با قیمت‌های گران وجود دارند که به طور انحصاری با هدف جذب زنان پولدار تشکیل شده اند. پسران گارسن جوان و خوش قیافه، درصدی از درآمد حاصل از فروش نوشیدنیها را دریافت می دارند و به این دلیل زنان را به خرید هرچه بیشتر ترغیب می کنند. در این محلها، به طور رسمی، خدمات جنسی ارائه نمی شوند، اما هر کسی می داند که استثنائات همیشه وجود دارند، بخصوص در جاهایی که کمتر اعیانی اند.



Exquisite Escort Agency
Escorts for the Ladies

For the pleasure of today's selective woman

We offer stylish, seductive heterosexual gentlemen who know how to romance and seduce a woman. You may be looking for simple emotional fulfillment, or a few compliments, or a ravishing date to make your friends jealous.
Or you may need some soul-refreshing sexual healing.
We look forward to providing some special company for you.

Photo Gallery Service Rates Contact

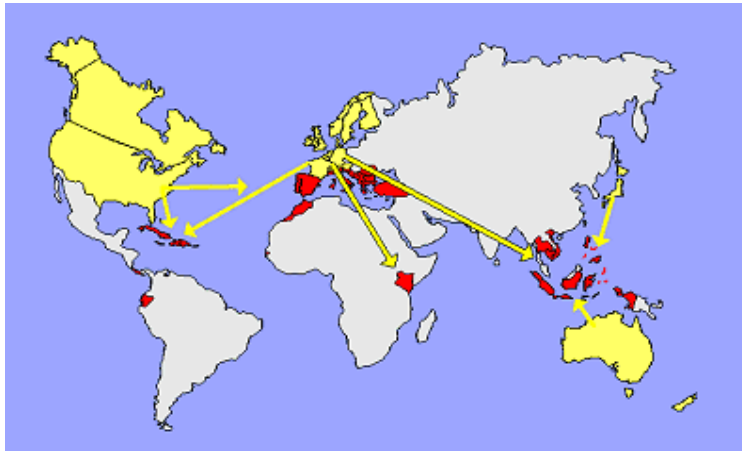
وبسایت بنگاه خدمات اسکورتی برای زنان

بعضی از بنگاه‌ها اسکورتهایی را برای همدمی و هم مونسی ارائه می دهند، اما دسته ای دیگر نیازمندیهای جنسی زنان مشتری خود را هدف قرار می دهند و اسکورتهایشان، به فروش خدمات جنسی به زنان می پردازند. (نمونه فوق معجونی از چند وبسایت می باشد که برای اجتناب از بازشناسی، نام و طرح تغییر داده شده، اما متن نوشته اصل می باشد).

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری مردان دگرجنسگرا معشوقان کوتاه مدت

بعضی از زنان آمریکایی، اروپایی، و به طور فزاینده ای زنان ژاپنی هم، کشورهای دوردستی را برای گذران تعطیلات خود انتخاب می کنند، با این هدف که در آنجا معشوقان کوتاه مدتی برای خود بیابند. این معشوقان معمولاً جوان هستند و برخوردار بودنشان از جذابیت فیزیکی مهم می باشد. مقصد ترجیحی این به اصطلاح توریسم جنسی، کشورهای جنوبی اروپا، آفریقا، و کشورهای کارائیب می باشد، ولی بر محبوبیت برخی از مناطق دارای کشورهای با سطح بالای بیکاری مردان هم افزوده شده است.

این زنان اغلب به تنهایی سفر می کنند و هنگام رسیدن به مقصد، «دوست پسر محبوب» خود را از بین خدمه هتل، گارسنها، صاحبان کافه ها، باغبانهای شاغل در هتلها، تاکسی رانان، راهنماهای تور مسافرتی، گارد شнай ساحلی، خدمه کرانه ساحل، سوغات فروشان و غیره، انتخاب می کنند. و وقتی که فرد مورد نظر خود را یافتند، او را به شام دعوت کرده و برایش لباس و هدایا می خرند و حتی به او پول نقد می پردازند. بعضی از مردان در برخی از کشورها هیچ چیزی مطالبه نمی کنند. برای آنها اثبات مردانگی و قابلیت های جنسی شان، کافی است. این نشان می دهد که مردان در چنین توافقاتی به ندرت احساس می کنند که مورد سوء استفاده و یا تحقیر واقع شده اند. حتی وقتی که هدایا و پول دریافت می دارند، در واقع ممکن است با این کار، در بین دوستان خود اعتبار بیشتری کسب کنند و رشک دیگران را برانگیزند. به طور خلاصه، این نوع «تجارت سکس» مورد بسیار خاصی است و به سادگی قابل مقایسه با دیگر انواع روسپیگری نمی باشد. علی رغم همه این مسائل، اما کل مسئله به طور روزافزونی تحت الشعاع گسترش فزاینده ای. آی. وی. / ایدز در بین مردان کشورهای در حال توسعه، بخصوص در کارائیب و آفریقا، قرار گرفته است.



مقصد گردشگری جنسی زنان

زنان کشورهایی از اروپا، آمریکای شمالی، استرالیا و ژاپن (که همه به رنگ زرد مشخص شده اند) در نقاط دور دست، بخصوص در کشورهای در حال توسعه (سرخ رنگ)، به دنبال معشوقان کوتاه مدت می گردند. مقاصد ترجیحی این زنان، جنوب اروپا، آفریقا، و کشورهای کارائیب می باشد، ولی اخیراً اندونزی، تایلند، فوجی و آمریکای لاتین هم پرطرفدار شده اند. اما علی رغم این موضوع، باید به خاطر داشت که توریسم جنسی مردان خیلی گسترده تر از این می باشد. درحقیقت، در مقایسه این دو با هم، توریسم جنسی زنان بسیار ناچیز است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مقدمه 1



گزارش جهانی از خشونت و
سلامتی

Krug EG et al.

سازمان بهداشت جهانی، ژنو
2002

برای خواندن فشرده ای از فصل
6

[اینجا را کلیک کنید](#)

و برای مطالعه کل گزارش

[اینجا را کلیک کنید](#)

(پی دی اف کامل گزارش در بخش
انگلیسی کتابخانه وبلاگ ج.و.ج هم موجود
است.م)

«خشونت جنسی یک مشکل جدی و رایج
سلامت و بهداشت عمومی است که سالانه بر
میلیونها نفر در جهان تأثیر می گذارد. و
نیروی محرک آن عوامل زیادی هستند که در
طیف وسیعی از زمینه های اجتماعی،
فرهنگی و اقتصادی عمل می کنند. ریشه
خشونت جنسی علیه زنان، نابرابری جنسیتی
است.»

گزارش نامبرده انواع خشونتهای جنسی را از این قرار می شمارد:

- تجاوز در زناشویی یا روابط دوستی
- تجاوز توسط غریبه ها
- تجاوزات سیستماتیک در خلال درگیریهای مسلحانه
- دست درازیهای جنسی ناخواسته یا تعدی و ستوه جنسی از جمله درخواست سکس در ازای لطف یا
عناایتی خاص
- سوء استفاده جنسی از افراد معلول ذهنی یا جسمی
- سوء استفاده جنسی از کودکان
- ازدواج اجباری یا اجبار به زندگی مشترک، از جمله ازدواج کودکان
- محرومیت از حق استفاده از پیشگیری از بارداری یا برگزیدن دیگر اقدامات لازم در برابر
بیماریهای مقاربتی
- سقط جنین اجباری
- اعمال خشونت آمیز علیه اصل حقوق جنسی زنان، از جمله ختنه و قطع اندامهای جنسی و بازرسی
اجباری باکرگی زنان
- روسپیگری اجباری و قاچاق انسانها با هدف بهره کشی جنسی

گزارش همچنین اعلام می دارد که هدف اصلی خشونت جنسی «اعمال مداوم قدرت و سلطه بر فرد
مورد تعرض واقع شده، می باشد»

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مقدمه 2

بخش اعظم خشونت جنسی مبنای جنسیتی دارد، درست به همان شکلی که سازمان ملل در سال 1992 عنوان کرد:

«خشونت مبتنی بر جنسیت شکلی از تبعیض است که به طور جدی از توانایی زنان در استفاده از حقوق و آزادی خود بر مبنای برابری با مردان ممانعت به عمل می آورد. نگرش و برخورد سنتی که زن را مادون و تابع مرد می داند و یا نقشهای کلیشه ای برای او در نظر می گیرد، به تداوم شیوه های گسترده خشونت یا فشار و تهدید مانند خشونت خانوادگی و تجاوز، ازدواج اجباری، مرگ و میرهای ناشی از خشونت و ادعاهای مهریه ای، اسید پاشی، و ختنه زنان، می انجامد. چنین تعصبات و رفتارهایی ممکن است خشونت جنسیتی را تحت لوای محافظت و یا کنترل زنان، توجیه کند.»

همانطور که در بخشهای زیر خواهیم دید، خشونتهای جنسی مرد علیه مرد و خشونت جنسی زن علیه زن و زن علیه مرد، هم وجود دارند. اما با این حال، بخش اعظم خشونتهای جنسی واقعاً «مبنای جنسیتی» دارد، یعنی زنان قربانی اند و مردان مجرم.

شعبه رفاه و ترقی زنان اداره امور دارایی و اجتماعی



سازمان ملل متحد علیه تبعیض نسبت به زنان

در سال 1979 سازمان ملل کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان را تصویب نمود، و در سال 1992 توصیه های کلی خود را منتشر کرد که بند 19 آن تصریح می کند که خشونت مبتنی بر جنسیت شکلی از تبعیض است. برای مطالعه متن کامل توصیه ها

[اینجا را کلیک کنید.](#)

(متن فارسی کنوانسیون و توصیه های مربوط به آن را می توان از طریق گوگل جستجو کرد. م.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مزاحمت جنسی

سازمان ملل متحد در شماره 19 توصیه های خود حول رفع هرگونه تبعیض علیه زنان- 1992، به موضوع تعرض و آزار جنسی هم می پردازد:

«هرگاه دست رسانیها و دست درازیهای جنسی ناخواسته، درخواستهای مبنی بر انجام لطف و خدمت جنسی، و دیگر سلوک لفظی یا فیزیکی با خمیرمایه جنسی، به طور ضمنی یا آشکار، بر اشتغال فرد و عملکرد شغلی او، تأثیر منفی بر جای نهند و یا محیط کار را تهدید آمیز، خصمانه، و یا توهین آمیز کنند، در زمره مزاحمتهای جنسی قرار می گیرند.»

البته، باید به خاطر داشت که هم زنان و هم مردان هر دو می توانند هم عامل و هم قربانی مزاحمتهای جنسی شوند، ولی توجه به این واقعیت که اکثر قربانیان مزاحمتهای جنسی، زنان هستند، هم بسیار مهم می باشد.

در ایالت متحده آمریکا، کمیسیون فرصتهای استخدامی برابر (EEOC) اعلام کرده است که مزاحمت‌های جنسی، نقض قانون حقوق مدنی مصوب سال 1964 می باشد و دستورالعملهایی درباره چگونگی برخورد با آن صادر کرده است. همانطور که این دستورالعملها روشن می کنند:

«هنگامی که زنان در محیط کار خود در معرض خشونت‌های با مبنای جنسیتی همچون مزاحمت‌های جنسی واقع می شوند، موضوع برابری در اشتغال به طور جدی نقض و مختل می گردد. تعرض و اذیت و آزار جنسی، شامل رفتارهای مشخص ناخواسته همچون دست درازی و تماس فیزیکی، حرفها و اشارات جنسی، نشان دادن پورنوگرافی، و تقاضاهای جنسی، در کردار یا گفتار می شود. چنین اقداماتی می توانند بسیار تحقیرآمیز باشند و باعث مشکلات سلامتی و امنیتی شوند. اجحاف زمانی اتفاق می افتد که زن به دلایل منطقی باور داشته باشد که اعتراض او به تعرض و آزار جنسی، در امر استخدام یا پیشرفت کاری به ضررش تمام می شود، یا باعث تشویش فضای محیط کار می گردد.»

درواقع، تعرض و اذیت و آزار جنسی ممکن است اشکال مختلفی از متلک پرانی تا تلاش و اقدام مداوم برای تجاوز، به خود بگیرد. البته، موارد شدید و بسیار خطرناک آن را می توان با استفاده از قوانین مختلف کیفری، تحت پیگرد قانونی قرار داد.

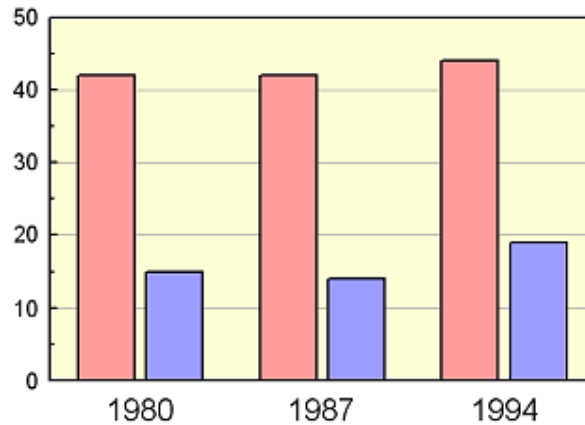
رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مزاحمت‌های جنسی: انواع مزاحمت‌های جنسی

موارد بارز خشونت فیزیکی با انگیزه های جنسی به کنار، اما تعدادی از رفتارهای زننده و نامطوبوعی وجود دارند که در گذشته جدی گرفته نمی شدند. یک پژوهش آمریکایی در بین کارمندان فدرال، شش نوع مزاحمت و اذیت و آزار جنسی را برملا می کند:

نامه ها و تماسهای تلفنی ناخواسته، و یا مسائل ناخواسته دارای خمیر مایه جنسی.
تماس و لمس عمدی ناخواسته، نگاه و یا حرکت جنسی ناخواسته.
وارد آوردن فشار ناخواسته برای یک لطف جنسی.
وارد آوردن فشار برای قرار ملاقات.
سربه سر گذاشتنها، جوکها و یا اشارات سکسی ناخواسته.

نتیجه این پژوهش که در سال 1995 انجام شد، بدون آنکه تعجب کسی را برانگیزاند، دال بر آن داشت که زنان به مراتب خیلی بیشتری نسبت به مردان، در معرض این نوع رفتارهای اهانت آمیز قرار دارند. نمودار زیر تحولات در طول 14 سال را نشان می دهد. دلیل چندانی برای این باور که تعادل فوق از آن زمان تا کنون دچار تغییرات عمده ای شده است، وجود ندارد.

مزاحمت‌های جنسی در محل کار فدرال ایالات متحده



چه تعداد از کارکنان در دو سال گذشته با اذیت و آزار جنسی مواجه شدند؟ همانطور که آمار و ارقام نشان می دهند، زنان بیشتری نسبت به مردان، مزاحمت‌های جنسی را تجربه می کنند.
منبع:

*Sexual Harassment in the Federal Workplace: Trends, Progress, Continuing Challenges
A Report to the President and the Congress of the United States by the U.S. Merit
Systems Protection Board.*

[برای مطالعه گزارش کامل اینجا را کلیک کنید](#)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مزاحمت‌های جنسی: انواع مزاحمت‌های جنسی 2

در سال 2001، وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده، دستورالعمل‌های خود در رابطه با مزاحمت‌های جنسی دانش آموزان و دانشجویان را مورد بازبینی قرار داد(1). این سند اظهار می دارد که:

«مزاحمت جنسی، رفتار ناخوشایند و ناخواسته همراه با خمیرمایه جنسی است. مزاحمت جنسی شامل دست درازیهای ناخواسته، درخواست انجام لطف و عنایت جنسی، و دیگر رفتارهای لفظی، غیر لفظی، و یا فیزیکی دارای طینت و طبیعت جنسی، می باشد. اذیت و آزار جنسی بر مبنای جنسیت می تواند امکان و توان محصل در مشارکت یا دریافت مزایا، خدمات، یا فرصتهایی در برنامه آموزشی را انکار یا محدود کند.»

به هر حال، دستورالعمل جدید این را هم تأکید می کند که:

«اعتراف به این مسئله مهم است که ممنوعیتهای مربوط به مزاحمت‌های جنسی، شامل لمس، تماس و رفتارهای مشروع و تهی از خمیرمایه جنسی نمی شوند. برای مثال، رفتار معلم ورزش که محصلی را هنگام زدن گل بغل می کند، یا وقتی معلم کودکستان، کودکی که زانویش زخمی شده را با یک آغوش تسلی می دهد، هیچکدام مزاحمت و آزار و اذیت جنسی محسوب نمی شوند. همینطور، اگر اجرای حرکات ورزشی محصلی نیازمند تماس او با محصل دیگری باشد، باز هم این تماس، از جنس مزاحمت جنسی نمی باشد. ولی با این حال، گاهی در شرایطی، ممکن است یک رفتار و سلوک تهی از خمیرمایه جنسی، به طور ضمنی بار و معنای جنسی به خود بگیرد و سطح مزاحمت جنسی را افزایش دهد. مثلاً، معلمی که بی مورد و بی جهت، بارها و بارها محصلی را بغل و دستان خود را به دور وی حلقه کند. این کار می تواند محیط خصمانه، ناخوشایند و نامساعدی ایجاد کند.»

احتیاط مورد اشاره در فوق، معضل امکان بالقوه سوء استفاده احتمالی از قانون مقابله با مزاحمت‌های جنسی را عیان می‌کند. در حالی که موارد بدون ابهام زیادی وجود دارند، مواردی هم هستند که قابلیت تفسیرهای متفاوتی را دارا می‌باشند. بعضی کلمات و ایما و اشارات می‌توانند مورد سوء تعبیر واقع شوند. یک بغل کردن و درآغوش گرفتن که برای یکی ممکن است کاملاً بی‌خطر به نظر برسد، چه بسا در نظر دیگری دارای بار و پیامد جنسی باشد. چون به هر حال، مردمان با پیش زمینه‌های فرهنگی مختلف، در رابطه با درجه نزدیکی فیزیکی و تعدد دفعات دست زدن به دیگری، اغلب آداب و رسوم و احساسات بسیار متفاوتی با هم دارند. به هر حال، در یک محیط چند فرهنگی مانند ایالات متحده آمریکا، بسیاری از معلمان در مورد اینکه تا چه اندازه می‌توانند به محصلان خود نزدیک شوند، نامطمئن و بیش از اندازه محتاط شده‌اند. این می‌تواند به ایجاد تصنعی فاصله عاطفی، و فقدان گرمی روابط معلم و دانش آموز منجر شود. به طور خلاصه، در حالی که باید با مزاحمت و آزار و اذیت‌های جنسی مقابله شود، اما بایستی از قضاوت نسنجیده و سرسری در رابطه با هر نوع بی‌تکلفی فیزیکی یا لفظی هم اجتناب نمود.

(1) U.S. Department of Education: Revised Sexual Harassment Guidance: Harassment of Students by School Employees, other Students, or Third Parties. [برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.](#)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مزاحمت‌های جنسی: انواع مزاحمت‌های جنسی 3

یک گزارش آماری حول **مزاحمت‌های جنسی در مدارس** در بین دانش آموزان 14 تا 17 ساله در آمریکا، نشان می‌دهد که از هر پنج دانش آموز دختر و پسر، چهارتای آنها در مدرسه، به نوعی مورد مزاحمت جنسی واقع شده‌اند. طبق این گزارش «مزاحمت‌های جنسی- لفظی و عملی- در مدارس اغلب اتفاق می‌افتند؛ در مدارس ابتدایی شروع می‌شوند، در جلو چشمان معلمان رخ می‌دهند، و باعث رنجش و دلگیری دختران و پسران می‌شوند.» خلاصه این که «مزاحمت جنسی بخشی از زندگی روزمره دختران و پسران در مدارس می‌باشد.» (1)

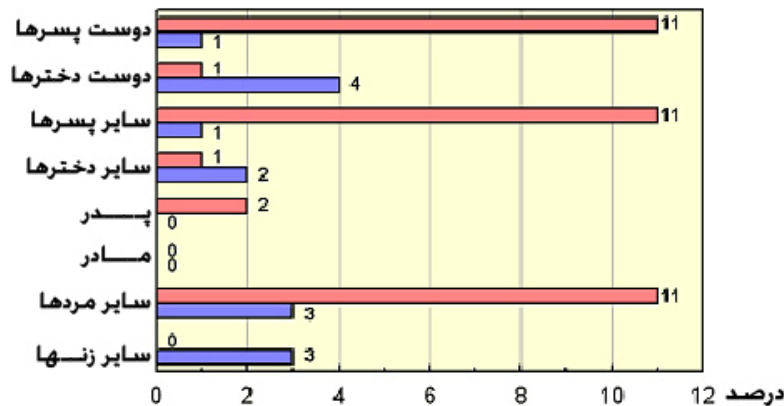
گزارش دوم حول آمارگیری **مزاحمت‌های جنسی در محیط دانشگاهی** (افراد 18-24 ساله) است. طبق این گزارش، «دو سوم دانشجویان اظهار داشته‌اند که در محیط دانشگاهی با نوعی مزاحمت جنسی مواجه شده‌اند»، و همچنین، «یک سوم دانشجویان اعلام کرده‌اند که مورد ضرب و شتم جسمی، همچون دست درازی فیزیکی، چنگ زدن یا نیشگون گرفتن با حال و هوای جنسی، واقع شده‌اند.» در این گزارش اظهار شده که «احتمال مواجه شدن دانشجویان دختر و پسر همجنسگرا، دوجنسگرا و فراجنسیتی با اذیت و آزارهای جنسی، بیشتر از احتمال مواجه شدن دانشجویان دگرجنسگرا است.» (2)

معلوم نیست که آیا می‌توان از این یافته‌ها به نتیجه‌گیری کلی رسید یا نه. مثلاً در یک **نظرسنجی ملی سکس** در فنلاند از پرسش شونندگان پرسیده شد که آیا تا قبل از 18 سالگی مورد مزاحمت جنسی واقع شده‌اند یا نه. نتایج کلی هر دو مطالعات آمریکایی و فنلاندی مشابه هم از آب درآمدند: افراد مونث، و نوجوانان همجنسگرا بیشتر از همسن و سالان خود در معرض مزاحمتها و اذیت و آزارهای جنسی واقع شده بودند. ولی، ارقام واقعی بسیار متفاوت از هم بودند: تنها 17 درصد زنان و 8 درصد مردان اظهار داشته‌اند که با چنین مزاحمت‌هایی مواجه شده‌اند. از سوی دیگر، بسیاری از آنها نه تنها توسط یک نفر، بلکه توسط چندین نفر (دوست پسر، دوست دختر، دختران و پسران دیگر، بزرگسالان) مورد مزاحمت قرار گرفته‌اند.

تفاوت‌های آماری موجود احتمالاً منعکس‌کننده برخی تفاوت‌های عمده فرهنگی بین اروپا و ایالات متحده آمریکا می‌باشند. این تفاوت‌ها تنها در رابطه با خود رفتارها نیستند، بلکه به چگونگی برداشت پرسش شونندگان و چگونگی بررسی و درک پاسخها توسط پژوهشگران هم مربوط می‌شوند. ممکن است بعضی فرهنگها از جهت جنسی تهاجمی‌تر از فرهنگهای دیگر باشند. همچنین ممکن است که بعضیها نسبت به کل موضوع مزاحمت‌های جنسی حساسیت بیشتری داشته باشند. و آخر اینکه، ابزارهای پژوهشی به کار برده شده در کشور‌های مختلف، اغلب مانع یک مقایسه معتبر می‌شوند.

(1) AAUW: *Hostile Hallways - Bullying, Teasing, and Sexual Harassment in School* (2001). [کلیک کنید برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.](#)

(2) AAUW: *Drawing the Line - Sexual Harassment on Campus* (2006). [برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.](#)



مزاحمت‌های جنسی در فنلاند

نمودار فوق درصد دختران و پسران زیر 18 سال که در معرض مزاحمت‌های جنسی واقع شده اند را نشان می دهد.
منبع:

O. Kontula and E. Haavio-Mannila, *Sexual Pleasures - Enhancement of Sex Life in Finland, 1971-1992, Chapter 11* [برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید](#)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی

در گذشته، تجاوز جنسی به معنای تنگ و محدود «جماع قهری» بود و «جماع» هم به عنوان جماع واژنی، یعنی دخول، تعریف می شد. در نتیجه، بسیاری از اعمال خشونت آمیز جنسی، تجاوز تلقی نمی شدند و به همین دلیل تحت پیگرد قانون مربوط به تجاوز جنسی هم قرار نمی گرفتند. مثلاً آمیزش دستی، دهانی و یا مقعدی اجباری با زنان و مردان، تجاوز محسوب نمی شد. ممکن است که چنین رفتارهایی تحت عنوان تعرض جنسی مورد مجازات قرار می گرفته اند اما این مجازات به شدت مجازات مربوط به تجاوز جنسی نبوده و نیستند. علاوه بر آن، در بسیاری از قوانین کیفری، قانونی در منع تجاوز شوهر به همسر خود، یا تجاوز مشتری به روسپی وجود نداشت. در این مدت، به لطف تلاشهای آموزشی جنبش زنان، بسیاری از قانونگذاران، تا حدود زیادی، قوانین خود را اصلاح کرده اند. این قوانین امروزه دو مسئله را قبول کرده و مورد تصدیق قرار می دهند:

1. تجاوز جنسی بیشتر یک جرم خشونتی است تا جرم جنسی،

و
2. تجاوز جنسی به هیچ وجه به نوع واحدی از عمل جنسی محدود نمی شود.

امروزه، این امر به خوبی درک شده است که هم زنان و هم مردان، هر دو، ممکن است قربانیان تجاوز جنسی شوند، و تجاوز جنسی به همسر یا روسپی همانقدر جرم محسوب می شود که تجاوز جنسی به دیگری. قبل از ورود به بحث شرایط فعلی، بد نیست به تاریخچه تجاوز جنسی نگاهی بیاندازیم.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: یادداشتهای تاریخی

در اسطوره های یونان باستان، خدای اعظم، زئوس، در دو دوره متفاوت دلباخته دو انسان فانی – شاهزاده خانم اروپا، و پسری به اسم گانیمد، گردید. او بعد از ربودن و عشق باختن با آنها، پاداش سخاوتمندانه ای به آنان بخشید؛ اروپا را ملکه جزیره کرت نمود، و گانیمد را به عنوان ساقی خود انتخاب کرد. افسانه های تأسیس روم، از تجاوزات جنسی در مقیاسی وسیع، سخن می گویند. از آنجا که شهر تازه، نسوانهای کافی برای تضمین رشد جمعیت خود نداشت، قبائل «نسابین» ساکن در همسایگی شهر را به مراسم

یک جشن مذهبی دعوت کردند. در وسط جشن، مهمانداران غافلگیرانه به مهمانها حمله کرده و زنان سابین را می ربایند و به آنها تجاوز می کنند. زنان مورد تجاوز واقع شده، مجبور به ازدواج با تجاوزگران خود شدند و نسلی از فرزندان تازه که شدیداً مورد نیاز بود، به شهروندان روم افزودند. این اسطوره های کهن، پیشاپیش به دو انگیزه تجاوز اشاره دارند: میل خودانگیزه جنسی (نمونه زئوس)، و انقیاد از پیش برنامه ریزی شده (نمونه شهر روم). این دو انگیزه اغلب در هم عجین شده اند، و رد پای آنها در طول تاریخ بشر تا به امروز دیده می شود.



تجاوز جنسی در اسطوره های یونان و روم

(چپ) «تجاوز به اروپا»: برای نزدیکی به شاهزاده اروپا، زئوس در نقش یک ورزا ظاهر شد و هنگامی که اروپا بر پشتش نشست، او را ربود. این تصویر در قرن اول بعد از میلاد روی دیواری در شهر پمپی ایتالیا نقاشی شده است. (برای ربودن گانیمد، زئوس به هیبت یک عقاب درآمد.)

(راست) «تجاوز به زنان سابین»: اثر نیکولای پوشین (1665 – 1595)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: تجاوز جنسی: یادداشتهای تاریخی 2

در روم باستان و بسیاری از فرهنگهای کهن دیگر، تجاوز به یک زن، قبل از هر چیز، جرم و توهینی

علیه خانواده او محسوب می شد، و عدم رضایت خود زن مسئله تعیین کننده ای نبود. همانطور که در نمونه های اساطیری دیده می شود، ربودن و تجاوز جنسی، با هم اتفاق می افتادند و دور بردن زن از خانواده، جدی ترین جنبه جرم را تشکیل می داد. مجازات چنین تخلفی یا مرگ بود و یا جریمه نقدی که به پدر یا شوهر زن پرداخت می شد. تجاوز به یک دختر باکره، یک جرم و تخلف بسیار جدی تلقی می شد. طبق تعریف قانون، امکان نداشت که زنان شوهردار، روسپیان و بردگان مورد تجاوز واقع شوند. چون حق مقاومت در برابر دست درازی جنسی شوهران، مشتریان و صاحبان خود را نداشتند. قبل از لغو برده داری در ایالات متحده که بعد از جنگ داخلی (65-1861) اتفاق افتاد، ایالتهای جنوبی قوانین قدیمی خود را حفظ کرده بودند. بر اساس آن قوانین، زنان برده سیاهپوست کماکان در اختیار صاحبان سفید پوست خود بودند و هر مقاومتی در برابر خواسته جنسی مالک خود، کار بیهوده ای بود. در عوض، مردان سیاه پوستی که به زنان سفید پوست تجاوز می کردند، اغلب بدون محاکمه بی طرفانه ای اعدام می شدند، اما مردان سفید پوست متهم به تجاوز به زنان سیاه پوست، کلاً به ندرت مورد پیگرد قرار می گرفتند. برای مدتی طولانی، اجرای قوانین آمریکا در رابطه با تجاوز، از یک بی تعادلی و عدم توازن



سازمان ملی زنان (ناو)

یک گروه فمینیستی بزرگ و با نفوذ در ایالات متحده آمریکا است که، همچنان به مبارزه خود با تمام اشکال خشونت علیه زنان ادامه می دهد. (برای اطلاع بیشتر روی آرم فوق کلیک کنید.)

جدی رنج می برد. در طول قرن بیستم 90% مردان اعدام شده به جرم تجاوز جنسی در آمریکا، سیاهپوست می باشند. این مسئله تنها بی عدالتی نبود؛ اجرای قانون مربوط به تجاوز به عنف نقض جدی دیگری هم داشت: قضات و هیئت منصفه نسبت به اتهام تجاوز با سوء ظن برخورد می کردند و در نتیجه بی طرف

نبودند. حرفهای زنان قربانی اغلب اوقات پذیرفته نمی شدند، و آنها حتی در داخل دادگاه هم مورد حمله قرار می گرفتند. شخصیت و اخلاق جنسی آنان مورد سوال قرار می گرفت، و بسیاری از جزئیات زندگی خصوصیشان در انظار عمومی مورد بررسی قرار می گرفتند. به طور خلاصه، افرادی که یکبار قربانی تجاوز به عنف شده بودند، با این خطر هم مواجه بودند که بار دیگر توسط سیستم قضایی قربانی شوند. در دهه 1960، زمانی که جنبش تازه پای زنان به این مسائل پرداخت، پیشرفتهای قابل ملاحظه ای حاصل گردید. برای مثال، در اوائل دهه هفتاد میلادی سازمان ملی زنان (آمریکا) (NOW)، کارزاری را برای بازتعریف تجاوز به عنوان یک جرم خشونت و راه اندازی مراکز بحران تجاوز، جهت ارائه کمک، پشتیبانی، و مشاوره به قربانیان، شروع نمود. اضافه بر آن، در آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر، تجاوزشوهر به همسر، و همچنین تجاوز به یک روسپی هم به عنوان جرم شناخته شد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: تجاوز جنسی: یادداشتهای تاریخی 3

در بسیاری از کشورها، اصلاح قوانین در چند دهه اخیر به انصاف و عدالت بیشتری منجر شده و قربانیان تجاوز از حمایت بیشتری برخوردار شده اند. آنها برای اثبات عدم رضایت خود، دیگر لزومی برای اثبات اینکه «نهایت مقاومت خود» را به کار برده اند، ندارند. به علاوه، امروزه در اغلب اوقات، خود قوانین، تعاریف خنثای جنسی، همچون «تعرض جنسی»، که می تواند در مورد هر دو جنس به کار رود و در عین حال نه تنها شامل دخول مهبل اجباری، بلکه دربرگیرنده همه انواع خشونت های جنسی می باشد، را به کار می برند.

گام مهم دیگر در سال 1998، یعنی زمانی برداشته شد که دادگاه جنایی سازمان ملل برای رسیدگی به جنایات رخ داده در کشور رواندا، خشونت جنسی را در زمره جنایت جنگی قرار داد. از همان شروع تاریخ، تجاوز، یک ابزار جنگی بوده، و در انجیل هم آمده است. تجاوز قبل از هر چیز به هدف تحقیر تمام عیار دشمن خدمت می کند؛ بخصوص اگر این کار به آستن شدن زنان و حمل فرزندان ناخواسته منتهی شود. ارتش های ایران، یونان و روم باستان به طور مداوم زنان و مردان جوان شهرهایی که فتح می کردند را مورد تجاوز قرار می دادند. البته، اولین کدهای نظامی مسیحیان قرون وسطی، چنین اقدامی را منع و مجازات می کردند. با این وجود، همانطور که هر دانشجوی تاریخ و هر روزنامه خوانی می داند، این اقدامات در بسیاری از جنگها تا به امروز، و اغلب هم به تشویق فرماندهان نظامی، ادامه داشته اند. تحت کنترل مؤثر در آوردن این نوع خشونت شاید مدت زمان زیادی طول بکشد، اما دادگاه رواندا رسم و سنت امیدوارکننده ای را بنیان نهاده است.



جنگ و تجاوزات جنسی

تصویر، نمایی از جنگ تروی را نشان می دهد: آژاکس، کاساندر را از معبد بیرون می کشد تا به او تجاوز کند. (نقاشی روی گلدانی از قرن چهارم قبل از میلاد یونان باستان).

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: تعریف

کلمه انگلیسی «Rape» (تجاوز) از فعل لاتین «rapere»، که به معنای تصرف با زور می باشد، مشتق شده است. همانطور که مشاهده گردید، این لغت در اصل به هر دو مورد ربودن و تعرض جنسی دلالت داشت، چون این دو عمل در واقع دو روی یک سکه (جرم) بودند. این واژه حتی تا امروز هم بعضی از معانی ضمنی خود را حفظ کرده است (مثل اصطلاح «تجاوز به یک کشور»، و شعر بلند پاپ اسکندر در سال 1712 به اسم «تجاوز به لوک»). در متن حاضر ما تعریف زیر را به کار می بریم:

تجاوز جنسی آن نوع تماس جنسی است که بدون رضایت معتبر یکی از طرفین صورت بگیرد.

این تعریف بر همه موارد خشونت جنسی منطبق است، اما در همه جا پذیرفته نشده است. بسیاری از قانونگذاران، تجاوز را در قالب تنگ و محدود «آمیزش مهملی بدون اذن» تعریف می کنند، و این مشخصاً آمیزش دهانی اجباری یا دخول مقعدی اجباری را شامل نمی شود. البته برخی قانونگذاران، آمیزش دهانی یا مقعدی بدون رضایت فرد را در زمره تجاوز جنسی تعریف می کنند اما تنها به شرطی که «دخول»، به وسیله آلت جنسی مردانه صورت گرفته باشد. برخی دیگر فراتر از این می روند و دخول بدون رضایت فرد، با هر وسیله ای، از جمله با دسته جارو، بطری، و یا آلت مصنوعی (ویبراتور) را هم به عنوان تجاوز جنسی تعریف می کنند. و باز قانونگذاران دیگری هم هستند که استنماء اجباری و بدون اجازه مالیدن آلت جنسی خود به آلت فرد را هم در زمره تجاوز جنسی تعریف می کنند. بعضی تعاریف حقوقی فقط تجاوز به زن را دربر می گیرند و در نتیجه به کمک قوانین دیگری، به تجاوز جنسی به افراد مذکر رسیدگی می شود. و آخر اینکه، توافقی جهانشمول حول تعریف اعتبار «رضایت» هم وجود ندارد. چون به هر حال، موافقت و اجازه اعلام شده ممکن است به این دلیل که، فرد رضایت داده «زیر سن قانونی»، و یا دارای اختلال روانی بوده، و یا تحت تأثیر مشروبات الکلی، مواد مخدر، یا به وسیله تهدید و شکنجه، به دست آمده، از اعتبار ساقط باشد. همه موارد نامبرده، در کشورهای مختلف، به طور یکسان تحت پیگرد قانونی قرار نمی گیرند و هر کشوری بنا به قوانین خود و تعریفی که از مفاهیم مربوطه دارد، عمل می کند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: زنان قربانی



همانطور که در بخشهای قبلی این دوره آموزشی آمده، در رابطه با رفتارهای جنسی بشر تقریباً هیچ محدودیتی وجود ندارد. هر رفتار جنسی می تواند با قهر و اجبار هم عملی گردد، و بنا به تعریف ما، کاربرد قهر و اجبار در سکس، تجاوز جنسی محسوب می شود. اما، بنا به سنتهای متفاوت حقوقی، این عمل ممکن است در همه جا قابل مجازات نباشد و یا مجازات مختلفی برای آن در نظر گرفته شود. بدیهی است که در این دوره آموزشی نمی توان به بسیاری از جزئیات پرداخت، اما ارائه لیست مختصری از مهمترین انواع تجاوزات جنسی خالی از فایده نخواهد بود

تجاوز به کودکان

وقتی که افراد بزرگسال، تحت هر شرایطی، با کودکان تماس جنسی برقرار می کنند، این کار مسلماً، بنا به تعاریف، «تجاوز کیفی» (statutory rape) است. یعنی بر تعریف قانونی تجاوز، منطبق می شود؛ به این علت که، کودکان قانوناً نمی توانند رضایت معتبر دهند. در قضیه تجاوز به کودکان چنانچه والدین یا خواهران و برادران دخیل باشند، این امر زنای با محارم هم محسوب می شود. (به بخش رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی: تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنای با محارم، مراجعه شود.)

تجاوز کیفی

(statutory rape) به عنوان یک قاعده، قانون همچنین سعی می کند تا با تعیین «سن قانونی»، از نوجوانان در مقابل دست درازیهای مضر افراد بزرگسال محافظت کند. نوجوانان زیر «سن قانونی» نمی

توانند رضایت قانونی بدهند، و هر نوع تماس جنسی با آنان هم تجاوز کیفری تعریف می‌گردد. ولی به هر حال، مرز «سن قانونی» در کشورهای مختلف متفاوت است.

تجاوز در دوستی‌ها (ملاقات‌های دوستی و آشنایی)

برخی از زنان توسط کسانی که آنها می‌شناسند (یک فرد آشنا، دوست پسر، کسی که با او قرار ملاقات گذاشته‌اند) مورد تجاوز قرار می‌گیرند. چنین سوء استفاده‌ای از اعتماد فرد، برای قربانی، تکان دهنده و شوک آور می‌باشد، اما متأسفانه پیگرد جرم چندان ساده نیست چون متهم ادعا می‌کند که کار با رضایت خود زن صورت گرفته است. موارد چشمگیر زیادی وجود داشته‌اند که در برخی از آنها متهمان محکوم و در برخی دیگر تبرئه شده‌اند.

تجاوز همسری

در گذشته، تجاوزات جنسی شوهر به زن و کلاً تجاوزات جنسی در روابط زناشویی، جرم محسوب نمی‌شد، اما در دهه‌های اخیر قوانین مربوط به تجاوز جنسی تغییر کرده‌اند تا تجاوزات شوهران به همسران خود را هم پوشش دهند. این نوع خشونت خانوادگی برای فرد قربانی ضایعه بزرگی است، چون او به راحتی نمی‌تواند درخواست کمک کند.

تجاوز توسط غریبه

این نوع تجاوز جنسی در مقایسه با دیگر موارد تجاوزات جنسی نسبتاً نادر می‌باشد، با این حال، برای قربانی ضایعه بزرگی است و متجاوزان اغلب افراد خشن و خطرناکی هستند.

تجاوز به روسپیان

فاحشه‌ای که در یک محیط ناامن (خیابان، تنها در یک آپارتمان و یا به صورت تلفنی) کار می‌کند، با خطر تجاوز و یا ضرب و جرح از سوی مشتریان پرخاشگر و یا روانپزش قرار دارد. در کشورهایی که حقوق روسپیان تضمین شده، مجرمان مورد پیگرد و محاکمه قرار می‌گیرند.

تجاوز گروهی

گاهی سه یا تعداد بیشتری از افراد با هم در یک تجاوز گروهی شرکت می‌کنند. این «تجاوز باندی» توسط سه نفر یا بیشتر، اغلب خشونت آمیز و موهن می‌باشد، چون، در این مردان نوعی ذهنیت گروهی شکل می‌گیرد که در حین ارتکاب عمل نیرومندتر عمل می‌کند. بنابراین، این مردان ممکن است به اعمال و کارهایی دست بزنند که اگر تنها بودند، از آن پرهیز می‌کردند. زمانی این نوع تجاوز در زبان محاوره‌ای «گنگ بنگ» (ترق تروق) نامیده می‌شد. اما در این اواخر این اصطلاح هر چه بیشتر به تماس‌های جنسی مبتنی بر توافق طرفهای ذینفع در سکس‌ضربدری، اطلاق می‌گردد.

تجاوز به عنوان شکنجه

از تجاوز جنسی اغلب در ارتباط با شکنجه زنان و مردان زندانی هم استفاده شده و می‌شود.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: زنان قربانی: ذات، اساس و جوهر تجاوز جنسی

امروزه، این مسئله کاملاً پذیرفته شده است که تنها دخول مهبل، دهانی و یا مقعدی در بدن فرد قربانی، تجاوز قلمداد نمی‌گردد، بلکه، هر نوع نزدیکی جنسی بدون رضایت معتبر فرد، تجاوز محسوب می‌شود. و همین عدم رضایت معتبر است که تجاوز را به جرم تبدیل می‌کند. به همین سبب، مشخصه بارز تجاوز، نوع و شکل عمل جنسی نیست بلکه، تخلف و زیر پا گذاشتن تمامیت حریم جسمی و روانی فرد است که ویژگی تجاوز را تشکیل می‌دهد.

ذات، اساس و جوهر تجاوز، خشونت و سوء استفاده از قدرت می‌باشد. تجاوز بیان و نمود امیال غیر قابل کنترل، یا انباشت میل جنسی نیست، بلکه، مظهر و تجسمی از خشم و نفرت می‌باشد.

بی جهت نیست که، برای فرد قربانی، بزرگترین ضربه جزئیات «عمل جنسی» نیست، بلکه همانا تجربه خشونت، بی قدرتی، بیچارگی، درماندگی، و بدنامی است.



**آگاهی رسانی درباره
تعرضات جنسی**
روبان کوچک به رنگ
آبی سیر، که جهت زدن روی
لباس یا بقیه روپوش طراحی
شده، امروزه اغلب برای
ابراز حمایت و همدردی با
قربانیان تعرضات جنسی
استفاده می شود.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: تجاوز جنسی: زنان قربانی: کمک به قربانیان

به محض وقوع تجاوز، باید هرآنچه که ممکن است را انجام داد تا متجاوز دستگیر و تحویل عدالت گردد. این امر در اکثر موارد مستلزم همکاری فرد قربانی است. ولی، در اینگونه مواقع، فرد قربانی خود معمولاً آشفته حال و پریشان است و برای کنار آمدن با تجربه تلخ خود نیازمند کمک می باشد. به همین دلیل بسیار ضروری است که مسئولان پزشکی و پلیس جهت یافتن مدارک لازم، همکاری نزدیکی با هم داشته باشند، بدون آنکه فشار روحی و روانی بیشتری بر فرد قربانی وارد شود. این همکاری ضروری، در سالهای اخیر در بسیاری از کشورها تا حدود زیادی بهبود یافته است، و در عین حال، پزشکان و افسران پلیس نسبت به نیازهای فرد قربانی حساسیت مثبت بیشتری نشان می دهند. در هر صورت، بلافاصله بعد از وقوع تجاوز، فرد قربانی باید سعی کند که:

- خود را به جای امنی، خارج از دسترس فرد مهاجم برساند. (خانه شخصی، منزل یک دوست، اورژانس بیمارستان، ایستگاه پلیس)
- کمک پزشکی درخواست کند. او نباید لباس خود را عوض کند یا خود را بشورد. پزشکان و پرستاران می توانند با استفاده از ابزار تست تجاوز، مدرک و شواهد لازم را به دست آورند. در این زمان زخم و جراحات احتمالی هم تشخیص داده شده و درمان می شوند.
- گزارش حادثه به پلیس و ارائه اطلاعات دقیق به همراه جزئیات در مورد تهاجم صورت گرفته. این کار به پلیس در دستگیری مهاجم کمک می کند.


بعد از انجام این مراحل اضطراری، فرد قربانی باید به دنبال مشاوره (به صورت تلفنی یا حضوری با یک مشاور متخصص تجاوز) باشد، یا به یک جلسه مشاوره گروهی برود. ضربه وارده شدید بوده و اثرات آسیبهای روحی - روانی آن طولانی مدت می باشد. فرد قربانی نباید سعی کند که خود به تنهایی از پی اینهمه فشار و سختی برآید.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: تجاوز جنسی: زنان قربانی: کمک به قربانیان 2

در روزها و هفته های بعد از تجاوز، قربانیان معمولاً دچار انواع و اقسام مشکلات و ناراحتیهای روحی و روانی می شوند. از جمله عدم توان تمرکز، ترس و دلهره، تحریک پذیری، خواب نامنظم، تکرار بی اراده و مداوم حادثه در ذهن، کابوسهای تکراری و حملات اضطرابی. آنها ممکن است جزئیاتی از تهاجم را در درون خود دفن، یا به طور مرتب در ذهن خود تکرار کنند. چنین حالتی ممکن است تا ماهها ادامه یابند. در مواردی، دلالتی جهت نگرانی از امکان بارداری ناخواسته یا ابتلا به بیماریهای مقاربتی هم وجود دارند. انجام این آزمایشات و نتایج آنها طول می کشد و این دلیل دیگری است برای ادامه مراقبتهای پزشکی از قربانیان تجاوزات جنسی. همه قربانیان، با ضربه وارده به یک شیوه برخورد نمی کنند. بعضیها قادر به کنترل احساسات خود نمی شوند؛ گریه می کنند، از خشم می لرزند، یا خنده های عصبی و ناخوشایندی سر می دهند. برخی دیگر ظاهری آرام و منطقی به خود می گیرند اما این فقط سرپوشی است بر آشفتگی درونیشان. و بعضی شاید به انکار روی آورند چون ممکن است یادآوری واقعیت برایشان بیش از اندازه دردناک باشد.

برخی پژوهشگران از «سندروم ضغطة تجاوز» (Rape Trauma Syndrome) دو مرحله ای سخن به میان آورده اند که، مرحله (فاز) اول شبیه شوک پزشکی و فاز بعدی یک نابسامانی (اختلال) ناشی از استرس مابعد ضغطة (PTSD-post-traumatic stress disorder) می باشد. قربانیان تجاوز اغلب احساس می کنند که به آنها خیانت شده و نسبت به دیگران مشکوک می شوند. آنها ممکن است خود را منزوی کنند و این کار، کمک رسانی دیگران را دشوار می سازد. اما با این حال، در امر بازگرداندن آنها به حالت عادی، کمک و حمایت‌های روانی بسیار ضروری اند. اعضاء خانواده، دوستان، مشاوران و دیگر درمانگران باید با حوصله و بدون هیچ قید و شرطی به درد دل‌های قربانی گوش داده و حمایت‌های بی دریغ خود را در اختیار او قرار دهند. واداشتن زن قربانی به درک این موضوع که خود او در بلایی که بر سرش آمده خطایی مرتکب نشده و مقصر نیست و کسی او را ملامت و سرزنش نمی کند، از اهمیت زیادی برخوردار است. در حال حاضر، در بسیاری از کشورها مراکز بحران تجاوز و خطوط تلفنی برای ارائه کمک و مشاوره به قربانیان تجاوز دایر می باشند. تماس با این مراکز، نه تنها برای قربانیان، بلکه برای خانواده و دوستان آنها هم مفید می باشد. با این وجود، علی رغم نیاز شدید به کمک و حمایت، ولی نباید افراد قربانی را، برخلاف میلشان به برقراری تماس با مراکز موجود تحت فشار قرار داد. آنها برای حلاجی و هضم اتفاق پیش آمده به زمان نیاز دارند.

یک سازمان آمریکایی که علیه تعرضات جنسی مبارزه می کند:

	<p>شبکه ملی تجاوز، تعدی و زنا با محارم بزرگترین سازمان کشوری ضد تعارضات جنسی می باشد.</p> <p>RAINN خط تلفنی تعرضات جنسی کشوری را اداره می کند و برنامه هایی برای پیشگیری از تجاوزات، کمک به قربانیان، و حصول اطمینان از محاکمه متجاوزان، به پیش می برد. برای اطلاع بیشتر روی آرم سازمان کلیک کنید.</p>
---	--

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: مردان قربانی: مقدمه

این نکته مسلم که ذات، اساس و جوهر تجاوز، نه میل و خواهش جنسی، بلکه خشونت می باشد، در مسئله تجاوز مردان به مردان دیگر کاملاً آشکار می شود. این موضوع از ابتدا در داستان لوط در انجیل مشخص شده است. زمانی که لوط به دو مرد غریبه (درواقع دو فرشته) در خانه خود پناه داد، هر فرد ساکن شهر سدوم «از پیر و جوان، همه تا آخرین نفر خانه را محاصره کردند» و خواستار آن شدند که آن دو مرد را تسلیم شان کند تا به آنها تجاوز کنند. (پیدایش 19:4)

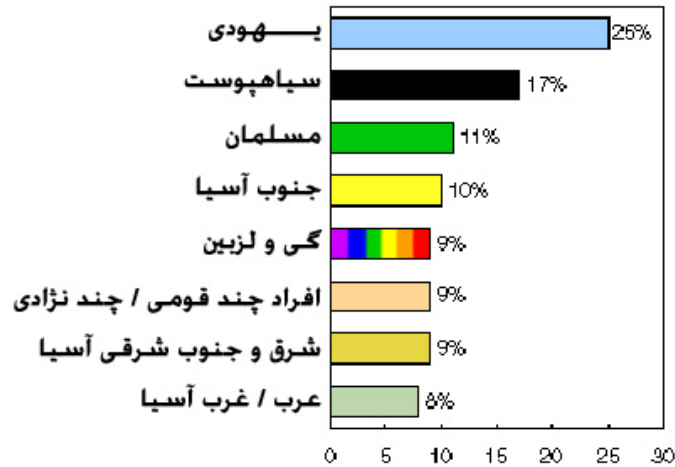
مسئله بیهی این است که ادعایی مبنی بر همجنسگرا بودن «اولین تا آخرین نفر» مردمان شهر وجود ندارد. در عوض، این مردمان شرور خواسته اند که کینه و نفرت خود نسبت به غریبه ها را با نقض رسوم مهمان نوازی به اهانت آمیزترین و شنیع ترین شکل ممکن ابراز دارند. (و به همین دلیل هم، آنها پیشنهاد لوط مبنی بر تجاوز به دخترانش به جای مردان غریبه را رد کردند). تجاوز، محکم ترین شکل تحمیل خواری و تحقیر و، نهایی ترین نوع انقیاد و مقهوریت می باشد. و به همین خاطر هم ارتشهای باستانی ظفرمند برای به رخ دشمن کشیدن پیروزی خود، به سربازان ارتش شکست خورده تجاوز می کردند. تحقیر مطلق دشمن و به اوج رساندن خواری و زبونی او، پیروزی به دست آمده را تکمیل می کرد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: مردان قربانی 2

در مسئله تجاوز به مردان، تحقیر و خوار و زبون کردن قربانی همیشه هدف اصلی بوده، هست و خواهد بود. درحقیقت، این امر گاهی شکلی از خشونت اعمال شده علیه همجنسگرایان می باشد. و تناقض اینجاست که مردان دگرجنسگرا برای بیان کینه و نفرت خود نسبت به همجنسگرایان، به آنها تجاوز می کنند. آنها در خلال تحمیل مقاربت دهانی یا مقعدی اجباری، بارانی از توهین، فحش، ناسزا و لعن و نفرین بر سر فرد

قربانی فرو می آورند و بر آنها نامهای زشت و ناپسند می نهند. این نوع خشونتها، در برخی قوانین، تحت عنوان «جرایم نفرتی» (hate crimes) شناخته می شوند. این جرمهای نفرتی انواع تعرضات و دست درازیها را شامل می شوند و تعرضات جنسی تنها بخش کوچکی از آنها می باشند. این مسئله، هنگامی که تجاوز به عنوان نوعی از شکنجه دشمن دستگیر شده مورد استفاده قرار می گیرد، را هم می توان مشاهده کرد. شکنجه گران در خلال تعرض خود، قربانی را مورد تمسخر قرار می دهند و گاهی حتی زانی را به عنوان شاهد یا دستیار خود انتخاب می کنند تا درجه احساس زبونی و حقارت قربانی را دوچندان کنند. به جز این موارد مفرط و نامتعارف، تجاوزات به مردان به طور مرتب تری در زندانها رخ می دهند، یعنی جایی که افراد نگهداری شده قوی تر، بر افراد جوان تر و ضعیف تر از خود غلبه کرده و بر آنها چیره می شوند. بسیاری اوقات این وضع به تجاوز گروهی می انجامد. با این وجود، بیشتر موارد تجاوز به مردان در خارج از دیوارهای زندانها اتفاق می افتند.



جرایم نفرتی در سالهای 2002 و 2001 در کانادا

کانادا، «جرایم نفرت» را اینگونه تعریف کرده است: «جرایمی که انگیزه آنها اجحاف، تعصب یا نفرت نسبت به نژاد، منشأ ملی یا قومی، زبان، رنگ، مذهب، جنس، سن، معلولیت ذهنی یا جسمی، گرایش جنسی، یا هر عامل مشابه دیگر باشد.» همانطور که آمار پلیس در نمودار فوق نشان می دهد، نوک تیز جرایم نفرتی متوجه پیروان مذاهب غیر مسیحی (یهودیت و اسلام) در کنار نژادهای غیر سفید (سیاه پوستان و آسیاییها) می باشد. 9 درصد انگیزه های جرایم صورت گرفته متوجه همجنسگرایان بوده است، که درصد قابل توجهی است، چون بنا به گزارش پلیس: «امکان اینکه افراد به دلیل گرایش جنسی خود مورد حمله، از جمله تعرض جنسی، قرار گیرند، بیش از دیگران است.» به هرحال، تعرضات جنسی تنها بخش کوچکی از آمارهای فوق را تشکیل می دهند.

منبع:

Statistics Canada (The Daily, June 1, 2004)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: قربانیان مذکر 3

چنین برآورد شده که 10 درصد قربانیان تجاوز را مردان تشکیل می دهند. در عین حال، بنا به شواهد محکمی، اکثر تجاوزاتی که علیه مردان صورت می گیرند، هرگز گزارش داده نمی شوند. جمع آوری ارقام دقیق دشوار است؛ چون مردان غالباً تمایلی به این ندارند که مورد تجاوز قرار گرفتن خود را به کسی بازگو کنند. بسیاری از آنها از این می ترسند که مهر همجنسگرا بودن بخورند، و به طور کلی، همدردی چندانی هم از مقامات، خانواده ها و دوستان خود توقع ندارند. بسیاری از افراد در مواجهه با مسئله تجاوز به مردان، حتی بیش از موارد تجاوز به زنان، خود فرد قربانی را مقصر می دانند. بیشترین موارد تجاوز به مردان، در بیرون از خانه، در پس کوچه ها، پارکها، جاهای متروکه، محلهای دورافتاده، یا در اتومبیل، هنگام سوار شدن به ماشین غریبه ها، اتفاق می افتند. نوجوانان و جوانان بیش از بزرگسالان در معرض خطر مورد تجاوز واقع شدن قرار دارند.

تجاوزات به افراد مذکر معمولاً به صورت مقاربت‌های اجباری دهانی یا مقعدی اتفاق می‌افتند. بعضی از متخلفان، با زور، قربانی خود را به تن دادن به انواع اعمال جنسی مجبور می‌سازند، و تهدید فیزیکی از جمله کشیدن چاقو یا اسلحه هم چندان نامعمول نمی‌باشد. احتمال جراحات و آسیب دیدگی مردان قربانی تجاوز بیش از زنان مورد تجاوز واقع شده، می‌باشد. در موارد بسیار نادری هم، زنان به مردان تجاوز کرده‌اند، مثلاً با تهدید اسلحه آنها را به لبسیدن مهبل خود مجبور نموده‌اند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: قربانیان مذکر: کمک به قربانیان

آنچه که در بخش کمک به زنان قربانی تجاوز گفته شد، در امر کمک رسانی به مردان مورد تجاوز واقع شده هم صدق می‌کند. آنها باید در اسرع وقت:

- خود را به جای امنی برسانند
- کمک‌های پزشکی درخواست و مدرک فیزیکی مبنی بر مورد تجاوز واقع شدن تهیه کنند.
- جرم را به پلیس گزارش دهند و در یافتن مجرم با پلیس همکاری کنند.

بعد از انجام این مراحل اضطرابی، قربانی باید به دنبال یافتن مشاوره باشد؛ چون ضربه روانی وارده، شدید است و تأثیر درازمدتی بر جای می‌نهد. فرد قربانی نباید سعی کند که به تنهایی در پی حل مشکل برآید. مردان قربانی تجاوز معمولاً مشکلاتی مشابه زنان مورد تجاوز واقع شده، تجربه می‌کنند: ترس و دلهره، تشویش و اضطراب، تکرار مداوم و بی‌اراده صحنه واقعه در ذهن خود، بی‌خوابی، کابوسهای تکراری، افسردگی، گوشه‌گیری و انزوای روحی و غیره. و بالاخره، این امکان وجود دارد که مردان قربانی شده هم، دچار نوعی «سیندروم ضغطة تجاوز» (Rape Trauma Syndrome) شوند که فاز اول آن شبیه شوک پزشکی است و فاز بعدی، اختلال استرسی ناشی از تنش پس ضربه ای-post (PTSD=traumatic stress disorder) می‌باشد. اضافه بر این، مردان قربانی تجاوز، اغلب مشکلات خاص دیگری هم دارند چون مجرم و قربانی هر دو مذکر می‌باشند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: قربانیان مذکر: کمک به قربانیان 2

از آنجا که در تجاوز به یک مرد، مرد دیگری دخیل است، موضوع همجنسگرایی هم همیشه در پس زمینه قضیه خودنمایی می‌کند. به همین دلیل، تعداد زیادی از قربانیان تمایلی به گزارش جرمی که علیه شان واقع شده را ندارند؛ چون نمی‌خواهند مهر «همجنسگرا بودن» بر آنها زده شود. ولی، همانطور که بارها تأکید شده، تجاوز جنسی، یک خشونت است و گرایش جنسی موضوع کاملاً مجزایی می‌باشد. درحقیقت، در بسیاری از موارد، قربانی و مجرم هر دو دارای گرایش جنسی دگرجنسگرایانه می‌باشند، اما حتی اگر یکی از آنها (یا هر دو) «گی» باشند باز هم در اصل قضیه، یعنی تعرض صورت گرفته، تفاوتی ایجاد نمی‌کند. اصل قضیه در اینجا همانا تهاجم صورت گرفته و عواقب ویرانگر آن برای قربانی است.

هرچند که افراد قربانی گاهی از درک آنچه بر سرشان آمده، عاجزند اما، همچون بسیاری از زنان مورد تجاوز واقع شده، قربانیان مذکر هم گاهی خود را شامات می‌کنند که مبادا خودشان باعث تحریک متجاوز شده‌اند یا چرا در برابر تهاجم صورت گرفته به اندازه کافی مقاومت نکرده‌اند. برخلاف قربانیان مؤنث، برخی از قربانیان مذکر، به خاطر لذتی که از اتفاق پیش آمده برده‌اند، خود را سرزنش و ملامت می‌کنند. به علت وجود این احتمال که، افراد مذکر در همان حالی که مورد تجاوز واقع می‌شوند، علی‌رغم شرایط، ولی باز به نوعی، از جهت جنسی برانگیخته می‌شوند و حتی ممکن است به انزال هم برسند. درحقیقت، بعضی از متجاوزین تمام زور خود را به کار می‌گیرند تا قربانی را به انزال برسانند تا بدین طریق او را تمام و کمال تحقیر کرده باشند. ولی، برانگیختگی جنسی فرد قربانی در حین عمل تجاوز به معنای رضایت و موافقت او با این کار، و عمل صورت گرفته نمی‌باشد. چون برانگیختگی جنسی و انزال احتمالی قربانی فقط واکنشهای فیزیولوژیکی غیر ارادی او هستند و نه چیز دیگری. با این حال، همین امر ممکن است باعث سردرگمی و تشویش بیشتر قربانی شود و فشار و تنش عاطفی او را دو چندان کند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: قربانیان مذکر: کمک به قربانیان 3

برای مردان دگرجنسگرا که قربانی تجاوز شده اند، ضغطه (Trauma) وارده اغلب مهلك تر می باشد. در نتیجه اتفاق پیش آمده، آنها ممکن است گرایش جنسی خود را مورد سؤال قرار دهند. در نتیجه، این افراد ممکن است جنبه جنسی تهاجم و تعرض صورت گرفته را مشوش آورتر از خشونت به کار برده شده حس کنند. افراد قربانی برای حل تضاد و تناقضات پیش آمده در درون خود، نیازمند کمک، مشاوره و حمایت مشاوران خبره می باشند.

امر مسلم این است که، همه مردان قربانی تجاوز، نه تنها برای مشکلات روانی، بلکه برای مسائل عملی هم، نیازمند مشاوره می باشند. قبل از هر چیز، باید در درک این مسئله به آنها کمک شود که در اتفاق پیش آمده مقصر نیستند، و کسی آنها را به خاطر عملی که بر خلاف میلشان بر سرشان آمده، سرزنش نمی کند. ثانیاً، باید به استرس و تنش روانی آنها هم رسیدگی شود و بایستی پروسه التیام یابی شناسایی شده و کمکها در آن جهت هدایت شوند. افراد خانواده و دوستان هم باید بدون هیچ قید و شرطی حمایتهای بی دریغ خود را در اختیار قربانی قرار دهند. و آخر اینکه، یک نگرانی مهم دیگر هم باید مد نظر قرار گیرد و آن احتمال انتقال بیماریهای مقاربتی است. برخی از این بیماریها عوارض فوری بروز نمی دهند. این موضوع بخصوص در مورد عفونت اچ. آی. وی. / ایدز صدق می کند. به این دلیل، قربانیان تجاوز بایستی برای انواع عفونتهای ممکن آزمایش دهند. گاهی این آزمایشات باید در طی مدت زمانی طولانی تکرار شوند. آنچه گفته شد، در مورد افرادی که در زندانها مورد تجاوز قرار می گیرند هم صدق می کند. هرچند که افراد در زندان مورد تجاوز واقع شده، اکثریت قربانیان تجاوزات جنسی را تشکیل نمی دهند اما با این وجود، تجاوز به افراد در زندانها یک مسئله مهم اجتماعی است که نیاز به توجه جدی دارد. این موضوع نیز باید درک شود که تجاوزات در زندانها ربطی به همجنسگرایی ندارد چون اکثر زندانیان دارای گرایش دگرجنسگرایانه می باشند. تجاوزات جنسی در زندانها در واقع یک خشونت گسترده فیزیکی است که در یک مؤسسه در بسته اتفاق می افتد. کاملاً واضح است که مسئولیت سلامت فیزیکی زندانیان و افراد بازداشتی بر عهده مسئولین زندان و بازداشتگاهی است که افراد در آنها نگهداری می شوند، اما متأسفانه به این مسئولیت همیشه عمل نمی شود. در بسیاری از کشورها، گروههای مدنی خاصی وجود دارند که این مسئولیت را مرتباً به مسئولین یادآوری می کنند.

تجاوز به زندانیان را متوقف کنید



یک سازمان آمریکایی که با تجاوزات در زندانها مبارزه می کند.

این سازمان سراسری و ملی همه فعالیت خود را جهت مقابله با خشونت جنسی علیه مردان، زنان و جوانان نگهداری شده در انواع مؤسسات، زندانها و بازداشتگاهها صرف کرده و تسهیلاتی برای دسترسی به انواع خدمات و امکانات مربوطه تدارک دیده است. برای اطلاع بیشتر روی آرم سازمان کلیک کنید.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: جمع بندی

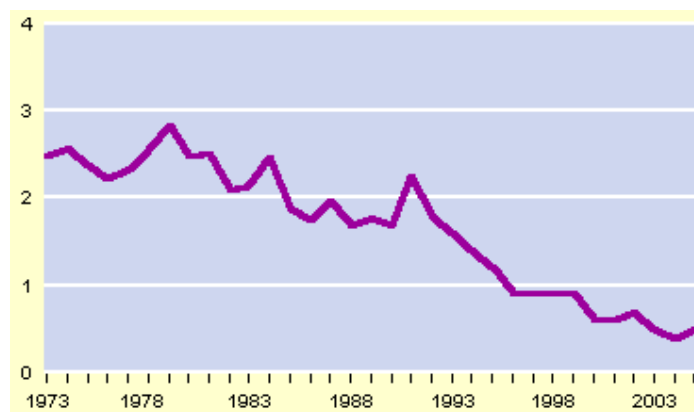
شکی نیست که تجاوز جنسی یک مشکل و معضل جدی است که در بسیاری از کشورها وجود دارد. با این حال، دسترسی به آمار دقیق در مورد گستردگی آن، اگر نه غیر ممکن، اما بسیار دشوار می باشد. یکی از دلایل این امر تفاوتهای موجود در تعریف تجاوز در قوانین کشورهای مختلف می باشد. (در ایالات متحده آمریکا حتی ایالتهای مختلف هم از تجاوز تعریف مشابهی ندارند.) از منظر جهانی که نگاه کنیم، با توجه به تفاوتهای گسترده موجود در قوانین جزایی کشورهای مختلف، تصویر هر چه مبهم تر و پیچیده تر می شود. علاوه، درحالیکه بسیاری از موارد تجاوز گزارش نمی شوند، اما از طرف دیگر اتهامات دروغین و کاذب مربوط به وقوع تجاوز هم نادر نمی باشند. با توجه به همه این مسائل، معروف است که به آمار مربوط به تجاوزات جنسی نمی توان چندان اعتماد کرد، و در نتیجه انجام یک مقایسه جهانی هم مشکل می باشد. با این

وجود، با مطالعه کل آمار یک کشور خاص، می توان به یک روند کلی دست یافت. این روندها در کل مایوس کننده نیستند. مثلاً، در ایالات متحده آمریکا، آمار تجاوزات جنسی در طول سی سال گذشته، آهسته اما به طور پیوسته، کاهش یافته است. («تجاوز» به شکل تنگ و محدود «دخول اجباری» تعریف شده است).

وزارت دادگستری آمریکا. دفتر برنامه های دادگستری
اداره آمار دادگستری



آمار تجاوزات در سالهای اخیر ثابت مانده است.
نرخ تعدیل شده قربانیان بالای 12 سال.



نمودار خطی فوق آمار تجاوزات در هر هزار نفر در فاصله سالهای 2003 – 1973 را نشان می دهد.
در اینجا، تجاوز به معنای آمیزش جنسی اجباری، چه با فشار روانی و چه به وسیله زور فیزیکی، تعریف شده است. آمیزش جنسی اجباری یعنی دخول به وسیله فرد (افراد) مجرم. نمودار فوق، هم تجاوزات کامل و هم تلاشهای صورت گرفته برای انجام تجاوزات، هم زنان و هم مردان قربانی، هم همجنسگرا و هم دگرجنسگرا را دربر می گیرد. تهدید لفظی به تجاوز هم جزء تلاش برای تجاوز محسوب می شود. [برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.](#)
منبع: وزارت دادگستری آمریکا، دفتر آمار دادگستری.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: تجاوز جنسی: جمع بندی 2

فارغ از اینکه تجاوز جنسی در مفهومی تنگ و محدود، و یا وسیع و گسترده تعریف شده باشد، و همچنین فارغ از اینکه آمار و ارقام تجاوزات قابل اعتماد باشند یا نباشند، اما یک توافق کلی و عمومی در این باره وجود دارد و آن اینکه، **پیشگیری، بهترین راه برای کاهش این نوع خشونت جنسی است.** بدیهی است که، آموزش جنسی در مدارس و دانشگاهها، و دوره های جنسیت شناسی برای پزشکان، پرستاران، مددکاران اجتماعی، روانشناسان، مشاوران خانواده، روحانیون و همینطور نیروی انتظامی، می تواند در کاهش تجاوزات جنسی تا حدود زیادی مؤثر باشد. افرادی که با جنسیت خود، و مسائل جنسی درکل آشنا هستند امکان تشخیص شرایط خطرناک و در نتیجه پیشگیری از تعرض را دارند. در هر صورت، آن دسته از افرادی که به کمک قربانیان تجاوزات جنسی می شتابند، ضروری است که با علل و اشکال خشونت جنسی آشنایی داشته باشند. آنها باید جنبه روانی هر مورد و تأثیری که بر سلامت جنسی فرد قربانی بر جای می نهد، را هم در نظر بگیرند.

بنا به همین بینش، امروزه تعدادی از سازمانها مقدار زیادی اطلاعات لازم در اختیار متخصصان عرصه های مختلف، و همینطور عموم مردم قرار می دهند. این سازمانها درحالیکه امکان ارائه کمکهای فردی به

قربانیان را ندارند، اما با ارائه لیستی از آدرسها و لینکهای مفید، سهم مهمی در امر پیشگیری از تجاوز و دیگر انواع خشونت‌های جنسی ایفاء می کنند.

دو منبع اینترنتی آمریکایی

این دو مرکز، اطلاعات مفیدی در مورد جنبه های مختلف خشونت‌های جنسی به متخصصان و عموم مردم ارائه می دهند. (روی آرم هر کدام کلیک کنید.)

مرکز ملی منابع خشونت جنسی

مرکز ملی تحقیقات پیشگیری از خشونت علیه زنان



رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مُثله اندامهای جنسی دختران و زنان: مقدمه

آذین بندی، دستکاری پزشکی، و حتی مثله کردن عمدی و آگاهانه اندامهای جنسی دختران، زنان، پسران و مردان، از قدیم الایام در بسیاری از فرهنگها صورت می گرفته است.

پسران و مردان

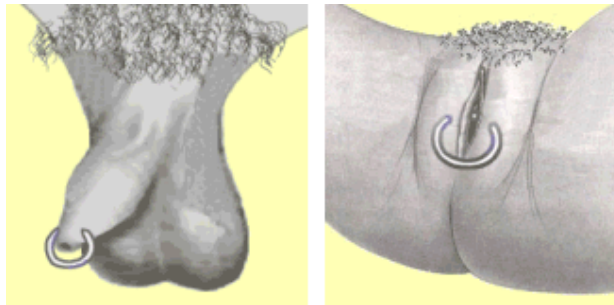
در مورد افراد مذکر، بهترین نمونه شناخته شده ختنه کردن، یعنی بریدن حشفه (پوست غلفه) یا همان پوست سر ذکر می باشد. (به بخش اندامهای جنسی افراد مذکر: اندامهای جنسی بیرونی- در شماره چهار فصلنامه جنسیت و جامعه مراجعه شود. م.)

دلایل این امر ممکن است بهداشتی (فیروز یعنی تنگی پوست سر آلت و عدم عقب نشینی آن در موارد ضروری)، مذهبی (یهودیان و مسلمانان) و یا فرهنگی (امروز ایالات متحده آمریکا)، باشد. این عمل نسبتاً ساده، عواقب جسمانی چندانی ندارد به جز اینکه طبق برخی پژوهشهای اخیر، به نظر می رسد که در کاهش خطر عفونت اچ. آی. وی. / ایدز مؤثر می باشد. برخی از انواع حاد آن، انجام تزئینات و قرار دادن موادی انعطاف پذیر و یا سفت در دو طرف آلت جنسی است. این مورد در تعدادی از جوامع پیش الفبایی دیده شده و امروزه برخی از مردان کشورهای غربی هم آنها را در قالب **سوراخ کردن** و حلقه انداختن در نقاط مختلف بدن خود، به کار می گیرند. (سوراخ کردن و حلقه انداختن سر آلت جنسی، نوک پستانها، ناف، زبان و گوشه ابرو از جمله این موارد می باشند. م.) در جهان باستان، گاهی نوع خاصی از سوراخ کردن آلت جنسی، معروف به **چفت زنی (قلاب زنی) (Infibulation)** روی مردان برده اجرا می شد تا از دست زدن آنها به مقاربت جنسی ممانعت شود. برای این کار، پوست حشفه را روی سر آلت کشیده، آن را سوراخ می کردند و حلقه ای فلزی در آن می انداختند. این کار هر نوع نمود را ناممکن می ساخت. در قرن نوزدهم، برخی از پزشکان غربی از این عمل به عنوان روشی جهت جلوگیری از استمناء کردن مردان، استفاده می کردند. جهت پاسخدهی به هدفی کاملاً متفاوت، یعنی «آرایش تزئینی»، در قدیم حتی عمل رادیکالتری هم اجرا می شد که به «**زیر برشی**» (Subincision) معروف است. به این شکل که برشی در طول قسمت زیرین ذکر ایجاد می شد و مجرای ادرار را عیان می کرد. بدیهی است که در نتیجه این عمل، ادرار و آبستن کردن همسر هم مشکل می شد. با این وجود، این نوع ممارست که به تشدید غرور مرد می انجامید در میان قبائل استرالیا، آفریقا، آمریکای جنوبی و جزائر اقیانوس آرام رایج بود. و در آخر، **اخته کردن** هم هست، که مثله کردن جدی اندام جنسی مرد می باشد. این کار در طول قرن‌ها در فرهنگهای شرقی و غربی اعمال می شد.

دختران و زنان

در بسیاری از فرهنگها، اندامهای جنسی زنان نیز در معرض جرح و تعدیل قرار داشته اند. برای مثال، یک جراحی نسبتاً ساده ممکن است باعث بریدگی، خراش و یا قطع بخشی یا کل حشفه (پوست سر) کلیتوریس شود. این کار ممکن است در قیاس با عمل مشابهی روی آلت جنسی مردان، **ختنه زنان** نامیده شود. ولی در قرن نوزدهم، برخی از پزشکان غربی سر چوپوله را می بریدند تا بدینوسیله از استمناء افراد مؤنث جلوگیری کرده باشند. چنین عملی که در پزشکی **کلیتوریدکتومی** نامیده می شود، چیزی جز نقص

خطرناک، فلج سازی و مُثله کردن اندام جنسی زن نمی باشد. امروزه این عمل به عنوان یک سنت در مناطق خاصی از جهان کماکان اجرا می شود. در آخر، این را هم باید اضافه نمود که در عهد عتیق (پیش از قرون وسطی) گاهی عمل «چفت زنی» روی زنان برده هم اجرا می شد. در این حالت، به لبهای بزرگ مهبل حلقه انداخته می شد. در اینجا هم هدف همانا پیشگیری از دست زدن به عمل دخول مهبل بود.



چفت زنی (قلاب زنی) (Infibulation)

در دوران باستان، و حتی گاهی در دوران مدرن هم، عمل چفت کردن زنان و مردان، یعنی حلقه انداختن اندامهای جنسی بیرونیشان، با هدف منع آنها از آمیزش جنسی انجام می گرفت.
واژه "Infibulation" از لغت لاتین Fibula به معنی سنجاق یا قلاب مشتق شده است. در تصویر فوق آلتهای قلاب زده زن و مرد دیده می شوند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مُثله اندامهای جنسی دختران و زنان: اصطلاحات

در چند دهه اخیر، برخی دستکاریهای سنتی وارده بر اندامهای جنسی دختران و زنان در بعضی از کشورها، باعث جلب توجه جهانی شده اند. بیشترین اصطلاحاتی که در این باره به گوش می خورد، «ختنه دختران و زنان»، «قطع اندام تناسلی»، و «مُثله کردن اندامهای تناسلی دختران و زنان»، می باشند.
(FGM.= "female circumcision", "genital cutting", and "female genital mutilation")

متأسفانه، هیچکدام از این اصطلاحات به اندازه کافی رضایتبخش نیستند. اولی تقریباً فقط یک نوع تعبیر می باشد؛ چون ختنه ساده پوست سر کلیتوریس عمل بسیار نادری است، و اغلب اوقات چیزهای بیشتری دخیلند. اصطلاح گنگ و مبهم دومی، این واقعیت که، این عمل آسیب و جراحات ماندگاری بر اندامهای جنسی زنان و دختران می نهد، را تحریف کرده، و بر آن سرپوش می نهد. در این مفهوم، سومین اصطلاح بهتر منظور را می رساند. ولی با این وجود صفت «تناسلی» (genital) مشکل ساز است. کلمه اسم genitals از لغت لاتین genitalia به معنی «اندامهای زایش نسلی» یا «اندامهای تولید مثلی» گرفته شده است، و این برای اندامهای جنسی لغتی است زیانبخش و نامناسب. (برای توضیحات بیشتر به شماره چهار فصلنامه جنسیت و جامعه، بخش اصطلاحات، مراجعه شود. م.) و این لغت در اینجا هم بخصوص گمراه کننده می باشد، زیرا در بسیاری از موارد، صحبت از کلیتوریدکتومی (بریدن سر چوچوله) است. درحالیکه کلیتوریس (چوچوله) هیچ کارکرد تولید مثلی ندارد، و به این دلیل هم «تناسلی» نمی باشد. و بالاخره، همانطور که ملاحظه خواهد شد، این عمل بسیار فراتر از کلیتوریدکتومی می رود و آسیبهها و صدمات جدی وارد می کند. بنا بر آنچه گفته شد، تنها توصیف دقیق همانا «مُثله اندامهای جنسی دختران و زنان» می باشد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مُثله اندامهای جنسی دختران و زنان: انواع

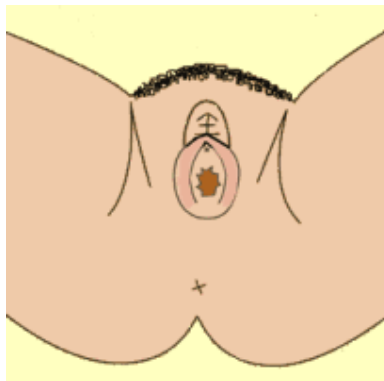
در حال حاضر، بریدن و مُثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان در بخشی از آفریقا و خاورمیانه به یک جنجال بحث انگیز بین المللی تبدیل شده است. یک ختنه ساده یعنی برداشتن پوسته سر کلیتوریس بحث انگیز تلقی نمی شود اما انواع زیر اسباب بحث و مشاجره اند:

1. کلیتوریدکتومی، (Clitoridectomy) یعنی قطع کردن و بریدن سر کلیتوریس.
 2. اکسشن (برش حذفی)، (Excision) یعنی کلیتوریدکتومی به اضافه قطع و برداشتن کامل لبهای داخلی، یا بخشی از آنها.
 3. چفت زنی (Infibulation) از نوع بسیار خاص، یعنی اکسشن به اضافه قطع و برش کامل لبهای بیرونی یا بخشی از آنها. بعداً باقیمانده لبها را به هم می‌دوزند طوری که دهانه واژن بسته می‌شود، و تنها سوراخ کوچکی برای خروج ادرار و خون قاعدگی باقی می‌گذارند.

این کارها معمولاً توسط زنان مسن (دایه‌ها)، و بدون استفاده از داروی بیهوشی یا بی‌حسی موضعی، علیه دختران جوان اعمال می‌شوند. سن این دختران هنگام مواجه شدن با این عمل، بسته به آداب و رسوم محلی، متفاوت می‌باشد و از نوزادی تا اوائل نوجوانی را دربر می‌گیرد. سن آنها در اکثر موارد بین 3 تا 8 سال است. وسایلی که برای این عمل به کار برده می‌شوند، اغلب چاقو یا تیغهای ضد عفونی نشده می‌باشند. در بخشهای زیر جزئیات بیشتری از سه نوع مئله گفته شده آورده می‌شود.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مئله اندامهای جنسی دختران و زنان: انواع: کلیتوریدکتومی

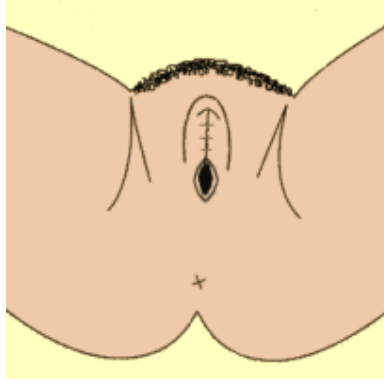
قطع و برش سر کلیتوریس خیلی فراتر از یک «ختنه» ساده می‌باشد. این کار در واقع فلج کردن و نقص شدید اندامهای جنسی دختران و زنان است. کلیتوریس در کلیت خود به داخل بدن امتداد می‌یابد و در نتیجه بیشتر یک اندام داخلی است تا بیرونی. با این حال، قطع حساس‌ترین بخش، یعنی نوک (و شاید بخشی از بدنه) آن به نقص و فلجی جدی واکنش و پاسخدهی جنسی فرد منجر می‌شود. البته، مقداری، یا بخش بیشتری از امکان پاسخدهی جنسی باقی می‌ماند چون بقیه سیستم کلیتوریس دست نخورده باقی می‌ماند ولی، این امر، به هیچ وجه صدمات و لطمه‌های فیزیکی و روانی وارده را توجیه نمی‌کند.



تصویری از فرج بعد از عمل کلیتوریدکتومی

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مئله اندامهای جنسی دختران و زنان: انواع: اکسشن (برش حذفی) (Excision)

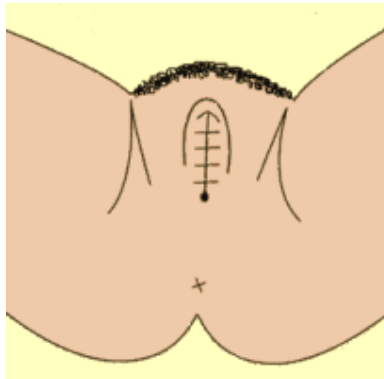
وقتی که کلیتوریدکتومی با برش جزء یا کل لبه‌های داخلی ترکیب شود، این عمل را «اکسشن» (برش حذفی) می‌نامند. این عمل، به قطع جزئی یا کامل مهبل یعنی Vulvectomy جزئی یا کامل، منجر می‌شود. لبه‌های داخلی مهبل نقش مهمی در برانگیختگی و پاسخدهی جنسی زن ایفاء می‌کنند و نبود آنها به معیوبی و تضعیف پاسخدهی جنسی فرد می‌انجامد. به طور خلاصه، این عمل نسبت به کلیتوریدکتومی به تنهایی، جدی‌تر و خطرناک‌تر می‌باشد.



تصویری از یک فرج بعد از اکسشن.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: انواع: دوختن واژن (Infibulation)

در اینجا، بر خلاف قلاب انداختن ساده به وسیله یک حلقه فلزی، صحبت از یک عمل بسیار جدی و خطرناک می باشد؛ یعنی ولوکتومی کامل (Total Vulvectomy) که بریدن کامل مهبل می باشد. گاهی «ختنه فرعون» هم نامیده می شود. بعد از برش حذفی (اکسشن)، یعنی بعد از بریدن سر کلیتوریس و لبه های داخلی، لبه های بیرونی هم به طور کامل یا نیمی از آنها قطع می شود. سپس حاشیه های باقیمانده لبه های بیرونی را به هم می دوزند، طوری که دهانه ورودی فرج بسته می شود و تنها منفذ کوچکی برای دفع ادرار و خون قاعدگی باقی می ماند. این نوع برش مثله ای، بسیار مضر است و برای سلامتی دختران عواقب و پیامدهای خطرناک و درازمدتی دربر دارد. قبل از هر چیز، خود این کار عمل خطرناکی است (ممکن است باعث مرگ شود) و معمولاً هفته ها طول می کشد تا زخمهای وارده التیام یابند. (به عنوان یک قاعده، در این دوره، پاهای دختر را به هم گره می زنند تا زخمها زودتر شفا یابند و، تکه ای از نقره یا چوب در سوراخ باقی مانده فرو می کنند که در هنگام ادرار یا قاعدگی می توان آن را بیرون کشید.) با این وجود، خطر ادامه خونریزی و عفونت وجود دارد. مسئله دیگر این است که عمل دفع ادرار ممکن است آنچنان دردآور شود که دختر برای پرهیز از درد، از خوردن آب اجتناب کند. تازه ممکن است که دختر به عفونت مجاری ادراری مبتلا شود. اضافه بر این، ممکن است مقدار زیادی زخم بافت (بافتهای مرده حاصل از الیتام زخم)، آبسه و دمل، و کیستهای چرکین در این قسمت از بدن دختر ایجاد شوند. این احتمال هم وجود دارد که خون قاعدگی به جای بیرون رفتن، در بدن جمع شده و به ناباروری بیانجامد. و نهایتاً اینکه، چنانچه یک وسیله ضدعفونی نشده برای چندین دختر مورد استفاده قرار گیرد، آنوقت خطر انتقال ویروس یرقان (هپاتیت) و اچ. آی. وی. / ایدز جدی است. با این حال، همانطور که مشاهده خواهد شد، مشکلات به اینجا ختم نمی شوند.



واژن دوخته شده.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: انواع: دوختن واژن 2

نوع رادیکال چفت زنی یعنی دوختن می تواند به مانعی در راه زایمان فرا روید. بافت زخمهای بیش از حد که ممکن است بر اثر مثله کردن ایجاد شوند، کار زایمان را مشکل می سازند و در لحظات حساسی از زایمان، مانع رسیدن اکسیژن به نوزاد می گردند. این امر می تواند به خفگی و مرگ نوزاد منجر شود و در نتیجه عوارضی برای مادر به همراه داشته باشد. قابل ذکر است که برای آبستن شدن زنی که مهبل او دوخته شده، ابتدا باید بخیه های موجود باز شوند.

باز کردن چفت و بست واژن

عمل باز کردن چفت و بست موجود مهبل، تحت عنوان Defibulation (باز کردن چفت و بست ها) معروف است و معمولاً در شب زفاف انجام می گیرد. بخشهای به هم دوخته شده واژن از هم باز می شوند و مهبل بار دیگر قابل دسترس می شود.

دوختن مجدد

بعد از وضع حمل، واژن زن را معمولاً دوباره به هم می دوزند تا او بتواند «پاک» باقی بماند. این عمل را دوخت مجدد می نامند. با این حال، بعد از چندین بار دوختن و باز کردن، دیگر چیز زیادی از مهبل باقی نمی ماند. البته دوختن تکراری نسبت به اولین دفعه، با درد کمتری همراه است اما، تصور اینکه این کارها چه تأثیری بر تجارب جنسی چنین زنی دارد، چندان دشوار نیست.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: انواع: دوختن واژن 3

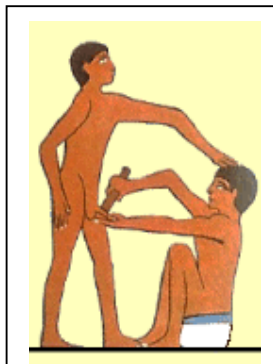
علاوه بر مشکلات جسمی که قبلاً مورد اشاره قرار گرفتند، دختران و زنانی که این چنین مثله شده اند، دچار آسیبهای روانی و جنسی فراوانی هم می شوند. آنها ممکن است به بی خوابی و بی اشتها دچار شوند و افسردگی روانی بر آنها غلبه کند. آنها ممکن است قدرت تمرکز خود را از دست بدهند و در نتیجه نسبت به درس و مشق خود بی علاقه شوند. و همین به نوبه خود، امکان آنها برای بهبود زندگی خویش و به دست گرفتن سرنوشت خود را، از بین می برد.

پیامدهای این عمل بر سلامت جنسی زنان و دختران مختلف، متفاوت می باشد. برخی از آنها در هنگام آمیزش جنسی مهلی دچار درد و ناراحتی می شوند و به این دلیل سعی می کنند که از این کار پرهیز کنند، و برخی دیگر قادرند که علی رغم مسائل پیش آمده اما همچنان از لذت جنسی بهره مند شوند. بعضی از زنان نمی توانند تجربیات تلخ خود را فراموش کنند و در نتیجه نسبت به هر نوع فعالیت جنسی نگرشی منفی در پیش می گیرند، و بعضی دیگر موفق می شوند که علیه آسیبهای روانی خود فائق آیند. همه چیز به شرایط و موقعیتهای فردی بستگی دارد.

از جهت فیزیکی، چنانچه به مهبل صدمه ای نرسیده باشد، آسیبهایی ممکن است کمتر از چیزی باشند که به تصور می آیند. چون به هر حال، قسمت بیشتر کلیتوریس در درون بدن قرار دارد و کارکرد خود به عنوان یک اندام لذت آور را حفظ می کند هر چند که سر آن را بریده باشند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: منشاء



ختنه پسران در مصر
پاستان
(نقاشی از دوران هزاره سوم
پیش از میلاد.)

به نظر می رسد که مبداء و منشاء قطع اندامهای جنسی، مصر هزاره سوم پیش از میلاد باشد. به هرحال، ما می دانیم که عبرانیان باستان، رسم ختنه کردن پسران را از مصریان به عاریت گرفتند و پس از مهاجرت جمعی خود از مصر، این رسم را به نماد و سمبل قبیله ای خود تبدیل کردند. ولی با این وجود، بسیاری از پژوهشگران به وجود منشائی برای سنت ختنه اعتقادی ندارند و بر این باورند که ختنه کردن پسران به طور مستقل در بسیاری از نقاط جهان رسم بوده است. به همین دلیل، معنی، منظور و هدف اصلی ختنه افراد مذکر همچنان ناشناخته باقی است. ختنه پسران شاید از نوع قربانی کردنهای مذهبی باشد، یا، آزمایش توان تحمل درد، و یا شاید معادل اولین قاعدگی دختران، یا پاره شدن بکارت او، در نظر گرفته می شده است.

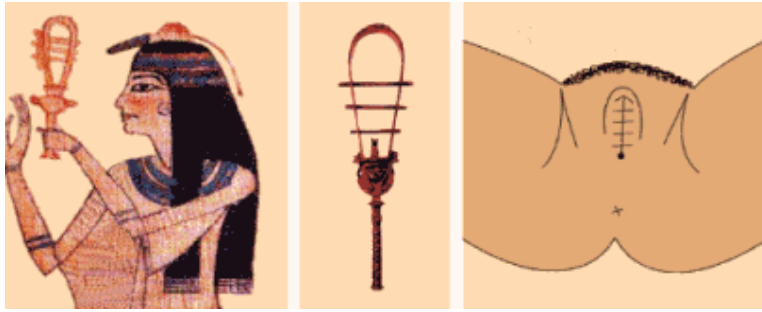
جزئیات مربوط به مبداء و منشاء قطع اندامهای جنسی دختران حتی بیشتر از مورد ختنه پسران ناروشن است. اما گفتنی است که شواهدی مینی

بر انجام این عمل بر زنان طبقه حاکم مصر هزاره اول پیش از میلاد وجود دارند. این کار شاید برای افزایش قدرت جادویی آنها در نظر گرفته می شده است. به هرحال، مردمان مناطق همسایه مصر هم این رسم را به کار گرفتند و بعدها همراه با فتح شمال آفریقا توسط اعراب، این سنت به دیگر نقاط جهان هم گسترش یافت. در دوران اخیر هم، مهاجران آفریقایی این رسم را با خود به آمریکا و اروپا برده و پزشکان این کشورها را با تناقضی در اخلاق پزشکی مواجه کرده اند. اخلاق پزشکی اجازه چنین کاری را نمی دهد اما در صورت امتناع پزشکان، این کار توسط افراد غیر حرفه ای انجام می شود و شاید هم والدین، دختران خردسال خود را «برای گذراندن تعطیلات» به زادگاه خود بفرستند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: منشاء 2

زیگموند فروید و روانکاوان دیگر در مورد مفهوم عمیق تر مثله عمدی اندامهای جنسی، حدس و گمانهایی زده اند، و به شکلی، نوعی سرکوب جنسی از آن برداشت کرده اند. به هرحال، امروزه بریدن سر کلیتوریس (کلیتوریدکتومی)، دوختن واژن (اینفیبولایشن)، و برش حذفی (اکسشن) عمدتاً در مناطقی که مردمان فقیر و بی سواد زندگی می کنند و زنان آنجا از موقعیت اجتماعی کمتری برخوردارند، اتفاق می افتند. این مردمان کل زندگی خود را در درون ساختار خشک و سختگیر مردسالاری ادامه می دهند: باکرگی معادل «پاکی» دانسته می شود، زنان قاعده «ناپاک» دانسته می شوند و ازدواج اجباری رسم جا افتاده ای است. مردان بر قوانین و مقررات مذهبی، سیاسی و قانونی مسلط اند و خود، قوانین حاکم بر خانواده و وراثت را وضع می کنند. تحت چنین شرایطی، زنان طوری بار آورده می شوند که باور کنند که حتماً باید به وسیله نوعی مثله جنسی «پاکیزه» شوند وگرنه شانسی برای ازدواج ندارند. البته، ازدواج هم تنها راه آنها برای کسب وجهه اجتماعی و دسترسی به امنیت اقتصادی است. بنا به همین دلایل، زنان سرسخت ترین مدافعان سنت مثله کردن اندامهای جنسی هستند. چنین به نظر می رسد که به جان خریدن درد و رنج راحت تر از مطرود شدن و زائده اجتماع گردیدن می باشد.



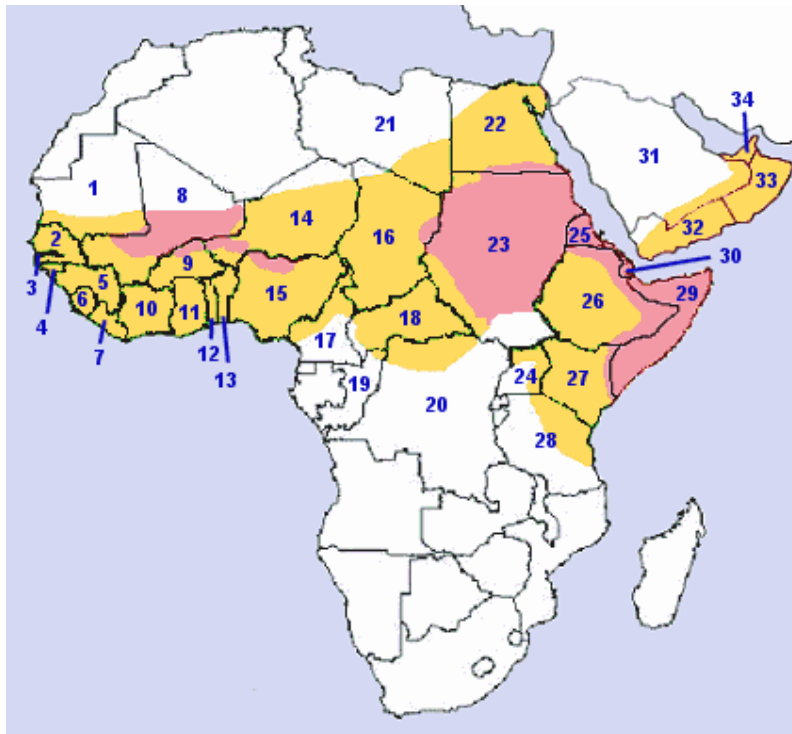
جغچه سیمی مصری

این جغچه یک ابزار موسیقایی در مصر باستان بود و طوری ساخته شده بود که هنگام تکان دادن، صدایی جغچه ای از آن متصاعد می شد. دانشجویان جنسیت شناسی اغلب به این پی می برند که این جغچه یک مهبل دوخته و چفت و بست شده را تداعی می کند.

سمت چپ: یک زن مصری در حال حمل جغچه، وسط: جغچه سیمی، سمت راست یک مهبل دوخته شده.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: منشاء: شیوع

امروزه بریدن و مثله کردن اندامهای جنسی زنان عمدتاً در مناطق خاصی از آفریقا و شبه جزیره عربی (و به مقدار محدودی، در پاکستان، هند، مالزی، و اندونزی) دیده می شود. در نقشه زیر مهمترین کشورهایایی که این اعمال در آنها صورت می گیرند، و نوع عمل، مشخص شده اند. همانطور که مشاهده می شود این عمل در برخی، و نه در همه کشورهای مسلمان انجام می شود. درحقیقت، این سنت در بسیاری از کشورهای مسلمان ناشناخته می باشد. مشخصاً این یک سنت و فرهنگ منطقه ای است و ربطی به مذهب ندارد.



رواج و شیوع بریدن اندامهای جنسی و نوع آنها

نقشه فوق کشورهایایی که مثله کردن اندامهای جنسی زنان در آنها رواج دارد را نشان می دهد.

رنگها دو نوع اصلی بریدن را نشان می دهند:

برش حذفی (اکسشن) دوختن (اینفیولایشن)

منبع: ارگانهای سازمان ملل، سازمان عفو بین الملل، خبرگزاری آفریقا (افرول نیوز)

(1) موریتانی	(8) مالی	(15) نیجریه	(22) مصر	(29) سومالی
(2) سنگال	(9) بورکینه فاسو	(16) چاد	(23) سودان	(30) جیبوتی
(3) گامبیا	(10) ساحل عاج	(17) کامرون	(24) اوگاندا	(31) عربستان سعودی
(4) گینه بیسائو	(11) غنا	(18) جمهوری مرکزی آفریقا	(25) اریتره	(32) یمن
(5) گینه	(12) توگو	(19) کنگو	(26) اتیوپی	(33) عمان
(6) سری لنون	(13) بنین	(20) جمهوری دمکراتیک کنگو	(27) کنیا	(34) امارات متحده عربی
(7) لیبیا	(14) نیجر	(21) لیبی	(28) تانزانیا	

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: منشاء: شیوع 2

مناطقی که مثله کردن اندامهای جنسی زنان در آنها اتفاق می افتد، به خوبی شناخته شده اند، ولی در مورد گستردگی شیوع این عمل آمار دقیقی در دست نیست. بیشتر آمارهای موجود تخمینی اند و بر اساس آمارهای کوچک و بزرگ موجود، به کل تعمیم داده شده اند. اضافه بر این، متدهای مختلف آمارگیری، امکان مقایسه را هم مشکل می سازد. گفتنی است که، حتی در درون یک کشور هم این رسم ممکن است فقط در درون گروه قومی خاصی، و نه کل جمعیت کشور رواج داشته باشد. با این حساب، آمارهای موجود تنها یک تصویر برآوردی و تقریبی را نشان می دهند. طبق یک برآورد سازمان ملل متحد، حدود 130 میلیون زن و دختر در جهان وجود دارند که این عمل بر آنها صورت گرفته و سالانه دو میلیون نفر بر این تعداد افزوده می شود. (سازمان بهداشت جهانی تعداد کل را 170 میلیون نفر برآورد کرده است که 150 میلیون نفر از آنها در آفریقا زندگی می کنند.)

لیست زیر توسط یک خبرگزاری آفریقایی آنلاین ارائه گردیده که هرچند آمار دقیقی ارائه نمی دهد اما درصد زنانی که اندامهای جنسیشان مثله شده، و نوع عمده قطع عضو را ارائه می دهد.

مثله کردن اندامهای جنسی بر اساس کشور و نوع عمل		
کشور	درصد شیوع	نوع
بنین	5-50%	برش حذفی (اکسشن)
بورکینه فاسو	تا 70%	برش حذفی (اکسشن)
کامرون	منطقه ای	برش حذفی و کلیتوریدکتومی
جمهوری مرکزی آفریقا	45-50%	برش حذفی و کلیتوریدکتومی
چاد	60%	برش حذفی و دوختن
جزائر قمر	بسیار منطقه ای است	برش حذفی (اکسشن)
ساحل عاج	تا 60%	برش حذفی (اکسشن)
کنگو	منطقه ای	برش حذفی (اکسشن)
جیبوتی	98%	برش حذفی و دوختن
مصر	85-95%	برش حذفی، دوختن و کلیتوریدکتومی
اریتره	95%	برش حذفی، دوختن و کلیتوریدکتومی
اتیوپی	70-90%	برش حذفی، دوختن و کلیتوریدکتومی
گامبیا	60-90%	برش حذفی و دوختن
غنا	15-30%	برش حذفی (اکسشن)

گینه	65-90%	برش حذفی، دوختن و کلیتوریدکتومی
گینه بیسائو	منطقه ای	برش حذفی و کلیتوریدکتومی
کنیا	50%	برش حذفی، دوختن و کلیتوریدکتومی
لیبیریا	50%	برش حذفی (اکسشن)
مالی	94%	برش حذفی، دوختن و کلیتوریدکتومی
موریتانی	25%	برش حذفی و کلیتوریدکتومی
نیجر	منطقه ای	برش حذفی (اکسشن)
نیجریه	60-90%	برش حذفی، دوختن و کلیتوریدکتومی
سنگال	20%	برش حذفی (اکسشن)
سری لنون	90%	برش حذفی (اکسشن)
سومالی	98%	دوختن (اینفیبولایشن)
سودان	90%	برش حذفی و دوختن
تانزانیا	18%	برش حذفی، دوختن
توگو	12%	برش حذفی (اکسشن)
اوگاندا	منطقه ای	برش حذفی و کلیتوریدکتومی

بر اساس آمار سازمان عفو بین الملل، دولت آمریکا، ارگانهای مختلف سازمان ملل متحد، و آرشیو خبرگزاری آفریقا.

منبع: خبرگزاری آفریقا

[برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.](#)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: توجیهات

بدیهی است که مثله کردن آگاهانه و عمدی اندامهای جنسی دختران، یکی از بدترین اشکال خشونت جنسی علیه کودکان می باشد. با این وجود، امروزه، این عمل با وجدان راحت، کماکان در بسیاری از کشورها اتفاق می افتد. بزرگسالان دخیل در قضیه، این رفتار را با جشن و سرور برگزار می کنند، و والدین سپاسگزارانه، به دایه ها، پزشکان و پرستاران پول می دهند تا عمل بی رحمانه و شنیع «اجحاف و تعدی جنسی» را علیه دختران خردسالشان به اجرا در آورند. چرا؟
فرهنگهای مختلف، به این سوال، پاسخهای مختلفی می دهند. بعضی ها مثلاً می گویند که قطع کردن و بریدن بنا به دلایل زیر حتماً باید انجام بگیرد:

رسم و سنتی برای عبور از کودکی و ورود به بلوغ
بهداشتی
زیبا شناختی
سمبلی از عفت و پاکدامنی
الزام مذهبی
مالی و اقتصادی

در زیر، توجیهات فوق به طور مختصر مورد بحث و بررسی قرار می گیرند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: توجیحات 2

پژوهشگران مردم شناسی، اساطیر و تاریخ باستان، در مورد معنی و مفهوم اولیهٔ مثله اندامهای جنسی، حدس و گمانهایی زده و نظریه های حیرت آوری ارائه داده اند. به عنوان مثال این نظریه که، در برخی از ادیان ماقبل تاریخ، تنها خدایان اجازه داشتند که از هر دو قدرت زن و مرد برخوردار شوند و نمی خواستند که انسان با آنها رقابت کند. بنابراین، مردان فانی می بایست عنصر «مادینگی» موجود در خود که همانا پوستهٔ ذکرشان می باشد را قربانی کنند، و زنان هم عنصر «نرینگی» موجود در خود که در کلیتوریس جمع شده بود را از خود بزدايند. ولی، این گمانه زنیهای جالب در این بحث نمی گنجد و بهتر است که روی چند استدلال علمی مدرن تمرکز کنیم.

رسم و سنت

اغلب زنانی که از عمل مثله جنسی دفاع می کنند بر نقش رسم و سنت تأکید می ورزند. نقض این سنت آنها را از اجتماع طرد می کند. انجام این عمل بر روی آنها نمادی است از ورودشان به جامعه که معمولاً با آداب و مراسم مفصلی همراه می شود. به طور خلاصه، این کار بخشی از آماده سازی دختر برای نقشهای آینده خود به عنوان همسر و مادر می باشد. چنانچه دختری این اقدام آماده سازی خود را نپذیرد، این کار به معنای آن است که او به نقش اجتماعی خود پشت پا زده و در نتیجه، برای او نوعی خودکشی اجتماعی می باشد. در هر صورت، برای گردن نهادن به این رسم و سنت، نه تنها دختر، بلکه والدین او هم تحت فشار قرار می گیرند.

این فشار، تنها با کمک به کل جامعه جهت اصلاح سنتها و رسوم خود، از بین می رود.

دلایل بهداشتی

برخی از استدلالها برای قطع اندامهای جنسی دختران و زنان به سادگی، جهل پزشکی طرفداران آن را برملا می کند. به عنوان مثال، مردم برخی جوامع بر این اعتقادند که این عمل به افزایش باروری می انجامد، و یا، سر کلیتوریس مانعی در برابر زایمان بچه ایجاد می کند و بهتر است که پیشاپیش از میان برداشته شود. عده ای هم بر این اعتقادند که این عمل از آبه و دمل زدن واژن دختر، و دیگر مشکلات بهداشتی او پیشگیری می کند.

تنها از طریق آموزش دهی می توان بر این جهل و نادانی فائق آمد.

دلایل زیباشناختی

در بسیاری از جوامع اندامهای جنسی مثله نشده دختران، زشت و نفرت انگیز تلقی می شوند و ایده آل غالب از زیبایی زنانگی ایجاب می کند که اندامهای جنسی افراد مؤنث به شکلی سنتی دست برده شوند. برخی از این جوامع بر این باورند که واژن «ختنه نشده» بوی بدی می دهد و عمل «ختنه» بوی بد آن را از بین می برد.

این اعتقادات و باورهای عمیق را به سختی می توان تغییر داد.

عفت و پاکدامنی

مردان مدافع مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان، چندین دلیل و استدلال دارند که برخی از آنها هرگز علناً ابراز نمی شوند:

1. این عمل باعث کاهش ظرفیت و توان جنسی دختر شده و در نتیجه او را «با عفت و پاکدامن» نگه می دارد. شهوانیت زنان «به طور طبیعی» زیاد از حد بوده و برای خیر و خوبی خود دختران و زنان هم که شده، بهتر است که از شدت شهوت آنان کاسته شود. بزرگترین فضیلت زنان همانا عفت و پاکدامنی آنان است. میل جنسی زن نشانه ای از «هرزگی»، تردامنی و بی اخلاقی اوست. اجازه لذت جنسی زیاد به زنان و دختران ممکن است به ناباروری آنها بیانجامد و باعث هرزگی و به فحشاء کشانده شدن آنها شود.
- دختر باید تا ازدواج خود باکره، و به دور از هرگونه میل و خواهش جنسی باقی بماند. این کار باعث می شود که او به شوهر خود وفادار باقی مانده و احترام او را نگه دارد. البته، دختر از طریق خودارضایی هم «ناپاک» می شود و به این دلیل بریدن سر کلیتوریس او از همان کودکی، مانع ناپاکی او می شود.
2. بیشتر مردان حامل چنین اعتقاداتی، در عین حال بر این باور هم هستند که انواع مثله کردن اندامهای جنسی دختران، باعث می شود که هنگام عمل جنسی، خودشان لذت بیشتری ببرند. به عبارتی آنها لذت آمیزش

جنسی زناشویی را یک بازی «همه چیز بر صفر» می دانند. لذت مرد به قیمت بی لذتی زنش حاصل می شود؛ یعنی افزایش جنسی شوهر به قیمت کاهش جنسی زن به دست می آید. در تحلیل نهایی، این باورها و نگرشها در ساختارهای اجتماعی پدر سالار ریشه دارند و تغییر آنها امر دشواری است و به مدت زمانی طولانی نیاز دارد.

الزامات مذهبی

برخی از جوامع اسلامی بر این باورند که قطع اندامهای جنسی دختران یک الزام مذهبی است. درحالیکه، قطع اندامهای جنسی دختران پیش از تولد حضرت محمد صورت می گرفته و در هیچ کجای قرآن ذکری از آن نشده است. اما با این وجود، طرفداران این عمل به ذکر حدیث و اعمال و سخنان پیامبر رو می آورند. هرچند که بعضی از برداشتهای ارائه شده از احادیث و سخنان پیغمبر نادرست می باشند. در واقع، بالاترین مقام مذهبی مسلمان در مصر یعنی شیخ بزرگ الازهر در یک بیانیه رسمی تأکید کرده که «هیچ حکم دینی در اسلام، این عمل را توجیه نمی کند». در ضمن، سنت «ختنه دختران» در بین اکثریت بزرگی از مسلمانان در جهان مرسوم نیست و در عین حال، این رسم در بین بعضی از غیر مسلمانان هم مرسوم می باشد.

اقتصادی

قطع اندامهای جنسی دختران از ابعاد مالی و اقتصادی هم برخوردار است:

1. برای کسانی که این کار را انجام می دهند، یک منبع درآمد محسوب می شود، و پایان دادن به این عمل، آنها را از امرار معاش خود محروم می کند.
2. در برخی فرهنگها، برای دختری که مثله جنسی شده، قیمت بیشتری پرداخت می شود. یعنی خانواده داماد پول بیشتری به والدین عروس می دهند. همین پاداش بهتر، والدین را وادار می دارد که بر مثله کردن اندامهای جنسی دختران خود پافشاری کنند.
3. در بسیاری از این فرهنگها، ازدواج تنها راهی است که دختران به وسیله آن به امنیت اقتصادی دست می یابند و بدون تن دادن به مُتَلگی اندامهای جنسی خود، هیچ شانس برای شوهر کردن ندارند. مسلماً عوض کردن و تغییر دادن همه این مسائل زمان می برد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: پیشگیری

انواع توجیهاتی که برای مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان ارائه می شوند، اغلب به هم مرتبط و در هم تنیده اند. به همین دلیل، مدافعان این کار، اغلب ترکیبی از دلایل را مطرح می کنند. یک یا دوتای این دلایل ممکن است در جامعه ای وزن مخصوصی داشته باشند اما نه لزوماً در جوامع دیگر که چه بسا اولویتهای سنتی و فرهنگی دیگری دارند. به عبارت دیگر، هر جامعه ای یک یا چند دلیل خاص خود را برای ادامه چنین سنتی، دارا می باشد و به همین دلیل هم نمی توان نسخه پیشگیری واحدی برای همه آنها نوشت. پس صرف محکوم کردن آن به عنوان نقض حقوق بشر کافی نیست. وضع قوانین و غیر قانونی کردن آن هم حتی نوید کمتری دارد. در واقع، افرادی که خود را به پیشگیری از وقوع این نوع خشونت جنسی متعهد کرده اند، بنا به تجربه آموخته اند که ابتدا باید پیش زمینه فرهنگی که چنین خشونت در آن اتفاق می افتد را به خوبی بشناسند. تنها در این صورت است که آنها مؤثرترین عوامل محلی کمک به غلبه بر مشکلات و اصلاح فرهنگی را می شناسند و همراه با آنها سیاستها و راهکارهای موفقی را برای رسیدن به اهداف مشترک به پیش می برند. البته، این بدان معنا نیست که بیانیه دادن و تأکید بر پرنسپیهای اصولی کار زانندی است. برعکس، این کار اولین قدم می باشد و بسیاری از سازمانهای جهانی هم درست همین کار را کرده و رسماً مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان را محکوم کرده اند. در زیر چندتای آنها آورده می شوند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: پیشگیری: بیانیه های رسمی

سازمان ملل



در ماه مارس 2007، [کمیسیون موقعیت زنان سازمان ملل](#)، ممنوعیت مثله کردن اندامهای جنسی زنان و ازدواج اجباری را خواستار گردید. شش هزار زن از سازمانهای دولتی و مدنی این بیانیه را امضاء کردند. این بیانیه «از دولتها تقاضا می کند که اقدامات لازم، از جمله تصویب و اجرای قوانینی جهت محافظت از دختران و زنان در مقابل مثله شدن اندامهای جنسیشان، و پایان دادن به مصونیت عاملان این خشونت از مجازات، را به عمل آورند».

یونیسف

[صندوق اضطراری بین المللی کودکان سازمان ملل متحد \(یونیسف\)](#) (United Nations) International UNICEF- Children's Emergency Fund هم موضع روشنی اتخاذ کرده است. یونیسف اعلام نموده که مثله اندامهای جنسی دختران «نقض اساسی حقوق دختران است. این کار تبعیض آمیز بوده و ناقض حقوق مربوط به فرصتها و بهداشت برابر، و زندگی عاری از خشونت، صدمه، آزار، شکنجه و رفتارهای بی رحمانه و تحقیرآمیز، می باشد.» یونیسف همچنین تأکید می کند که همه این حقوق هم اکنون در قوانین بین المللی تضمین شده می باشند. [برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.](#)

انجمن پزشکی جهانی

[انجمن پزشکی جهانی \(World Medical Association\)](#) یک سازمان بین المللی است که خود را وقف دستیابی به بالاترین استاندارد پزشکی برای همه مردم جهان کرده است. این سازمان با صراحت و بدون هرگونه ابهامی «عمل قطع اندامهای جنسی از جمله ختنه زنان و دختران، و همینطور مشارکت پزشکان در این کار را محکوم می کند.»

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: پیشگیری: استراتژی

بسیاری از سازمانهای دولتی و غیر دولتی که رسماً مثله کردن اندامهای جنسی را محکوم کرده اند، به خوبی از این امر آگاهند که بیانیه های آنها باید با گامهای عملی مشخصی دنبال شود. آنها این را هم می دانند که بدون همکاری دواطلبانه جوامع مد نظر، کار چندانی از پیش نخواهد رفت. در بسیاری از موارد، تغییرات بزرگ اجتماعی زمانی عملی می شوند که سود و مزایایی برای همه طرفهای درگیر دربر داشته باشند. به همین دلیل کارزار پایان دهی به مثله جنسی باید اصلاحات قانونی را با آموزش دهی عجین کند، و این دو باید توسط پیشوایان مذهبی، مقامات حکومتی و دیگر رهبران جامعه مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرند.

مراقبت بین المللی

(CARE International)



این سازمان معروف که علیه فقر در جهان مبارزه می کند هم، در راه پایان دادن به مثله اندامهای جنسی تلاش می ورزد. در سال 2006 خانم رئیس این سازمان طی درخواستی از مردم جهان تقاضا نمود که بیانیه مربوط به درخواست توقف مثله اندامهای جنسی را امضاء کنند. او در عین حال تأکید نمود که دستیابی به این هدف تنها با گفتگوهای محترمانه اجتماعی صورت می گیرد:

رهیافت ما از این قرار است:
آموزش رهبران اجتماعی و مذهبی و ریش سفیدان روستاها، شروع گفتگوهای اجتماعی و ترتیب دادن مباحث جمعی و گروهی با شرکت گروههای مختلف مردم، حمایت و پشتیبانی از اقدامات افرادی که در خانواده خود این رسم را به کنار می نهند.

همانطور که مشاهده می شود، «مراقبت بین المللی» از تجربیات خود سود جسته و اقدامات عملی مشخصی را برای مقابله با مسئله اندامهای جنسی به کار می گیرد. [برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.](#)

یونیسف



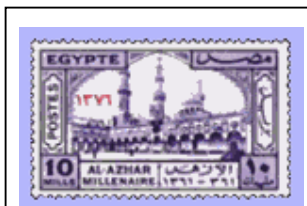
یونیسف هم با همین جوهره معنوی، یک فراخوان و راهنمای عملی جهت رسیدن به هدف مورد نظر، تحت عنوان: «تغییر یک سنت مضر اجتماعی: مثله / قطع کردن اندامهای جنسی دختران و زنان» منتشر کرده است. این فراخوان روی اقدام اجتماعی تمرکز کرده و ایجاد «محیطی که امکان تغییر را فراهم می آورد» را پیشنهاد می کند و به همین دلیل هم بر نکات زیر تأکید می کند:

دیالوگ و مباحث تهی از پیش داوری
مناسک جایگزین (برای اعلام عبور دختران از مرحله کودکی و ورود به بلوغ)
فرصتهای شغلی جایگزین برای افرادی که این کار منبع درآمد آنها محسوب می شود،
و
همکاری با جمعیت‌های مهاجر در کشورهای صنعتی.

[برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.](#)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان:
پیشگیری: استراتژی 2



الازهر در قاهره

تمبر پستی که در سال 1957 برای بزرگداشت هزاره الازهر منتشر گردید.

این مسجد در قرن دهم بعد از میلاد ساخته شد و بلافاصله به صورت یک مرکز دانشگاهی درآمد که قدیمی ترین نوع خود در جهان می باشد. مسلمانان سنی مذهب، الازهر را معتبرترین مرکز مطالعات اسلامی می دانند.

در سال 2003، گام مهمی در کسب حمایت رهبران مذهبی و اجتماعی از مبارزه با مثله جنسی، در قاهره برداشته شد. نمایندگان 28 کشور آفریقایی و عرب که مثله اندامهای جنسی در آنها صورت می گیرد، بیانیه قاهره جهت از میان بردن مثله اندامهای جنسی دختران و زنان را صادر کردند. چنین سندی بسیار ضروری بود چون نمی توانست به «فتنه گران غربی» نسبت داده شود. بیانیه دو تن از با نفوذترین رهبران مسلمان و مسیحی، شیخ بزرگ الازهر، شیخ سید محمد طنطاوی، و نماینده پاپ قبطی، شنودای سوم از اهمیت ویژه ای برخوردار بودند. هر دوی آنها بر این نکته تأکید کردند که «هیچ حکم مذهبی، چه در اسلام و چه در مسیحیت، این عمل را توجیه نمی کند.» بیانیه قاهره، شالوده جدیدی برای همکاریهای محلی و بین المللی در جهت ایجاد رفرم و تغییرات فراهم می آورد. برای دسترسی به متن کامل بیانیه [اینجا کلیک کنید.](#)

سئوالات آزمونى - درست يا غلط

- 1- اصطلاح «رفتار جنسى» چندین بار در آثار شکسپیر به کار برده شده است.
- 2- کل کتاب فون کرافت ابینگ به نام «سایکوپاتولوژی جنسى» (Psychopathia Sexualis) به زبان لاتین نوشته شده بود.
- 3- آلفرد س. کینزى تعريف جدیدی برای «رفتار جنسى» پیشنهاد نمود.
- 4- رفتارهای مربوط به نقشهای جنسى بعد از بلوغ آموخته می شوند.
- 5- اصطلاح «انگیزه جنسى» به توان فرد در تحریک جنسى شدن و رسیدنش به ارگاسم اشاره دارد.
- 6- ظرفیت جنسى، انگیزه جنسى و عملکرد و کارایی جنسى فرد از بلوغ تا کهولت ثابت باقى می ماند.
- 7- در اکثر بزرگسالان مذکر، توان جنسى همراه با گذر زمان، بخصوص بعد از پنجاه سالگی، تضعیف می شود.
- 8- جان گانون و ویلیام سیمون زیست شناسان شاغل در مؤسسه کینزى بودند.
- 9- نسخه ها و پیش نویسهای جنسى ممکن است از جامعه ای به جامعه ای دیگر متفاوت باشند اما در درون یک جامعه فرقى با هم ندارند.
- 10- در دهه های اخیر، درصد مردان و زنانی که به تنهایی زندگى می کنند، افزایش یافته است.
- 11- مردمان یونان و روم باستان بر این اعتقاد بودند که استمناء کردن به دیوانگى منجر می شود.
- 12- ویلهلم رایش استمناء کردن را عملی بسیار خطرناک و مضر برای سلامتى می دانست.
- 13- شیطان روح خبیثی است که با افتادن روی زنان در خواب با آنها به آمیزش جنسى می پردازد.
- 14- زنان و مردان- هر دو- می توانند در خواب به ارگاسم برسند.
- 15- افراد بالغ سالم هرگز استمناء نمی کنند.
- 16- در قوانین قدیمی آمریکا و اروپا، «سودومى» بر هر دو آمیزش دهانى و مقعدى دلالت می کرد.
- 17- در قوانین قدیمی اروپا و آمریکا، واژه «سودومى» می توانست به رابطه جنسى انسان با حیوان اطلاق شود.
- 18- سرایت اچ. آی. وی. از طریق آمیزش دهانى غیر ممکن می باشد.
- 19- ماهیچه های «پی سی» با تمرین تقویت نمی شوند.
- 20- جفتهایی که در آمیزش جنسى از «موضع مبلغى» (missionary position) استفاده می کنند، شانس آبهتنى بیشتری دارند.
- 21- در گذشته، ممکن بود که هم جفتهای همجنسگرا و هم جفتهای دگرجنسگرا، در آمریکا و اروپا، تحت قوانین لواط محکوم شوند.

- 22- در اوائل قرن نوزده، قوانین مربوط به لواط در اروپا و آمریکا لغو شدند.
- 23- رسم پیدراستی یونان قدیم هرگز مانعی در برابر ازدواج و پدر شدن ایجاد نمی کرد.
- 24- فرو کردن یک دست کامل در مقعد ممکن است به جراحات شدید و حتی مرگ بیانجامد.
- 25- لیسیدن مقعد ممکن است منجر به عفونتهای جدی شود.
- 26- طبق افسانه های یونان، مینوتاور، انسان هیولایی که سر ورزا داشت، در نتیجه آمیزش جنسی یک زن با گاو نر زاده شد.
- 27- تماس جنسی انسان با حیوان در کشورهای پیشرفته صنعتی امر نادری است.
- 28- کلمه انگلیسی «سکس» اولین بار در یکی از ترجمه های انجیل ظاهر شد.
- 29- مقیاس اندازه گیری کینزی ظرفیت و توان جنسی فرد را اندازه می گیرد.
- 30- ممکن است عملکرد و کارایی جنسی یک مرد بیشتر از توان و ظرفیت جنسی او باشد.
- 31- ممکن است عملکرد و کارایی جنسی یک زن بیشتر از انگیزه جنسی او باشد.
- 32- ممکن است انگیزه جنسی یک مرد بیشتر از عملکرد و کارایی جنسی او باشد.
- 33- ممکن است توان و ظرفیت جنسی یک زن بیشتر از انگیزه جنسی او باشد.
- 34- مقیاس اندازه گیری کینزی فقط ارگاسمها را در نظر می گیرد.
- 35- در اروپای قرن هیجدهم، پزشکان استمناء را به عنوان یک امر مفید برای سلامتی، توصیه می کردند.
- 36- ویلهلم فون هامیلت اولین نویسنده مدرنی بود که طبقه بندی رفتارهای جنسی بشر را به صورتی بی طرفانه و فارغ از قضاوتهای اخلاقی ارائه نمود.
- 37- آمیزش (سکس) دهانی در یونان باستان ناشناخته بود.
- 38- آمیزش (سکس) دهانی، پیش از کشف کلمبو، در آمریکا ناشناخته بود.
- 39- خودتحریکی جنسی شایع ترین نوع فعالیت جنسی بشر است.
- 40- آلفرد کینزی به این نتیجه رسید که رفتارهای همجنسگرایانه در بین زنان کمتر از رواج آن در بین مردان می باشد.
- 41- کینزی به این نتیجه رسید که همجنسگرایان به وضوح قابل تشخیص از دگرجنسگرایان می باشند.
- 42- زیگموند فروید اولین مرحله رشد جنسی بشر را «دوره خفتگی» نامید.
- 43- در سن پنج سالگی، حدود نیمی از کودکان ارگاسم را تجربه کرده اند.
- 44- کودکان زیر سه سال نمی توانند به ارگاسم برسند.

- 45- ریشارد فون کرافت - اینینگ واژه «اروتیک فیتیشیسم» را ابداع کرد.
- 46- آلفرد بینت پیشنهاد کرد که قانون منع «سودومی» ملغی شود.
- 47- آگوست فورل واژه های «سادیسیم» و «مازوخیسیم» را ابداع کرد.
- 48- جان مونه تفاوت بین جنس و جندر را معرفی کرد.
- 49- ژان ژاک روسو می خواست که کودکان در اسرع وقت ممکن آموزش جنسی ببینند.
- 50- شلاق زنی به خود در مسیحیت هرگز یک سنت مذهبی نبوده است.
- 51- مُثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان یک حکم مذهبی در اسلام می باشد.
- 52- زنا با محارم در همه کشورها غیر قانونی است.
- 53- اکثریت ترانس وستایتها دارای گرایش جنسی دگرجنسگرایانه می باشند.
- 54- در چین باستان روسپیگری وجود نداشت.
- 55- در سوئد روسپیگری غیر قانونی است، اما فقط روسپیان دستگیر می شوند و مشتریان آنها هرگز.
- 56- در هلند روسپیگری غیر قانونی است، اما فقط روسپیان دستگیر می شوند و مشتریان آنها هرگز.
- 57- پسران نوجوان بیشتر از مردان در معرض مورد تجاوز واقع شدن قرار دارند.
- 58- در اسناد رسمی سازمان ملل متحد، «کودک» به عنوان «هر انسان زیر سن شانزده سال» تعریف می شود.
- 59- بیشترین جرائم جنسی علیه کودکان نه به وسیله بچه بازان، بلکه توسط افراد غیر بچه باز اعمال می شوند.
- 60- در چند دهه گذشته، سوء استفاده جنسی از کودکان در ایالات متحده آمریکا افزایش یافته است.
- 61- در مصر باستان، برخی از فراعنه، زنا با محارم را به عنوان یک سنت سلطنتی به جا می آوردند.
- 62- اولین سازمان مدافع حقوق روسپیان در سال 1905 در وین تأسیس شد.
- 63- توریسم سکس زنان وجود ندارد.
- 64- کلئوپاترا متناوباً با دو برادر خود ازدواج کرد.
- 65- در کشورهای غربی، تجاوز شوهر به همسر همیشه به عنوان یک جرم محسوب می شده است.
- 66- واژه قدیمی تر «ترانس وستیسیم» و واژه جوان تر «ترانس سکسوالیسیم» به یک معنا می باشند.
- 67- «عقده اوبدییوس» واژه ای بود که زیگموند فروید به جای اصطلاح «غریزه زندگی» به کار برد.
- 68- «تنتانوس» اصطلاحی بود که زیگموند فروید برای «غریزه مرگ» به کار برد.

- 69- انگیزه جنسی مرد به معنای «آنچه که او از جهت جنسی می تواند انجام دهد» تعریف می شود.
- 70- عملکرد جنسی زن به معنای «آنچه که او از جهت جنسی می خواهد انجام دهد» تعریف می شود.
- 71- ظرفیت جنسی به معنای «آنچه که او از جهت جنسی می تواند انجام دهد» تعریف می شود.
- 72- اصطلاح Hebephilia به معنای «جاذبه جنسی به کودکان خردسال» می باشد.
- 73- سوزاک می تواند از راه مقاربت دهانی منتقل شود.
- 74- اصطلاح «اقلیت جنسی» از همان ابتدا توسط فلاسفه یونان باستان به کار برده شد.
- 75- اصطلاح «ضربدری» به نوع خاصی از سادومازوخیسم اشاره دارد.
- 76- اولین جنبش حقوق همجنسگرایان در ایتالیای قرون وسطی شروع شد.
- 77- هیچ سازمان و تشکل ترانس وستایت وجود ندارد.
- 78- هاری بنجامین اولین کسی بود که به مطالعات گسترده ای حول ترانس وستیسیم دست زد.
- 79- در زمان شکسپیر، نقش «ژولیت» در «رومئو و ژولیت» توسط یک پسر اجرا می شد.
- 80- در زمان شکسپیر، نقش «رومئو» در «رومئو و ژولیت» توسط یک بازیگر زن اجرا می شد.
- 81- اصطلاح «پارافیلیا» توسط س. کراوس ابداع گردید.
- 82- «کمیتة علمی انسانی» اولین سازمانی بود که قانونی کردن روسپیگری را خواستار گردید.
- 83- اولین سازمان متعلق به لژیون ها در سان فرانسیسکو تأسیس گردید.
- 84- هر پدوفیلی با کودکان تماس جنسی ندارد.
- 85- نه هر بزرگسالی که با کودکان تماس جنسی برقرار می کند، پدوفیل می باشد.
- 86- واژه «subincision» به معنای جراحی بریدن کلیتوریس می باشد.
- 87- برای جلوگیری از استمناء کردن دختران و زنان، همیشه واژن آنها را دوخته اند.
- 88- عمل چفت (قلاب) زنی هرگز بر روی افراد مذکر اعمال نشده است.
- 89- «ختنة فرعونی» نوع خاصی از ختنه پسران می باشد.
- 90- عمل سنتی مثله کردن اندامهای جنسی زنان و دختران توسط انجمن پزشکی جهانی محکوم شده است.
- 91- دردوران قرون وسطی، در اروپا روسپیگری وجود نداشت.
- 92- دوره بین بلوغ و بزرگسالی، در همه جای جهان همواره حداقل به مدت 10 سال بوده است.
- 93- در سراسر جهان، متوسط سن اولین مقاربت جنسی 15 سال می باشد.

- 94- مردان معمولاً قبل از بیست سالگی به اوج ظرفیت و توان جنسی خود می‌رسند.
- 95- در جهان، جفتهای فقیر نسبت به جفتهای ثروتمند، فرزندان بیشتری دارند.
- 96- همراه با افزایش سن، پاسخدهی جنسی فرد هم تضعیف می‌شود.
- 97- در راهنمای آمار و تشخیص بیماریهای انجمن روانپزشکی آمریکا (DSM IV) حیوان بازی (زوفیلیا) به عنوان یک اختلال جنسی آورده شده است.
- 98- اصطلاح «autophilia» به معنی دارا بودن جذبه فتنیستی به اتوموبیل می‌باشد.
- 99- سادیسم بیانگر میل به دریافت و تجربه درد در یک مقاربت جنسی است.
- 100- کریستین جورگنسن یک ترانس و ستایت معروف بود.
- 101- همه ترانس سکسوالها خواهان عمل اصلاح جنسی (تغییر جنسی) می‌باشند.
- 102- ایوان بلوچ، روسپیگری را مهمترین و با ارزش ترین مبحث جنسیت شناسی می‌دانست.
- 103- انقلاب الکترونیک نوع تازه ای از روسپیگری خلق کرده است.
- 104- آفریقای جنوبی ازدواج همجنسگرایان و تمام حقوقی که ازدواج به همراه می‌آورد، را به طور کامل به رسمیت می‌شناسد.
- 105- فرانسه ثبت پیوند مشترک دو همجنس را به رسمیت می‌شناسد.
- 106- دختران زودتر از پسران به رشد و بلوغ جسمی می‌رسند.
- 107- امروزه نسبت به 500 سال قبل مردم خیلی زودتر ازدواج می‌کنند.
- 108- امروزه پسران در کل جهان، نسبت به 100 سال پیش، حداقل 10 سال زودتر به بلوغ می‌رسند.
- 109- امروزه دختران در کشورهای توسعه یافته، در سن بین 8 تا 12 سالگی اولین قاعدگی خود را تجربه می‌کنند.

سئوالات آزمون چند جوابی **جواب صحیح را انتخاب کن.** **گاهی بیش از یک جواب صحیح می‌باشد**

- 1- مدل زیگموند فروید از رشد جنسی اولیه توالی خاصی را پیشنهاد می‌کند. کدامیک از موارد زیر صحیح می‌باشند؟
- دهانی، مقعدی، فالوسی
 - فالوسی، تناسلی، دهانی
 - مقعدی، دهانی، تناسلی
- 2- معمولاً بین سه جنبه نسخه‌ها و پیش نویسهای جنسی تمایز قائل می‌شوند.
- درون فرهنگی، فی مابین افراد، روانی
 - بین المللی، فی مابین افراد، مداخله ای
 - جسمانی، فی مابین افراد، فرهنگی

3- کدامیک از پزشکان زیر استمناء را به عنوان معیاری از سلامتی پیشنهاد نمود؟

- ساموئل تیسوت
- گالن
- بنیامین راش

4- کدامیک از پزشکان زیر نسبت به خطرات ناشی از استمناء هشدار داد؟

- جان کلوگ
- ویلهلم رایش
- هنری مودسلی

5- روانپزشکان تماس جنسی انسان با حیوان را چه می نامند؟

- جانورخواهی
- لواط
- حیوان بازی

6- چه کسی لغو قوانین مربوط به منع تماس جنسی انسان با حیوانات را خواستار گردید؟

- ساموئل تیسوت
- اوگوست فورل
- پاولو مونتگازا

7- چه کسی تمایز بین «جنس» و «جندر» را ابداع کرد؟

- زیگموند فروید
- فردریش س. کراوس
- جان مونی

8- واژه «پارافیلیا» به وسیله چه کسی ابداع شد؟

- زیگموند فروید
- فردریش س. کراوس
- جان مونی

9- اصطلاح «ختنه فرعون» به چه چیزی اشاره دارد؟

- کلیتوریدکتومی
- دوختن مهبل
- برش حذفی (اکسشن)

10- کتاب تأثیرگذار «انسان – ماشین» در چه زمانی نوشته شد؟

- در قرن بیستم
- در قرن نوزدهم
- در قرن هیجدهم

11- سیل وستر گراهام که بود؟

- پزشک و روانپزشک
- خیاباز
- یک کشیش مسیحی

12- کدام یک از موارد زیر یکی از این سه عامل اساسی در رفتار جنسی محسوب نمی شود؟

- انگیزه جنسی
- لذت جنسی
- توان و ظرفیت جنسی

13- مفهوم «نسخه نویسی جنسی» توسط چه کسی ابداع شد؟

- ویلیام هارتمن و ماریلین فیتیان
- ویلیام ماسترز و ویرجینیا جانسون
- ویلیام سایمون و جان گانون

14- کدام یک از موارد زیر لیست درست سه جنبه پیش نویسی است؟

- اجتماع، روانی، روابط فی مابین افراد
- روابط فی مابین، روانی-اجتماعی، فرهنگی
- جسمانی، فی مابین افراد، فرهنگی

15- چه کسی «امیل یا تربیت» را نوشت؟

- ساموئل تیسوت
- ولتر
- ژان ژاک روسو

16- کدامیک از موارد زیر جزء مراسم عبور از کودکی و ورود به بزرگسالی محسوب نمی شود؟

- بارمیتزوا
- مراسم بلوغ و تکلیف در مسیحیت
- عشای ربانی

17- کدامیک از مناطق جهان، از جهت افزایش جمعیت نوجوان خود، در دهه های آینده، بالاترین نرخ

رشد را خواهند داشت؟

- امریکای لاتین و کارائیب
- بخش صحرای پائین آفریقا
- آسیا و اقیانوسیه

18- کدامیک از گروههای جمعیتی زیر می تواند در آینده بیشترین میزان رشد جمعیتی را داشته باشد؟

- گروههای کم درآمد
- گروههای دارای درآمد متوسط
- گروههای با درآمد بالا

19- زن قربانی تجاوز جنسی باید در اسرع وقت:

- خود را بشوید و تمیز کند
- خود را به جای امنی برساند
- واقعه را به پلیس گزارش دهد.

20- عمل سنتی مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان در کجا توسط کشورهای عرب و آفریقایی که

این عمل در آنها صورت می گیرد، محکوم شد؟

- بیانیه 1921 که علیه خشونت جنسی بود.
- اعلامیه 1954 دمشق علیه مثله کردن اندامهای جنسی زنان و دختران.
- بیانیه 2003 قاهره جهت محو مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان.

21- یک نسخه (پیش نویس جنسی):

- یک پروسه ممتد و طولانی می باشد.
- یک پروسه مربوط به روابط فی مابین است.
- قبل از بلوغ تکمیل می شود.

22- بعضی از شاهکارهای تناتر به موضوع زنا با محارم می پردازند. از جمله:

- «ادیپ شاه» نوشته سوفوکل
- «ترستان» ریشارد واگنر

- «رومنو و جولیت» توسط ویلیام شکسپیر

- 23- برخی از آثار تخیلی به میل جنسی بزرگسالان نسبت به نوجوانان می پردازند، از جمله:
- «مرگ در ونیز» نوشته توماس مان
- «هاکلبری فین» توسط مارک تواین
- «لولیتا» توسط ولادیمیر ناباکوف

- 24- برخی از اعمال خشونت‌های جنسی تاریخ روم را تداعی می کنند، از جمله:
- تجاوز به لوکریتا
- تجاوز به اروپا
- تجاوز به زنان ساین

- 25- کدامیک از موارد زیر اول آموخته می شود؟
- رفتارهای اروتیکی
- رفتارهای جنسیتی
- رفتارهای تولید مثلی

موضوعات برای مقالات کوتاه
از 10 موضوع زیر، شش تای آنها را انتخاب کنید و حول هر کدام مقاله کوتاهی بنویسید.
وقت برای هر شش مقاله: 3 ساعت

بخش اول:

- 1- تاریخچه مختصری از عبارت «رفتار جنسی» ارائه دهید.
- 2- تاریخچه مختصری از «قوانین لواط / سودومی» ارائه دهید.
- 3- تفاوت ممکن بین ظرفیت و توان جنسی یک مرد با ظرفیت و توان او در احساس شادی و خرسندی را مورد بحث قرار دهید.
- 4- مفهوم «چرخه زندگی» را شرح دهید.
- 5- انواع منابع و سرچشمه های نسخه (پیش نویس) های جنسی را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 6- جنبه فرهنگی نسخه های جنسی را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 7- اصطلاح جایگزینی الگویی (paradigm shift) را توضیح دهید.
- 8- اصطلاح «پارافیلیا»، تاریخچه آن، معنی، و تأثیر آن بر زندگی فرد را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 9- ذات و جوهر فتیشیسم را توضیح دهید.
- 10- انواع خشونت‌های جنسی را توضیح و آنها را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

بخش دوم:

- 1- معانی مختلف «رفتار جنسی» را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 2- رابطه بین توان جنسی، انگیزه جنسی، و عملکرد جنسی را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 3- مدل‌های مختلف رفتار جنسی در گذشته و حال را شرح دهید.
- 4- تغییرات حاصله در رفتارهای جنسی بشر که از تولد تا کهنولت اتفاق می افتند را به بحث بگذارید.
- 5- فرایند تعاملی بین نسخه های جنسی مختلف را شرح دهید.
- 6- دلایل مذهبی و پزشکی در رابطه با تفاوت‌های موجود در رفتارهای جنسی را توضیح دهید.
- 7- ذات و اساس سادومازوخیسم را توضیح دهید و حول آن بحث کنید.
- 8- مفهوم «جنسیت کودکی» را شرح دهید و حول آن بحث کنید.
- 9- تعاریف «بچه» (کودک)، «خردسال» و «سن قانونی» را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 10- شکل گیری و انحلال اقلیت های جنسی را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

بخش سوم:

- 1- جنبه های مالی روسپیگری را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 2- انواع توضیحات حول زنا با محارم را مورد بحث قرار دهید.
- 3- بعضی از جنبه های مشکل ساز مبارزه با «پورنوگرافی کودکان» را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 4- امیدبخش ترین استراتژی برای پایان دادن به سنت مثله کردن اندامهای جنسی زنان و دختران را شرح دهید.
- 5- مفهوم «کشش جنسی» را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 6- تفاوت بین «رفتارهای جنسیتی»، «رفتارهای شهوانی/اروتیکی»، «رفتارهای تولید مثلی» و «رفتارهای بهبود بخش زندگی» را توضیح دهید.
- 7- نظریه زیگموند فروید درباره رشد جنسی را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 8- انواع توجیهاتی که برای مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان آورده می شوند را توضیح دهید.
- 9- مفهوم «جرم فاقد قربانی» (جرم بی آزار) را شرح دهید و حول آن بحث کنید.
- 10- پنج نوع فتیش را نام ببرید و آنها را توضیح دهید.

موضوعات برای مقالات بلند 3 از 3 لطفاً حول هرکدام از سه موضوع زیر مقاله ای بنویسید. وقت: سه ساعت

بخش اول:

- 1- تاریخ مبارزات پزشکی اروپایی و آمریکایی علیه استمناء، پیش زمینه فرهنگی آن، و تأثیری که بر برخوردارهای غربیان نسبت به رفتارهای جنسی برجای گذاشت، را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
2. تئوری نسخه ها (پیش نویسهای) جنسی، کمکی که در رسیدن به دیدگاههای تازه کرده، و محدودیتهای آن را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
3. تأثیر مذهب بر تئوریهای پزشکی غربی حول سکس را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

بخش دوم:

- 1- مفهوم «کشش جنسی» بشر را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
2. تاریخ اصطلاح «رفتار جنسی» و تأثیرات آن را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
3. مفهوم اقلیتهای جنسی را مورد بحث و بررسی قرار دهید و مثالهایی بیاورید.

بخش سوم:

1. انواع اصلی روسپیگری را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
2. در رابطه با مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان: گستردگی این مسئله، بهانه هایی که برای آن آورده می شوند، و استراتژی مناسب جهت مقابله با آن را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
3. موضوع تماس جنسی بزرگسالان با کودکان را از ابعاد مردم شناسی، قضایی، و روانی مورد بحث و بررسی قرار دهید.